

کتاب آبی

گزارشهای محرمانه
وزارت امور خارجه انگلیس
درباره انقلاب مشروطه ایران

جلد چهارم

از تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۰۹ تا ۳۰ دسامبر ۱۹۱۰

بکوشش احمد بشیری

ketabiha-iran.blog.ir

FB.com/ketabiha.iran

درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پراشوب‌ترین و آموزنده‌ترین دوران‌های تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سر بسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، تارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیدار دل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشن‌گریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام‌خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۳۱۴-۱۱۳۶۵ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران
را پدید آوردند
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که
پیشگامان ما در این راه بودند
نیاز می‌کنم.

ایران نمرة «۱» ۱۹۱۱

ضمیمه مراسلات و مخابرات راجع به امور ایران

(در تعقیب (ایران نمرة ۱ - ۱۹۱۰) س د ۱۵۲۰)

در تاریخ مه ۱۹۱۱ بنا بر امر اعلیحضرت

تقدیم پارلمان گردید

مقدمه

بنام داور دانای دانایی بخش

ترقی و تعالی هر قوم بسته به درجه علم و اخلاق آن قوم است. بدبختانه به علت عدم علم و وجود اخلاق فاسده دیرگاهی است که مملکت ایران ویران است. یگانه وسیله ای که ما را از ضلالت جهالت و فلاکت بلکه از هلاکت برهاند همانا نشر معارف است و بسط مطبوعات مفیده خاصه تاریخ که تدقیق در صفحاتش فلسفه انحطاط و ارتقاء هر مملکت و ملت را مبرهن و مجسم می سازد.

نظر به این مقدمه هرکس که در تربیت و بیداری اینام مملکت از راه نشر کتب اخلاقی، تاریخی همت نماید شایان سپاسگزاری فراوان است و بر همه لازم است در تشکر و تشویق این همم عالیّه چیزی فروگذار ننماید.

حضرت آقای سردار اسعد علاوه بر مجاهدات صمیمانه که برای حصول آزادی ملت فرموده اند در ترجمه و تألیف و نشر کتب مفیده اهتمامات بلیغه نموده اند، از آن جمله در ترجمه مجلدات کتاب آبی انگلیس همت گمارده و وسایل ترجمه و طبع و نشر آن را با یک جدیت شایان تمجیدی فراهم کرده اند.

برای کمک به این نیت مقدس و انجام فرمایش حضرت سردار این بنده اسدالله میرزا شهاب الدوله ترجمه این ضمیمه را به عهده گرفته و در انجام این خدمت وقت مصروف داشتم و حتی المقدور به عبارات آن حشو و زوایدی برای بسط کلام و یا زینت عبارت نیفزودم و امیدوارم اگر مطبوع طبع خوانندگان محترم شود از نواقص آن غرض عین فرمایند.

دنبالهٔ مخابرات و مکاتبات راجع به امور ایران
متعاقب جلد «ایران نمرة ۱ - ۱۹۱۰»

نمره - ۱

تلگراف سر جرج بارکلی ۱ به سر ادوارد گری ۲ (واصله پنجم دسامبر)
از طهران پنجم دسامبر ۱۹۰۹ [۱۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۷]
اقتدار سهام الدوله فرمانفرمای فارس را صولت الدوله به شدت تهدید می نماید.
ایالت بعضی تقاضاها پیشنهاد درات کرده و مداومت حکومت خود را مشروط به قبولی
آنها نموده و تقاضاها شامل مواد ذیل است:
۱) به صولت الدوله امر شود که برای حفظ انتظام با ایالت مساعدت نماید و
در صورت تخلف از ریاست ایل خلع گردد.
۲) به ایالت اختیار داده شود که تمام مالیات یکساله فارس را به مصرف احتیاجات
فوری محلی برساند و بالخاصه قوای قشونی لازمه را تهیه و تشکیل نمایند.

نمره - ۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ دسامبر)
طهران چهاردهم دسامبر ۱۹۰۹ [۲۲ آذر ۱۲۸۸؛ ۳۰ ذی قعدة ۱۳۲۷]
وزیر امور خارجه و وزیر مالیه متفقاً دیروز دو سفارت را ملاقات کرده و تقاضا
نمودند که دولتین مبلغ يك كرور لیره به عنوان مساعده استقراض که محل احتیاج
فوری است به دولت ایران بدهند.

۱) سر جرج بارکلی، وزیر مختار انگلیس در تهران. - م.

۲) سر ادوارد گری، وزیر امور خارجه انگلیس. - م.

ما هر دو اهتمام نمودیم که نظریات دولت ایران را در خصوص وثیقه یا وسیله تأمین استقراض و مصرف وجه و ترتیب کنترل مخارج و مسئله استخدام مستخدمین خارجه کشف بنماییم ولی بر ما معلوم شد که وزراء هنوز نمی‌توانند نظریات خود را مشروح تر و دقیق‌تر از آنچه ذیلا درج می‌شود بیان نمایند:

دولت ایران فعلا وثیقه یا وسیله تأمینی نمی‌دهند ولی امید دارند که بعدها استقراض کلی بنمایند و قروض جاریه را تبدیل به قرض ثابتی کنند با مرابحه نازلی. به این وسیله تحمیلات عایدات گمرکی کمتر شده و محل لازم برای تأمین وجه استقراض پیدا خواهد شد. دیگر اینکه اظهار داشتند که این وجه به مصرف اعاده نظم می‌رسد و حصول این مقصود مستلزم تشکیل قشون و ژاندارمری خواهد بود و همچنین به مصرف اصلاحات مملکتی راجع به مالیه خواهد رسید. دیگر اظهار داشتند که وزراء مشغول نوشتن پروگرامی هستند برای تعیین مخارج و ترتیب کنترل و پس از اتمام آن پروگرام را به سفارتین اطلاع خواهند داد.

از ترتیب و نقشه کنترل چیزی بر ما معلوم نشد بجز اینکه به مسیو «بیزو» نفوذ و اختیارات بیش از پیش خواهند داد و مشارالیه را مأمور اجرای نقشه کنترل خواهند نمود.

اگر وجود مستشاران خارجه لازم گردید نظر به اینکه مجلس اساساً استخدام آنها را تصویب نموده است به خدمت خواهند طلبید ولی در خصوص امور مالیه. فعلا می‌خواهند امتحان نمایند که بعضی تغییرات در مأمورین ایرانی و استخدام اشخاص متمدن تا چه درجه برای اجرای اصلاحات لازمه کافی خواهد بود.

اگرچه این بیانات خیلی امیدواری نمی‌دهد ولی من امیدوارم که دولتمند از مذاکره این مسئله استقراض امتناع نخواهند فرمود زیرا که اولین دفعه‌ای است که بحسب ظاهر دولت ایران صمیمانه سعی است که بودجه صحیحی تهیه نماید و همچنین طرحی برای کنترل بریزد.

نمره - ۳

تلگراف سر جرج پارکلی به سر ادوارد گری (واصله پانزدهم دسامبر)

از طهران پانزدهم دسامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱ ذیحجه ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از قنصل دولت انگلیس از شیراز رسیده است:

بویراحمدیه که طایفه‌ای از کهکوثی [= کهگیلویه‌ای] هستند چند روز است در چهل میلی شیراز راه بوشهر را سد نموده‌اند. تمام وسایل مرابطه مقطوع است. قوافل در دشت ارجن [= ارژن] جمع شده‌اند و اشرار ایلات تهدید می‌نمایند که آنها را غارت کنند.

صولت‌الدوله از شرایطی که برای اعاده نظم پیشنهاد کرده یکی این است که

کلیه راههای فارس در تحت اداره او واگذار شود و دیگر اینکه حکومت چندین محال را که مجاور آن راهها هستند مستقلاً به خود او واگذارند بدون مداخله سهام‌اندوله. قبول این شرایط مستلزم استعفای سهام‌الدوله و کارگذار [= کارگزار] و همچنین تجدید انقلاب و اغتشاش در ایلات خمسه خواهد بود و از طرف دیگر رد کردن آنها محتمل است سبب امتداد اغتشاش و بی‌نظمی در راههای اصفهان و یوشهر بشود و به این ترتیب حرکت همکار محترم وزیر مختار روس به یوشهر غیر ممکن شود.

نمره - ۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر ا. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۱۶ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۴ آذر ۱۲۸۸؛ ۲ ذی‌حجه ۱۳۲۷]
درخصوص مساعدت استقراض به دولت ایران که اظهار شده است بشرط اینکه شرایط آن مرضی بوده و وثیقه صحیحی بشود تحصیل کرد دولت اعلیحضرتی انگلیس و حکومت هندوستان حاضرند متفقاً مساعدت بدهند. مبلغ آن مساعدت بالغ به ۲۰۰۰۰۰ لیره خواهد بود.

نمره - ۵

مراسله سر ا. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ دسامبر)
(از پترزبورگ به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۰۹) [۲۱ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]
آقا
با کمال افتخار راپورت می‌دهم که اشعار نامه رسمی ذیل راجع به اوضاع اردبیل امروز صبح در اینجا به طبع رسیده است:
بمحض آنکه قسمت اول از قشون روس که برای حفظ قنسولگری و اتباع روس مقیم اردبیل فرستاده شده‌اند وارد شهر اردبیل شدند، سوارهای قراجه‌داغی و شاهسون که قبلاً این شهر را تصرف و غارت کرده بودند، فوراً از آن محل متفرق شده و به اردوهای دوردست خودشان رفتند. از آن به بعد در اردبیل و حوالی آن نظم اعاده شد و فقط در آن راه قافله‌رو بزرگ بین آستارا و شهر تبریز دزدیها تك تك مشاهده می‌شود.

نظر به وضع امور و به ملاحظه اینکه حضور استعداد زیادی در اردبیل بیش از این لزوم نخواهد داشت، لهذا دولت امپراطوری روس تصمیم عزم نموده که قسمت عمده قشون مأمور آنجا را احضار نمایند و فقط در محال اردبیل پنج دسته پیاده نظام و یک باطری توپ کوهستانی و سه ستینا قزاق و یک دسته مهندس باقی بگذارد که به کمک این قوه، قنسولگری و اتباع روس را در مقابل هر اتفاقی حفظ نموده و همچنین ذهاب و ایاب قوافل تجارتی را در راه آستارا و تبریز دایر دارند.

از دستجات مذکوره فوق سه دسته پیاده نظام و باطری توپخانه و یک ستینا قزاق و دسته سپندس در اردبیل مقیم خواهند بود و یک اسکادران قزاق و یکدسته از پیاده نظام مشغول حفاظت از راه مذکور بین آستارا و اردبیل بوده و سه اسکادران قزاق و یک دسته از پیاده نظام راه بین اردبیل و سراب را حراست خواهند نمود و راه بین خط مزبور و شهر تبریز حفظش به عهده دستجات اردوی تبریز خواهد بود. اما در خصوص خساراتی که در موقع غارت اردبیل بواسطه عشایر به تبعه روس وارد آمده، مسئولیت آنها به عهده دولت شاهنشاهی ایران گذارده خواهد شد. دولت مزبور مسئول تهیه اردویی است که برای تنبیه عشایر قراجه داغی و شاهسون و برای استرداد خسارتهای مزبوره گسیل نماید. به علاوه، به دولت ایران اخطار شده که اگر استعداد اردوی مأمور اردبیل وظایف و تکالیف راجع به خود را انجام ندادند و توصیه اتباع روس حاصل نگردید در آن وقت دولت روس راساً اقدامات جبریه در موقعی که مقتضی بدانند نسبت به عشایر مزبوره خواهند نمود. بنده... ا. نیکلسن

نمره - ۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی وزارت خارجه انگلیس ۱۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۳ ذیحجه ۱۳۲۷]
تلگراف مورخه ۱۴ دسامبر شما راجع به مساعدت استقرار به دولت ایران حتماً لازم است که وثیقه داده شود ولو اینکه آن وثیقه هر قدر مختصر باشد. اگر دولت روس ۲۰۰۰۰۰ لیره خواهد داد ما نیز حاضریم معادل همان مبلغ نادیه نماییم ولی فعلاً بیش از این نمی توانیم بدهیم.

نمره - ۷

راپورت سر جرج بارکلی به سرادوار گری (واصله ۲۰ دسامبر)
از طهران ۲۱ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۹ آبان ۱۲۸۸؛ ۷ ذی قعدة ۱۳۲۷]
آقا

چنانچه در تلگراف مورخه ۱۵ شهر جاری با کمال افتخار راپورت دادم پارلمان ایران را در تاریخ مزبور اعلیحضرت پادشاه ایران افتتاح نموده هیئت نمایندگان خارجه رسماً دعوت شده بودند که با لباس رسمی در موقع افتتاح حضور بهم رسانند. من با تمام همکاران خود و صاحب منصبان سفارتخانه ها در آن موقع حاضر بودیم.

اعلیحضرت پادشاه بالای سکوی مرتفعی ایستاده بودند. نایب السلطنه سمت راست و ولیعهد به سمت چپ و در پشت سر علماء قرار گرفته بودند. از جمله علماء آقای

مید عبدالله مجتهد بودند که در دو سال قبل در جنبش و هیجان ملی دخالت عمده داشته و جدیداً از تبعید مراجعت کرده‌اند.

رسومات افتتاح با کمال نظم به جای آورده شد و خطابه پادشاهی را رئیس‌الوزراء سپیدار اعظم قرائت نمود و پس از آن اعلیحضرت تشریف بردند و رسومات خاتمه پذیرفت.

عده وکلای حاضر در پارلمان کمی بیش از عده کافی قانونی که ۶۱ نفر است بوده و اسامی معروف‌ترین آنها از قرار ذیل است:
وکلای طهران

صنیع‌الدوله

وثوق‌الدوله

حاج سید نصرالله

ذکاء‌الملک

صدیق حضرت

مؤمن‌الملک

حسینقلی‌خان نواب

شاهزاده اسدالله میرزا

رحید‌الملک

وکلای آذربایجان

تقی‌زاده

حکیم‌الملک

مستشارالدوله

حاج میرزا رضاخان

وکیل اصفهان

وکیل استرآباد

میرزا ابراهیم‌خان

مشیرالدوله

وکلای گیلان

دکتر اسمعیل‌خان

معاذالسلطنه

وکیل عراق [اراک]

وکیل قزوین

وکیل فارس

ممتازالدوله

فهم‌الملک

عمیدالحکماء

برای تحقیق اعتبارنامه‌های نمایندگان رئیس موقتی (مؤمن‌الملک) و دو نایب رئیس در تاریخ ۱۶ انتخاب شدند. نتیجه تحقیق اعتبارنامه‌ها این شد که پنج نفر از منتخبین بنا بر اینکه کاملاً موافق قانون انتخابات انتخاب نشده بودند رد شدند. در تاریخ ۲۰ رئیس و نواب رئیس دائمی مطابق صورت ذیل انتخاب شدند:

مستشارالدوله

رئیس

حاج سید نصرالله
ممتازالدوله

نایب رئیس اول
نایب رئیس سوم

تا به حال مجلس مشغول رسومات راجع به امور داخلی خود بوده و بجز قرائت چند تلگراف تبریکیه که از رئیس جمهوری ممالك متحده امریکا و رئیس جمهوری فرانسه و از دول اطیش و بلژیک و همچنین تلگرافات واصله از آستارا راجع به اوضاع اردبیل کاری که نفع عمومی داشته باشد هنوز نکرده‌اند.

نمره - ۸

مراسله سر جرج بارکلی به سرادوارد گری (واصله ۲۰ دسامبر)
از طهران ۲۹ دسامبر ۱۹۰۹ [۷ دی ۱۲۸۸؛ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]
با کمال افتخار سواد مشروحه‌ای که از کفیل ژنرال قنصلگری انگلیس در تبریز در خصوص حرکت و طغیان جدید عشایر یاغیه اردبیل رسیده لفا ایفاد می‌دارم.
بنده... بارکلی

ملفوظه ۱ در نمره ۸

مشروحه مستر اسمارت کفیل ژنرال قنصلگری تبریز به سر جرج بارکلی
از تبریز ۱۴ نوامبر ۱۹۰۹ [۲۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۷]
راجع به تلگراف مورخه ۱۲ ماه گذشته اینک مفتخرم از اینکه ترجمه دو طغرا
تلگرافی که رحیم‌خان و رؤسای شاهسون و قراجه‌داغ به شاه مخلوع و دو نفر از
رؤسای بختیاری، امیر مقخم و سردار جنگک مخایره کرده‌اند لفا ارسال دارم.
لازم نمی‌دانم مجدداً ممدع شده وقایعی که بالاخره منتهی به تسخیر و غارت
اردبیل گردید در اینجا تکرار نمایم. به محض ورود قشون روس در اردبیل یاغیان
غفارخان نامی را به سمت حکومت گذاشته و از شهر بیرون رفته در اردوئی که در
خارج شهر سابقاً ستار خان تهیه کرده بود، اقامت نمودند. شاهسونها فعلاً مشغول
مذاکره با رشیدالملک می‌باشند. احتمال می‌رود از اثر نمایش قوه از طرف ایالت
آذربایجان و همچنین بواسطه نزدیک شدن زمستان قرار اصلاحی مابین داده شود.
در سراب که صمدخان و باقرخان فعلاً در آنجا هستند از قرار معلوم سه هزار
نفر استعداد در تحت فرمان رشیدالملک موجود می‌باشند. یکدسته استعداد در آستارا
موجود و دسته دیگر در خلخال راه رشت را سنگربندی کرده‌اند. این دسته اخیر تا به
حال تصادف و جنگ مختصری با شاهسونها نموده و از قرار راپورت به طریق معمول به
تاریخی، رولوسیونرها بوسیله بمب آنها را شکست داده و عقب نشانده‌اند.
اگر مابین اصلاح گردید و یاغیها پی کسار خود رفتند رشیدالملک بسمت
حکمرانی به اردبیل خواهد رفت.

دولت ایران اگر مایل است آذربایجان را نجات بدهد می‌باید جد و جهد بزرگ

کافی بنمایند. بعد از سه ماه انتظار فقط دویست نفر قزاقهای ایرانی و دویست نفر سوارهای بی‌مصرف اینانلو خود را به زحمت به تبریز رسانیده‌اند. نتیجه اینکه غیر ممکن است که از فرمانفرمای محلی انتظار داشت که مغشوش‌ترین و منقلب‌ترین ایالت ایران را با چنین استعدادی بتواند اداره نماید.

آذربایجان شاید دارای جنگجوترین اهل ایران است و بعلاوه، بواسطه وجود فداییها که در آنجا بیش از هر نقطه دیگر است امنیت آن ایالت متزلزل و در معرض خطر است.

نظر به این مقتضیات، حکمرانی آذربایجان یحتمل مشکلتر از کسار در ایالت دیگری است.

سختی زمستان آذربایجان ممکن است که عناصر متمرده آنجا را تا يك دو سه ماه دیگر ساکت و بی‌صدا نگاه‌دارد ولیکن اگر در این مدت مفتنم استعداد کافی از خارج فرستاده نشود (بشرط اینکه فدایی جزء آن استعداد نباشد) ممکن است در بهار ملیان و اغتشاش عمومی در تمام ایالت بروز نماید...

اسمارت

ملفوظه ۲ در نمره ۸

صورت تلگرافی که رحیم خان و رؤسای دیگر عشایر به‌شاه مخلوع مخاپره‌کردند. مدت زمانی است این مشروطه‌خواهان اغتشاش و انقلاب در مملکت احداث کرده قتل و غارتها کرده‌اند. اولاً کدام از محترمین و اعیان و سادات تبریز بودند که آنها نکشته و یا خانه‌هاشان را غارت نکرده‌اند و همچنین در اردبیل بسیاری از اشراف و سادات را کشته و تمام مایملکشان را پرده‌اند و در طهران چندین نفر از بزرگان و مجتهدینی که جانشین امامند به قتل رسانیده‌اند. با ارامنه و گرجی‌ها متحد شده علماء و سادات ما را کشته‌اند. اگر این قوم دارای مذهبی بودند تقصیر و خطای علماء و سادات در نظر آنها چه بوده است. تمام خیال آنها خرابی ما و انعدام مذهب اسلام و بردن شرف ماست.

لہذا متجاوز از چهار کرور اهالی و تمام خوانین قراجه‌داغ و بیگ‌زاده‌ها و رؤسای قوجبگلو و کدخدایان طوایف شاهسون بالاتفاق مصمم شده که در چهاردهم رمضان به طرف اردبیل حرکت نماییم و تا جان در بدن داریم هیچ‌کس را نخواهیم گذاشت که اسم مشروطه را ببرد.

از هیچ خدمتی در راه اعلیحضرت همایونی مضایقه نداریم. تمام جان و مال خود را قربان اعلیحضرت خواهیم کرد.

برای اطلاع اعلیحضرت شاهنشاهی عرض شد. امضاء رحیم‌خان و قه‌نفر از رؤسای شاهسون و قراجه‌داغ.

ملفوظه ۳ در نمره ۸

صورت تلگرافی که رحیم‌خان و سایر رؤسای عشایر به امیر مقخم و سردار جنگ کرده‌اند.

مدتی می‌گذرد که این مشروطه‌خواهان تولید انقلابات کرده قتل و غارتها نمودند. چه کسها از علماء و سادات تبریز و سایر نقاطند که آنها نکشته‌اند. از ابتداء قصد آنها مشروطه نبوده است بلکه خرابی مذهب اسلام را در نظر داشتند. لهذا تمام خواتین و رؤسای قره‌داغ و پیگزاده‌ها و کدخدایان شاهسون جمع و متفق شده که در روز چهاردهم رمضان به سمت اردبیل حرکت نماییم برای اینکه مشروطه‌خواهان آنجا را تمام کرده از آنجا به طرف طهران عزیمت کنیم. پس از اینکه مستقیماً به آنجا آمدیم تا جان در بدن داریم نخواهیم گذاشت اسم مشروطه در ایران باقی باشد برای اطلاع شما عرض شد.

محل امضاء رحیم‌خان و ۹ نفر رؤسای شاهسون و قره‌داغ

نمره - ۹

راپورت سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ دسامبر)
از طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]
آقا

عقیده و ظن عمومی این بود که در موقع انعقاد مجلس از طرف احرار ملیون به هیئت وزراء حمله سختی برده خواهد شد. اینکه برخلاف انتظار حمله برده نشد یحتمل از اثر نصایح ملایمت‌آمیز آقای ناصرالملک است که از هنگام مراجعت تمام نفوذ کامل خود را به کار برده احرار ملیون را متقاعد نموده که کابینه فعلیه را به هم نزنند.

گمان می‌کنم که در ورود آقای ناصرالملک به ایشان اصرار کرده شد که مقام نیابت سلطنت را قبول نسایند و لکن از قبول آن مسند امتناع نموده شاید به این اطمینان که اگر سمت رسمی نداشته باشد، از ایشان و از مشورت و عقاید بیطرفانه ایشان بهتر می‌توان استفاده نمود.

راه عمده جنوب که راه بوشهر و اصفهان باشد از قرار راپورت مجدداً به کلی مسدود است. قسمت راه بین شیراز و کازرون که ژنرال قنسول بوشهر روس اخیراً در آن نقطه مورد حمله طوایف گه‌کلونی [= کهگیلویه] واقع آمده و همچنین قسمتهای راه که در جنوب اصفهان هستند و طوایف گه‌کلونی [کهگیلویه‌ای] آنجا را به کلی مسدود کرده بودند، مخصوصاً در این ایام مغشوش و ناامن‌اند.

در شیراز مجدداً انتظار اغتشاشات می‌رود. فرمانفرمای آنجا اگرچه شخص کافی است و لکن با استعداد کمی که دارد اشکال بزرگی خواهد داشت که نفوذ و اقتدار خود را حفظ نماید.

کفیل قنسوگری انگلیس اوضاع فارس را منقلب می‌بینند و اصرار می‌کنند بر اینکه از طرف طهران تقویت و امداد کامل با ایالت بشود و چنین می‌گویند که اگر سهام‌الدوله از عهده برنیايد کلیه ایالت فارس دچار اغتشاش و هرج و مرجی خواهد شد که فقط راه علاج و رفع آن مداخله خواهد بود. از قرار راپورت بعضی اختلافات و جنگها بین ایلات در نزدیکی کرمانشاهان که به حسب مسئولیت آنها با کلهر است حادث شده. از کرمان خبر می‌رسد که طوایف یلوچ محال نرماشلی [= نرماشیر] را تهدید به غارت می‌نمایند.

در زنجان مدتی است اغتشاشات بواسطه يك نفر ملای ارتجاعي بروز کرده بین پیروان ملا و قشون دولت که به طرف اردبیل می‌رفتند جنگی واقع شده، خوشبختانه قشون دولت کاملاً فاتح شده، آخوند و هواخواهانش دستگیر شدند ولی با وجود این فتح و با وجود اینکه اردبیل بواسطه ورود قشون روس از دست یاغیان مستخلص شده، بگمان من اوضاع عمومی مملکتی از چهار هفته قبل قطعاً بدتر است. بدبختانه مرامنامه وزراء که باید پیشنهاد مجلس نمایند و گمان می‌رود که شامل ماده‌ای راجع به تقاضای استقراضی از دولّین بوده باشد، هنوز به مجلس پیشنهاد نشده است. چیزی که امروز بیش از همه محل احتیاج است تأسیس ژاندارمری کافی و تشکیل اداره مالیه است. این هر دو برای اینکه مالیات درست جمع‌آوری شود یا بطور صحت به مصرف برسد از اصول مطالبند.

نمره - ۱۰

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ دسامبر)
از طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۰۹ [۸ دی ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۷]
آقا

افتخار دارم از اینکه خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته است لفا ارسال دارم...

پنده... بارکلی

ملفوقه در نمره ۱۰

خلاصه ماهیانه وقایع ایران متعلق به چهار هفته که منتهی به سوم دسامبر ۱۹۰۹ [۱۱ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۷] می‌شود:

طهران

جشن مولود اعلیحضرت پادشاه انگلستان برحسب معمول در تاریخ ۹ شهر حال گرفته شد. از طرف اعلیحضرت شاهنشاهی و وزارت خارجه به توسط نمایندگان

مخصوص پیغامات تهنیت آمیز فرستاده شد.

سفیر دولت اعلیحضرتی نمایندگان مزبور را در سفارت پذیرایی نموده است و شب آن روز وزراء دولت و معروفین انگلستان مأبور و مقیم طهران را به شام دعوت و پذیرایی نموده است.

رئیس الوزراء سابق مشیرالسلطنه و سایرین که در سفارت کبرای عثمانی متحصن بودند از تحصن خارج شده و هر يك مبلغی به دولت دادند. ظاهراً به این وسیله از هر تعرض و مزاحمتی که ممکن بود در مقابل اقدامات ارتجاع کارانه خود دچار شوند خلاصی حاصل کردند.

کنل پرنس و اوپلسکی که رئیس صاحب منصبان دیویزیون سواره نظام قفقاز بوده، در روز ۲۳ شهر حال وارد طهران شد که به جای کنل لیاخوف ریاست و فرماندهی بریگاد قزاق ایران را به عهده گیرند.

مجلس ملی

مجلس را در روز ۱۴ نوامبر [۲۲ آبان ۱۲۸۸؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۷] اعلیحضرت شاه رسماً افتتاح فرمود. هیئت مأمورین دیپلوماسی با لباس رسمی در این موقع حضور داشتند. خطابه اعلیحضرت را سپهدار اعظم وزیر جنگ قرائت نمود.

سه روز اول مجلس در تحت ریاست موقتی مؤتمن الملك صرف تفتیش و رسیدگی اعتبارنامه های نمایندگان گردید. در تاریخ ۲۰ نوامبر مستشارالدوله به ریاست مجلس و حاج سید نصرالله و ممتازالدوله به سمت نیابت اول و دریم ریاست انتخاب شدند.

در تاریخ ۲۲ [۳۰ آبان ۱۲۸۸؛ ۸ ذی قعدة ۱۳۲۷] وکلام قسمی را که در قانون اساسی مقرر است یاد کردند و روز بعد عضدالملک را به اکثریت آراء در مقام نیابت سلطنت ابقاء نمودند.

در تاریخ ۲۵ [۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۷] عضدالملک در جلسه مخصوص مجلس در حضور مجتهدین معروف که از جمله آنها سید عبدالله بود که جدیداً از تبعید مراجعت کرده قسم اطاعت قانون اساسی را یاد نمودند. نیابت سلطنت به مجلس اطلاع داد که سپهدار و سردار اسعد از وزارت جنگ و داخله استعفاء نمودند ولیکن من استعفای آنها را نپذیرفتم. عسرایض استعفایی که به نایب السلطنه نوشته بودند در مجلس قرائت شد. رئیس مجلس پیشنهاد نمود که مجلس نیز این رأی نایب السلطنه را در خصوص عدم قبولی استعفاء تصدیق نماید. پیشنهاد را مجلس به اتفاق آراء قبول کرد.

در تاریخ ۳۰ نوامبر [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷] کابینه که در این مدت مشغول بعضی تغییرات در اعضاء خود بودند، تشکیل شده وزراء ذیل به توسط سپهدار رئیس الوزراء به مجلس معرفی شدند:

وزیر داخله

سردار اسعد

وزیر امور خارجه	علامه السلطنه
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر مالیه	وثوق الدوله
وزیر معارف	صنیع الدوله
وزیر پست و تلگراف	سردار منصور

وزارت جنگ با خود سپهدار اعظم

پس از آن وثوق الدوله پروگرام وزراء را که شامل مطالب عمده ذیل بود قرائت نمود:

- (۱) اصلاحات در قشون نظمیه و امنیه.
- (۲) استقراض فوری مبلغ ۵۰۰۰۰۰ لیره و تثبیت قروض جاریه فعلی.
- (۳) اصلاحات در مالیه و تعیین مفتشین مالیه و تأسیس خزانه داری مرکزی.
- (۴) استخدام مستشاران خارجه و ترتیب تمام ادارات دولتی بطرز جدید.

تبریز

هیچ اتفاق تازه که جالب اهمیت باشد در مدت چهار هفته گذشته در شهر تبریز واقع نشد ولی فرمانفرمای ایالت ورود و وجود ستارخان را که اوایل ماه نوامبر از سراب به تبریز مراجعت کرده تاحدی مغل امورات ایالتی خود می بیند. نظر به اینکه آژان قنسول روس مقیم سراب را پورت داده بود که یاغیان سراب را تهدید می نمایند، يك صاحب منصب و چهل و دو قزاق روس در تاریخ ۲ نوامبر به آن شهر فرستاده شدند و قرار براین بود که اگر صاحب منصب مزبور دوازده نفر را برای حفظ چند نفر اتباع روسی که در سراب اند کافی دانست، سی نفر دیگر از دسته قزاق را به تبریز عودت دهند.

اردبیل

در اول ماه نوامبر [۹ آبان؛ ۱۷ شوال] ستارخان که در اردبیل دچار و محصور رحیم خان و شاهسون [ها] شده بود با عده کمی از همراهانش فرار کرده و خود را به تبریز رسانیده [است].

نایب قنسول روس در اردبیل به قنسول جنرال تبریز تلگرافاً [= تلگرافی] چنین را پورت داده بود که شهر اردبیل قریب به تسخیر شدن است و استعداد دولتی قورخانه شان تمام شده و از من درخواست نموده اند که قشون روس را وارد شهر نمایم زیرا که مسئولیت امنیت تبعه روس را دیگر نمی توانند تقبل نمایند و بعلاوه خوف دارند که اجماع اهالی وحشت زده حمله به قنسولگری ببرند.

در تاریخ پنجم نوامبر کفیل جنرال قنسولگری انگلیس در تبریز را پورت داده است که اردبیل مسخر و غارت شد. مأمورین محلی و بعضی دیگر در ویس قنسولگری روس متحصن شده اند و یاغیان تسلیم آنها را می خواهند. ویس قنسول روس تقاضای

كمك فوری نموده است. دولت روس تصمیم عزم نموده که بر عده مستحقین قنصلگری اردبیل خود بیفزاید و مسئله فرستادن عده قشون معتنا به در تحت مذاکره است.

در تاریخ ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان؛ ۲۷ شوال] يك فوج سرباز روسی از آستارا به عزم اردبیل حرکت کرده بودند. مأموریت آنها این بوده که راه را دایر نگاه داشته و اموال غارتی را اعم از اینکه حمل قافله بوده و یا در خانه ها انبار شده باشد، جلوگیری نمایند. يك رژیمان نیز در آستارا حاضرند که در صورت لزوم حرکت نمایند.

در تاریخ ۱۶ نوامبر مأمورین روسی در تبریز اظهار می داشتند که لا اقل دو فوج و دو یست قزاق تا آن وقت وارد اردبیل شدند.

در تاریخ ۱۷ نوامبر [۲۵ آبان؛ ۳ ذی قعدة] رئیس قنصل دولتی روس راپورت داد که بعد از دو روز مذاکرات رحیم خان و سوارهایش اردبیل را تخلیه کردند. اجماع اهالی دعای مخصوص برای شکرانه از خلاصی به جای آوردند. در آن دعا کشیشهای ارمنه و ملاهای مسلمان شریک و پیشوا بودند. پس از آن از قشون روس سانی دیده شد. در تاریخ ۲۷ نوامبر [۵ آذر؛ ۱۳ ذی قعدة] «مستر اسمارت» راپورت داد که رحیم خان به قراچه داغ و شاهسون ها به قشلاق خود به مغان رفته اند.

در تاریخ ۳۰ نوامبر مسیو پاکلوسکی اعلام داشت که مصمم شده اند که قسمت عده قشون را از اردبیل احضار نمایند. رشید الملک در این ضمن به اردبیل رسیده و زمام حکومت را به دست گرفته و قدری استعداد دولتی نیز وارد آنجا شده اند.

زنجان

اردویی از قشون دولت به سرکردگی پیرم و سردار بهادر که به طرف اردبیل می روند در تاریخ ۱۶ وارد این شهر شدند و چون ملا قربانعلی و دیگران هنوز در مخالفت و یاغیگری بر ضد دولت باقی اند به طرف آنها حمله بردند. قدری جنگ واقع شد ولی یاغیها بزودی متفرق شده تا آخر ماه (نوامبر) تمام رؤساء و مؤسسين اغتشاش را دستگیر کردند و نظم اعاده شد. در تاریخ اول دسامبر اردو هنوز [در] زنجان بوده.

رشت

شهر و اطراف ساکت و خالی از اغتشاش است عمید السلطان با ۲۵۰ نفر استعداد در تاریخ ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۱۸ شوال] حرکت کرد.

اصفهان

صمصام السلطنه هنوز حاکم است و شهر بالنسبه منظم است. راه طهران کماکان خالی از اغتشاش. راه یزد کاملاً منظم بوده اگرچه يك قافله را دزد زده است. موافق راپورتهایی که از مجرای ایرانی می رسد، راه سلطان آباد به کلی ناامن است و راه

شیراز نزدیک یزدخواست مدتی است که در تصرف سیصد نفر از اشرار کهکو [= کهگیلویه] می باشد. چندین قافله و پست را زده اند. قزاقهای ایرانی که مأمور شیراز بوده اند در موقعی که دزدهای مزبور موقتاً غایب شده اند خود را به سلامت از آنجا در بردند. کمپانیهای بیمه از بیمه کردن قوافلی که از راه شیراز می روند امتناع دارند و کرایه حمل و نقل دو برابر کرایه سال گذشته است.

حکومت اصفهان قبول نکرد که امنیت یک قافله پول را در حوزه مأموریت خود ضمانت نماید. چند روزی در نزدیکی اصفهان بهبودی حاصل شد ولی مقارن ۲۰ نوامبر کهکوئی ها [= کهگیلویهئی ها] دزدی عظیمی در ارجین که در مجاورت اصفهان در راه شیراز است نمودند. پست را به کلی لخت کرده و قافله ای را که دارای سیصد حیوان بودند تماماً بردند. از قرار راپورت دزدها نقطه ای را گرفته اند که مشرف و مسلط بر راه است و به کلی راه عبور و مرور را بسته اند.

یزد

حاکم جدید حفظ نظم را کرده است و بسیاری از مقصرین را تنبیه نموده و استعداد فرستاده است که با اوطیمهای تفتی جنگ نماید. بسیاری از لوطیمهای مزبوره فعلاً مخفی اند. روی هم رفته یزد در این ایام دارای آسایش و آرامشی است که مدت های مدید به این خوبی نبوده. راه هم خیلی امن است و لیکن یک پست را در نزدیکی نوگنبد در اوایل این ماه دزد زده است.

عراق

اوضاع عراق [= اراک] بنا بر عقیده ویس قنسول خیلی بد است. یکی از معروفین علماء در ویس قنسولگری متعین شده و اظهار می دارد که حکومت در خیال کشتن او است ولی بالاخره مشارالیه را متقاعد نمودند که از قنسولگری بیرون بروند. بسیاری از متمولین اهالی شهر به طرف کربلا و سایر نقاط حرکت کرده یا در شرف حرکت اند.

کرمانشاهان

ام الخاقان مادر شاه مخلوع که به سمت کربلا می رفتند، در تاریخ اول نوامبر در قصر شیرین وفات کرده.

مقارن ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۲۴ شوال] بین داودخان کلمهر بهمراهی اکثر ایلات کرمانشاهان از طرفی و ایل سنجابی باهمراهی ایلات جاف کردستان و احمدوند چلبی از طرف دیگر جنگی سخت واقع شده حکم دولت به حکومت شد که از داودخان تقویت و همراهی نمایند ولی چون فرقه ای از اهالی کرمانشاهان مخالف با مداومت این جنگ بودند و احتمال می دادند نظر به اینکه ایل جاف سنی هستند بالاخره منتهی به جنگ مذهبی شود، لهذا حکومت قبل از فرستادن استعداد چند روزی استمهال نمود

وقتی که قشون فرستاده شد سنجابی‌ها عقب نشسته زیرا که با قشون حکومت میل نداشتند بجنگند. بنا بر این داودخان چندین ده را غارت کرد و رفت. راه‌ها امن و از قرار راپورت محال اطراف همدان مغشوش و غیر منظم و عبور و مرور قوافل مطلقاً موقوف است.

کرمان

از اثر اقدامات مجدانه حکومت، شهر و اطراف مدتی است که ساکت و منظم است. موافق تلگراف مورخه ۲ نوامبر واصله از کرمان طوایف بلوچی سرحد مشغول جمع‌آوری استعداد هستند و ظاهراً مقصدشان غارت محال نرماشی [= نرماشیر] است. وزیر مختار انگلیس به دولت ایران اصرار کرده و فشار آورده است که از برای جلوگیری این مسئله اقدامات نمایند، لهذا استعداد از سیستان و کرمان به بمپور فرستاده می‌شود و امید می‌رود که از آنجا بتوانند طوایف بلوچی را جلوگیری نمایند.

شیراز

راه‌ها رو به بدی و ناامنی است. پست بوشهر را در نزدیکی کازرون دزد زده است. دو پسته که متعلق به قنصل انگلیس بوده است نیز برده‌اند. ظاهراً دزدها از طایفه قشقایی بوده‌اند.

پست طهران را در نزدیکی یزدخواست دزد زده است و يك قافله که هفتاد مال داشته است و ارباب‌رستم از همراهان قافله بوده و در نزدیکی خوان‌گرگان دزدها زده بوده‌اند و ارباب خود را تنها به منزل رسانیده است.

در تاریخ ۱۶ وقوع دزدی دیگری شبیه به سرقت فوق در گذار سینه سفید که در نزدیکی دشت ارژن است راپورت داده شده. دزد هر دو فقره کهگلونیه [= کهگیلویه‌ئی‌ها] بوده‌اند ولی این مسئله دور از عقل و تصور است که بدون رضایت قشقایی این دزدیها را کرده باشند.

«مسیو پاسک» قنصل جنرال روس در تاریخ ۱۵ وارد شد.

منصورالسلطنه عرب مأمور حکومت دشتی و دشتستان گردید. قرار این بود که تا برازجان «مستر بیل» را همراهی نمایند ولی حرکت مشارالیه فعلاً مثل هر چیز دیگری بسته است به تقدیرات و پیش‌آمد کار حکومت.

در تاریخ ۲۴ نوامبر [۲۲ آذر؛ ۱۰ ذی‌قعدة] قافله بزرگی که همراه مسیو پاسک قنصل جنرال روس و «مسیو کادلوبیک» نایب قنصل جنرال بوشهر حرکت می‌کردند دچار حملات ایلات گردیده. از قرار مذکور بویراحم‌دیه‌اکه طایفه‌ای از کهگلویه‌ها هستند بوده‌اند.

از مستحفظین همراه آنها دو نفر قزاق روسی تیر خورده یکی مقتول و دیگری مجروح شده است. دو نفر قزاق ایرانی نیز زخمی ده یا دوازده نفر دیگر از ایرانی

همراهان قافله کشته شده‌اند. این اتفاق در پل «قره‌کچ» که بین خان‌زنیان و دشت ارژن است واقع شده.

بمحض وقوع اتفاق صاحب منصبان روسی مراجعت به خان‌زنیان نموده و فوراً قنصل انگلیس و دکتر ولات حکیم تلگرافخانه با یک عده مستحفظ از شهر به آنجا رفته. این قسمت از راه بوشهر در تمام ماه نوامبر مغشوش بوده و تمام اغتشاش را به قشقایی نسبت می‌دهند ولی معلوم نیست که این حرکات یا رضایت و تصویب صولت‌الدوله است یا خیر. قشقاییها اتصالاً به سیم تلگراف دست‌اندازی نموده و همچنین یک نفر تلگرافچی را که در راه بوده مدتی نگاهداشته و کتک زده‌اند. بعلاوه طوایف بویراحمدی در حدود راه فارس و اصفهان مشغول غارت قوافل بوده و در یک مورد پنج نفر را کشته‌اند.

محل بویراحمدیها سابقاً در تحت حکومت بهبهان بود ولی در این اواخر از حکومت فارس مجزا شده و جزو بختیاری شده است. جز یک اردوی معظم قوی هیچ چیز دیگر نمی‌تواند بویراحمدی را منظم نماید.

بین ده‌بید و شیراز و در خود شهر شیراز ایالت تا کنون توانسته است بقدرت و نفوذ خود انتظام نگاه دارد و لکن اگر از تقویت او از حیث فرستادن استعداد یسا دادن پول برای تجهیز استعداد مضایقه شود احتمال نمی‌رود که ایالت بتواند انتظام را نگاه دارد و در هر حال برای تنبیه اشرار ایلات که مرتکب جنایات و شرارتها از قبیل اتفاق صاحب منصبان روسی می‌شوند ایالت قدرت ندارد.

سفارت انگلیس جداً به دولت اصرار نموده است که فوراً ایالت فارس را تقویت و امداد نماید.

ایالت فارس بواسطه سخت‌گیری فروش تریاک قدری طرف نفرت مردم شده است. در تاریخ ۲۸ شورش در شیراز واقع شد اگرچه زود شورش برطرف شد ولی «مستر بیل» وضع را سخت می‌بیند زیرا که ایالت اسباب و وسیله اعمال قدرت را ندارد و اگر استعفاء بدهد کسی نیست که مقام را اشغال نماید.

خلیج فارس

بوشهر

در اینجا اهالی برای انجمن ولایتی به عوض اینکه شش نفر انتخاب کنند ۱۲ نفر انتخاب کرده بودند. از طرف وزارت داخله امر صادر شد تجدید انتخاب کرده و شش نفر انتخاب نمایند.

چون انجمن نتوانست از اهل محل یک نفر وکیل برای مجلس ملی طهران انتخاب نماید، لهذا از طرف وزارت داخله از آنها خواسته شد که از بین بیست نفر اشخاص که اسامی‌شان را به آنها تلگراف کرده‌اند و مقیم طهرانند، یکی را به سمت نمایندگی بوشهر انتخاب کنند.

ایالت فارس در تاریخ سلخ اکتبر اعلام داشت که مسئولیت امنیت راه فیروزآباد

را به عهده نمی‌توانند بگیرند لهذا قوافل شروع نمودند که از راه کازرون عبور نمایند. اگر حفظ راه فیروزآباد به عهده قشقایی تفویض شده بود ممکن بود که راه منظم بوده باشد ولی چون این راه به دشمنان قشقایی که هواخواهان قوام باشند سپرده شده بود فوراً قشقاییها شروع کردند به مزاحمت قوافل. علاوه بر این خوانین دالکی پرازجان به عنوان باج راه مبلغ گزافی از قوافل بزور و بدون حق می‌گیرند و همچنین چاروادارها را مجبور می‌کنند که علوفه و غلیق را دو برابر قیمت معمول بخرند. مقاطعه‌کارانی که باید برای قایقهای قاچاق‌گیری گمرک ذغال تهیه کنند، از عهده تعهدات مقاطعه خود برنیامده بنابراین قایقها بی ذغال و بی‌اثر مانده و اعمال قاچاق‌گیری بکلی معطل و معوق است. قاچاقچیها [= قاچاقچی‌ها] موقعی را که به این طریق به دست آمده مفتنم دانسته مشغول قاچاق مال‌التجاره‌اند.

لنگه

راپورت گرفتن قصبه بستک صحیح بود ولیکن تصرف آنجا در تاریخ ۲۹ سپتامبر به هیچ جهت مربوط به سید عبدالحسین لاری نبود. ظاهراً صولت‌الملک نایب‌الحکومه بستک به قدری طرف نفرت و ضدیت اهالی شده بود که خود مردم غلامحسین‌خان و راوی^۱ را که دشمن او بود دعوت کرده که صولت‌الملک را از بستک بیرون نمایند. مشارالیه بدون تصادف با هیچ مقاومت و مخالفت این کار را انجام داد و متصرف بستک گردید ولی در مقابل خدمتی که به اهالی کرده بود نعمت معنابه از آنها گرفت. راپورتهای اخیر حاکی اینند که مشارالیه از شهر بستک حرکت کرده نایب از خود برای حکومت محل گذارده است.

وصول خبر وقایع بستک وحشت فوق‌العاده‌ای در لنگه حادث نموده و بسیاری از تبعه انگلیس به کشتی نشسته به طرف بمبئی حرکت کردند. قنصل انگلیس مقیم بندر عباس برای اینکه راپورت اوضاع را به دقت بدهد خود به لنگه رفته و معلوم شد که وحشت بیجا و خارج از نسبت بوده. لنگه فعلاً وضع معمولی خود را داراست.

نمره - ۱۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله اول ژانویه)

از طهران اول ژانویه ۱۹۱۰ [۱۱ دی ۱۲۸۸؛ ذی‌حجه ۱۳۲۷]

در تعقیب تلگراف مورخه ۱۵ دسامبر خود اینک با نهایت افتخار راپورت می‌دهم که از کفیل قنصلگری دولت فخیمه در شیراز راپورت زبان‌دار کاملی رسیده است و وضع ناگواری که از اثر تهاجمات و غارت‌های طوایف بویراحمدی در راه بین بوشهر و اصفهان حادث شده مجسم و تشریح می‌نماید.

این طایفه بویراحمدی بواسطهٔ بهره و نتیجه‌ای که از اعمال خود پرده و مخصوصاً از اثر حمله‌ای که جدیداً به مسیو پاسک کرده‌اند جسارت زیاد و نفوذ کلی حاصل کرده‌اند و عقیدهٔ مستر بیل آنست که تنبیه آنها جداً لزوم پیدا کرده و این طور اظهار عقیده می‌کند که فقط قوه‌ای که بتواند چنین خدمتی را به عهده گیرند اردویی خواهد بود متشکل از سوار قشقایی و بختیاری متفقاً و این اختلاط بواسطهٔ اختلاف و رقابت بین رؤسای این دو ایل غیر ممکن [است] لهذا موردی که مداخله برای اجانب و رفع احتیاجات فوری ضرورت پیدا می‌کند اگر هنوز نرسیده باشد لزوماً چندان دور نیست و مشارالیه صلاح می‌بیند که تنبیه عشایر مزبوره بوسیلهٔ اعزام اردوی انگلیس صورت گیرد.

اگرچه در این موقع همچو اقدامی را تصویب نمی‌کنم ولی از طرف دیگر خیلی مشکل است که از اظهار عقیدهٔ راسخ خود احتراز کنم و آن عقیده اینکه اگر به درأت ایران فوراً پولی داده نشود بزودی مجبور خواهیم گردید که مسئلهٔ لزوم انحراف از مسلک و پولتیک اساسی انگلیس را که در تلگراف جنابعالی به سر آ. نیکلسن دستور کلی داده شده در تحت ملاحظه بیاوریم.

این غیر ممکن است که در مدت غیر محدودی بتوانیم اوضاع فعلیه را که رخامت آن به اندازه‌ای است که ژنرال قنسول روس از شیراز به بوشهر نمی‌تواند حرکت نماید تحمل بنماییم.

بدیهی است که مسیو بیل گمان نمی‌کند که دولت ایران قدرت و توانایی تنبیه این عشایر قطاع‌الطریق را داشته باشد علی‌ای حال فقط کمک و مساعدت پولی می‌تواند به دولت امید و احتمال توانایی اعاده نظم بدهد و نظر به اینکه استعداد رحیم‌خان در سمت شمال بنا بر راپورت دیروز به کلی مقهور شده است و این مسئله بر نفوذ دولت خواهد افزود لهذا این موقع را برای دادن استقراض به دولت ایران مناسب می‌دانم.

سرمایه سخت اخیراً اشرار ایلات را مجبور نموده که از راه دست بکشند ولی این بهبودی عارضی لزوماً طولی نخواهد کشید.

نمره - ۱۲

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (راصله ششم ژانویه)

از سن پترزبورگ ۶ ژانویه ۱۹۱۰ [۱۴ دی ۱۲۸۸؛ ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۲۷]

یادداشتی از دولت روس در خصوص استقراض اظهاریه به من رسیده است. دولت معظم از اینکه شرکت در يك استقراضی داشته باشد اساساً امتناع نمی‌نماید ولی یقین دارند که يك قرض جزئی ولو اینکه ۲۰۰۰۰۰ لیره بوده باشد باعث بهبودی یا دوامی در اوضاع نشده و بزودی پول تمام خواهد شد. لهذا، عقیده‌شان بر این است که این استقراض باید مقدمه و متصل به استقراض معتنا به دیگری

بوده باشد زیرا که فقط قرض کلی می‌تواند وجوه لازمه را برای احداث اصلاحات فوری و همچنین برای تأدیه یا تبدیل و تثبیت قروض جاریه که فعلاً بار وزینی بر درش‌خزانه ایران هستند تهیه نمایند.

بعلاوه دولت روس توجه مخصوص ما را معطوف به این مسئله می‌نماید که دولتین روس و انگلیس فقط بوسیله مذاکره استقراض کلی است که خواهند توانست اصرار در تأسیس کنترل مؤثری در مالیه نمایند.

کنترل مصارف وجه استقراض ناگزیر و لازم و به عقیده دولت معظم وظایف کنترل باید به عهده کمیسیون مالیه مخصوصی واگذار شود.

نمره - ۱۳

تلگراف سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ششم ژانویه)

از طهران هشتم ژانویه ۱۹۱۰ [۱۷ دی ۱۲۸۸ : ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۷]

راجع به تلگراف سر آ. نیکلسن مورخه ۶ ژانویه

البته غیرممکن است که به طور واقعی اظهار نمود که از مساعدت پولی دولت ایران می‌تواند انتظام و اوضاع معمولی مملکت را اعاده نماید ولی احتمال کامیابی استحقاق امتحان را دارد. به عقیده من عجله در دادن قرض بیش از زیادی و کمی مبلغ آن برای اخذ نتیجه اهمیت خواهد داشت. بعلاوه همین قدر که ولایات و ایالات بدانند که دولتین در این موقع بحران به دولت ایران مساعدت و همراهی می‌نمایند بر نفوذ و اقتدار آن دولت در نظرها افزوده خواهد شد.

نمره - ۱۴

راپورت سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)

از طهران ۲۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۵ دی ۱۲۸۸ : ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۷]

در تاریخ ۳۰ ماه گذشته پرگرام وزراء که خلاصه آن را لغاً می‌فرستم پیشنهاد مجلس گردید و بعد از اینکه در جلسه سری در تحت مذاکره درآمد رسماً تصویب گردید دو ماده‌ای که اقوی احتمال استفاده و اخذ نتیجه بسته به آنها است یکی استقراض ۵۰۰۰۰۰ لیره و دیگری استخدام مستشاران خارجه می‌باشند و این هر دو مسئله قبول گردید بشرط اینکه بعدها شرایط راجع به استقراض و استخدام مستشارها به نظر و تصویب مجلس برسد.

در تاریخ ۱۲ شهر حال وزیر امور خارجه شخصاً و بطور غیررسمی به دو سفارتخانه آمد برای اینکه به ما اطلاع بدهد که تقاضای رسمی استقراض روز بعد خواهد شد و همچنین برای اینکه احتیاج و ضرورت فوری دولت ایران را به پول به من و همکارم تبلیغ و تأکید نمایند.

روز بعد وزیر خارجه مجدداً آمد ولی این مرتبه بهمراهی وزیر مالیه. هر دو وزیر رسماً درخواست استقراض نمودند و اظهار داشتند که پول برای اعاده نظم و برای احداث اصلاحات در ادارات دولتی خاصه در اداره مالیه قطعاً و حتماً لازم است. از موقعی که این درخواست شده تمام امور در طهران در انتظار و معلقاند هیئت وزراء با يك التهابی منتظراند که بدانند دولتی برای استقراض چند شرط خواهند نمود و بعلاوه در هر مورد به من و وزیر مختار روس خاطر نشان می کنند که اگر استعفاء بدهند استعفای آنها منتج قطع مذاکرات خواهد شد.

اما در خصوص انتظام و اوضاع ولایات در مدت چهار هفته گذشته فقط اتفاق مهمی که راپورت داده شده است اینکه جنگی در سه روز قبل در نزدیکی سراب بین پسر رحیم خان و قسمتی از اردوی دولتی که از طهران اعزام گردیده واقع شد. در این جنگ ریاست و فرماندهی قشون دولتی با پسر سردار اسعد بوده و از قرار مذکور نتیجه جنگ شکست فاحش سوارهای رحیم خان بوده است. وضع راه اصفهان و بوشهر تا چند روز قبل اگر تغییری داشته بدتر از زمانی که راپورت سابق را داده ام بوده است ولی امروز صبح می شنوم چند قافله بین کازرون و شیراز عبور می کنند و طوایف بویراحمدی بواسطه سورت سرما مجبوراً دست از اردوگاههای خود کشیده و رفته اند و راه بین اصفهان و یزدخواست دیگر بواسطه کهکلوها [کهگیلویه نی ها] مسدود نیست.

اخبارات اخیره مشعراند بر اینکه بهبودی در راه بین همدان و کرمانشاهان عارض شده است.

ملفوفه در نمره ۱۴ -

خلاصه پرگرام یا مرامنامه وزراء که در تاریخ ۳۰ نسوامبر ۱۹۰۹ [۸ آذر ۱۲۸۸؛ ۱۶ ذی قعدة ۱۳۲۷] پیشنهاد مجلس ملی شده است.

پس از مقدمه طولانی راجع به لزوم فوری اصلاحات مملکتی، در پرگرام مرقوم شده که مقصود عمده ای که دولت باید در نظر داشته باشد حفظ انتظام است در مملکت و برای حصول این مقصود مواد ذیل لازم است:

اولاً ترتیب قشون منظمی که در نقاط مختلفه مملکت دایماً ساخلو و متوقف باشند.

ثانیاً تشکیل امنیه مرتبی برای حفظ امنیت طرق تجارتی.

ثالثاً تأسیس پلیس یا نظمیه کافی کاری در تمام شهرها.

اصلاحات قشونی مذاقه کامل لازم خواهد داشت لایحه آن پس از دقت و اتمام به نظر پارلمان خواهد رسید ولی برای اینکه فعلاً حفظ انتظام کرده شود دولت پیشنهاد می کند که موقتاً از سربازهای موجوده ۲۵ الی ۳۰۰۰۰ نفر در تحت سلاح حاضر نماید. بودجه این قوانین برای تصویب به نظر پارلمان رسانیده خواهد شد. برای اداره دولت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ تومان فوراً لازم است. نظر به اینکه تحصیل

این وجه در این موقع در خود مملکت مشکل است، لهذا پیشنهاد می‌شود که قرض جدیدی کرده شود. نظر به اهمیت حفظ انتظام در تمام مملکت دولت چنین پیشنهاد می‌کند که بدون فوت وقت به مذاکرات راجع به استقراض فوق‌الذکر شروع شود و پس از آن داخل مذاکرات استقراض بزرگتری برای تثبیت قروض مختلفه که با مرابحه سنگین به دولت داده شده بشوند و مرابحه‌ای که دولت برای استقراض بزرگ خواهد داد طبعاً نازلتر از مرابحه‌ای است که فعلاً برای قروض جاریه مختلفه می‌دهند و به این وسیله محل جدیدی برای تأذیه منفعت و قسط استهلاك این استقراض بزرگ تحصیل خواهد شد و نتیجه مذاکرات راجع به استقراض در موقع تقدیم پارلمان خواهد گردید.

اهم اصلاحاتی که دولت باید به عهده گیرد تأسیس اداره کنترل است که عایدی و مخارج دولت را کنترل نمایند. این مسئله بقدر حفظ انتظام اهمیت خواهد داشت. در ضمن اصلاحات مالیه لازم خواهد بود که دیوان محاسباتی نیز تأسیس شود و ترتیب مخصوصی برای جمع‌آوری تمام مالیات در مرکز و همچنین تأسیس اداره خزانه‌داری اتخاذ گردد.

بودجه هر اداره باید معین شده و پیشنهاد پارلمان گردد ولی قبل از اینکه این بودجه‌ها تمام شده و به موقع اجراء گذارده شود بودجه سابق معمول به و جاری خواهد بود. بعلاوه لازم است که ادارات مختلفه دولت را به طرح جدید تأسیس نمایند و برای حصول این مقصود و به جهت اطمینان از اجرای اصلاحات پیشنهاد می‌شود که مستشارهای خارجه استخدام شوند. ادارات عدلیه و معارف مخصوصاً محتاج اصلاح‌اند چنانچه اصلاح عدلیه شروع گردیده است. قوانین جدیدی تقدیم پارلمان خواهد گردید ولی تا هنگامی که آن قوانین وضع و تصویب نشده قواعد فعلیه کماکان معمول خواهد بود و وزیر عدلیه اختیارات خواهد داشت که اجزای خود را انتخاب نماید.

لایحه اصلاح معارف نیز تقدیم مجلس خواهد شد و شامل ماده‌ای راجع بتصویب مخارج برای اعزام محصلین به اروپا خواهد بود.

نمره - ۱۵

سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)
از طهران مورخه ۲۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۵ دی ۱۲۸۸؛ ۱۳ ذی حجه ۱۳۲۷]
آقا

با کمال افتخار سواد مشروحه قنصل ژنرال مشهد را که تفصیل قتل فتوایی دو نفر اسماعیلی را در نیشابور که بحکم و اشاره بعضی علماء بوده راپورت می‌دهد لفاً تقدیم می‌دارم:

به دولت ایران خاطرنشان نمودم که نظر به اینکه آقاخان (سلطان محمد شاه)

در تبعیت انگلیس دارای مقامی است و کلیه اسماعیلیها در انگلستان مورد توجه مخصوص هستند این اتفاق اثر اسفانگیزی در آن مملکت حادث خواهد کرد و همچنین در لزوم تنبیه مرتکبین و انفصال حکام نیشابور و دررود تاکیسات بلیغه نمودم.

بحسب ظاهر حاکم نیشابور در این مورد بی کفایتی و ضعف نفس پرسوز داده که تقصیر محسوب می شود و حکومت دررود قطعاً در این قتل شرکت داشته است. سردار اسعد که این اظهارات به او شده بود خود ظاهراً تصدیق داشت که مجازات این متعصبین نادان که مرتکب و مسؤل قتل اند برای سرمشق بودن در نظر دیگران اهمیت کامل دارد و وعده دادند که دو نفر مقصری را که برای تحقیق و استنتاج به طهران آورده شده اند مجازات نمایند و لیکن اظهار می داشت که دولت فعلاً آن قدر قوی و قادر نیست که دو نفر ملا را بدون اجازه علمای نجف به قتل برسانند چنانچه از علمای نجف این اجازه خواسته شده است. بالاخره وعده داد که دو حاکم مزبور را خلع و منفصل نماید و اگر علمای نجف اجازه ندادند که دو نفر مرتکب به قصاص برسند یکی از آنها را کسه باقی دررودی باشد و شخصاً مرتکب قتل بوده به حبس ابد محکوم نمایند و معین الغریاء محرک و مشوق این قصد را به کربلای معلا تبعید نمایند.

ملفوفه در نمره ۱۵

راپورت سایکس قنصل ژنرال انگلیس در مشهد

به سر جرج بارکلی مورخه ۷ دسامبر ۱۹۰۹ [۱۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۲ ذی قعدة

۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار راپورت می دهم که محمدخان منشی ژنرال قنصلگری و شخص معروف و معتمد دیگری که برای تحقیق واقعه اسمعیلیها و صدمات و لطامات سختی که بر آنها وارد شده بود رفته بودند مراجعت کرده اطلاعاتی که سابقاً از مجاری مختلفه به من رسیده بود کاملاً تصدیق می نمایند و اطلاعات جدیدی ضمیمه می نمایند. نتیجه اینکه وقایعی که راپورت می دهم کاملاً صحیح است.

(۲) گمان نمی کنم که لازم باشد برای اطلاع شما عرض کنم که اسمعیلیها پیروان حضرت والا آقاخان که پیشوای مسلمانان هند است، می باشند.

در ایران اسمعیلیها پریشان حال و مفلوک و به دستجات کوچک تقسیم و در اطراف متفرقند و مخصوصاً در اطراف محال قاینات و نیشابور متوطن می باشند. در مدت ارتباط طولانی من با ایران هیچ چنین اتفاقی واقع نشده بود و بدتر از همه این بیچارگان در تحت حکومت ملی جدید که خود را متمدن می خوانند دچار این صدمات و بدبختی شده و به قتل رسانیده شده اند و پس از کشن يك شناعات

فضاحتی با آنها رفتار نموده اند که نمی توان ذکر کرد. حقیقتاً نعشهای آنها تا چند روز قبل دفن نشده مانده بود.

(۳) محرك و باعث تمام این قضیه ظاهراً ملا عبدالکریم نامی بوده که سابقاً اسمعیلی بوده و لکن به عقیده تشیع برگشته است.

مشارالیه به معین الغریاء که یکی از مجتهدین کوچک مشهد و هواخواه جدی مشروطه بوده ارائه طریق نموده که املاک معینی سپرده به ملا سلیمان نامی است و عشر آنها برای حضرت والا آقاخان فرستاده می شود بهتر این است که این شخص را بکشیم و املاک را تصرف کرده تقسیم نماییم.

در ماه اکتبر گذشته معین الغریاء ملا سلیمان و سایر اسمعیلیها را در مشهد احضار در آنجا در خصوص عقاید آنها تحقیقات به عمل آورده اند. بعد از این اقدام معین الغریاء به دیزآباد که پنسج فرسخی نیشابور است رفته در آنجا حاجی محمدباقر درودی و محمد حسن خان حاکم دررود به مشارالیه ملحق شدند. این آقایان اسمعیلیها را شکنجه کرده و مسجد آنها را خراب کرده اند و پس از آن از آنجا به کاظم آباد رفته و بهمان طرق عمل نموده اند.

پس از شنیدن این خبر کاغذ خیلی سختی از آقازاده که از مجتهدین بزرگ است گرفته و فرستادم به دست معین الغریاء رسانیدند من خود نیز مکتوب خیلی سختی به خازن الملك حاکم نیشابور نگاشتم. حاکم نیشابور جواب داد که این قضیه را ختم و اصلاح نموده است.

(۴) ملا سلیمان و ملا حسینعلی و سه نفر دیگر از رؤسای اسمعیلی را به دررود بردند و در آنجا محکوم به قتلشان نمودند و همچنین حاجی آخوند را که ملای معروفی است و فعلاً در ژنرال قنصلگری سلامت است غیباً محکوم به قتل کردند. پس از آن حاکم دررود و حاجی محمد درودی به نیشابور رفته و مسئله را به حاکم و شیخ آقای مجتهد آنجا اطلاع دادند. شیخ آقا از مداخله در این امر جداً امتناع نموده و بعد از خازن الملك تقاضا نمودند که میرغضب خود را برای کشتن آنها بفرستند و لسی مشارالیه از این کار امتناع کرد.

رئیس نظمیه جدید که در آن موقع اهمیت موقع و واقعه را به حکومت خاطر نشان می نمود نیز این مسئله را تصدیق می نماید.

حقیقتاً درباره چنین حکومتی که می داند چه اتفاق می افتد و اقدام نمی کند چه خیال می توان کرد. بهر حال اتفاقات وخیم تر افتاده که ذیلاً عرض می کنم:

(۵) حاجی محمدباقر درودی معین الغریاء را واداشت که اجازه کشتن آنها را بدهد و پس از تحصیل اجازه حاجی محمدباقر درودی آنها را به قتل رساند و بدنهای آنها را معرض فضاحت و شناعة نمود که حیا و نزاکت ذکر آنها را اجازه نمی دهد.

اسماعیلیها عریضه به حکومت نیشابور نوشته و اجازه خواسته اند نعش آنها

را بردارند ولی حکومت مبلغ گزافی برای این کار مطالبه نمود و آنها هم ندادند. بقیه اسماعیلیها که در قید آنها بوده و نتوانستند فرار کنند برای استخلاص خود مجبوراً مبلغ گزافی به حکومت نیشابور دادند.

(۶) پس از آن بواسطه احکامات سختی که از طهران رسید و همچنین از اثر ورود من در نیشابور حاج محمدباقر مذکور دستگیر و به طهران فرستاده شد و لیکن معین‌انغرباء هنوز در مشهد است و من مشغول اهتمام و فشارم که او نیز به دنبال رفیق خود برود. و این مسئله را نیز اطلاع می‌دهم که آقازاده صحت مطالب فوق را تصدیق نمودند.

(۷) عقیده من آن است که علاوه بر ارتباط اسماعیلیها با ما تقاضای حسن انسانیت این است که مجازات سختی نسبت به این دو ملا و حکام نیشابور و دررود بشود که سرمشق دیگران بوده باشد و در این مسئله یقین دارم که جنابعالی جد و اصرار خواهید نمود.

همکار محترم من ژنرال قنسول روس و مأمورین ایرانی در این عقیده با من متفقاند که این اتفاقات سوء واقع نمی‌شد اگر نیشابور در تحت حکومت خراسان می‌بود و در این خصوص متفقاً به طهران اظهار نمودیم که چاره و علاجی برای این وضع بنمایند.

شاید چندان لازم نباشد که برای ارائه اشکال عظیمی که در گذراندن يك عملی با حکومت نیشابور داریم مسئله بانك را یادآور شوم و امیدوارم که هم این شخص از حکومت منفصل گسرد و هم نیشابور مجدداً در تحت ایالت خراسان مقرر شود.

تفکیک آنجا از حکومت خراسان بعنوان موقت و از برای میل و آسایش شخص شاهزاده نیرالدوله بوده است. تا هنگامی که این بی‌ترتیبی مرتفع نشود امید وانتظار بهبودی و اصلاح امور این محل را نمی‌شود داشت.

موافق اطلاعاتی که اخیراً تحصیل کرده‌ام بی‌نظمی و شرارت هنوز در آن نواحی فرمان‌روا است و اسماعیلیهای بیچاره را معرض صدمات و غارت می‌نمایند ولی اگر تلگرافی خطاب به حکومت نیشابور بشود که فعلاً آنها را حفظ نماید تا اینکه از طرف سفارت اقدامات قطعی در این خصوص بشود امیدوارم که از این وضع ناگوار جلوگیری شود.

پنده... ماچر [ماژور] سایکس

نمره - ۱۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰)

از طهران ۳۱ دسامبر ۱۹۰۹ [۹ دی ۱۲۸۸؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته

است لذا تقدیم می دارم.

بنده بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۶

خلاصه ماهیانه وقایع ایران متعلق به چهار هفته که منتهی به ۳۱ دسامبر ۱۹۰۹ [۹ دی ۱۲۸۸؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۷] می شود:

مجلس

مرامنامه وزراء که در تاریخ ۳۰ نوامبر تقدیم مجلس شد در جلسه هفتم دسامبر ۱۹۱۰ [۱۵ آذر ۱۲۸۸؛ ۲۳ ذی قعدة ۱۳۲۷] درموقعی که تمام وزراء حضور داشتند رسماً تصویب شد. مجلس موقع را مفتنم شمرده خاطر نشان هیئت وزراء نمودند که در کلیه امور مالیه باید شور با مجلس بنمایند.

پس از مباحثه طولانی در تاریخ ۲۵ شهر حال [۳ دی ۱۲۸۸؛ ۱۱ ذی حجه ۱۳۲۷] مجلس با اکثریت آراء تصویب نمودند که دولت برای ضرب چهارصد هزار لیره نقره در ضربخانه دولتی قرارداد و مقاوله ای ببندند.

در مدت ماه گذشته مجلس ملی اکثر مشغول ترتیب نظامات داخلی بوده و در تاریخ ۲۸ لایحه آن دفعه ثالث قرائت شد.

اشکالات مالیه ای - دولت ایران در تاریخ ۱۳ به سفارتین انگلیس و روس برای استقراض پانصد هزار لیره اظهار نمود و هنوز منتظر جواب است.

تبریز

تبریز بدون اغتشاش بوده است ولی در نزدیکی مراب بین دسته ای از ایلات در تحت فرمان پسر رحیم خان و اردوی دولتی در تحت فرمان پسر سردار اسعد و یفرم جنگی واقع شد و در آن جنگ از قرار راپورت قشون دولت فاتح بوده است.

اصفهان

شهر ساکت و خالی از اغتشاش بوده دسته کهکلوئی [کمگیلویه ئی] که در خلاصه ماهیانه سابق راپورت داده بودم که نقاط مشرف به راه ارچینی را تصرف نموده بودند در تاریخ ۳ دسامبر رفته اند و لیکن در تاریخ ۷ مراجعت نموده و يك قسمت آنها در اطراف قمشه مشغول غارت بوده اند.

قنصلهای انگلیس و روس مکرر به صمصام السلطنه حکمران در این خصوص اظهارات رسمی نموده اند جواب این بوده است که استعداد فرستاده خواهد شد ولی به دلایل صحیحه گمان نمی رود که استعدادی فرستاده شود لیکن امید است وقتی که برن بیفتد ایلات خود بروند.

در تاریخ ۱۲ دسامبر دزدها در ارچینی بودند.

در راه طهران يك فرسخی شمال قم طوایف شاهسون پست را زده و تمام بسته‌های امانت قیمتی را برده‌اند. در راه سلطان‌آباد نیز سرقتی را پورت داده شده است ولی راه اهواز بنا بر راپورت امن است.

صمصام‌السلطنه در تاریخ ۲۳ دسامبر ۱۹۱۰ [۱ دی ۱۲۸۸؛ ۹ ذی حجه ۱۳۲۷] از اصفهان حرکت کرده و در تاریخ ۲۹ وارد طهران شده است. در مدت فیشتش منتظم‌الدوله کفیل حکمرانی خواهد بود.

یزد

شهر کماکان منظم است. راه کرمان نیز امن ولی در راه نائین هنوز دزدیها واقع می‌شود.

زردشتیها با اینکه کمک و تقویت زیادی از طرف حکومت نمی‌برند مع‌هذا از عزیمت احتمالی او در ماه مارس در خوف و هراسند و می‌ترسند که پس از رفتن ایشان مجدداً گرفتار صدمات و تعدیات بشوند.

بازار کسب و تجارت از کساد و انحطاط که مدت طولانی دچار بوده بتدریج رو به بهبودی است. مالیات بیش از میزان سابق جمع‌آوری شده و متوالیاً به شهر می‌آورند.

سلطان آباد

خبری شهرت دارد که در تاریخ ۶ نوامبر یکی از ساکنین متنفذ را ونچ (در محلات) موسوم به آقاصدر را با يك پسر دوازده ساله‌اش به حکم حکومت به قتل رسانیده هر دو آنها را مهدی‌خان نام قفقازی تیر زده و کشته و کریم‌خان که دشمن قدیمی علی‌خان مقتول عامل زیگلر بوده با شش نفر از سوارهای مخصوص حکومت نیز همراه او بوده‌اند.

کرمانشاه

وضع شهر ابدأ خوب و رضایت بخش نیست. سرقت کثیرالوقوع است. ظمیرالدوله در اواخر نوامبر از حکومت استعفاء داد و نظام‌السلطنه به جای ایشان مأمور گردیده ولی هنوز زمام حکمرانی را در دست نگرفته است. راه بغداد بالنسبه امن بوده ولی در تمام طرق و شوارع دیگر دزدیهای متعدد را پورت داده شده. سیم تلگراف مکرر مقطوع چندین میل از خط منهدم شده و طوایف غارتگر خونریز کاکاوند خیلی از مصالح خط تلگراف را برده‌اند و لیکن اطلاعات اخیره مشعر بر آنند که راههای کرمانشاه حالیه خالی از دزدانند.

همدان

حکومت همدان مقارن ۱۵ دسامبر متفصل گردید. بنابر راپورت ولایت آن وقت

خالی از اغتشاش بوده.

کرمان

شهر و اطراف منظم بوده است. ایالت استعدادی ترتیب داده که حفظ نظم را می نمایند و بعلاوه مقداری از مال التجاره قافله را که دزد زده بود پس گرفتند. بلوچیه که گمان می رفت به قصد غارت محال نرماشی [نرماشیر] اند حرکتی ننمودند.

شیراز

ایالت به اشکال زیادی اقتدار خویش را حفظ می کند در صورتی که دولت الدوله در حالت ستیزه و مخالفت است. دولت به فرمانفرمای ایالت اختیار و اجازه داده است که قسمتی از مالیات محل را برای حفظ نظم نگاه دارد. طرق و شوارع نیز کماکان مغشوش اند.

خلیج فارس

بوشهر

برای انتخابات انجمن ولایتی بعضی اشکالات پیش آمده نتیجه بطور مطلوب حاصل نشد لهذا انتخاب تا مراجعت دریابگی از بندر لنگه به عهده تعویق افتاد. دریابگی در تاریخ ۱۸ دسامبر مراجعت نمود.

محمرة

در آخر ماه اکتبر در نزدیکی شوستر انقلاب و اغتشاش زیادی بوده حکومت ظاهراً بی قوه و قدرت است نه استعدادی دارد و نه نمایندگی مهمی از خوانین بختیاری همراه او است. در موقعی که قنصل انگلیس او را ملاقات کرده همراهی خود را با مصالح انگلیس اظهار نموده. حاکم مشارالیه هنوز باید با شیخ خزعل قرارداد مرضی برای ترتیب امور بگذارند.

نمره - ۱۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه)

از طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰ [۲۶ دی ۱۲۸۸؛ ۵ محرم ۱۳۲۸]

تلگراف ذیل از بوشهر رسیده:

مسئله راه مجدداً خیلی جالب اهمیت و سخت شده. راه بین کازرون و شیراز از هنگام اتفاق قنسولهای روس قهراً مسدود است.

در تاریخ ۹ دسامبر صولت الدوله برای اینکه با طهران مخابرات نماید به کازرون آمده لکن مذاکرات راجع به تأمین راه و تنبیه و مجازات اشخاصی که به قنسولها حمله بردند نتیجه نبخشید. پس از آن صولت الدوله راه جدیدی را به شیراز

که از کوهستان عبور می‌کند و از تنگستان و جره می‌گذرد برای تردد قوافل پیشنهاد نمود.

انجمن تجارتي و تجار معروف ایرانی جداً مخالف این راه هستند زیرا که غیر معروف و در میان کوهستان و محل سکنتای طوایف قشقایی بوده و دور از خط تلگراف است و هیچ کاروانسرا ندارد و مالالتجاره از آب در معرض خطر و ضایع شدن است. بعلاوه صولت‌الدوله هیچ اقتدار و تسلط مستقیمی در تنگستان ندارد. در مدت ماه گذشته قشقاییها قوافل را از کازرون به شیراز برگرداندند ولی تجار بوشهر متجاوز از هزار بار به کازرون فرستاده‌اند. کمپانی زینگر [زیگلر؟] دویمست بار در آنجا دارند که نه از راه رسمی و نه از طرق دیگر می‌توانند حمل کنند و در این باب استمداد می‌نمایند.

اخیراً صولت‌الدوله به رئیس تنگستان حکم کرده که هر چیزی که از راه رسمی حمل و نقل می‌شود حتی اگر به برازجان هم می‌روند توقیف نماید. در بین خوانین راههای مختلفه نزدیک بوشهر مناقشه قریب‌الوقوع است.

نمره - ۱۸

تلگراف سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژانویه)
از طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۱۰ [۲۶ دی ۱۲۸۸؛ ۵ محرم ۱۳۲۸]
تلگراف ذیل مورخه ۱۶ ژانویه از بوشهر از قنصل ژنرال دولت فغیمه رسیده است.

راجع به تلگراف بلافصل ما قبل خودم:

صولت‌الدوله از اینکه دولت تقاضاهای او را برای تقبل حفظ راه رسمی قبول نکرده، رنجیده و آزرده شده و راه جره را مفتوح کرده است فقط برای اینکه اختیار راه بوشهر و شیراز را در دست داشته باشد.

این راه ابدأ مناسب نیست و تعیینش در نظر دمه کس نامطبوع است. کمپانیهای بیمه یحتمل مالالتجاره‌هایی را که در این راه حمل می‌شود بیمه نخواهند کرد و حکومت فارس به قنصلهای مقیم آنجا رسماً اعلام نموده که این راه رسماً شناخته نخواهد شد. لهذا نتیجه آنکه صاحبان مالالتجاره باید متحمل تمام خسارات وارده بشوند.

مسافرت اروپاییان در این موقع بین بوشهر و شیراز خارج از احتیاط است و نرسیدن مالالتجاره به شیراز شکست سختی به تجارت وارد آورده و در این نکث عمده خسارت به کمپانیهای انگلیس وارد است. مستدعیم که این وضع را به دولت اعلیحضرتی انگلستان عرضه دارید که در مسئله حفظ راه اقدام عاجلی فرمایند.

نمره - ۱۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ ژانویه)
 از طهران ۲۳ ژانویه ۱۹۱۰ [۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۱ محرم ۱۳۲۸]
 در تعقیب تلگرافات ۱۷ ژانویه خودم اطلاع می‌دهم نظر به اینکه ایالت فارس
 از تعیین آنکه دولت ایران مسئولیت کدام راه را متقبل است امتناع می‌نماید و به
 این جهت محتمل است که اگر خسارتی وارد شود دولت قبول ننماید لهذا عبور و مرور
 قوافل بین بوشهر و شیراز معطل است.
 به دولت ایران آگاهی دادم که مداومت این اوضاع ناگوار را نمی‌توان اجازه
 داد و اکیداً اصرار نمودم که باید اعلان نمایند در کدامیک از راهها رسماً مسئولیت
 را به عهده می‌گیرند.

نمره - ۲۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱ فوریه)
 از طهران ۱ فوریه ۱۹۱۰ [۱۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۸]
 مفتخرأ راپورت می‌دهم که مراسله رسمی از وزیر داخله رسیده است مبنی بر
 اینکه راه چره که کاملاً امن است بعضی راه معمولی شیراز و بوشهر برای تردد
 قوافل مقرر گردیده.
 نظر به اینکه دولت ایران به این طریق مسئولیت این راه را متعهد شده است
 در مقابل هر سرقت و خسارتی که به مالالتجاره در موقع عبور از این راه وارد
 می‌شود آن دولت را مسئول قرار خواهم داد.

نمره - ۲۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ فوریه)
 از طهران ۵ فوریه ۱۹۱۰ [۱۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۸]
 اردوی دولتی رحیم‌خان را شکست داده و مشارالیه به سرحد روسیه فرار
 نموده. شاهسونها ظاهراً رحیم‌خان را در موقع ابتلاء و سختی تنها می‌گذارند چنانچه
 چندین نفر از رؤسای آنها مشغول مذاکرات می‌باشند که تسلیم شوند. به پطرزبورغ
 اطلاع داده شد.

نمره - ۲۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ فوریه)
از طهران ۶ فوریه ۱۹۱۰ [۱۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۵ محرم ۱۳۲۸]
تلگراف ذیل از کفیل ژنرال قنصلگری مقیم تبریز رسیده:
«از قراری که ایالت به من اطلاع می‌دهد رحیم‌خان با ۱۰۰ خانوار از سرحد
روس عبور نموده است. جانشین قفقاز دستور داده است که رحیم‌خان و پیروانش
خلع اسلحه شده و به داخله قفقاز برده شوند».

نمره - ۲۳

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۷ فوریه)
از پترزبورگ ۷ فوریه ۱۹۱۰ [۱۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۶ محرم ۱۳۲۸]
از قراری که از مسیو ایزولسکی (وزیر خارجه روس) می‌شنوم مراسله‌ای از
شارژ دافر ایران به ایشان رسیده و از طرف دولت ایران استدعای تسلیم رحیم‌خان
را نموده است. یقین است که دولت روس قبول و اجابت این تقاضا را نخواهد کرد
ولی افسوس است که چنین خواهشی اصلاً از طرف دولت ایران شده است.
دولت روس رحیم‌خان را به طرف شمال قفقاز فرستاده و پس از آنکه تحقیقات
در اعمال و افعال گذشته او به عمل آمد آن وقت دولت درباره تکلیف عاقبت او
تصمیمی خواهد گرفت.
نظر به اینکه ممکن است فرازیمهای دیگر از سرحد عبور نموده و به خاک روسیه
بروند، اقدامات در حدود برای جلوگیری آنها به عمل آمده است.

نمره - ۲۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ فوریه)
از طهران ۱۱ فوریه ۱۹۱۰ [۲۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۳۰ محرم ۱۳۲۸]
سپهدار از ریاست وزراء استعفاء داده است. محتمل است که نایب‌السلطنه
استعفای او را قبول نکند.

نمره - ۲۵

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ فوریه)
از طهران ۱۲ فوریه ۱۹۱۰ [۲۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱ صفر ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف ۱۱ فوریه افتخار دارم که راپورت بدهم که سپهدار
رئیس‌الوزراء استعفای خود را پس گرفته است.

نمره - ۲۶

مراسله سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه انگلیس ۱۲ فوریه ۱۹۱۰ [۲۳ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱ صفر ۱۳۲۸]
آقا.

مراسله مورخه ۲۷ دسامبر شما راجع به قتل فتوایی دو نفر اسماعیلی به اشاره
بعضی علماء در نیشابور واصل گردید اقدام شما را در تأکید و اصرار به جهت
تنبيه مقصرین و عزل حکام دررود و نیشابور تصویب و تصدیق می‌نمایم. بعلاوه
خواهش می‌کنم که بزودی موقع به دست آورده و به این موضوع مراجعه نمایید و به
دولت ایران اظهار کنید که دولت امپراطوری انگلستان به تنبيه سخت و مجازات
مرتکبین این اعمال اهمیت عظیم می‌دهد.

نمره - ۲۷

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ فوریه)
از پترزبورگ ۱۷ فوریه ۱۹۱۰ [۲۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۶ صفر ۱۳۲۸]
دولت روس حاضر است که در استقراض فوری ۴۰۰۰۰۰ لیره به دولت ایران
شرکت نماید و با دولت اعلیحضرتی انگلیس در این رأی متفق‌اند که برای این
استقراض شرایط خیلی وزین سختی نباید پیشنهاد نمود و پرگرامی که دو وزیر
مختار مقیم طهران تشکیل بدهند می‌تواند مبنای مذاکرات با دولت ایران بوده باشد.

نمره - ۲۸

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ فوریه)
از طهران ۱۹ فوریه ۱۹۱۰ [۲۸ دی ۱۲۸۸؛ ۷ محرم ۱۳۲۸]
آقا.

با کمال افتخار سواد راپورت راجعه به اوضاع فعلیه ایالت فارس را که از
کفیل قنصلگری دولت فخمه رسیده لفاً ایفاد می‌دارم. تلگراف مورخه اول ماه که
به شما کرده بودم در موضوع همین راپورت است.

بنده ... بارکلی

ملفوفه ۱ در نمره ۲۸

مراسله مستر بیل کفیل قنصلگری شیراز به سر جرج بارکلی
از شیراز ۱۵ دسامبر ۱۹۰۹ [۲۳ آذر ۱۲۸۸؛ ۱ ذی حجه ۱۳۲۷]
آقا.

اشاره غارتگر بویراحمدی پیش از يك ماه است که در نقاط مختلفه بین

دشت ارژن که ده فرسنگ زیر شیراز است و گذار ارچین که در مجاورت اصفهان است مشغول عملیات و دزدیهای عمده‌ای هستند.

هر يك از سرقت‌های بزرگی که در این مدت کرده‌اند یقیناً مرتکبین در هر مورد عده‌شان بیش از صد نفر بوده به‌علاوه در مواقعی که کسی در مقابل آنها ایستادگی و مقاومت نموده عزم جزم و رشادت کاملی برای حصول مقصود بروز داده‌اند و مخصوصاً زدن قافله‌ای که جمعی از قزاق‌های روسی و ایرانی و همچنین ژنرال قنسول روس همراه آنها بوده بعدی اسباب جسارت آنها شده که تا هنگامی که تنبیه کامل نشوند گمان نمی‌کنم که قشون و استعداد ایرانی ولو اینکه عده آنها به شصدهم برسد بتواند کاری از پیش برده و آنها را مقهور نمایند.

گمان نمی‌کنم هیچ قومی از ساکنین فارس مگر قشقایی ولو آنکه عده آنها خیلی بیشتر باشد با يك دسته قوی بویراحمدی ابدأ طرف شوند. حتی قشقایی با آنها مقابل نخواهد شد مگر آنکه جمعیت و استعدادشان خیلی بیش از طرف باشد. اگرچه دلایل قطعی در دست ندارم ولی شخصاً شك دارم از اینکه بویراحمدیها مقدم به این قبیل دزدیهای مهم پی‌درپی شده باشند بدون آنکه يك قسم اطمینان از صولت‌الدوله داشته باشند که این اعمال به خلاف میل او نخواهد بود ولی این مسئله را عرض کنم که در این ولایت اشرار را ترغیب و حکم به دزدی کردن خیلی سهل‌تر از جلوگیری آنها است. چنانچه قوامیها اغلب با ایلات خمسه به همین مسئله برخوردند و در این مورد خیلی محل شك و تردید است که خود صولت‌الدوله بتواند بویراحمدی را در تحت نظم بیاورد لیکن محتمل است که اگر آنها را تهدید به انتقام و تنبیه نماید فعلاً از شرارت منصرف شوند تا موقع مناسب دیگری بدستشان آید. (۲) راجع به این مسئله حکایتی را که یکی از دزد زوگان نقل کرده و در تاریخ هشتم دسامبر در روزنامه شیراز درج شده برای اطلاع شما لفاً می‌فرستم. این قصه نمونه صحیحی از اتفاقات جدیدی که در راه تجارتی بین اصفهان و بوشهر واقع شده است می‌باشد.

ملاحظه خواهید کرد که در این مورد با آنکه از قرار راپورت يك نفر قشقایی بوده ابدأ ذکرى از اینکه قشقایی شرکتی داشته نشده و دزدها بویراحمدی بوده‌اند. بگمان من در صحت این اظهار که فقط موافقت و همدستی بین قشقایی و بختیاری برای مطیع کردن این ایل خونخوار غارتگر لازم و مفید است شکی نیست زیرا که اگر از دو طرف به آنها تهاجم نشود بی‌نیایت مشکل خواهد بود که يك طایفه کوه‌نشین به این رشادت و فعالیت را بتوان در تنگنا انداخت و در اینکه موافقت مذکور صورت بگیرد بحسب ظاهر امید خیلی کمی است چرا که ایل قشقایی عموماً و ایلخانی آنها خصوصاً نسبت به بختیاری بواسطه مقام عالی که در وقایع جدید ایران حاصل کرده‌اند بی‌اندازه حسادت می‌ورزند زیرا که آنها را نسبت به خودشان از حیث عده و شجاعت و جرئت پست‌تر می‌دانند نتیجه آنکه اگر این دو

ایل برای انجام خدمتی متفقاً اقدام نمایند ممکن است بین خود آنها موافقت تبدیل به مخالفت و مخالفت گردد و مخاضرات عظیمه تولید شود.

۳) این مسئله را نیز اشاره می‌کنم که اوضاع فعلیه که در چند سال گذشته به علت انهدام تدریجی نفوذ و اقتدار دولت مرکزی طبعاً نتیجه و حادث شده به مقام و موقعی رسیده است که عطف توجه جدی دولتی [دولتی] که در ایران مصالح و منافع دارند ضرورت پیدا کرده است.

تردد تجارت معمولی مشروع بلکه حرکت يك نفر مسافر با وجود کفایت و فعالیت قابل تحسین که فرمانفرمای فعلی ایالت بروز می‌دهد مستلزم همه قسم مخاطرات است. الحق وضع طوری است که معامله و رفتار ما با اولیاء امور ایران با ترتیبات و رسوباتی که بین دول متمدنه معمول و ملحوظ است حقیقتاً اسباب استهزاء است.

برای مجسم کردن احساسات فعلیه مردم در فارس صحبتی را که يك نفر چاروادار که تازه از بوشهر وارد شده به عامل کمپانی زیگلر کرده است برای شما نقل می‌کنم.

عامل مزبور از چاروادار تقاضا نموده است که به قنصلخانه آمده وضع راه را برای من شرح دهد. جواب چنین داده، نزد قنصلوها رفتن چه فایده و نتیجه در صورتی که خودشان را نمی‌توانند حفظ نمایند.

الحق این اظهار کاملاً صحیح و بجاست زیرا که قنصل ژنرال روس فعلاً نظر به حمله‌ای که جدیداً به او شده نمی‌تواند به مرکز مأموریت خود به بوشهر برود و هیچ امیدی هم نیست که به این زودی بتواند مسافرت نماید.

البته همین ملاحظات درباره حرکت و معاونت دسته قشون انگلیس که در شیراز است صدق خواهد گردید [کرد].

اگر چه بواسطه همراه داشتن توپ ماکزیم چندان شکی ندارم که می‌توانند خود را به لب دریا برسانند مع هذا می‌ترسم از اینکه حرکتی را توصیه و تصویب نمایم که انجام آن بدون مخاطرات سخت و تلفات نفوس ممکن نخواهد شد.

این اوضاع امور اهمیت کمتر می‌داشت اگر بقدر ذره‌ای امید و علامت بهبودی در جهات اساسی آن ملاحظه می‌شد ولی متأسفانه چنانچه ذکر کردم فعلاً هیچ علامتی معلوم و مشهود نیست بلکه بالعکس مقتضیاتی که باعث ایجاد وقایع اسفانگیز چند هفته گذشته شده، ظاهراً فقط چیزی است که در ایران ثابت و با دوام به نظر می‌آید.

۴) مسلك و پلتیک دولت فخیمة انگلیس در صفحه ۴۳ کتاب آبی ایران «نمره ۲» (۱۹۰۹) جازماً و قطعاً [قطعاً] تفصیل داده شده است و آن این است که:

«به عقیده و گمان دولت انگلستان بهترین طریقه‌ای که دولتین انگلیس و روس در مورد ایران اتخاذ نمایند همان است که از امور داخلی این مملکت مطلقاً کناره

جسته و بگذارند به انقلابات و اغتشاشات موجوده مداومت نمایند تا هنگامی که یکی از عناصر مملکت قوی‌تر از سایرین شده و بکلی غلب و فاتح آید. در ظرف این مدت دولت انگلیس حاضر خواهد بود خطراتی را که به منافع تجارتی انگلیس وارد می‌شود، تحمل نماید.»

در مقابل این اعلان مسلک با يك گستاخی عرض عقیده می‌کنم: موردی که احتراز از مداخله برای رفع احتیاجات فوری کفایت نمی‌کند اگر هنوز نرسیده یقیناً و بلا تردید خواهد رسید. مبنای این عقیده خود را فقط این قضیه مسلم می‌دانم که در اوضاع بهبودی دائمی عارض نخواهد شد و حتماً روی به بدتری است و هیچ علامتی که دلالت بنماید براینکه چنانچه پیش‌بینی شده دوره انقلاب که در آن زمان دولت انگلیس متحمل مخاطرات و خسارات منافع تجارتی است سپری شده و منتهی به غالبیت [غلبه] و فیروزی يك عنصر معینی از مملکت گردد مشهود نیست.

سرتاسر تاریخ ایران از منه و اعصاری است که کم و بیش انقلاب و اغتشاش پیوسته در مملکت ساری و جاری بوده و اغلب آنها چندین عشیره طول کشیده‌اند. (۵) طرز اقدامی را که من مبادرت کرده پیشنهاد می‌کنم و به نظر کمتر مانع دارد از قرار تفصیل ذیل است:

دولت اعلیحضرتی انگلستان به اولیاء امور مرکزی ایران رسماً اطلاع داده و اخطار نمایند که نظر به دلایل ذیل:

اولاً مخاطرات فوق‌العاده وارده به تبعه خارجه که مشاغل و وظایف قانونی‌شان آنها را مجبور به مسافرت و حرکت از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌نماید.

مثلاً فقط در سنه ۱۹۰۹ «مستر جنتلمن» را در مارس و «مستر لمیتین» و «مستر اسمیت» را در آوریل و «مستر لثیلتن» را در ژان [ژوئن] و «مستر رایت» و «مستر جیمز» را در اوت و قنصل ژنرال دولت روس را در نوامبر دزد زده و تمام این دزدیها مطلق بدون مجازات مانده‌اند.

ثانیاً تزايد دائمی دعاوی خسارتهایی که به مال‌التجاره در راه تجارتی وارد شده است؛ چنانچه در سنه ۱۹۰۹ در فارس تنها میزان آن از ۶۰۶۰۹۳ تومان الی ۵۷۰۶۳۸ بوده است.

ثالثاً تکثیر و زیاد شدن حساب خسارتهایی که عمداً به خطوط تلگراف اداره هند و اروپا وارد می‌شود چنانچه امساله تا به حال میزان آن به قریب دو برابر سال گذشته بالغ شده است و مهمتر از آن مخاطرات جانی و مالی است که دائماً بر غلامان تلگراف مأمور سیم وارد می‌شود و بالاخره استنکاف و استیغاش طبیعی غلامان از بیرون رفتن برای تعمیر، معمور بودن خط تلگراف و جریان مخابرات را تهدید می‌نماید.

موقع آن رسیده است که دولت ایران زور و کفایت خود را در استقرار و حفظ نظم بروز دهد و یا آنکه رضایت دهد بوسیله سپاه انگلیس مقصرین عمده تنبیه و مجازات شوند و اگر در این صورت شرکت و همدستی سپاه ایران نیز لازم

و صلاح باشد آن قوه هم به کار رزده خواهد شد.

در صورتی که دولت ایران خود به تنهایی اهتمام کرد و نتیجه حاصل نشد آن وقت اردوی انگلیس مخصوص تنبیه و سرکوبی اشرار پیاده خواهد شد.

(۶) به عقیده من طایفه‌ای که باید اختصاصاً مورد تنبیه واقع شوند همانا طایفه بویراحمدی کهکلویه [کهگیلویه] است زیرا که در سال اخیر قتل و غارتگری آنها به شیاع رسیده و در این راه شهرت زیادی حاصل کرده‌اند و تنبیه شایانی از آنها یقیناً در طوایف غارتگر دیگر اثرات متناسبی حاصل خواهد کرد.

به خانه و محل اقامت آنها که در حدود بهبهان است بالنسبه از طرف دریا می‌توان دست یافت. يك اردویی می‌تواند از این خاک پیش برود و برجهای آنها را خراب نماید و احشام آنها را یا اسیر و یا تلف نماید بدون اینکه این اعمال مستلزم مخافت و ضدیت طایفه دیگری گردد ولی مع هذا چنانچه ذکر شد در تنگنا گرفتن آنها امر مشکلی است و محتمل است که به هیئت اجماع به خاک بختیاری یا قشقایی رفته و یا آنکه به سمت یزد حرکت کنند. عقب کردن آنها را در هر يك از جهات فوق من پیشنهاد و توصیه نمی‌کنم ولی اقامت طولانی آنها در هر يك از این نقاط یا با هر يك از این ایلات یقیناً باعث مزاحمت کلی آن مردم با ایلات خواهد شد به طوری که خود آنها حاضر خواهند گردید به ما خدمتی بکنند که نسبت به یکدیگر نخواهند کرد به این معنی که واردین را مجبور می‌کنند که تسلیم و تفویض شوند و مخصوصاً اگر از طرف دولت انگلیس هم تهدید تهاجمی بشود.

(۷) البته ایران مملکتی است دائماً متغیر به تغییرات لایتناهی و ممکن است که در ظرف چند هفته بهبودی غیر مترقبه در امور حادث شود ولی تکلیف خود می‌دانم که تأکید کنم که علایم این چنین تغییری ایداً مشهود نیست و به این جهت آنچه را که به عقیده خود یگانه وسیله ممکن برای دایر داشتن تجارت و تردد انگلیسها بدون اینکه در معرض مخاطرات کلی مالی و جانی باشند می‌دانستم، پیشنهاد نمودم.

در خاتمه خاطر نشان می‌کنم که اگر لزوم اقدامات عملی را تصدیق کردید هرچه زودتر اقدام بشود بهتر خواهد بود زیرا که در هر دفعه دزدها دزدی می‌کنند، هم اسلحه‌شان بهتر شده هم جسورتر و هم ترتیبشان منظم‌تر می‌شود.

بنده ... بیل

ملفوظه ۲ در نمره ۲۸

بیانات چاروادار

من با يك قافله‌ای که شامل ۶۲ قاطر و ۱۰ الاغ بوده از بوشهر به شیراز آمدم. در احمدی از هر کمندی ۱۲ قران گرفتند (کمندی ۲۵ قاطر)، و جو را از قرار ۲ قران پنج شاهی به ما فروختند در صورتی که قیمت معمولی محل سی شاهی بوده است. در برازجان بشرح ایضاً در دالکی بهمچنین. باضافه گاه به قیمت ۲ قران فروخته شد در صورتی که قیمت محل ۱۰ شاهی بوده است و در سر پل دالکی از کمندی

چهار قران گرفته شد. در کنار تخته و کمارج هیچ تحمیل بی‌حسابی نشد ملاخورشید خوب رفتار می‌کند. در کازرون بشرح ایضاً هیچ تحمیلات غیر مشروعی در این سمت کازرون کرده نشد.

در ساعت يك به ظهر به برج سینه سفید رسیدیم. ۱۴ تفنگچی از دشت ارژن و دو نفر سرباز و يك سوار فتح‌الملک همراه ما بودند.

دزدها از برج تا چشمه مروارید برآمدگیهای بالای راه را گرفته بودند. تیر اول در جلو قافله خالی شد يك سوار کشته شد. تفنگچیها که نیز در جلو بودند فرار کرده و دزدها از اطراف سمت عقب قافله را احاطه کردند، تمام قافله را لخت کرده بردند و ما را کتک زده و لخت کردند و یکی از چاروادارهای همراه مرا با خود بردند و او را تا نقطه‌ای که سه فرسنگ از پل زنیان فاصله دارد و موسوم است به «هفت پر مخودیان» برده و در آنجا دستهای او را بسته و گذارده‌اند. مقصودشان از بردن او کمک در راندن و حفظ قاطرها بوده است.

خسارت شخص من ۴۵ قاطر و ۲ الاغ و ۱۰۰ تومان با تمام لباسهایم بوده. در واقع آنچه داشتم بردند.

دزدهای مذکور فرقه‌ای از بویراحمدی که موسوم به طهمورثی هستند می‌باشند اینها دشمنهای کریم‌خانند و تا هنگامی که او زنده بود در خاک بختیاری سکنا داشتند. از سال گذشته به سمت مشرق حرکت کرده‌اند. رئیس آنها کینا محمدعلی است و جدیداً با معاونت ملا قباد در خاک بختیاری غارتی کرده ۱۲۰۰۰ گوسفند برده‌اند.

بارهای ما بیشتر مال‌التجاره قماش بوده بویراحمدیها آنها را اکثر در اردکان و پهبهان به فروش می‌رسانند. فقط طریقی که می‌توان با آنها معامله و مقابله کرد این است که بختیاری و صولت‌الدوله با یکدیگر متفقاً اقدام نمایند. طایفه بویراحمدی می‌توانند ۱۰۰۰۰ نفر تهیه نمایند که عده کمی از آنها سواره‌اند. هر يك از آنها مقابل با يك قشقای و ۱۰۰ نفر از ساکنین دیگر فارس می‌باشند.

۴ قلعه محکم دارند که بدون توپ گرفتن آنها ممکن نیست. يك نفر قشقای نیز جزء دزدها دیده شد.

رؤسای سارقین معروف بویراحمدی فعلاً «کاظم‌قره» «ملا علی پناه»، «کینا حاصل» می‌باشند. کلیه آنها دارای تفنگهای مارتین زیادی و يك عده تفنگهای مکنز می‌باشند. از هنگام فوت کریم‌خان از زراعت و رعیتی بکلی دست کشیده‌اند و هیچ خانه و علاقه‌ای ندارند.

از کریم‌خان ۲ پسر ۶ ساله و ۷ ساله مانده است. رئیس فعلی این طایفه شکرالله است که برادر مادری کریم‌خان است. عقیده عمومی آن است که مشارالیه موقتاً شاعل این مقام است تا آنکه پسرهای کریم‌خان بزرگ شوند.

سؤال از چاروادار — آیا ممکن است که آنها را بوسیله نفروختن متاع به آنها تادیب و تنبیه کرد؟

جواب‌چاروا دار - خیر چونکه نه شاهی است و نه حاکمی. ما مجبوریم که بادردها راه برویم زیرا اگر کسی هر چه می‌خواهند به آنها ندهد بالاخره او را خواهند کشت.

نمره - ۲۹

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (مورخه ۱۴ فوریه)
از طهران ۲۶ ژانویه ۱۹۱۰ [۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۴ محرم ۱۳۲۸]
آقا

در مدت چهار هفته اخیر در طهران اتفاقی که مخصوصاً قابل ذکر باشد نبوده. دولت با يك التهایی هنوز منتظر جواب ما راجع به امر استقراض می‌باشد و بحسب ظاهر چنین معلوم است که هیئت وزراء فعلیه ابقاء یا انفصال‌شان از کار، منوط به این جواب ما می‌باشد.

اینکه کار دولت بدون داشتن سرمایه تا حدی فعلاً پیش می‌رود بیشتر بواسطه نفوذ و حیثیت دو سردار فاتح انقلاب سپهدار و سردار اسعد که فعلاً رئیس‌الوزراء و وزیر داخله هستند می‌باشد و الا اگر کابینه بدون عضویت آنها تشکیل شود معلوم نیست که تا چه اندازه بتوانند همین اقتداری را که فعلاً دولت مرکزی داراست حفظ نمایند.

در سمت شمال در ظرف چهار هفته گذشته تمام توجه مصروف و مرکوز عملیات جنگی اردوی دولت که در تحت فرمان سردار بهادر پسر سردار اسعد و پیرم است، با رحیم‌خان بوده.

در این عملیات اردوی دولت کلیتاً فاتح و منصور بوده و رحیم‌خان ظاهراً دچار ابتلای سختی شده زیرا که از قنصل ژنرالهای روس و عثمانی مقیم تبریز درخواست حمایت و تأمین نموده و از قرار مذکور قنصلوها از پناه دادن به مشارالیه امتناع نموده‌اند ولی دولت ایران در اضطراب و التهاب است که مبادا آن راهزن یاغی شکست خورده خود را به یکی از قنصلخانه‌های خارجی برساند و او را به عنوان تحسن بپذیرند.

اوضاع فارس موافق راپورت جالب توجهی که از قنصل شیراز رسیده و لفا ارسال می‌دارم تفویض به اراده صولت‌الدوله است.

فعلاً تردد بین شیراز و بوشهر در عهده تعطیل است. دولت نتوانست که ایلخانی مشارالیه را متقاعد نماید که حفظ راه بزرگ رسمی را به عهده گیرد. علی‌هذا راه مزبور به کلی مسدود است و اگرچه صولت‌الدوله قراری با تجار داده است که امنیت راه جره را ضمانت نماید ولی نظر به اینکه ایالت تاکنون این قرارداد و تعهد را امضاء نکرده تردد تجارت تا به حال از این راه نشده و تجار می‌ترسند که دولت مسئولیت هیچ خسارتی را به عهده نگیرد.

در هر حال اوضاع ممکن است تا مدتی بواسطه وصول خبر تعیین حکومت جدید بهتر شود.

علت انفصال سهام الدوله را شکایتهایی که از شیراز در خصوص سختی وضع حکومتش شده می‌دانند. در اینکه سبب انفصال حقیقتاً این بوده یا نبوده نمی‌دانم ولی بواسطه خصومت و اختلافی که بین مشارالیه و صولت الدوله تولید شده و دولت نمی‌توانست در این موقع از او تقویت نماید حکمرانی مشارالیه غیر مطلوب واقع گردید.

نظر به دلایلی که مشهود است می‌توان امید داشت که صولت الدوله با شاهزاده فرمانفرما ایالت جدید برخلاف آنچه با حکومت سابق عمل می‌کرد موافقت و معاضدت در حفظ انتظام بنماید.

جز در آذربایجان و فارس در سایر ولایات هیچ اتفاقی که چالب ذکر و توجه مخصوصی باشد نیفتاده است.

بنده ... بارکلی

نمره - ۲۰

مراسله سر چرج بارکلی به سر ادرارد گری (واصله ۱۴ فوریه)
از طهران ۲۸ ژانویه ۱۹۱۰ [۸ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۶ محرم ۱۳۲۸]
آقا

افتخار دارم از اینکه خلاصه ماهیانه وقایع ایران را که متعلق به چهار هفته گذشته است لفا ارسال دارم.

بنده ... بارکلی

تبریز

اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر و پیرم در آخر ماه دسامبر پسر رحیم‌خان و قراجه‌داغیها را شکست فاحشی داده و مستط‌الرأس رحیم‌خان یعنی اهر را تصرف نمودند. پس از چند روز به قراجه‌داغیها مدد رسیده مجدداً مراجعت و به اهر حمله بردند. قشون دولت برای جلوگیری از شهر خارج شده و با آنها در میدان تصادف و تقابل نموده و پس از کشتن سی نفر، آنها را عقب نشاندند. از طرف قشون دولت يك نفر مقتول و چهار نفر مجروح شدند. قراجه‌داغیها به سمت شمال منتهزم گردیدند.

در تاریخ دهم ژانویه دفعه دیگر قراجه‌داغیها به عده زیادی در تحت حکم پسر رحیم‌خان از اطراف هجوم به اهر آوردند این دفعه نیز شکست خورده و با تلفات زیاد فرار نمودند. قشون دولت تا بیست میل آنها را تعاقب نمودند. از طرف دولت در این جنگ و مقاتله ده نفر مقتول شدند. اسب سردار بهادر تیر خورده و

مختصر زخمی نیز به يك پای خودش وارد شد.
این شکست آخر ظاهراً قوای رحیم‌خان را کاملاً در هم شکست چنانچه مشارالیه
برای حصول تأمین و حمایت قنسولگریهای روس و عثمانی اظهار نموده است.

مشهد

مشهد در سکونت و آرامی باقی‌بوده و محتمل است که شاهزاده رکن‌الدوله در
حکومت باقی باشند.

اصفهان

در تاریخ ۵ ژانویه سردار اشجع بختیاری به قنسول ژنرالهای دولتی انگلیس
و روس رسماً اطلاع داد که ایشان به سمت حکمرانی اصفهان معین شده‌اند.
مستر گراهام ژنرال قنسول انگلیس در تاریخ ۷ مشارالیه را ملاقات نموده و
مذاکرات نمودند.

سردار اشجع در خصوص راه بختیاری اظهار داشته که من و تمام خوانین
مصمم می‌باشیم که برای مفتوح و دایر داشتن آن راه در مدت زمستان آنچه ممکن
است بنماییم و بعلاوه در بهار شروع بساختن کاروانسرای صحیح و مناسب در
آن خط خواهیم کرد. دیگر اظهار داشت که ما در ابتدای امر اهمیت این راه را درک
نکرده بودیم فقط امتحانی کردیم حال که بر ما اهمیت آن مکشوف و محقق گردیده
اجتماعات و اقدامات بزرگتری خواهیم کرد.

مستر گراهام برای ایشان تشریح کرد که ساختن بناهای مستحکم نظر به اینکه
مصارف تعمیر کمتر لازم دارد برای خود آنها صرفه خواهد داشت.
سردار اشجع اظهار نهایت خصوصیت و دوستی را با «لفتنانت رتکینگ» و
«مستر رتلا» نموده است.

وضع اصفهان کماکان بی‌صدا و منظم بوده است ولی در تاریخ ۲ ژانویه اجماع
زیادی هیجان و نمایش بر ضد انجمن ولایتی نمودند. قسمتی از این هیجان مربوط
به نظارت تحدید فروش تریاک و قسمتی دیگر بر علیه [= علیه] جمع‌آوری بعضی
مالیاتهای عقب‌مانده بوده است. نتیجه این اقدامات این شد که اجرای قواعد و
نظامات تحدید تا حدی اغماض شود و جمع‌آوری مالیات مزبور به کلی متروک گردد.
کپک‌کوها [کپگیلویه‌ای‌ها] بمحض اینکه سرما شدت کرد از راهها دست
کشیده [اند] و به این جهت راهها نسبتاً امن‌تر از چندی قبل شده است. قوافل از
تمام طرق تردد می‌گردد و از تاریخ ۲۱ دسامبر دیگر دزدی راپورت داده نشده است.

یسزد

شهر و اطراف منظم بوده ولی تجارت هنوز رواجی ندارد. تجار تا آنکه اطمینان
از دوام و استحکام اساس جدید حاصل نساینند از شروع بکار و تجارت خائف‌اند

لہذا چند قافلہ فقط حرکت می‌کند ولی راه‌ها بالنسبہ امن است.
انجمن ولایتی نظر بہ مخالفت علماء از قبول عضویت یک نفر نمایندہ زردشتی
(چنانچہ در قانون مقرر است) امتناع می‌نمایند. زردشتیہا ضمناً قوای خود را صرف
مشاجرات بین خودشان می‌نمایند.

سلطان آباد

از راپورتہای واصلہ چنین مستفاد می‌شود کہ حکومت بروجرد امیر سیف‌الدین
میرزا کاملاً بی‌قدرت است و هیچ پولی کہ بہ قشون و استعدادش بدهد ندارد.
لہذا عدہ زیادی از آنها فرار کردہ‌اند. علماء با مشارالیه مخالفت دارند و ہر
حکم و اعلانی کہ صادر می‌نماید فوراً می‌کنند و پارہ می‌کنند. نایب‌الحکومہ‌هایی کہ
از طرف او بہ بلوکات و محال جزء فرستادہ شدہ‌اند تماماً مجبور بہ مراجعت بہ
بروجرد شدہ‌اند.

بیم آن می‌رود کہ اگر حاکمی با استعداد و پول فرستادہ نشود طوایف لرستان
در بہار این حدود را خراب و غارت نمایند.

کرمانشاہ

بواسطہ انتظار ورود نظام‌السلطنہ حاکم جدید، شہر ساکت بودہ و سرقتی
واقع نمی‌شود. حکومت در تاریخ ۵ ژانویہ وارد و حاکم سابق در دویم بہ طرف
طہران عزیمت نمود. قوافل از تمام طرق حرکت می‌کنند.

کرمان

شہر و اطراف ساکت است. بین دولت و ایالت تبادل نظریات و مذاکرات
شدہ کہ بہترین وسیلہ برای جلوگیری بلوچہا چہ خواهد بود. ظاہراً ایالت تقاضای
وجہ نمودہ و استعدادی تمہیہ کردہ کہ در مقابل آنها بفرستد. دولت در جواب گفتہ
است کہ اگر مشارالیه نمی‌تواند طوایف بلوچ را مطیع نمودہ و مالیات را از آنها
بگیرد دولت شخص دیگری را در نظر دارد کہ این اقدامات را بہ عہدہ می‌گیرد.
قوام‌الملک در جواب خواہش نمودہ است کہ استعفای او را قبل از نوروز قبول
نمایند زیرا کہ دولت ظاہراً نمی‌داند کہ بلوچستان فعلاً بکلی مستقل و در تحت
فرمان سردار سعیدخان و بہرامخان وجہیند تقسیم بہ سه قسمت شدہ است مع
وجود ذالک اگر دولت در دادن پول مساعدت نماید حاضر است نہایت اہتمام را کردہ
بہ ہم و زیکان پرود و بہ یک ترتیبی طوایف بلوچ را مطیع نماید.

شیراز

مسئلہ‌ای کہ در این ماہ جالب اہمیت بودہ همانا مسدود بودن راہ بوشہر برای
تردد قوافل بودہ است کہ از اثر اختلافات بین صولت‌الدولہ و ایالت حادث

شده است.

صوالت الدوله تکالیف شاقه از قبیل دادن بعضی حکومتها برای تعهد حفظ راه معمولی کازرون نموده نظر به اینکه تکالیف و تقاضای او قبول نگردیده راه چره را برای حرکت قواقل پیشنهاد نمود و امنیت آن را ضمانت کرد ولی چون ایالت از تصویب این قرار و تعهد امتناع نمود تجار از بکسار بردن این راه استنکاف نمودند.

ضمناً سهام الدوله از حکومت منفصل و شاهزاده فرمانفرما به سمت فرمانفرمایی فارس معین شده‌اند و لیکن هنوز در طهران هستند.

نمره - ۳۱

مراسله سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ فوریه)
از پترزبورگ ۱۳ فوریه ۱۹۱۰ [۲۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲ صفر ۱۳۲۸]
آقا

اشعارنامه نیم‌رسمی ذیل دیروز در روزنامجات به طبع رسیده:
بعضی روزنامجات خارجه انتشار داده‌اند که دولت روس رحیم‌خان را که به خاک روس فراراً آمده است حمایت کرده و او را مورد پذیرایی مخصوص نموده است. این انتشارات جعلیات است.

رحیم‌خان که بر ضدیت دولت فعلی ایران اقدامات عملی نموده است در نظر دولت روس مقصر پلتيکی محسوب و بنا بر عادت و معمول بین الملل مقصر پلتيکی را نمی‌توان تسلیم نمود ولی برای اینکه روابط بین‌شارایه و رفقا و ایلش در ایران به کلی مقطوع باشد و از هر قسم دسیسه و اسباب‌چینی او جلوگیری شود به او حکم شده است که از حدود دور شده و در «اکونری نودره» اقامت گزینند.

بنده... آ نیکلسن

نمره - ۳۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ فوریه)
از طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که امروز وزیر مختار روس و من یادداشت متحدالمالی به دولت ایران فرستاده و شرایطی را که دولتین برای دادن ۴۰۰،۰۰۰ لیره استقراض پیشنهاد می‌نمایند اطلاع دادیم.

نمره - ۳۳

راپورت سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ فوریه)

از پترزبورگ ۱۹ فوریه ۱۹۱۰ [۳۰ بهمن ۱۲۸۸؛ ۸ صفر ۱۳۲۸]

مسیو ایزولسکی اظهار داشت که اخبار واصله از تبریز چندان خوب نیست. من خواهش نمودم که مفاد آن اخبار را برای من شرح دهید و جناب مشارالیه در جواب گفتند که ستارخان و باقرخان تولید اغتشاش می نمایند و با اینکه ایالت مایل و جاهد است که حدود آنها را محدود نگاه دارد ولی چون پول و استعدادی ندارد انجام این امر از حیز قدرت او بیرون است. بعلاوه راه بین اردبیل و تبریز معرض تهاجم و تاخت و تاز شاهسون و قطاع الطریق دیگر گردیده و قوافل از برای مراده امنیت و اطمینان ندارند. اهالی در وحشت و اضطرابند و از نزدیک بودن قشون روس که تا حدی به آنها تأمین می دهد، خوشوقت می باشند.

نمره - ۳۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ فوریه)

از طهران ۲۸ فوریه ۱۹۱۰ [۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۷ صفر ۱۳۲۸]

از موقعی که دولت ایران تقاضای استقراض را از دولتین نموده است الی حال فرقه مخالف استقراض از دولتین ظاهراً قوت گرفته و به گمان من اطمینان از قبولی شرایط پیشنهادیه نمی توانیم داشته باشیم.

از قرار مسموع دسته ای از مجلس طرح بعضی نمایشهای مالی بر علیه [= علیه] استقراض ریخته اند به این ترتیب که عریضه به امضای عده کثیری از تجار و همچنین تلگرافاتی از علماء نجف و سایر نقاط در رد آن به مجلس رسیده است ولی وزراء هنوز شرایط را اظهار به مجلس ننموده اند.

نمره - ۳۵

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۳ مارس)

از پترزبورگ ۲ مارس ۱۹۱۰ [۱۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۹ صفر ۱۳۲۸]

در موقع ملاقاتی که امروز با مسیو ایزولسکی داشتم جناب معزی الیه اظهار داشتند که وضع تبریز به نظر من ابدأ خوب و رضایت بخش نیست. بعلاوه زحمت و اغتشاش جدید در خصوص حق ماهی گیری در نزدیکی انزلی واقع شده و مأمور قنسولگری روس در این واقعه مورد توهین و بد رفتاری شده. ممکن است بحسب ضرورت دولت روس در این مسئله بعضی اقدامات کند.

دیگر اظهار داشتند که در خصوص غارتها و خسارتهایی که قراچه داغیها مرتکب بوده اند و یا راجع بقتل صاحب منصب قزاق تاکنون دولت ایران ترضیه

دولت روس را حاصل ننموده و همچنین دولت ایران برای خلع اسلحه شاهسونها قدمی بر نداشته است و چنین اعتقاد دارند که بعد از شکست رحیمخان اغتشاش و بی‌نظمی بکلی مرتفع است.

نمره - ۳۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ مارس)
از طهران ۷ مارس ۱۹۱۰ [۱۶ اسفند ۱۲۸۸: ۲۴ صفر ۱۳۲۸]
وزیر مالیه به‌مهرامی نماینده‌ای از وزارت خسارچه برای خواستن بعضی توضیحات راجع به شرایط قروض دیروز به اینجا آمده و با حضور وزیر مختار روس و خودم آن شرایط مفصلاً مباحثه و تشریح شده‌اند. وزراء اظهار داشتند که کابینه اساساً با استقراض دولتین مساعد است ولی امیدوار است اشکالاتی را که برای قبولاندن به مجلس خواهند داشت ما تسهیل می‌نماییم. وزیر مختار روس و من نیز اظهار امید کردیم که از همین توضیحات که امروز داده‌ایم مقصود حاصل شود و مشکلات مرتفع گردد.

نمره - ۳۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از قرار معلوم هیئت سندیکای بین‌الملل شرقی به یکی از کمپانیهای انگلیس تکلیف نموده و (اُپسیون) ۱ داده است که قرضی به دولت ایران بدهد. وثیقه و وسیله تأمین آن از قرار ذیل خواهد بود:
(۱) منافعی که دولت ایران از امتیاز نفت [= نفت] دارسی می‌برد.
(۲) عایدات ضرابخانه.
(۳) عایدات ادارات پست و تلگراف بعد از وضع قسمتی که در تاریخ ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ به حکومت هندوستان وثیقه داده شده است و همچنین کلیه عایدات دولت که هنوز آزادند.
خواهشمندم که مسیو ایزولسکی را از مسئله فوق مطلع سازید و پیشنهادکنید که یادداشت متعالمالی به مضمون ذیل به دولت ایران فرستاده شود:
تا هنگامی که دولت ایران قروضی را که به دو بانک انگلیس و روس و همچنین به دولتین دارد نپرداخته و تا زمانی که مذاکرات راجع به استقراض اظهاریه به دولتین در میان است دولتین وثیقه دادن هیچ محلی از مالیات و عایدات دولت ایران را در مقابل هیچ استقراضی سوای استقراض اظهاریه تصویب نخواهند نمود.

نمره - ۳۸

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ مارس)
از پترزبورگ ۱۰ مارس ۱۹۱۰ [۱۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۷ صفر ۱۳۲۸]
اخباری که از تبریز به مسیو ایزولسکی رسیده موجب اضطراب خاطر است.
از قرار مذکور پیروان باقرخان و ستارخان به همراهی فداییهای قفقازی که با
پیروان هستند در خیال هجوم به باتکهای روس و غیره می‌باشند. بعلاوه مذکور است
که از ماه نوامبر گذشته عده قشون روس در تبریز و اطراف بواسطه آنکه جمعی از
آنها که موعد خدمتشان منقضی شده مراجعت نموده‌اند بالغ به پانصد هم نمی‌شود.
از این عده ناچار يك قسمت جنگی نخواهند بود و فقط نصف این عده در تبریز
متوقف‌اند.

مسیو ایزولسکی پس از دادن این اطلاعات به من اظهار نگرانی و اضطراب
زیادی نمودند که مبادا این عناصر متمرده خیال خود را به موقع اجراء گذارند.

نمره - ۳۹

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ مارس)
از پترزبورگ ۱۱ مارس ۱۹۱۰ [۲۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۸ صفر ۱۳۲۸]
امروز بر حسب دعوت مسیو ایزولسکی به ملاقات ایشان رفتم. جناب معزى‌الیه
اظهار داشتند که اطلاعات واصله از تبریز بیش از پیش موجب نگرانی و اضطراب
خاطراند لهذا به وزیر مختار روس در طهران تلگرافاً [= تلگرافی] دستورالعمل
داده شد که به دولت ایران اصرار نماید که بدون فوت وقت اقدامات سریعه
برای مطیع کردن و جلوگیری ستارخان و باقرخان به عمل آورند و خاطرنشان
نماید که اگر در این امر کوتاهی شود دولت روس خود ناچار اقدام و عمل
خواهد نمود.

نمره - ۴۰

تلگراف سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ مارس)
از طهران ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف سر آ. نیکلسن مورخه ۱۰ مارس
قنصل دولتی فخمیه از تبریز تلگرافی به مضمون ذیل مخابره می‌کند:
«ما بین بعضی طبقات مردم برضد حضور قشون روس هیجان و غلیانی حادث
شده و قنصل روس خوف دارد از اینکه اتفاقاتی بیفتد. به عقیده من این خوف
بکلی خالی از مأخذ و احساس نیست و اگر قسمتی از قشون دولتی که فعلاً در
اینجا است ممکن شود باقی باشند بهتر است زیرا که در آن صورت ایالت خواهد

نوانست از اوضاع جلوگیری نماید و مخالفین جرئت اقدام به عملی نخواهند کرد. علاوه بر این ایالت به من اطلاع داد که حالیه امید آن است که ستارخان و باقرخان عملاً قریب به طرف پایتخت عزیمت نمایند».

این بود تلگراف تبریز ولی وزیر داخله اظهار داشت که ایالت آذربایجان دارای استعداد کافی است و احتمال بروز هیچ اغتشاشی را هم نمی‌دهد. بعلاوه ستارخان و باقرخان عازم طهرانند.

نمره - ۴۱

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ مارس)
از پترزبورگ ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف جنابعالی مورخه ۸ مارس مسیو ایزولسکی به من اطلاع دادند که جناب ایشان و وزیر مالیه در نظریات شما تصدیق و شرکت دارند. .
لهمذا به وزیر مختار روس در طهران دستورالعمل داده شده است به طوری که تعلیم داده شده با وزیرمختار انگلیس متفقاً به دولت اخطار نمایند.

نمره - ۴۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه انگلیس مورخه ۱۲ مارس ۱۹۱۰ [۲۱ اسفند ۱۲۸۸؛ ۲۹ صفر ۱۳۲۸]
یادداشتی به مضمونی که در تلگراف ۸ مارس خودم به پترزبورگ (جمله آخر) معین کرده‌ام خطاب به دولت ایران نمایید. اجازه دارید که با مسیو پاکلوسکی در این امر متفقاً عمل کنید.

نمره - ۴۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (مورخه ۱۳ مارس)
از طهران به تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۱۰ [۲۲ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱ ع ۱ - ۱۳۲۸]
باکمال افتخار راپورت می‌دهم که یادداشتی به دولت ایران فرستاده‌ام و تقاضای وزیرمختار روس را که راجع به اخراج ستارخان و باقرخان از تبریز و خلع اسلحه پیروان آنها بوده تأیید نمودم.

نمره - ۴۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۳ مارس)
از طهران ۱۳ مارس ۱۹۱۰ [۲۲ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف ۱۳ مارس خودم:

قنصل دولتی فخمیه در این امر تأکید بلیغ می‌نماید که ستارخان و باقرخان باید از شهر تبریز اخراج شوند و تا هنگامی که این مسئله انجام نشده امید استقرار نظم و آسایش و صلح نیست.

نمره - ۴۵

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ مارس)
از طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]
امروز من و وزیرمختار روس مراسله مشترکی که حاکی از شرایط پیشنهادیه دولتین برای دادن استقراض چهار صد هزار آیره به دولت ایران بوده متفقاً به دست ثقة‌الملک کفیل وزارت امور خارجه دادیم. اینک با کمال افتخار سواد آن را لفا ارسال می‌دارم:
در موقع تسلیم مراسله اظهار امید نمودیم براینکه شرایط مزبور که مطابق با خط مشی و پلتیکی است که دولتین نسبت به دولت ایران در قرارداد ۱۹۰۷ برای خود اتخاذ کرده‌اند مقبول دولت ایران افتد.

بنده... ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۴۵

مراسله مشترک خطاب به ثقة‌الملک
در جواب تقاضایی که دولت ایران در تاریخ ۱۳ دسامبر به سفارتین اظهار داشته‌اند دولتین انگلیس و روس حاضرند که مبلغ چهارصد هزار آیره (۱۰,۰۰۰,۰۰۰ فرانک) قرض به دولت ایران بدهند مشروط بشرایط ذیل:
(۱) پروگرام راجع به مصارف وجه استقراض به تصویب سفارتین برسد. کلیه مصارف این پروگرام در تحت کنترل هیئت کمیسیون خواهد بود که مرکب باشند از مستشار مالیه و مدیرکل گمرکات (در صورت غیبت نمایندگان آنها) و دو نفر از اعضای مجلس و دو نفر دیگر از مأمورین ایرانی کلیه در تحت ریاست وزیر مالیه. هیچ مخارجی نمی‌شود مگر آنکه حواله‌ای بر طبق آن صادر شود که به امضای وزیر مالیه با موافقت کمیسیون کنترل و وزیری که مخارج مربوط به اداره او است قبلاً رسیده باشد.
(۲) پروگرام مصارف را سفارتین تصویب نخواهند کرد مگر اینکه شامل ماده استخدام هفت نفر مستخدمین فرانسوی برای وزارت مالیه بوده باشد.

این مستخدمین دارای اختیارات اجراییه بوده و استخدامشان مطابق لایحه‌ای که مستشار مالیه ترتیب داده و تقدیم دولت کرده خواهد بود. بهمچنین وظایف آنها موافق دستوری است که با مساعدت مستشار مالیه نوشته شده و به تصویب مشارالیه خواهد رسید.

قبل از اینکه دولت ایران رسماً تقاضای استخدام آن مستخدمین را از دولت فرانسه بنماید هیچ قسمتی از وجه استقراض تأدیه نخواهد شد.

۳) پروگرام مزبور بهمچنین تصویب نخواهد شد اگر ماده‌ای در خصوص تشکیل قوه کافی برای حفظ و تأمین طرق و روابط تجارتنی را شامل نباشد. دولت ایران باید متعهد شود که بهر زودی که ممکن است معلمها و مشاقهای خارجه به خدمت بطلبند ولی برای هیچ قوای مسلحی هیچ مشاق و معلم خارجی مستخدم نخواهد کرد مگر اینکه استخدام آن به تصویب دولت روس و انگلیس برسد.

۴) دولت ایران متعهد شود که هیچ امتیازی برای ساختن راه آهن در ایران ندهد مگر اینکه قبلاً حق تقدم آن امتیاز را به دولت انگلیس و روس تکلیف نماید. این حق تقدم درموردی که امتیاز ساختن و دایر کردن راه آهن به تبعه دولت علیه داده می‌شود و منحصرأ با سرمایه داخلی ساخته می‌شود اعمال نخواهد شد بشرط اینکه موافق پسند و رضایت دولتین انگلیس و روس ثابت گردد که آن سرمایه حقیقتاً از داخله است.

۵) امتیاز کشتیرانی دریایچه ارومیه به شرکت راه تبریز و جلفا داده شود. اگر دولت انگلیس و روس بدادن استقراض بزرگی که دولت ایران درخواست نموده است قبولی و رضایت دادند این مبلغ که فعلاً تأدیه می‌شود مساعده و قسط اول آن استقراض محسوب خواهد شد ولی اگر استقراض بزرگ قبول نشد این قرض با منافع صدی هفت باید در ده قسط متساوی سالیانه مستهلك شود. محل تأدیه و ضمانت اقساط از عایدات گمرک خواهد بود و در صورت عدم کفایت عایدات مزبوره عایدات ضرابخانه بقیه را تأمین و ضمانت می‌نماید.

طهران ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸؛ ۵ صفر ۱۳۲۸]

نمره - ۴۶

قسمتی از راپورت سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ مارس)

از طهران ۲۴ فوریه ۱۹۱۰ [۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۸]

افق اوضاع آذربایجان از اثر اضمحلال رحیمخان روشن‌تر است ولی در تبریز هنوز ستارخان و باقرخان مایه اضطراب خاطرند و موافق راپورت کفیل قنسول ژنرال دولت فخمه تا هنگامی که رفع این دو نفر نشده اکثر ازاروپاییان از عزیمت قشون روس از تبریز در خوف و هراسند.

در ولایات اردبیل بنا به اظهار وزیر داخله شاهسونها تسلیم شده و وعده

داده‌اند که اموالی را که در طغیان اخیر غارت کرده‌اند مسترد دارند. اطلاعات واصله از فارس ابدأ خوب نیستند، از قرار معلوم قوافل بین شیراز و بوشهر از راه جره تردد می‌نمایند ولی امنیت این راه منوط به میل صولت‌الدوله است و مطابق دلخواه بلکه به حکم مشارالیه بوده که دولت راه جره را بعوض راه رسمی کازرون برای تردد قوافل قبول کرده و امنیت آن را تعهد کرده است. وضع دخالت صولت‌الدوله اطمینان‌بخش نیست و راپورتهای جدید حاکمی بر این‌اند که رؤسای ایلات در فارس عموماً مخالف با نفوذ بختیاری در امور دولت می‌باشند و از آن تاریخ تلگرافی از کفیل ژنرال قنسول مقیم بوشهر رسیده مشعر بر اینکه بعضی اغتشاشات به دست صولت‌الدوله در شرف تولید است و ممکن است مقصد اغتشاش ضدیت با نفوذ و اقتدار کاملی باشد که بختیاری از ابتدای انقلاب تحصیل کرده. در این موضوع «مسجیر ترور» [میجر ترور؟] اطلاع می‌دهد که رؤسای طوایف کهکلو [کهگیلویه] با قشقایی هم خیال و شریک‌اند. خیال و نقشه صولت‌الدوله هر چه باشد اوضاع فارس ظاهراً بسته به میل اوست و دولت ایران با حالت حالیه امید مطیع و محدود کردن او را نمی‌تواند داشته باشد.

نمره - ۴۷

براساس سرچج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ مارس)
از طهران ۲۵ فوریه ۱۹۱۰ [۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۸]
آقا

با کمال افتخار خلاصه معمولی ماهیانه را که حاوی وقایع ایران برای چهار هفته گذشته می‌باشد لفا تقدیم می‌دارم.
بنده ... ج بارکلی

ملفوفه در نمره ۴۷

خلاصه وقایع ایران متعلق به چهار هفته گذشته که منتهی به ۲۵ فوریه ۱۹۱۰
[۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۱۴ صفر ۱۳۲۸] می‌شود.

طهران

سفارتین انگلیس و روس شرایطی را که دولتین برای دادن استقراض
۴۰۰،۰۰۰ لیره متفقاً پیشنهاد نموده‌اند به دولت ایران اطلاع دادند.

مجلس

وزیر مالیه در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۱۰ [۹ بهمن ۱۲۸۸؛ ۱۷ محرم ۱۳۲۸]

لایحه راجع به استخدام هفت نفر مستخدم خارجه برای وزارت مالیه کسه حقوق آنها کلیه ۵۷۲۴۰ تومان خواهد بود (۱۱۰۰۰ لیره) پیشنهاد مجلس نمود بالاخره مسئله راجع به کمیسیون مالیه مجلس گردید.

در تاریخ ۵ شهر حال [۱۶ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۴ محرم ۱۳۲۸] مجلس علاءالسلطنه وزیر خارجه را در خصوص حضور دائمی قشون روس در ایران استیضاح نموده چندین نفر از وکلاء حرارت و تشدد فوق العاده بروز داده اند. اهمال وزیر خارجه را در کمال سختی تنقید و تقبیح نمودند جوابهایی که وزیر خارجه و معاون وزارت خارجه در این موضوع داده اند به نظر مجلس مسکت و رضایت بخش نبود. بالاخره در موقعی که از مجلس رأی خواسته شد رأی عدم اعتماد دادند.

این رأی که بمنزله خلع علاءالسلطنه بود باعث شد که مشارالیه از آن روز به بعد مقام وزارت خارجه را ترك نموده و در همان شب به سفارتین اطلاع داده شد که علاءالسلطنه استعفاء کرده و وزارت خارجه در تحت مسئولیت ذقة الملك معاون خواهد بود.

در تاریخ ۲۰ شهر حال وزارت جنگ بودجه چهار ماهه را که منتهی به ۲۱ مارس آینده می شود پیشنهاد کرده در مجلس قرائت و تصویب شد. چند فقره مطالب راجعه به امورات محلی و داخلی که چندان اهمیت نداشتند نیز در طی جلسات مجلس مورد بحث گردیدند.

تبریز

در تاریخ اول فوریه ۱۹۱۰ [۱۲ بهمن ۱۲۸۸؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۸] اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر و یفرم و صمدخان و باقرخان که در اهر جمع شده بودند در نزدیکی محل مزبور به استعداد رحیم خان هجوم آورده و شکست فاحشی داده اند. رحیم خان منهزم گردید، سردار بهادر و یفرم به تعاقب او رفتند مع ذلك مشارالیه فرار کرده و به همراهی بعضی از اقوام و خانواده خود بسلامت خود را به خاک روسیه رسانیدند.

دو عراده توپ و هشت بار قورخانه و اشخاصی که در قید رحیم خان بودند به دست قشون دولت که او را تعاقب می کردند افتادند.

تمام رؤسای قراجه داغ و شاهسون که از جمله آنها کریم خان برادرزاده رحیم خان است، با دولت صلح نمودند و از قرار راپورت رحیم خان مقصدار زیادی از مال التجاره غارت شده به همراه خود برده است.

رشت

آرامی در این محل فرمانروا بوده است. داوطلبان ملی را خلع اسلحه کردند و ۲۰۰ نفر از فوج خلیج ساخلوی شهر است.

مشهد

در مشهد و خراسان نظم و سکونت غلبه داشته است. از قرار معلوم عنصر مذهبی مشغول تهیه قوای خویش است که بر ضد اوضاع جدید اقدام و کوشش نمایند لیکن ایالت جدید بر موافقت و مساعدت نمایندگان ملیون که از طهران آمده‌اند عمل می‌نماید و محتمل است که در مقام خود باقی‌بماند.

تربت حیدری

در تاریخ ۳۱ دسامبر استعداد حکومت به قلعه سالارخان موسوم به «الیغ» هجوم آورده سرکرده قشون دولت در اوایل جنگ جراحت کمی برداشت. بنابراین قشونی که در تحت فرمانش بودند دست از جنگ کشیدند. زن و بچه‌های سالارخان اسیر و محبوس‌اند.

اصفهان

تشاجرات بین مأمورین محلی مکرر و زیاد بوده ظاهراً باعث این مشاجرات علماء محل‌اند که برای حفظ نفوذ خود در جد و جهد و کوشش‌اند و لیکن اطلاعات اخیر مشعر بر این‌اند که آقا نجفی و دو پسرش مشغول تهیه‌اند که از اصفهان خارج شده و به کربلای معلّا مشرف شوند و مایل‌اند که املاک و متعلقات وسیعه خود را در تحت حمایت خارجه بگذارند.

در تاریخ ۱۷ فوریه [۱۶ بهمن ۱۲۸۸: ۲۴ محرم ۱۳۲۸] پنجاه شصت نفر سید شروع به اغتشاش نموده و دکاکیں بازار را بزور بستند و بر ضد انجمن فریاد بلند نمودند. سوارهای بختیاری مأمور به باز کردن دکاکیں شده‌اند و سادات را مجبور کردند که پی کار خود بروند. پس از آن چار زده شد هرکس دکان ببندد اموال او غارت شده و جان‌ش در معرض خطر خواهد بود. مقصود از اقدام و غوغای سادات این بود که بر ضد رئیس نظمیه که کاغذ آقا نجفی را راجع به استخلاص يك نفر محبوس پاره کرده و برای خود آقا عودت داده بود پروتست نمایند.

در تاریخ ۱۷ فوریه [۲۸ بهمن ۱۲۸۸: ۶ صفر ۱۳۲۸] يك نفر آخوندی که با پلیس نزاع کرده بود اتمامی برای بستن بازار نمود این مرتبه نیز بزور مأمورین دکاکیں باز شدند.

در نیمه اول فوریه تمام راه‌های اصفهان امن بوده و پست‌ها منظمآ وارد می‌شدند و تا تاریخ ۱۶ فوریه راه شیراز خالی از اغتشاش بوده ولی در آن تاریخ ۴۰ نفر دزد که از قرار مزبور کهکلوئه [کهگیلویه‌ای] بودند در ارچینی سرقت نمودند. در این تاریخ از قرار تقریر مأمورین پست، راه بین ارچینی و شیراز خیلی ناامن بوده است ولی طرق دیگر خالی از بی‌نظمی بوده‌اند.

یزد

شهر ساکت بوده بهمچنین در راهها به استثنای راه کرمان که در اواخر فوریه چندین دزدی در آن واقع شده امنیت بوده دزدهای این راه که از قرار مذکور تولکی و چهارراهی و پا قلعه و لشنی اند در تحت ریاست فضلعلی و گنجعلی می باشند. در راه بین یزد و انار تردد می نمایند. حکومت اظهار می دارد که استعداد برای پاک کردن و تأمین راه فرستاده شده است.

بعلاوه حکومت جدیداً اظهار داشتند که مقام فعلی ایشان برای ایشان کوچک است و شاید در ظرف دو ماه آینده یکی از برادرزاده هاشان شاغل و قایم این مقام خواهند شد.

کرمانشاه

حکمران جدید نظام السلطنه در تاریخ ۸ ژانویه [۱۷ دی؛ ۲۵ ذی حجه] با ۱۰۰ سوار و ۵۰۰ سرباز وارد شدند و در آخر ماه ۲۰۰ نفر سوار سنجابی و نانه کلی نیز به او ملحق شدند و ۲۰۰ نفر در خود محل گرفته و مشغول مشق به آنها هستند. اقدامات حکومت تاکنون در شهر انتظام را حفظ نموده ولی برای اینکه با بعضی از مرتکبین عمده اغتشاش و بی نظمی بسختی و قدرت معامله نشده محتمل است که از اقتدار و نفوذش کاسته شود و از حیث خالی بودن خزانه نیز دوچار اشکال است.

در اوایل فوریه حکومت سالار مسعود رئیس گوران و حاکم قصر شیرین را احضار نمود که با فوج خود و مالیات در شهر حاضر شود در جواب متعذر به این عذر گردید که چون مسئول به حفظ حدود هستم اطاعت امر را نمی توانم کرد. حکمران مجدداً او را احضار نمود و از آن به بعد سالار مسعود با داودخان رئیس کلهر در مشاوره است.

داودخان به مستحفظین راه قصر شیرین حکم کرده که دیگر از قوافل پول بی حق نگیرند و تعدی نکنند. اکثر راهها امن اند ولی چندین فقره دزدی در بین راه کنگاور و همدان راپورت داده شده.

همدان

سردار ناصر زمام حکومت را در دست گرفته تاکنون کفایت چندانی بروز نداده و چندین فقره دزدی از ابتدای ورودش راپورت داده شده.

کرمان

ایالت که مصمم حرکت بلوچستان و ملاقات سرداران بلوچ بوده به دلیل اینکه دولت نتوانست پولی را که خواسته بود راه بیندازد و همچنین به علت خوف از بروز اغتشاش در شهر در غیاب خود مجبور به منصرف گردیدن از این خیال و مسافرت گردید.

ظهور دستجات دزد در راه یزد و کرمان ممکن است سبب انصراف ایشان از مسافرت و باعث اقامت در شهر کرمان شده باشد. مع هذا نماینده برای ملاقات سرداران بلوچ فرستاده است.

ظاهراً در اوایل ژانویه کساغذی از سردار سعیدخان به حکمران رسیده به این مضمون که چون شما رئیس تمام ایلات فارس هستید و طوایف بلوچ شما را به خوبی می‌شناسند برای اطاعت و انقیاد شما کاملاً حاضراند ولی چون دولت ایران بی‌قدرت و امورات مغشوش است بلوچیها نمی‌دانند چه کنند. شهر ساکت و منظم است ولی صدور بعضی نظامات و قواعد از نظمیه راجع به تحدید تریاک باعث شکایت و هیجان کلی گردیده.

شیراز

شهر آرام است. شاهزاده فرمانفرما از مقام حکومت فارس استعفاء نموده و ظفرالسلطنه مأمور گردیده است و مشارالیه فعلاً در طهران می‌باشند. ضمناً صولت‌الدوله عملاً حکمران فارس است و بر وفق میل مشارالیه قوافل راه چره را به کار می‌برند. جدیداً مبلغ ۱۰۰ لیره برای قطع دعوی کمپانی دیکسن به قنصل دولت فحیمه داده است. این غرامت مال‌التجاره‌ای بود که کشکولیه‌ها از کمپانی مزبور در آن راه به سرقت برده‌اند.

راه کازرون و بوشهر و راه اصفهان کماکان ناامن است. چندین پست را زده‌اند و در نزدیکی کنار تخته به سیم تلگراف مکرر خرابی وارد شده است.

نمره - ۴۸

تلگراف سر جورج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ مارس)
از طهران ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۴ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸]
خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۲ مارس خودتان رجوع فرمایید امروز وزیرمختار روس و من مراسله‌ای به دولت ایران می‌دهیم به طوری که در تلگراف فوق‌الذکر تعلیمات داده شده آن دولت را اخطار می‌نماییم.

نمره - ۴۹

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ مارس)
از پترزبورگ ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۴ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸]
امروز بعد از ظهر مسیو ایزولسکی را ملاقات کردم. مجدداً اوضاع تبریز را مطرح مذاکره کرده و اظهار داشتند که اخبار موحشه کماکان از این محل می‌رسد و در تلگرافات روزنامجات چنین اعلام شده که ستارخان و باقرخان حکم احضار به

طهران را اطاعت نکردند.

نمره - ۵۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ مارس)
از طهران ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف مورخه ۱۵ مارس خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که
وزیرمختار روس و من دیروز نظر به اینکه وزارت امور خارجه بواسطه اظهار
استعفای کفیل آن وزارتخانه بی تکلیف و بی ترتیب بود مراسلات خود را تسلیم
رئیس‌الوزراء نمودیم. ضمناً تقاضا نمودیم که جواب راجع به شرایط استقراض
اشتراکی ما را بدهند. جناب رئیس‌الوزراء به ما چنین فهماندند که جواب مزبور
استفهام و استفساری خواهد بود براینکه دولتمین درمقابل استقراض بزرگ مذکوره
در شرط ششم که برای تبدیل و تثبیت قروض ضرورت دارد چه شرایطی پیشنهاد
دولت ایران خواهند نمود.

نمره - ۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
از وزارت خارجه انگلیس ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۱ - ۱۳۲۸].
خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۵ مارس از پترزبورگ مراجعه نمایید.
خیلی لازم و پسندیده است که ستارخان و باقرخان فوراً از شهر تبریز عزیمت
نمایند و دولت ایران برای انجام این مقصود باید هر اهتمام و جد و جهمدی که
لازم است بنماید.

نمره - ۵۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ مارس)
طهران ۱۷ مارس ۱۹۱۰ [۲۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ - ۱۳۲۸]
به مدت قرارداد بین دولت ایران و مسیو بیزو مستشار مالیه سه ماه دیگر افزوده
شد. با حالت حالیه این شاید بهترین ترتیبی است که ممکن بود فراهم شود زیرا
که مستشار مزبور به تجدید کنترات برای مدت دو سال کامل راضی نمی‌شود و قبل
از انقضای این سه ماه اضافی معلوم خواهد شد که آیا دولت ایران خیال استخدام
هفته نفر معارن مالیه را خواهد داشت و یا آنکه باید قایم مقامی برای مسیو بیزو
معین شود.
مدتی می‌گذرد که مسیو بیزو جداً مایل است که به فرانسه معاودت نماید و

فعلاً اجازه سه ماهه مرخصی را گرفته امروز عازم حرکت است و اگر مستخدمین مالیه اجیر شوند مشارالیه مراجعت خواهد نمود و آنها را به کار واخواهد داشت.

نمره - ۵۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ مارس)
از طهران ۱۷ مارس ۱۹۱۰ [۲۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۱ ۱۳۲۸]
امروز وزیر مالیه در موقع ملاقات و صحبت با مستر چرچیل اظهار داشته است که با وجود احتیاج و ضرورت فوری و فوق العاده دولت به پول، حسیات عمومی فعلاً به طوری است که پیشنهاد شرایط استقراض به مجلس بکلی بی حاصل و بی نتیجه است و یقیناً مجلس با عناصر فعلیه شرایط را رد خواهد کرد. مستر چرچیل به وزارت مالیه صلاح اندیشی کرده که مراسله ای بدان مفاد به سفارتین بنویسند.

نمره - ۵۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس)
از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
خواهشمندم به تلگراف مورخه ۱۶ مارس خودتان مراجعه فرمایید.
قنصل دولت فنیحه از تبریز تلگراف ذیل را کرده است:
«حکوم دولت راجع به حرکت فوری ستارخان و باقرخان از تبریز دیررز بتوسط ایالت به آنها اطلاع داده شد. ستارخان درکمال جسارت امتناع نموده ولی ظاهراً حرکت خود را موکول بدادن وجهی نموده است. از قرار اطلاع حاصله مشارالیه ده هزار تومان خواسته است بهر حال مذاکرات در بین است و امید می رود که مسئله بطور مطلوب و رضایت خاتمه پذیرد.»

نمره - ۵۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس)
از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف امروز خودم افتخار دارم که تلگراف ذیل را که از قنصل دولت فنیحه از تبریز رسیده عیناً مغایره نمایم: «ایالت الان به همکار محترم قنصل روس اطلاع داده که ستارخان و باقرخان فردای شنبه دو ساعت بعد از ظهر با یک عده سوار از تبریز حرکت خواهند کرد و دیگر ایالت اظهار داشته اند که مبلغ سه هزار و پانصد تومان به آنها داده شده که ۲۵۰۰ تومان آن برای سوارها و هزار

تومان برای خودشان بوده باشد.»

نمره - ۵۶

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ مارس)
از پترزبورگ ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
امروز بعد از ظهر مسیو ایزولسکی تلگرافی که تازه رسیده بود برای من
قرائت نمود مفاد تلگراف اینکه ستارخان حکم ثانوی احضار به طهران را جداً و
جزماً رد و امتناع کرده ولی باقرخان اطاعت حکم را مشروط به گرفتن ۱۰۰۰۰
تومان نموده. ایالت و پیرم اظهار عجز از توسل به قوای قهریه در این موضوع
نموده‌اند.

نمره - ۵۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ مارس)
از طهران ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۲۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۸]
مستر «شیپلی» تلگرافاً [= تلگرافی] خبر می‌دهد که در پنج ساعت بعد از
ظهر ۱۹ شهر حال ستارخان و باقرخان از تبریز حرکت کردند. هر يك از آنها
پنج‌جاه سوار همراه دارند بعلاوه بعضی از سوارهای پیرم و قزاقهای ایرانی نیز
همراه بودند. منزل اول آنها یاسمنج است که دو ساعت از شهر فاصله دارد. از
قرار راپورت مشارالیهما برای عید نوروز که چهار پنج روز دیگر خواهد بود در
آنجا توقف خواهند نمود - شهر کاملاً منظم است و هیچ اتفاقی از حرکت آنها
واقع نشده.

نمره - ۵۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ مارس)
از طهران ۲۱ مارس ۱۹۱۰ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۸]
معاون‌الدوله به سمت وزارت امور خارجه معین گردید.

نمره - ۵۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ مارس)
از طهران ۲۱ مارس ۱۹۱۰ [۳۰ اسفند ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۱ - ۱۳۲۸]
تلگرافی از مستر گراهم به مضمون ذیل به من رسیده است:
«حکومت اصفهان استعداد بزرگی بسا چند عساده توپ برعلیه [= علیه]

غریب‌خان نامی اعزام می‌نماید. مشارالیه که فعلاً دارای ۱۵۰۰ نفر جمعیت است در قمشه علم طغیان برافراشته.

نمره - ۶۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ مارس) از طهران ۲۳ مارس ۱۹۱۰ [۲ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۱ ع ۱ - ۱۳۲۸] راجع به تلگراف من مورخه ۱۶ شهر حال - دولت ایران وصول اخطار و گوش‌زدی را که دولت اعلیحضرتی راجع به استقراض کرده اقرار نموده و چنین اظهار می‌دارند که آنچه از عایدات مملکت که «در قید هیچ استقراض و تعهدی نیست» برای هر قسم معامله آزاد است و مذاکراتی که فعلاً راجع به استقراض اشتراکی در میان است به هیچ وجه حق دولت را در تعیین محل استعمال و مصرف آن عایدات محدود نمی‌نماید.

دیگر در جواب مذکور است که دولت ایران هر قراردادی که در خصوص منابع عایدات مملکت با دولت اعلیحضرتی انگلستان دارد کاملاً حفظ و رعایت خواهد نمود.

به وزیر مختار روس نیز مراسله‌ای شبیه به آن فرستاده شده به اضافه اینکه در جمله راجع به رد نمودن استقراض ذکر شده است که تمام تعهداتی که دولت ایران در قرارنامه‌جات قرضها در مقابل دولت امپراطوری روس به عهده گرفته کاملاً منظور خواهد داشت.

این مراسلات رضایت‌بخش نیستند لهذا ما پیشنهاد می‌کنیم که مجدداً جوابی به این مضمون داده شود:

اولاً عایدات گمرک و سایر منابع عایدات دولت که در مقابل قروضی که از روسیه و انگلستان کرده شده مرهون و مقیداند نمی‌توانند در هیچ حال وثیقه قرض جدیدی بشوند.

ثانیاً تمام تعهدات مالیه‌ای یا دیونی که دولت ایران از روسیه و انگلستان به عهده دارد که قرض جاری را هم شامل باشد، باید در تحت یک تعهد و قرارداد مرتبی مجتمع شوند که در آن قرارداد وجه سالیانه ثابتی برای پرداخت منافع و قسط استهلاك معین شده و همچنین محلهایی از مالیات و عایدات برای تأمین و اطمینان مقرر شود.

ممکن است در همین موقع گوشزد و اخطار به دولت ایران نمود که دولتین در صورتی که مایل نیستند مخل و مانع آزادی سایر خارجیه‌ها در اقداماتی که مطلقاً تجارتی باشد بشوند ولی نمی‌توانند بپذیرند امتیازاتی که ممکن است مضر بر منافع و مصالح نظامی و پلیتیکی دولتین در ایران باشد به خارج [خارجی] ها داده شود.

نمره - ۶۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۲۳ مارس ۱۹۱۰ [۲ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۱ ع ۱ -
[۱۳۲۸
به شرط تصویب مسیو ایزولسکی جوابی را که سر جرج بارکلی در تلگراف
امروزش پیشنهاد کرده من تصویب می‌کنم که به دولت ایران داده شود.

نمره - ۶۲

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۰ مارس)
از پترزبورگ ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۹ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف سر جرج بارکلی مورخه ۲۳ مارس.
مسیو ایزولسکی در فرستادن جواب اظهاریه موافقت دارند.

نمره - ۶۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی.
از وزارت خارجه انگلیس ۳۱ مارس ۱۹۱۰ [۱۰ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۶ ع ۱ -
[۱۳۲۸
شما اینک اجازه دارید که بر طبق تلگراف امروز من به پترزبورگ عمل کنید.

نمره - ۶۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۳۱ مارس ۱۹۱۰ [۱۰ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۱ - ۱۳۲۸]
تلگراف مورخه دیروز خودتان را ملاحظه کنید.
به نماینده دولت اعلیحضرتی در طهران تعلیمات داده شده که در دادن جواب
پیشنهادیه با همکار روس خود اتفاق و شرکت کند.

نمره - ۶۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ آوریل)
از طهران ۷ آوریل ۱۹۱۰ [۱۷ فروردین ۱۲۸۹؛ ۲۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف مورخه ۳۱ مارس چنابعالی
امروز به مضمون تعلیمات واصله مراسله مشترکی به دولت ایران دادیم.

نمره - ۶۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)
از طهران ۱۸ مارس ۱۹۱۰ [۲۷ اسفند ۱۲۸۸: ۶ ع ۱ - ۱۳۲۸]
آقا

وصول مشروحه مورخه ۱۲ ماه گذشته جنابعالی را راجع بقتل بعضی اسمعیلیها در مجاورت نیشابور با کمال افتخار عرض می‌کنم و راپورت می‌دهم که به وزیر داخله خاطر نشان نمودم که دولت اعلیحضرتی انگلستان به تنبیه و مجازات مرتکبین این جنایات اهمیت فوق‌العاده می‌دهد.

میجر سایکس انفصال حکام نیشابور و دررود و همچنین مجازات معین‌الغریاء و حاجی محمد باقر را تأکید و توصیه نموده تمام این اشخاص به استثنای حکومت نیشابور کم و بیش مستقیماً مسئول این قتلها می‌باشند.

من نتوانستم وزیر داخله را وادارم که تمام تقاضاهای فوق را کاملاً انجام دهد. جناب معزیه‌الیه از عزل حکومت نیشابور امتناع می‌نمایند زیرا که می‌گویند تقصیر او ثابت نیست. بعلاوه در خصوص تنبیه معین‌الغریاء جز تبعید مشارالیه به کربلای معلی یا نجف اشرف کار دیگری ننمودند. لیکن حاکم دررود را خلع نموده و حاجی محمدباقر را حبس کرده‌اند و وعده می‌دهند که مادام‌الحیوة در محبس باشد و املاک و اشیایی که از اسمعیلیها برده شده مسترد داشتند.

اگرچه نتیجه اقدامات من کاملاً رضایت‌بخش نیست ولی نظر به ضعف دولت عقیده من بر آن است که به وزیر داخله در این موضوع بیش از این اظهار و اصراری نکنم مگر آنکه در نیشابور باز متعرض اسمعیلیها شوند.

پنده ... بارکلی

نمره - ۶۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)
از طهران ۲۴ مارس ۱۹۱۰ [۳ فروردین ۱۲۸۹: ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۸]
آقا.

راجع به تلگرافات مورخه ۱۶ و ۲۳ شهر حال اینک بسا کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که در خصوص مذاکرات جدید بین دولت ایران و سندیکای بین‌المللی برای استقراض ۵۰۰۰۰۰ لیره به دولت ایران نوشتم و همچنین سواد جواب آن را لفأ خدمت می‌فرستم.

پنده ... بارکلی

ملفوفه ۱ در نمره ۶۷

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران
 طهران ۱۵ مارس ۱۹۱۰ [۲۶ اسفند ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۱ - ۱۳۲۸]
 جناب اجل - افتخار دارم به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت متبوعه من اطلاع حاصل نموده که هیئتی معروف به هیئت سندیکای بین الملل (لیمیتد) به يك کمپانی انگلیسی اجازه و حق تقدم داده است که به دولت ایران در این ایام ۲۰۰،۰۰۰ لیره و بعدها ۳۰۰،۰۰۰ لیره قرض بدهد.

وثیقه و محل تأمین آن قرض کلیه منافعى که برای دولت ایران در امتیاز نفتی که در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۰۱ [۶ خرداد ۱۲۸۰؛ ۸ صفر ۱۳۱۹] به مستر داریسی داده شده منظور است و همچنین منافع ضرابخانه و سایر عایدات آزاد دولت و عایدات پست و تلگراف خواهد بود.

در این صورت به من تعلیمات داده شده که بدون فوت وقت به دولت ایران گوشزد و اخطار نمایم تا هنگامی که استقراض اشتراکی ۴۰۰،۰۰۰ لیره که دولتین انگلیس و روس در تاریخ ۱۳ ماه گذشته به دولت ایران تکلیف کرده اند در تحت ملاحظه است و تا هنگامی که تأدیه اصل و فرع قروضی که دولت ایران به دولت اعلیحضرتی انگلیس و بانك شاهنشاهی ایران مدیون است در عهده تعویق می باشد دولت اعلیحضرتی انگلستان نخواهد پذیرفت که دولت ایران هیچیک از منابع عایدات عمومی خود را در مقابل هیچ استقراضی بجز در مورد استقراض اشتراکی که فعلاً بین دولتین و دولت ایران در تحت مذاکرات است به وثیقه دهد.

ملفوفه ۲ در نمره ۶۷

جواب دولت ایران به سر جرج بارکلی
 طهران ۲۰ مارس ۱۹۱۰ [۲۹ اسفند ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۱ - ۱۳۲۸]
 مراسله جنابعالی مورخه ۱۵ شهر حال راجع به اظهارات يك سندیکای بین المللی که به اطلاع دولت فخیمه انگلیس رسیده است شرف وصول ارزانی داشت. در مراسله منظوره چنین مسطور است که:

تا هنگامی که مسئله استقراض اشتراکی ۴۰۰،۰۰۰ لیره که دولتین انگلیس و روس در تاریخ ۱۳ ماه گذشته به دولت ایران تکلیف کرده اند در تحت ملاحظه است و تا هنگامی که تأدیه اصل و فرع قروضی که دولت ایران به دولت اعلیحضرتی انگلیس و بانك شاهنشاهی مدیون است در عهده تعویق می باشد، دولت اعلیحضرتی انگلستان نخواهد پذیرفت که دولت ایران هیچیک از منابع عایدات عمومی خود را در مقابل هیچ استقراضی بجز در مورد استقراض اشتراکی که فعلاً بین دولتین و دولت ایران در تحت مذاکره است وثیقه دهند.

با کمال افتخار جواباً خاطر نصفت مظاهر را استحضار می دهم که:
 اولاً بر دولت علیه ایران یقین است و جنابعالی نیز محققاً تصدیق خواهید فرمود

که فقط مذاکره بین دولت ایران و دولتین انگلیس و روس در خصوص يك مساعده یا استقراض اختیار تامه دولت را در مورد منابع غیر مرهون عایدات خود که برای هر معامله‌ای آزادند سلب نخواهد نمود.

ثانیاً دولت علیه اطمینانات کامل می‌دهد که هر قراردادی را که بین دولت علیه ایران و دولت فخیمة انگلیس راجع بهر محلی از عایدات مملکت بسته شده همیشه و کاملاً سرعی و محترم خواهد داشت.

امضاء محمد ابراهیم غفاری

نمره - ۶۸

قسمتی از مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)

طهران ۲۴ مارس ۱۹۱۰ [۳ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۸]

فرمانفرمای جدید فارس حضرت والا ظفرالسلطنه از طهران به عزم سرکز مأموریت خود حرکت کردند ولی فعلاً در قم منتظر قشون و استعدادی هستند که بنا هست همراه ایشان به فارس بروند.

ظاهراً دولت ایران بعلت نداشتن وجه برای تجهیز این استعداد مختصر دچار مشکلات شده است.

ضمناً در وضع راههای جنوب هیچ بهبودی مشهود نیست. راه بین بوشهر و شهر شیراز که از جره می‌گذرد صحیح است که در تحت مراقبت صولت‌الدوله تا حدی دایر است ولی راه عمده معمولی از اثر اغتشاشات و بی‌نظمیها بکلی مسدود است.

راه شیراز به اصفهان نیز نهایت ناامن است و در قمشه غریب‌خان نامی از خوف اینکه به تقصیر ساختن نوتهای تقلبی بانك شاهنشاهی دستگیر شود فرار کرده قریب ۱۵۰۰ نفر دور خود جمع کرده و با قوای دولت می‌جنگد به این طریق طغیان و یاغیگری کوچکی فعلاً در قمشه موجود است.

نمره - ۶۹

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ آوریل)

طهران ۲۴ مارس ۱۹۱۰ [۳ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۳۲۸]

آقا

خلاصه ماهیانه معمولی را که حاوی وقایع اتفاقیه در ایران در ظرف چهار هفته گذشته بوده است با کمال افتخار لفأ می‌فرستم.

بنده ... بارکلی

ملفوفه در نمره ۶۹

خلاصه وقایع اتفاقیه در ایران در ظرف چهار هفته گذشته که منتهی به ۲۴ مارس ۱۹۱۰ [۳ فروردین ۱۲۸۹؛ ۱۲ ع ۱ - ۱۲۲۸] می‌شود.

طهران

مجلس در مدت چهار هفته گذشته اکثر مشغول مذاقه و شور بودجه‌های ادارات مختلفه که از طرف دولت پیشنهاد شده بوده است. مذاکرات و اقدامات علنی مجلس تا یک اندازه رسمانه است و جالب توجه نیست. بیشتر امورات در مجالس محرمانه ختم می‌شود. در موقع عید نوروز سلطانی اعلیحضرت شاه و نایب‌السلطنه هیئت مأمورین خارجه را پذیرفتند.

تبریز

شهر منظم و آرام بوده است ۹۰۰ نفر سوار دولتی مکمل در تحت فرمان سردار بهادر و یضرم‌خان از قراجه‌داغ مراجعت کرده و در تاریخ ۲۳ فوریه وارد شهر شدند.

در تاریخ نهم مارس قنصل دولتی اعلیحضرتی راپورت داده است که در بعضی طبقات مردم هیجان و غلیان مجددی بر علیه قشون روس مشاهده می‌شود و در جواب استفساری که وزیرمختار دولت اعلیحضرتی کرده است (مستر شیپلی) در تاریخ ۱۲ مارس اطلاع داده است که شهر ساکت است و لیکن اظهار داشته است که لزوم خارج شدن ستارخان و باقرخان بیش از پیش فوریت دارد تا آنکه شهر بوضع عادی معمولی خود عود نماید.

ستارخان و باقرخان با ۱۰۰ نفر از سوارهای خودشان و بعضی سوارهای دولتی در تاریخ ۱۹ مارس از تبریز به عزم طهران حرکت نمودند.

رشت

حکمران جدید گیلان معیرالممالک در تاریخ ۳ مارس وارد شد. شهر و اطراف منظم است ولی در اوایل ماه مارس بعضی اغتشاشات جزئی از طالش راپورت داده شده است. در رشت قوه‌یی برای نظمیه تشکیل شده است.

مشهد

شهر مشهد ساکت و منظم بوده در اوایل مارس آصف‌الدوله معین شده بود که بجای رکن‌الدوله به ایالت خراسان بیاید ولی چون افکار و حسیات مردم در طهران و خراسان شدیداً بر ضد او بود بالاخره مأموریت او موقوف شد.

سیستان

این ولایت نیز آرام است. از هنگام ورود حشمت‌الممالك در سیستان در وضع اداره کردن ولایت بهبودی محسوس حاصل شده و از رؤسای متمرده بلوچ چندان صحبتی شنیده نمی‌شود.

اصفهان

شهر ساکت بوده سردار اشجع به حکومت ابقاء شده است ولیکن سردار ظفر به مستر گرام گفته است که دولت برای احتراز از رقابت بین این دو نفر خوانین بختیاری مصمم شده است که هیچ کدام از اینها را به حکومت اصفهان نگذارد و سردار اشجع شاید بعد از نوروز سلطانی منفصل شود. دیگر مشارالیه چنین اظهار عقیده و پیش بینی نمود که جن خوانین بختیاری هیچ کس نخواهد توانست در اصفهان حفظ نظم نماید. تمام راهها باستثنای راه شیراز امن بوده و قوافل موافق معمول تردد کرده‌اند.

در راه شیراز قمشه از اواسط ماه مارس معرض اغتشاش و انقلابی بوده که غریب‌خان باعث آن شده است. مشارالیه سابقاً در اصفهان رئیس پلیس بوده و محض انفصال از این خدمت به نقطه مزبور فرار نموده و از قرار مذکور ۱۷۰۰ نفر دور خود جمع نموده است. اردویی مرکب از ۴۰۰ سرباز و ۵۰ سوار بختیاری و چند عراده توپ از اصفهان برای او فرستاده شده و استعداد دیگری از چهارمحال مأمور و مقرر است که با آن اردو کمک نماید.

یزد

شهر کماکان منظم است راهها به استثنای راه کرمان امن بوده است. در راه کرمان چندین دسته بزرگ دزد چندین قافله و پست را زده‌اند و راه کاملاً نا امن است. حکمران با استعدادی به مبارزت دزدها رفته و یکدسته ۳۰ نفر از آنها را با ۹۰۰ رأس گوسفند که غارت کرده بودند گرفته است. انجمن ولایتی تاکنون عضو زردشتی را با وجود حکم دولت نپذیرفته و برای عضویت مجلس ملی نیز هنوز وکیلی از یزد انتخاب نشده.

کرمانشاه

شهر ساکت بوده و نظمیه موجود و به خوبی مراقب است. راهها امن و تعدی به قوافل موقوف است. در تمام ولایت موافق راپورت انتظام و آسایش غلبه دارد و این از حسن کفایت نظام السلطنه است که با يك اردوی مشتمل بر سوار و پیاده و توپخانه به اطراف حرکت نموده و مقصرین و اشرار مختلفه را دستگیر می‌نماید.

سه نفر از محبوسین عمده خود را برای تنبیه به طهران فرستاده است. انجمن ولایتی سعی و اهتمام نمود که مقصرین مزبور را در کرمانشاه به معرض استنطاق درآورند ولی حکمران در فرستادن آنها به طهران اصرار نمود. ثبات عزم حکومت اثرات خوب بخشیده و بعضی از طوایف سر اطاعت پیش نهاده و دسته‌جات سوار برای خدمت نزد ایشان فرستاده‌اند. کلیه عده اردوی حکومت به ۲۰۰۰ نفر بالغ می‌شود.

داودخان و سایر رؤسای عمده ایلات ظاهراً مایل و حاضراند که تسلیم و مطیع حکومت شوند.

کرمان

انتظام و حکومت در شهر غلبه داشته قوام‌الملک برای سال آتی به حکومت ابقاء شد. به مشارالیه از رؤسای بلوچ پیغامات رضایت‌بخش رسیده قرار گذارده است که آنها را در بم ملاقات کرده در خصوص اظهارات و شکایات آنها مذاکرات نماید. ترتیبات اداری که مأمورین جدید طهران می‌خواهند تأسیس نمایند اهالی را به هیجان آورده.

یکی از آقایان خواست علم طغیان بر ضد آنها بلند نماید ولی به مقصود نائل نگردید.

راهبای یزد و بندر عباس بواسطه حضور دستجات سارقین که چندین فقره دزدی کرده‌اند یکلی برای تردد قوافل مسدود است.

شیراز

شهر روی هم رفته آرام بوده است و لیکن چندین فقره دزدی در خانه‌ها شده است و اجماعی جدیداً خانه مسیو ناتاف نماینده آلیانس یا اتحاد اسرائیلی را غارت کرده مشارالیه و زنش مجبوراً در قنصلخانه دولت اعلیحضرتی تحصن جستند. نصیرالملک به سمت نیابت حکومت مقرر شده. ایالت جدید ظفرالسلطنه تازه از طهران برای شیراز حرکت کرده است. راه اصفهان مخصوصاً در نزدیکی سیوند و راه کازرون به بوشهر در نقطه بین کازرون و دالکی بسیار ناامن‌اند. پست و قوافل مکرر در مکرر سرقت شده‌اند.

راه چره در تحت مواظبت صولت‌الدوله مفتوح و دایراست ولی ازقرار راپورت در منازل مختلفه مایلزم مسافرین و قوافل موجود نیست، بعلاوه مکاریها با قسار جدیدی که صولت‌الدوله با خوانین دالکی و برازجان گذاشته که راه تجارت را در خاک خودشان برگردانند جداً مخالف‌اند زیرا که در این راه دو منزل خیلی طولانی را در جاده خیلی بدی باید پیمایند که هیچ آذوقه در آنها یافت نمی‌شود.

خوانین تنگستان و چاه کوتاه [چا کوتاه] نیز سعی دارند که راه تجارت را در خاک خود پکشانند.

صولت‌الدوله در قسمت آخر ماه فوریه مشغول مقهور کردن جوادخان که یکی از رؤسای کَشکولی اُبت بوده و بالاخره مشارالیه را دستگیر نمود.
از قرار معلوم صولت‌الدوله اهتمامی نمود که اختلافات خود را با قوامیه‌ها به این طریق رفع نماید که فراریهای قشقایی را که در ایلات خمسه پناه بسته‌اند قوامیه‌ها تسلیم نمایند و بعوض صولت‌الدوله فراریهای ایلات خمسه را که پناهنده به قشقایی‌اند به قوامیه‌ها تسلیم نماید ولی این خیال و اقدام منتج نتیجه نشد.

نمره - ۷۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ آوریل)
از طهران ۱۵ آوریل ۱۹۱۰ [۲۵ فروردین ۱۲۸۹؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۸]
بحران دیگری در کابینه وزراء حادث شده رئیس‌الوزراء استعفاء داده و محتمل است که کابینه جدیدی تشکیل شود.

نمره - ۷۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ آوریل)
از طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۰ [۲۷ فروردین ۱۲۸۹؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۸]
با کمال تأسف راپورت می‌دهم که مستر بیل در تاریخ ۱۵ آوریل مابین قمشه و آباده دچار و مورد حمله دزدها واقع شده و دو نفر از سوارهای هندی مستحفظ قنسولگری اصفهان که مستر اسمارت را از اصفهان به شیراز رسانده و در این موقع به همراهی مستر بیل مراجعت می‌کردند مقتول شدند.
از دولت تقاضا نمودم که عده کافسی از سوارهای بختیاری قمشه که گمان می‌کنم فعلا در آنجا قوای مکملی از آنها موجود است برای همراهی با مستر بیل که اینک در راه است اعزام دارد. بهمچنین در خصوص ترمیم واقعه و تنبیه مرتکبین که گمان می‌رود کهکلویه [کهگیلویه‌ای] هستند تأکید و اصرار نمودم.

نمره - ۷۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ آوریل)
از طهران ۱۷ آوریل ۱۹۱۰ [۲۷ فروردین ۱۲۸۹؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف من مورخه ۱۷ آوریل
قنسول جنرال دولت اعلیحضرتی مقیم اصفهان اطمینان ندارد که بختیاریهای قمشه از سرحد اصفهان تجاوز به خاک فارس نمایند مگر آنکه خود مشارالیه در آنجا حاضر بوده که آنها را وادارد. لهذا با اطلاع سردار اسعد او را اجازه دادم

که با آن قدر از مستحفظین قنصلگری اصفهان که ممکن است حرکت کرده و مستر بیل را استقبال نماید.

وزیر داخله احکامات خیلی سخت فرستاده که آنچه بختیاری ممکن است از قمشه فوراً اعزام شده و به مستر بیل در هرچاکه هست ملحق شوند (عده بختیاریهای قمشه معلوم می‌شود که کمتر از میزانی است که گمان می‌رفت).

نمره - ۷۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ آوریل)
از طهران ۱۸ آوریل ۱۹۱۰ [۲۸ فروردین ۱۲۸۹؛ ۷ ع ۲ - ۱۳۲۸]
رجوع به تلگراف ۱۷ آوریل من - مستر بیل وارد قمشه گردید.

نمره - ۷۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ آوریل)
از طهران ۱۹ آوریل ۱۹۱۰ [۲۹ فروردین ۱۲۸۹؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۲۸]
خواهش دارم رجوع به تلگراف مورخه ۱۷ آوریل من بنمایید به عقیده من این اتفاق جدید مستر بیل بر ما لازم و محتتم می‌دارد که يك اقدام علنی بنماییم برای اینکه هم دولت ایران را واداریم که برای استقرار و اعاده اقتدار خود در آن نواحی جهد بلیغ و کوشش جدی بنماید و هم اطمینان حاصل بنماییم که مأمورین ما در آتیه از این قبیل حملات و صدمات مأمون و مصون خواهند بود. عجلتاً مشغول مشاوره با مأمورین قنصلگریهای دولت اعلیحضرتی مقیم اصفهان و شیراز و بوشهر هستیم.

ضمناً به آنها اشکال و موانع اشغال خاک و اعزام اردوی سرکوبی را یادآوری نمودم. پس از وصول نظریات آنها در این موضوع رأی و توصیه قطعی را تلگراف خواهم کرد.

نمره - ۷۵

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ آوریل)
از طهران ۲۲ آوریل ۱۹۱۰ [۲ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۱ ع ۲ - ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف سر جرج بارکلی مورخه ۱۹ آوریل راجع به حمله وارده به مستر بیل با کمال توقیر راپورت می‌دهم که صاحب‌منصبان قنصلگری دولت اعلیحضرتی در بوشهر و اصفهان و شیراز که طرف شورراقع شده بودند تماماً متفقاند براینکه هر اقدامی که کوچک‌تر از اشغال راهها باشد کرده شود اطمینان قطعی از

نیفتادن این قبیل اتفاقات در آتیه نخواهد بخشید.
این دومین تهاجم که نسبت به مأمورین اروپایی وارد شد بر ما واجب و مستحکم می‌سازد که يك اقدام علنی بنماییم.
پیشنهاد من این است که به من اجازه و اختیار داده شود که به دولت ایران اظهار نمایم که اگر دولت ایران نتواند اعاده و استقرار امنیت را در ظرف شش هفته بنماید دولت اعلیحضرتی انگلستان مجبورا مسئله به عهده گرفتن تأمین و اعاده نظم راه را در تحت ملاحظه درخواهد آورد.

نمره - ۷۶

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ آوریل)
از طهران ۲۳ آوریل ۱۹۱۰ [۳ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۸]
سردار اسعد به من اطلاع داده است که پیرم شاهشونها را در نزدیکی اردبیل شکست فاحشی داده و وزیرمختار روس صحت این خبر را تصدیق نمود.

نمره - ۷۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک
از وزارت خارجه انگلیس ۲۶ آوریل ۱۹۱۰ [۶ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۵ ع ۲ - ۱۳۲۸]

خواهش دارم تلگراف مورخه ۲۲ شهر حال خودتان را ملاحظه نمایید.
شما باید از دولت ایران پنج هزار تومان برای هر يك از سوارهای هندی غرامت مطالبه کنید بعلاوه به دولت ایران اطلاع دهید که دولت اعلیحضرتی انگلستان این حملات متوالی و متمادی را به مأمورین اروپایی نمی‌تواند تحمل نماید و منتظر است که بدون هیچ تعویقی ترتیبی در تأمین راهها بدهند زیرا که پس از رد استقراض پیشنهادیه دیگر متشبث به عذر نداشتن پول نمی‌توانند شد. ضمناً بهتر است که مأمورین قنصلگری انگلیس حتی‌المقدور از مسافرت در داخله مملکت احتراز کنند و در صورت لزوم مسافرت، هر قدر که ممکن است مستحفظ بپا خود ببرند.

نمره - ۷۸

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱ مه)
از طهران ۱ مه ۱۹۱۰ [۱۱ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۸]
وزیر داخله و وزیر جنگ مبادله وزارتخانه نمودند.

نمره - ۷۹

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک
از وزارت خارجه انگلیس ۲ مه ۱۹۱۰ [۱۲ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۱ ع ۲ - ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف شما مورخه ۱۷ آوریل
شما لازم است برای تحصیل جواب مساعدی اصرار کنید و اگر لازم است از
نایب السلطنه اجازه ملاقات بخواهید.

نمره - ۸۰

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله سیم مه)
از پترزبورگ ۳ مه ۱۹۱۰ [۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۲ ع ۲ - ۱۳۲۸]
خواهش دارم به تلگراف خودتان که در تاریخ شنبه حال به شارژ دافر دولت
اعلیحضرتی مقیم طهران مخابره کرده‌اید مراجعه بنمایید.
به عقیده مسیو سازانف بهترین طریق آن است که نمایندگان دولتمین درخواست
شرفیابی خدمت نایب السلطنه را بنمایند و در موقع شرفیابی اصرار و تأکید کنند
که جواب مساعدی به مراسله مشترک ما مورخه ۷ آوریل داده شود.

نمره - ۸۱

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ مه)
از طهران ۴ مه ۱۹۱۰ [۱۴ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۸]
خواهشمندم به تلگراف خودتان مورخه ۲ مه رجوع نمایید.
امروز بعد از ظهر مسیو پاکلوسکی و من بنا بر وعده‌ای که قبل از وقت
داده شده بود وزیر امور خارجه را ملاقات کرده و اکیداً مطالبه جواب مراسله
مشترکه مورخه ۷ آوریل خودمان را نمودیم. وزیر امور خارجه اظهار داشت که
در خصوص استقراضها با دولت مذاکرات نموده و حاضر است که اطمینانات مطلوب
را بدهد و اما در خصوص امتیازات در صورتی که فقط راجع به راه آهن باشد دولت
ایران نیت حاضر است که اطمینانات رضایت بخش بدهد. کلیه مذاکرات ما با وزیر
خیلی دوستانه بوده و در خاتمه جناب معزی‌الیه اظهار داشتند که مجدداً با کابینه
مشورت کرده و ان شاء الله تا اواخر هفته جوابی خواهند فرستاد.

نمره - ۸۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۴ مه ۱۹۱۰ [۱۶ فروردین ۱۲۸۹؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۸]
با پیشنهاد شما که دو وزیرمختار شرفیاب خدمت نایب السلطنه بشوند و در
تلگراف ۳ مه اظهار کرده بودید موافقم و در آن خصوص «کنت بشکندرف» را اطلاع
داده‌ام.

نمره - ۸۳

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ
از وزارت خارجه انگلیس ۴ مه ۱۹۱۰ [۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۸]
پس از آنکه تعلیمات به وزیرمختار روس رسید شما اجازه دارید در اقدام به
عملی که در تلگراف امروز من به سر آ. نیکلسن تعیین شده یا وزیرمختار مشارالیه
شرکت نمایید.

نمره - ۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر آ. نیکلسن
از وزارت خارجه انگلیس ۵ مه ۱۹۱۰ [۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۴ ع ۲ - ۱۳۲۸]
رجوع به تلگراف دیروز مستر مارلینگ کنید.
من خیال دارم که از وزیرمختار ایران در اینجا بخواهم که به دولت متبوعه
خود اطلاع دهد که مفاد جواب آن دولت تا درجه‌ای که معلوم است رضایت‌بخش
می‌باشد. بعلاوه اظهار دارد که ما امید واثق داریم براینکه دولت علیه تمام تقاضاهای
ما را کاملاً خواهند پذیرفت و من نیز به وزیر مشارالیه اطمینان خواهم داد که با
اساس جدید ایران مساعدت معنوی و دوستانه داشته و جداً خواهانیم که ترقی
مملکت و توسعه منابع ثروت آن بر طبق اصول حکومت ملی به موانع و عوایق
برنخورد.
از جواب مزبور چنین بر می‌آید که سلوك دولت ایران روی به بهتری است و
اهتمام من این است که این رویه را تشویق کنم.
امیدوارم بمحض آنکه به دولت ایران معلوم گردید که این جواب چه اثرات
حسنه تاکنون تولید کرده است مجبوراً مسلک و سیر رضایت‌بخشی نسبت به دولت
اعلیحضرتی اتخاذ نمایند.
امیدوارم که دولت روس نیز در این عقیده شرکت دارند.

نمره - ۸۵

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۶ مه)
از طهران ۶ مه ۱۹۱۰ [۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۵ ع ۲ - ۱۳۲۸]
در مجلس ملی تصمیم گرفته شده است که معادل ۵۰۰۰۰۰۰ تومان از داخل
مملکت استقراض شود.

املاک خالصه دولت وثیقه این استقراض خواهد بود بعلاوه قرار شده است که
اداره دیون عمومی تأسیس شود و برای اینکه جلب اعتماد عامه شده باشد یک نفر
اروپایی را مدیر آن اداره نمایند.

نمره - ۸۶

یادداشتی که به میرزا مهدی خان تبلیغ شده.

دولت اعلیحضرتی انگلستان تلگرافی از شارژ دافر خود در طهران دریافت
موده مبنی برآنکه در روز چهارم شهر حال وزیر مختار روس و شارژ دافر مشارالیه
وزیر امور خارجه دولت ایران را ملاقات نموده و از جناب ایشان جواب مراسله
اشتراکی را که دو نماینده دولتین در تاریخ ۷ ماه گذشته متفقاً به دولت ایران
داده اند مطالبه نمودند. وزیر خارجه اظهار داشته است که دولت ایران در این
موضوع مذاکرات کرده و حاضراند که در خصوص استقراضات اطمینانات بدهند و
اما در خصوص امتیازات اگر تقاضای دو دولت فقط راجع به راه آهن است دولت
ایران حاضر است که در این موضوع نیز اطمینانات رضایت بخش بدهد ولی دولت
ایران فعلاً مصمم است هیچ امتیازی برای ساختن راه آهن ندهد.
دو نماینده دولتین این اظهارات وزیر خارجه را یادداشت کرده و گفته بودند که
این تعبیر و ترجمه شرط راجع به امتیازات را که محدود به راه آهن کرده اید
نمی توانیم بپذیریم و آن شرط در مورد کلیه راهها و خطوط تلگراف نیز باید صدق
کند. جناب معزالی به بالاخره گفتند که مجدداً در کابینه مشورت کرده و امیدوارم
که در تاریخ ۷ شهر حال جواب کتبی بدهم.
مستر مارلینگک در ضمن راپورت می گوید که طرز مذاکرات متبادله خیلی
دوستانه بوده است.

دولت اعلیحضرتی انگلستان از اصغای جواب فوق که وزیر خارجه ایران به دو
نماینده اظهار نموده و مستر مارلینگک در تلگراف خود شرح داده است خیلی
راضی و خوشوقت است و رجای واثق دارد که دولت ایران بتواند با تقاضاهای
دولتین کاملاً موافقت نماید.

به انتظار اینکه اطمینانات رضایت بخش در این موضوع داده شود سر ادوارد گری
از وزیر مختار ایران خواهش می کند که حسیات دوستانه دولت اعلیحضرتی انگلستان
را نسبت به اساس جدید ایران و همچنین میل و آرزوی آن دولت را بر اینکه به

هیچ وجه اخلاص و اشکالی در راه ترقی مملکت و توسعه منابع ثروت آن بر طبق اصول ملی تولید نشود به دولت متبوعه خود تبلیغ نمایید.

وزارت خارجه انگلیس ۶ مه ۱۹۱۰ [۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۹: ۲۵ ع ۲ - ۱/۱۲۲۸]

نمره - ۸۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ مه)
از طهران ۸ آوریل ۱۹۱۰ [۱۸ فروردین ۱۲۸۹: ۲۷ ع ۱ - ۱۳۲۸]
آقا

راجع به تلگراف مورخه دیروز من:
برطبق تعلیمات واصله من و همکار محترم وزیرمختار روس مراسله مشترکی به دولت ایران نوشتیم و در آن نظر و عقیده دولتین را راجع به حقی که دولت ایران برای استقراض از محل دیگری سوای این دو دولت می تواند داشته باشد و همچنین راجع بپردادن به شخص یا دولت ثالثی امتیازاتی را که ممکن است مضر به مصالح و منافع پلتیکی یا نظامی دولتین انگلیس و روس در ایران باشد تصریح و تشریح نمودیم. اینک با کمال افتخار سواد آن مراسله را لفا خدمت می فرستیم.
پنده ... بارکلی

ملفوفه در نمره ۸۷

مراسله مشترك که به دولت ایران داده شده.

جناب آقای وزیر

در جواب مراسله جنابعالی مورخه ۸ ربیع الاول ما امضاء کنندگان ذیل وزرای مختار انگلیس و روس در ایران با کمال توقیر به اطلاع جنابعالی می رسانیم که دولتین انگلیس و روس حاضراند که حق دولت ایران را برای استقراض از سوای این دو دولت شناخته و تصدیق نمایند ولی مشروط به شرایط ذیل:
(۱) عایدات گمرکات و محلهای عایدات دیگر که قروض روس و انگلیس را تأمین و ضمانت می نماید در هیچ صورتی نمی توانند وثیقه و محل تأمین معاملات جدید بشوند.

(۲) کلیه قروض دولت ایران به انگلستان و روسیه باید قبلاً در تحت یک قرارداد و تعهد مخصوص رسمی مجتمع شده که در آن قرارداد مبلغ سالیانه ثابتی برای تأدیه منافع و قسط استهلاك آن قروض معین گردد و همچنین محل یا محلهای عایداتی که آن تأدیه سالیانه را مرتباً ضمانت نماید مقرر دارند.

(۱) اصل: ۲۶ مه ۱۹۱۰ که با توجه به ترتیب نامه ها اشتباه چاپی بوده است. - م.

بعلاوه با کمال افتخار خاطر جنابعالی را استحضار می‌دهم که دولتین انگلیس و روس در صورتی که مخل و مانع حقوق اتباع سایر دول در اقداماتی که مطلقاً و منحصرأ تجارتی باشد نخواهند بود ولی نمی‌توانند در هیچ صورتی بپذیرند امتیازاتی به اتباع دول خارجه داده شود که ممکن است مضر بر منافع و مصالح نظامی و پلتیکی دولتین در ایران بشوند. امضاءکنندگان:

سر جرج بارکلی و پاکلوفسکی^۱ گزل

نمره - ۸۸

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ مه)
از طهران ۴ مه ۱۹۱۰ [۱۴ اردی‌بهشت ۱۲۸۹؛ ۲۳ ع ۲ - ۱۳۲۸] آقا

در مراسله مورخه ۱۷ فوریه سواد مراسله مشترکی که در آن وزیر مختار روس و من شرایطی را که دولت اعلیحضرتی انگلستان و دولت امپراطوری روس برای دادن ۴۰۰۰۰۰ لیره استقراض به دولت ایران تکلیف می‌کنند تشریح کرده‌ایم خدمت فرستادم. اینک سواد جوابی را که از دولت ایران در آن موضوع رسیده با کمال افتخار ارسال می‌دارم.

بنده... بارکلی

ملفوفه در نمره ۸۸

مراسله‌ای که از طرف دولت ایران به سر جرج بارکلی رسیده است:
در جواب مراسله مورخه ۵ صفر ۱۳۲۸ که به امضای جناب جلالتمآب اجل سر جرج بارکلی و جناب جلالتمآب اجل مسیو پاکلوفسکی گزل رسیده و راجع به مساعدت و استقراض است که دولت ایران از دولتین انگلیس و روس تقاضا نموده با نهایت توقیر اظهار می‌کنم و خاطر نصفت مظاهر آن جناب جلالتمآب نیز البته تصدیق خواهد نمود که در مورد يك استقراض فقط شرایطی که می‌توان مطرح و قبول کرد شرایط راجع به تعیین منافع و مدت استهلاك و طریقه تأدیه آن استقراض است در این صورت در مورد مساعدت و استقراضی که بین وزرای دولت علیه و دو سفارتخانه محترم مطرح مذاکره است و با وجود روابط دوستانه بین دولتین هیچ انتظاری نمی‌رفت که غیر از شرایط راجع به میزان مبلغ و منفعت و محل عایدات برای تأمین تأدیه منافع و طریقه ادای قرض شرط دیگری پیشنهاد شود خاصه در صورتی که يك قسمت از شرایط مزبوره موهم تنافی^۲ با اصول آزادی و استقلال مملکت می‌باشند.

(۱) پاکلوفسکی. - م.

(۲) اصل: تناقی. - م.

و اما در خصوص مواد راجع به اصلاحات مالی و وسایل حفظ انتظام و امنیت مذکوره در مراسله چنانچه خاطر جنابعالی مستحض است این دو مسئله در پروگرام هیئت وزراء که تقدیم مجلس شورای ملی شده مخصوصاً مندرجند.

بنا بر اینکه قسمتی از مساعده و استقراض برای انجام این مقاصد تفکیک و تخصیص شده می‌توان گمان کرد که آن جنابان جلالتمآبان عالی این دو مسئله را برای ترقی مملکت و توسعه در تجارت از اصول اساسی می‌دانند و در این صورت ملاحظه و تصدیق خواهید فرمود چیزی که دو سفارتخانه محترم نظر به حسیات دوستانه دواتین متبوعین خودشان نسبت به دولت ایران اظهار و پیشنهاد نموده‌اند خود دولت علیه قبل از وقت آنها را در جزو وظایف اولیه اساسی خود قرار داده است.

لهمذا جنابعالی با عقیده درستدار موافقت خواهید فرمود که داخل کردن این دو مسئله در جزو شرایط لازم و مطلوب نبوده.

بالاخره نظر بمیلی که پیوسته دولت فخریمه انگلستان در استحکام روابط دوستانه ما بین دارد دولت ایران امید و انتظار دارد که در این مسئله شرایطی که تکلیف می‌شوند فقط مربوط به میزان مبلغ و منفعت و مدت استهلاك و طریق ادای قرض بوده باشد که پس از رعایت مراسم قانونی به موقع اجراء گذارده خواهند شد.

ابراهیم معاون الدوله

به تاریخ ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ مطابق ۷ آوریل ۱۹۱۰ [۱۷ فروردین ۱۲۸۹]

نمره ۸۹

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد کری (واصله ۹ مه)

تهران ۲۱ آوریل ۱۹۱۰ [۱ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۰ ع ۲ - ۱۳۲۸]
آقا

خلاصه مامیانه وقایعی را که در مدت چهار هفته گذشته در ایران اتفاق افتاده با کمال افتخار لفا ارسال می‌دارم.

بنده چائز مارلینگک

ملفوفه در نمره ۸۹ [در اصل ۷۹]

خلاصه وقایع اتفاقیه ایران در مدت چهار هفته که منتهی به ۲۷ آوریل ۱۹۱۰

می‌شود:

مجلس شورای ملی

عده و کلاء الحال به ۶۰ نفر می‌رسد و تقسیم بدو فرقه عمده شده‌اند که معروفند به تندروها و اعتدالیها.

فرقه تندرو از قرار اظهار بعضیها يك اقلیت پرصدایی هستند و مذکور است

که فقط مشتمل بر ۱۴ نفر است که از جمله آنها تقی‌زاده وحسینقلی‌خان می‌باشند. این فرقه مخالف با رئیس‌الوزراء یعنی سپهدار می‌باشند و به میزان کمتری با وزیر داخله یعنی سردار اسعد نیز مخالفت دارند اما اعتدالیها که اکثریت کاری آنها شاید بیشتر از ۳۰ نفر نباشند این مسئله را درك نموده‌اند که اقوی احتمال کامیابی و پیشرفت امور در تقویت این دو سردار یعنی سپهدار و سردار اسعد می‌باشد.

در تاریخ ۴ شهر حال این دو فرقه در خصوص تجدید انتخاب رئیس و سایر اجزاء رئیس و همچنین انتخاب اعضای کمیسیونهای مختلفه که تا آن تاریخ بطور موقت انتخاب شده بودند زورآزمایی و مبارزت کردند بالاخره اعتدالیها در انتخاب مستشارالدوله که از فرقه خودشان است به ریاست و همچنین به تجدید انتخاب نایب رئیس‌های سابق موفق شدند ولی از شش نفر اعضای کمیسیون امور خارجه سه نفر آنها از فرقه تندرو بودند یعنی تقی‌زاده - حسینقلی‌خان و وحیدالملک. این مجلس مثل مجلس سابق مشغول اهتمامی است که وجهی در داخله مملکت استقراض نماید. در طهران و ولایات کمیسیونهای مخصوص برای جمع آوری پول تشکیل شده. از تبریز تهیه یک کروور تومان وعده داده شده است ولی تاکنون مبلغ خیلی کمی وجه نقد جمع‌آوری شده.

از عید نوروز جلسات مجلس در طالار جدید که با مخارج زیاد برای همین مقصود ساخته و مزین شده است منعقد می‌شود.

وکلاء دیگر مثل سابق روی زمین نمی‌نشینند. نشیمن‌های مجلل در سه قسمت ترتیب داده شده که رو به صندلی ریاست نگاه می‌کنند. نطقها از کرسی‌کرده می‌شود، جاهای علی‌حده مخصوص برای هیئت مأمورین خارجه و عامه مردم و روزنامجات ترتیب داده شده است.

تبریز

در اول ماه آوریل ۴۰۰ نفر از بختیاریها در تحت فرمان سردار بهادر پسر سردار اسعد با ۱۷۰ نفر فدایی در تحت ریاست یقرب‌خان و ۱۰۰ نفر قزاق ایرانی و توپخانه از تبریز به طرف اردبیل حرکت کرده‌اند. مقصود این اردو سرکوبی طایفه شاهسون است که اخیراً در اردبیل غارتها کرده‌اند.

اصفهان

(۱) سردار اشجع کماکان حاکم است.

(۲) طغیان غریب‌خان در قمشه از تاریخ ۳ شهر حال خاتمه پذیرفت به این ترتیب که استعداد بختیاری که از قرار مذکور ۱۴۰۰ نفر بودند به قلعه‌ای که غریب‌خان و متابعینش پناه گرفته بودند هجوم آورده ۱۵ نفر از شورشیان مقتول شده بقیه دستگیر شدند ولی خود غریب‌خان فرار کرد.

حکمران که برای دادن دستور جنگ به قمشه رفته بود با اسراء به اصفهان مراجعت کرد.

(۳) خبر به سفارت رسیده که مستر بیل در حالتی که از شیراز به اصفهان می‌آمده معرض حمله شده سردار اسعد احکامات به سردار اشجع فرستاده که هرچه قوای بختیاری ممکن است از قمشه به استقبال مستر بیل بفرستد که مشارالیه را از نقاط خطرناک به سلامت عبور دهند. مستر گراهم خود برای اینکه اطمینان از اجرای احکام داشته باشد نیز به آن محل رفته است. مستر بیل بالاخره سلامت وارد قمشه گردید.

اگر چه جزئیات قضیه هنوز نرسیده، ولی معلوم است که دو سوار هندی را دزدها که شاید از طایفه کپکلو [= کپگیلویه] باشند کشته و همراهان مستر بیل دو نفر از دزدها را نیز کشته‌اند.

دوات ایران را برای این اتفاق سوء مسئول قرار داده‌ام.

(۴) مافراسلطنه حکمران جدید فارس که در راه شیراز است روز ۱۷ وارد اصفهان شد.

یزد

راپورت‌هایی که از نایب قنصل یزد می‌رسد مخصوصاً بر عدم امنیتی که در تمام راه‌ها وجود است خاطر را معطوف می‌سازد.

شیراز

شهر و اطراف در مدت ماه مارس در اغتشاش کلی بوده.

کرمان

راه یزد معرض تاخت و تاز سارقین بوده ولی سردار جنگ بختیاری حاکم یزد اقدامات جدی برضد آنها کرده و تا حدی مظفریت حاصل کرده است.

کرمانشاه

نظام السلطنه حکمران جدید از قرار معلوم به خوبی و کفایت کار می‌کند. شهر و اطراف نسبتاً منظم است طرق و شوارع امن و ایلات مطیع‌اند.

نمره - ۹۰

تلگراف مستر مارینگک به سر ادوارد گری (واصله ۹ مه)

طهران ۹ به ۱۹۱۰ [۱۹ اردیبهشت ۱۲۸۹: ۲۸ ع ۲ - ۱۳۲۸]

وزیر مختار روس ومن در عصر ۷ مه جواب دوات ایران را که به مراسله مشترک

ما داده است دریافت نمودیم. دولت ایران شرایط ۱ و ۲ را قبول می‌کند ولی در خصوص شرط راجع به امتیازات می‌نویسد که نظر به ابهام عبارت مراسله، جواب موکول و معوق پرسیدن توضیحات کتبی خواهد بود.

نمره - ۹۱

یادداشتی که میرزا امهدی خان در تاریخ ۱۴ مه به وزارت خارجه انگلیس فرستاده:

یادداشتی که سر چارلز هاردیک در غیبت سر ادوارد گری در تاریخ ۶ شهر حال برای وزیرمختار ایران قرائت کرده و به دست او داده است مندرجاتش را وزیرمختار مشارالیه به دولت متبوعه خود مخابره کرده اینک وزیرمختار مأمور است که تشکرات صمیمانه دولت متبوعه خود را به جناب سر ادوارد گری برای اظهاراتی که راجع به احساسات دوستانه دولت اعلیحضرتی انگلستان نسبت به اساس جدید ایران و همچنین راجع بمیل آن دولت براینکه ترقیات ایران و تکثیر ثروت آن بر طبق اصول حکومت ملی به موانع و عوایق بر نخورد کرده است تبلیغ نماید و به جناب معظم اطمینان کامل بدهد که دولت ایران صمیمانه آرزمند و جاهد است که احساسات حسنه و دوستی را که خوشبختانه فیما بین موجود است حفظ نموده و محکم‌تر نماید.

برای اینکه از هر سوء تفهیمی احتراز شود دولت ایران به وزیرمختار خود تعلیمات داده که آنچه مذاکرات و مکاتبات که از تاریخ تسلیم مراسله مشترك (۷ ماه گذشته) بین نمایندگان دولتین انگلیس و روس از طرفی و دولت ایران از طرف دیگر مبادله شده کاملاً به اطلاع اولیای دولت اعلیحضرتی انگلستان برساند. در مراسله مزبوره چنانچه در خاطر است دولتین حق دولت ایران را بر اینکه از هر جا که بخواهد استقراض نماید تصدیق نموده‌اند ولی شرایط ذیل را پیشنهاد نموده‌اند:

(۱) محلهایی که وثیقه قروض ثابت دولت ایران به دو دولت انگلیس و روس است، وثیقه هیچ قرض جدید نشوند.

(۲) قبلاً قراری در خصوص قروض جاریه دولت [ایران] به دولتین داده شود به این طوری که منفعت و طریقه تأدیه و محل پرداخت آن قروض معین گردد. علاوه بر شرایط فوق در مراسله مشترك چنین تقاضا شده که هیچ امتیازی که ممکن است مضر بر منافع پلتیکی و نظامی دولتین در ایران باشد به اتباع دول دیگر ندهند.

در تاریخ چهارم ماه مه دو نماینده دولتین به ملاقات وزیر امور خارجه ایران رفته و یادداشتی حضوراً قرائت کرده‌اند.

مضاد یادداشت مطالبه جواب مراسله مشترك مورخه ۷ آوریل بوده است و در

همان مجلس معنی و مقصود قسمت آخر مراسله را شفاهاً به این طریق توضیح کرده‌اند که برای اینکه منافع و مصالح دولتین در ایران محفوظ باشند دولت ایران باید قبل از اعطای هر امتیازی به اتباع دول دیگر با دولتین مشورت نماید.

وزیر خارجه جواب داده است که در خصوص استقراضها دولت ایران محلیایی را که برای تأمین قروض انگلیس و روس مقرر داشته وثیقه قرض جدیدی نخواهد داد.

اما در خصوص قرار قطعی راجع به قروض جاری یعنی منفعتی که بر آنها تعلق می‌گیرد و تأدیة اقسامد منظم دولت ایران حاضر است که با مساعدت و همراهی دولتین آن قرار را بدهد.

در خصوص قسمت آخر مراسله مشترك، وزیر خارجه اظهار داشته است که مقصود آن به دولت ایران واضح و روشن نیست اگر چنانچه معروف است راجع به راه‌آهن می‌باشد ایشان می‌توانند بگویند که دولت ایران قصد دادن هیچ امتیاز به خارجیها ندارند و مصمم است که این حق را برای خود نگاه دارد.

در خاتمة ملاقات وزیر خارجه وعده داد که در تاریخ ۷ مه جوابی به مراسله مشترك به سفارتین بفرستد.

در جوابی که در تاریخ مزبوره فرستاده شده، دولت ایران نوشته است که در مسئله اول مذکوره در مراسله دولت بر طبق مواد متاولة نامه‌های استقراضی که با دولتین انگلیس و روس بسته است عمل خواهد نمود.

در مسئله ثانی قرارهای لازم با مساعدت دولتین معظمین [معظمترین] گذارده خواهد شد.

اما در خصوص مسئله آخر مراسله نظر به اینکه مقصود روشن نیست دولت علیه ایران جواب را موکول بر رسیدن توضیحات کتبی از دولتین خواهد نمود که پس از وصول آن عقیده و جواب خود را اظهار دارد.

بالاخره سر ادوارد گری ملاحظه می‌فرمایند که دولت ایران جواب در مسئله مندرجه در مراسله را داده و در خصوص آن قسمت از مراسله که راجع بدادن امتیازات است جواب را تعویق انداخته است تا توضیحات مطلوبه برسد.

سفارت ایران در لندن ۱۴ مه ۱۹۱۰ [۲۶ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۴ چ ۱ - ۱۳۲۸]

نمره - ۹۲

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ مه)

از طهران ۱۹ مه ۱۹۱۰ [۲۹ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۹ چ ۱ - ۱۳۲۸]

با کمال افتخار راپورت می‌دهم تعلیماتی که امروز برای وزیرمختار روس رسیده مبنی بر آن است که دولتین جوابی برای مراسله مشترك خودشان که تفسیر

امتیازات را کرده از دولت ایران نمی‌خواهند.
نظر به اینکه دولت ایران یقیناً به این خیال است که ما انتظار جواب داریم خواهشمندم معین فرمایید که اگر در این موضوع استفساری نمایند آیا لازم است به آنها اظهار و اشاره شود که دولتین جوابی لازم ندارند؟

نمره - ۹۳

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک
وزارت خارجه انگلیس ۲۱ مه ۱۹۱۰ [۳۱ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف مورخه ۱۹ مه - نظر دولت روس این است که مراسله جوابیه اخیر دولتین به دولت ایران در حقیقت توضیح و ضمیمه مراسله مشترك ۷ آوریل بوده است و چنین پیشنهاد می‌کند که شما و وزیرمختار روس متفقاً به دولت ایران بگویید که در آن مراسله مقاصد تغییرناپذیر دولتین تصریح شده و اگر دولت ایران آنها را نپذیرد مجبور خواهند شد که برای حفظ منافع و مصالح خود اقدامات نمایند و دیگر آنکه دولتین انتظار جوابی ندارند.
من این پیشنهاد را پذیرفتم. اینک شما بر طبق آن عمل و اقدام نمایید.

نمره - ۹۴

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ مه)
از طهران ۲۳ مه ۱۹۱۰ [۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۳ ج ۱ - ۱۳۲۸]
دیروز یکی از متشخصین ایران به ملاقات من آمد برای آنکه استنباط نماید که دولت اعلیحضرتی انگلیس استخدام مشاورین مالیه را به چه نظریه می‌نگرد. مشارالیه به من اطلاع داد که دولت ایران نظر به اینکه اصرار دو سفارت را برای اجرای نقشه مسیو بیزو خوب در خاطر داشت تصمیم عزم نموده که از فرانسه مستخدمین مالیه را بخواهد و مجلس نیز حاضر است که استخدام آنها را تصویب نماید.

نمره - ۹۵

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ مه)
از طهران ۲۳ مه ۱۹۱۰ [۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۳ ج ۱ - ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف بلافاصله ماقبل راپورت می‌دهم که میهمان فوق‌الذکر در خصوص مسئله دادن مساعده و استقراض به دولت ایران که تاکنون راجع به آن فقط بعضی اظهارات مبهم به مسیو پاکلوسکی و من رسیده، مذاکرات به میان آورد

و چنین بیان کرد که لزوم اتحاد و روابط صمیمانه دوستانه با دولتین اینک بر دولت ایران واضح و محقق گردیده.

شرایطی که دولتین برای مساعدت مالیه‌ای پیشنهاد کرده بودند افکار عمومی را به وحشت انداخته بود ولی اکنون معلوم گردیده که مقصود از پیشنهاد کردن آن شرایط، حفظ منافع و مصالح خودشان در ایران بوده و هیچ سوء قصدی نسبت به مملکت ندارند. دیگر اظهار داشت که دولت ایران در جوابی که به مراسله مشترک ۷ آوریل داده است در يك ماده ترضیه دولتین را حاصل نموده و عمأ قریب بوسیله استخدام متخصصین خارجه برای تنظیم اداره مالیه ماده دوم از تقاضاهای دولتین را نیز انجام خواهد داد.

لہذا نظر به این مراتب حق معنوی بزرگی دارد که توقع مساعدت از دولتین داشته باشد فعلا دولت ایران به سختی محتاج پول است ولی خود را ملزم نموده که جز بوسیله دولتین از هیچ مجرای دیگری تحصیل وجه ننمایند.

در جواب ایشان من بیان نمودم که دولت اعلیحضرتی انگلیس در مساعدت دولت ایران صمیمانه مایل و حاضر است اگرچه عقیده و نظریات دولت در خصوص مساعده فعلی و استقراض بغداد هنوز به من اطلاع داده نشده ولی گمان می‌کنم که این حق معنوی دولت ایران را برای جلب مساعدت دولت فخریه کاملاً تصدیق می‌نماید. بین مسیو پاکلوسکی و یکی از وزراء نیز ملاقات دوستانه مفصلی واقع شده و در موضوع فوق‌الذکر مذاکره شده است.

اینک وزیر مختار روس و من در این عقیده متفقیم که در سیر و سلوک کابینه اخیراً تغییر عمده پسنیدیده عارض شده و گمان می‌کنم خوب است که از این موقع مفتنم استفاده شود و بوسیله دادن يك امتحان مادی از حسن مساعدت خودمان اعتماد اهالی ایران را جلب نماییم لہذا من پیشنهاد می‌کنم که در صورت استخدام متخصصین خارجه برای دادن مساعده به دولت ایران سوای شرایط تعیین محل تأمین آن و استرداد وجه مساعده در صورت انجام گرفتن مسئله استقراض بزرگ شرط دیگری تکلیف ننماییم.

اعتقاد من آن است که این اقدام دوام و استحکامی به کابینه فعلیه خواهد بخشید و اعتمادی در عامه تولید خواهد نمود.

نمره - ۹۶

تلگراف مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ مه)

طهران ۲۵ مه ۱۹۱۰ [۶ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۸]

با کمال توقیر به اطلاع جنابعالی می‌رسانم که وزیر داخله وعده داده است که آنچه در قوه دارد برای تأمین طرق تجارتي بکنه به طوری که در ظرف دو سه هفته قوافل بتوانند تردد نمایند، حالیه اوضاع فارس خیلی بد است و شک دارم

که این مدت کم برای ایجاد يك بهبودی واقعی کافی بوده باشد ولی عقیده‌ام این است که نیت وزیر داخله در اهتمام خالص است.

نمره - ۹۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر «ابیرن» [ابرون]
وزارت خارجه انگلیس ۲۵ مه ۱۹۱۰ [۴ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۸]
تلگراف ۲۳ مه واصله از طهران را ملاحظه نمایند.
به نظر من دولتین روس و انگلیس باید درخواست دولت ایران را حسن تلقی نمایند و آنچه می‌توانند قدر و قیمت مذاکرات و معاملات دوستانه را به آن دولت ارائه دهند مخصوصاً دولت روس اطمینان دارم که نیکو و پسندیده خواهد دانست که رفتار و مسلك دوستانه ایران را بوسیله مساعدت و موافقت با تقاضاهایش تشویق و تصدیق نماید. خواهش دارم نظر وزیر امور خارجه را در این موضوع استفسار کرده اطلاع دهید.

نمره - ۹۸

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ
وزارت خارجه انگلیس ۲۵ مه ۱۹۱۰
راجع به تلگراف امروز شما - ما باید آنچه ممکن است رفتار و سیره مساعدی را که فعلاً دولت ایران بروز می‌دهد تشویق و ترغیب بنماییم.

نمره - ۹۹

تلگراف مستر ابیرن [ابرون] به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ مه)
پطرزبورگ ۲۶ مه ۱۹۱۰ [۵ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۶ ج ۱ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف جنابعالی مورخه ۲۵ شهر حال
در ملاقاتی که امروز با مسیو ایزولسکی داشتم یادداشتی به مفاد تلگراف فوق‌الذکر جنابعالی تسلیم جناب ایشان کردم اظهار داشتند که از دادن جواب قهراً باید با وزیر مالیه مشورت نمایند.

نمره - ۱۰۰

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله در ۲ ژون)
 طهران ۲ ژون ۱۹۱۰ [۱۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۸]
 یکی از صاحب منصبان قشون روس در قزوین موسوم به داراب میرزا که
 ایرانی الاصل است اقدام و جنبش بر هواخواهی محمد علی شاه مخلوع نموده.
 از قراری که وزیرمختار روس اطلاع می‌دهد این شخص اجازه مرخصی گرفته
 و با یک نفر از اجزاء دربار شاه مخلوع به طرف آذربایجان حرکت نموده در راه
 جمعیت کمی دور خود جمع کرده و سه روز است به زنجان هجوم می‌برد.
 بنا بر دستورالعمل مسیو پاکلوسکی وزیرمختار روس فرمانده اردوی قزوین
 شصت نفر برای دستگیری او اعزام شده.

نمره - ۱۰۱

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری واصل ۲ ژون
 پترزبورگ ۲ ژون ۱۹۱۰ [۱۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۳ ج ۱ - ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف ۲ ژون مستر مارلینگک - در ضمن مذاکرات امروز مسیو
 ایزولسکی در خصوص مسئله فوق‌الذکر صحبت داشته و وقوع این اتفاق را بغایت
 بدبختانه و موجب تأسف می‌دانند و لیکن دولت روس آنچه ممکن بوده برای ترمیم و
 علاج واقعه کرده است به این طریق که استعدادی اعزام داشته که مقصر را دستگیر
 نموده در همان نقطه از نظام روس او را خلع و خارج نمایند.

نمره - ۱۰۲

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ ژون)
 طهران ۴ ژون ۱۹۱۰ [۱۴ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۵ ج ۱ - ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف من مورخه ۲ ژون داراب میرزا را روسها در تاریخ ۳ ژون
 دستگیر کردند.

نمره - ۱۰۳

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله در ۶ ژون)
 طهران ۱۵ مه ۱۹۱۰ [۲۵ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۲۸]
 در قسمت آخر ماه آوریل و اوایل این ماه متواتراً شهرت در افواه بوده که
 دولت ایران بعضی معاملات مالیّه انجام داده است ولی من و مسیو پاکلوسکی

نتوانسته‌ایم مآخذ صحیحی برای این اشتهارات کشف نماییم. دولت ایران از خیال فروختن جواهرات سلطنتی ظاهراً حالیّه منصرف شده‌اند و اهتمامی نمی‌نمایند که استقراض داخلی معادل ۱۰۰۰۰۰۰ لیره با منافع صد هفت بنمایند. وثیقه این امتقراض املاک خالصه خواهد بود که از قرار مذکور سالی ۱۰۰۰۰۰ لیره عایدات می‌دهد.

در مجلس اول نظیر و شبیه این اهتمام کرده شد ولی منتج به هیچ نتیجه نگردید اگرچه هستند اشخاصی که درمورد این اهتمام و اقدام فعلی پیش از من احتمال گامیابی می‌دهند ولی هیچ مورد شبیه نیست که مقدمین به این امر به اشکالاتی تصادف خواهند نمود که باید به زحمت رفع و دفع نمایند.

رای و توصیه کمیسیون مخصوص مجلس که مأمور تحقیق و نظر در این استقراض داخلی بوده از قرار ذیل است:

(۱) وجوهی که از این امتقراض حاصل می‌شود باید به مصرف تنظیمات و اصلاحات مملکت به ترتیباتی که مجلس تصویب می‌نمایند رسانده شود.

(۲) برای اداره کردن استقراض هیئتی باید انتخاب شود که مشتمل بر چند نفر از اعضاء مجلس و بعضی دیگر بوده باشند. مأمورین خارجه نیز ممکن است برای عضویت این هیئت مستخدم یا معین بشوند.

(۳) میزان عایدات املاک خالصه با تحقیق معین شده و از این محل تأدیة قسط استهلاك و منافع این قرض بشود اگر عایدات سابق الذکر برای ادای آن مبلغ کفایت نکرد کسر آن را از عایدات تذکره باید تکمیل و تأدیة نمود. کمیسیون مزبور بعلاوه توصیه نموده که کوپنها یا برشهای استقراض از بابت بدهی مالیاتی دارندگان کوپان [کوپن] قبول و محسوب شود.

(۴) توزیع سهام و جمع‌آوری وجوه آنها در تمام مملکت به عهده بانک شاهنشاهی واگذار شود و خریداران سهام در هر جا باید رجوع به شعبه محلی یا به عامل بانک شاهنشاهی نموده وجه را به آنها بپردازند.

(۵) يك نفر مستخدم اروپایی که متخصص مالیه باشد از خارجه اجیر نمایند که در پرداخت اصل و فرع این قرض نظارت و کنترل نموده و همچنین محل عایداتی را که برای این مقصود تخصیص شده است اداره نمایند.

مراجعة این استقراض به اختلاف پیشنهاد شد به این معنی که از صد پنج الا صد نه مطرح مذاکره کردند ولی کمیسیون قبول صد هفت را توصیه نموده است. مدت این استقراض ۲۰ سال خواهد بود و مبلغ آن ۵۰۰۰۰۰۰ تومان که به يك کرور سهام ده تومانی تقسیم و توزیع می‌شود.

بنده... چارلز مارلینگ

نمره - ۱۰۴

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژون)
طهران ۱۸ مه ۱۹۰۹ [۲۸ اردی بهشت ۱۲۸۹؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۲۸]
آقا

با کمال افتخار خلاصه معمولی ماهیانه را که حاوی وقایع مهمه ایران در
مدت ۴ هفته گذشته است لفا تقدیم می‌دارم.
بنده... چارلز مارلینگک

ملفوفه در نمره ۱۰۴

خلاصه ماهیانه وقایع اتفاقیه ایران در چهار هفته لغایت ۱۸ مه ۱۹۱۰
[۲۸ اردی بهشت ۱۲۸۹؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۲۸]

طهران

[۱] خبر اندوه‌آور وفات اعلیحضرت ادوارد هفتم در تاریخ ۷ مه [۱۷ اردی بهشت
۱۲۸۹؛ ۲۶ ع ۱۳۲۸] صبحگاه به طهران رسید. تلگراف اعلیحضرت ژرژ که به
اعلیحضرت پادشاه واقعه داهیه را اطلاع داده بودند نیز در آن روز واصل گردید.
فردای آن روز صبح زود نماینده‌ای از طرف شاه و خود وزراء و سایر رجال و اعیان
مملکت برای تسلیت به ملاقات شارژدافر دولت اعلیحضرتی آمدند. نماز و دعای
ترحیم در تاریخ ۲۰ در کلیسای پرتستان به جا آورده خواهد شد.
[۲] جوابی که دولت ایران به مراسله مشترک ۷ آوریل دولتین روس و انگلیس
داده بود در تاریخ ۸ مه واصل گردید. مراسله مزبور مواد ۱ و ۲ را قبول می‌نماید
به این معنی که لزوم وثیقه ندادن هر محل عایداتی را که قبلا به رهن داده شده
تصدیق نموده و بهمچنین تثبیت یا یکجا کردن قروض جاریه را می‌پذیرد ولی در
خصوص امتیازات توضیحات می‌خواهد.

جواب این مراسله نیز در کار تهیه شدن است.

[۳] بحران وزراء در تاریخ ۲۹ آوریل [۹ اردی بهشت ۱۲۸۹؛ ۱۸ ع ۲ -
۱۳۲۸] خاتمه پذیرفت. صورت اسامی وزراء را ذیلا شرح می‌دهم چنانچه ملاحظه
می‌فرمایید سپهدار و سردار اسعد مبادله مقام کرده‌اند و بعلاوه وزیر پست و تلگرافی
معین نشده است.

رئیس‌الوزراء و وزیر داخله	سپهدار
وزیر جنگ	سردار اسعد
وزیر امور خارجه	معاون الدوله
وزیر عدلیه	مشیرالدوله
وزیر مالیه	وئوق الدوله
وزیر فواید عامه و معارف و غیره	صنیع الدوله

معتمد خاقان

وزیر تجارت

دبیرالملک به سمت معاونت وزیر داخله و قوام السلطنه به معاونت وزارت جنگ معرفی شدند.

۴) مجلس ملی در تاریخ دهم مه احترامات مخصوص نسبت به اعلیحضرت ادوارد هفتم تقدیم نمود به این طریق که تمام اعضاء از جای خود برخاسته و رئیس مجلس خطابه و نطق غرایبی در مدیحه‌مرایی شرح و صفات حسنه اعلیحضرت متوفی انشاء نموده و از طرف ملت ایران از این واقعه دایه اظهار نهایت تأسف و تألم را کرده و بالاخره تلگرافی که حاوی و حامل این حسیات بود به پارلمان انگلیس مخابره نمودند.

در تاریخ ۲۸ ماه گذشته کمیسیونی که برای ترتیب استقراض داخلی انتخاب شده بود عقاید خود را به این طریق پیشنهاد مجلس نمود: مبلغ استقراض ۱۰۰۰۰۰۰ لیره و منفعت آن از قرار صدی هفت و ثیقہ یا محل ضمانت آن املاک خالصه بوده باشد.

این مسئله در مراسله مورخه ۱۵ مه مستر مارلینگک به تفصیل شرح داده شده. کابینه جدید در تاریخ ۳۰ آوریل [۱۰ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۸] در مجلس حاضر شد و سپهدار اعظم اعلام داشت که ایشان و سردار اسعد مبادله مقام نموده‌اند.

در پایتخت نان کمیاب بوده است. کمیسیونی انتخاب گردید که در این مسئله تحقیقات به عمل آورده و برای علاج این عسرت اقدامات بکنند. بعلت بی‌ترتیبی‌ها که نسبت به وزارت عدلیه می‌دهند فریاد و شکایت مردم بلند شده لهذا کمیسیونی برای تحقیق این مسئله انتخاب شده و اینک مشغول کاراند.

تبریز

اردوی دولت که در تحت فرمان سردار بهادر و پیرم چنانچه سابقاً راپورت داده شد و در محال و نواحی اردبیل با طوایف شاهسون مشغول جنگ و جدال بودند اینک به کلی فاتح و منصور شده و شاهسونها کاملاً مقهور و مغلوب گردیده‌اند و بالنسبه آرامش و انتظامی در آن نواحی آذربایجان اعاده شده.

رشت

حکومت جدید گیلان ظاهراً در حفظ انتظام چندان موفقیت ندارد. وقوع حریقهای عمدی مایه بسی اغتشاش و زحمت گردیده و بسیاری را از این بابت دستگیر و توقیف نموده‌اند لکن از قرار راپورت راهبا امن‌اند.

نیشابور

در تاریخ ۱۶ شهر حال بعلت احتکار غله شورش سخت در آنجا بروز کرد ولی

بواسطه ورود يك دسته پلیس از مشهد نظم اعاده گردید.

اصفهان

خانم مارابل یکی از مأمورین مذهبی انگلیس در موقعی که در مجاورت شهر مشغول دوچرخه‌سواری بوده مورد حمله يك دسته رعیت یا چاروادار شده است. مستر گراهم در ضمن راپورت دادن این واقعه توجه را به طرف جسارت زائده اهالی اصفهان نسبت به اروپاییها جلب و معطوف می‌سازند.

راهپا بیشتر به حالت معمولی هستند. از قرار راپورت تجار اصفهان بعلت معطلی راه اهواز خیلی ناراضی‌اند.

کمپانی لینچ در خصوص قافله عمده‌ای از پول نقد که می‌خواستند از آن راه حمل نمایند با خوانین بختیاری در گفتگو و زحمت معتناهی بودند و پس از آنکه تقاصاهای اجحاف کارانه خوانین مدتی اسباب تأخیر و معطلی گردید بالاخره قافله حرکت کرده است.

یزد

زنی که بنا بر اقرار خود پسر پنج ساله شوهرش را که از زن دیگری داشته خفه کرده است مقصر و محکوم گردیده و از بنایی به ارتفاع بیست ذرع او را پایین انداخته‌اند اتفاقاً پس از زمین افتادن تلف نشد. لهذا جمعی از زنها که برای تماشا آمده بودند او را بقدری سنگسار نمودند تا مرد.

سردار جنگ بختیاری حکمران با يك دسته بزرگ از دزدها در راه بین یزد و بافق جنگ کرده و بر آنها کاملاً فایق آمده است (بافق محلی است که ۶۰ میل در جنوب شرقی یزد واقع است.) در وسط ماه آوریل حکمران مشارالیه ۵۹ نفر از دزدها را که دستگیر کرده بود تماماً بسته به يك زنجیر پیاده وارد شهر یزد نمود و پنج نفر دیگر از آنها که در موقع جنگ مجروح شده بودند سوار بر شتر و سرکرده آنها که سه زخم گلوله داشت در پالکی ورود به شهر نمودند. کلیتاً متجاوز از ۱۰۰ نفر از این دسته دزد یا مقتول و یا اسیر شده‌اند.

حکمران اظهار دلتنگی و شکوه می‌نماید که اولیای امور مرکزی یا اینکه در تمجید و تحسین از این اقدامات شجاعانه جدید مشارالیه هیچ کوتاهی نکرده‌اند لیکن مخارج لازمه آنها را به عهده خود حکمران مشارالیه می‌گذارند.

شیراز

حرکات و اقدامات صولت‌الدوله ایل‌خانی خالیه قشقایی و ضیفم‌الدوله برادرش و شاهزاده ظفرالسلطنه فرمانفرمای جدید در این موقع جالب توجه زیاد است. شاهزاده حکمران در تاریخ اول این ماه از اصفهان به طرف مقر مأموریت حرکت کرده وای تا ۱۸ درآباد بوده‌اند و علت این توقف و تأخیر حرکت مبادله

مذاکرات با صولت‌الدوله که فعلاً چند میل در جنوب شیراز است بوده. ضیغم‌الدوله که مسافت زیادی ملتزم و همراه حکومت بوده از ایشان جدا شده و اینک از قرار مذکور قریب ۲۰۰۰ نفر قشقای دور خود جمع نموده و قصد مبارزت با برادر خویش دارد.

کرمان

سیل‌های عظیم آمده خسارات زیاد وارد آورده و تقریباً ۱۵۰ دهکده را به کلی خراب نموده مخصوصاً از قرار راپورت خسارت وارده بر رفسنجان فوق‌العاده بوده است چنانچه ۳۰ نفر غرق شده و ۶۰۰۰ نفر بی‌خانه و مسکن‌اند. ضرر و خسارتی که بر حاصل وار شده محتمل است امسال باعث قحطی در این نواحی بشود. سارقین نیز در اطراف کرمان مشغول غارت‌اند و مسافری در امنیت نیستند حتی در دو فرسخی شهر.

همدان و کرمانشاه

این دو شهر و بلوکات اطراف آنها و راه‌ها نسبتاً منظم‌اند. حاکم همدان با استعداد کمی به جنگ دست یزگی از دزدها که قوافل را در راه بین کرمانشاه و همدان زده‌اند رفته است. نتیجه این شد که دزدها با سرکرده‌شان فرار کردند.

نمره - ۱۰۵

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)
طهران ۱۸ مه ۱۹۱۰ [۲۸ اردی‌بهشت ۱۲۸۹؛ ۸ ج ۱ - ۱۳۲۸]
آقا

با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که بر طبق تعلیمات محتویه در تلگراف ۲۶ شهر ماضی جنایعالی به دولت ایران نوشته و معادل ۱۰۰۰۰ تومان غرامت قتل دو نفر سوار هندی که در مواقع همراهی با مستر بیل بین اصفهان و شیراز مقتول شده‌اند مطالبه نموده‌ام لذا ایفاد می‌دارم.

نظر به اینکه جوابی به این مراسله داده نشده بودمر اسله دیگری در آن موضوع به وزیر امور خارجه فرستادم. سواد این مراسله ثانی نیز در جوف است. با پست آتیه راپورت در خصوص کلیه اوضاع جنوب با کمال توقیر خدمت جنایعالی ارسال خواهم داشت.

بنده... چارلز مارلینگک

ملفوظه ۱ در نمره ۱۰۵

مراسله مستر مارلینگک به دولت ایران
 طهران ۲۸ آوریل ۱۹۱۰ [۸ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۸]
 جناب مستطاب اجلا

با کمال افتخار نظر جنابعالی را به مراسله مورخه ۱۷ شهر حال سرچرج بارکلی راجع به حمله‌ای که جدیداً به کفیل قنصلگری دولت اعلیحضرتی انگلیس مقیم شیراز در موقع حرکت به اصفهان برده شده معطوف می‌سازم و اینک برحسب تعلیمات دولت متبوعه خود به جنابعالی اطلاع می‌دهم که دولت اعلیحضرتی انگلستان مداومت این نوع صدمات و حملات را نسبت به مأمورین اروپایی نمی‌تواند تحمل نماید.

نظر به اینکه دو نفر سوار هندی مستحفظین مستر بیل را سارقین به قتل رسانده‌اند، مأمورم که به اطلاع جنابعالی برسانم که دولت اعلیحضرتی برای هر يك از سوارهای مقتوله ۵۰۰۰ تومان و جمعاً ۱۰۰۰۰ [تومان] می‌شود مطابقت غرامت می‌نماید. بنا بر آنکه دولت ایران جدیداً قرضه‌ای را که دولتین انگلیس و روس مهیا شده بودند به آن دولت بدهند رد نموده است، لهذا اگر دولت ایران برای عدم تأمین کامل طرق متعذر به عذر نداشتن پول بشود دولت اعلیحضرتی این عذر را مقبول نخواهد دانست. انتظار دارد که دولت ایران فوراً قرار این کار را بدهد.
 بنده... چارلز مارلینگک

ملفوظه در نمره ۱۰۵

جناب مستطاب اجلا

با کمال توقیر خاطر جنابعالی را به مراسله ۲۸ ماه گذشته خودم راجع به حمله وارده بر مستر بیل و قتل ۲ نفر سوار هندی در تاریخ ۱۵ آوریل بین شیراز و اصفهان مراجعه می‌دهم.
 نظر به اهمیت مسئله نمی‌توانم از اظهار تعجب خودداری نمایم که دو هفته است می‌گذرد و جوابی به مراسله فوق‌الذکر دوستدار داده نشده است.
 بنده... چارلز مارلینگک

نمره - ۱۰۶

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۶ ژوئن)
 طهران ۲۰ مه ۱۹۱۰ [۳۰ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۱۰ ج ۱ - ۱۳۲۸]
 آقا

راجع به تلگراف ۹ شهر حال خودم اینک با کمال افتخار سواد مراسله دولت ایران را که در تاریخ ۷ مه در جواب مراسله مشترکه هفتم آوریل دو سفارت به

عنوان وزیرمختار روس و من فرستاده‌اند لذا ایفاد می‌دارم و همچنین سواد مراسله جوابیه دیگری را که من و وزیرمختار روس برحسب تعلیمات دولتی متبوعین خودمان امروز به وزیر امور خارجه ایران نوشتیم در جوف ارسال می‌دارم.
چارلز مارلینگک

ملفوفه ۱ در نمره ۱۰۶

مراسله معاون‌الدوله به مستر مارلینگک ۷ مه ۱۹۱۰ [۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۹] ۲۶ ع ۲ - [۱۳۲۸]

از جواب مورخه ۷ آوریل که بنا بر تعلیمات دولتی به امضای جنابان اجل سر جرج بارکلی و وزیرمختار روس رسیده بود استحضار حاصل گردید. مراسله مذکور چنین می‌گوید «دولتین انگلیس و روس حق دولت ایران را برای استقراض در محل دیگری سواى دولتین تصدیق می‌نمایند ولی فقط مشروط بشرايط ذیل.» در جواب ماده و شرط اول که شرح می‌دهد «عایدات گمرک و سایر عایداتی که برای ضمانت و تأمین قروض انگلیس و روس مقرر شده‌اند به هیچ وجه نمی‌توانند محل ضمانت معاملات مالیه جدیده بشوند.»

با کمال توقیر اظهار می‌دارم که دولت ایران در این مسئله موافقت نموده و هر تعمیدی که راجع به این موضوع در اسناد قروض دولت مندرج است کاملاً مجری و مرعی خواهد داشت.

در خصوص تمام قروض جاریه دولت ایران به دولتین روس و انگلیس بساید داده شود اگر چه دولت ایران نظر به اینکه محلهای عایدات مخصوص برای این قروض تخصیص نموده ارتباطی بین این شرط و حق خود برای استقراض جدید نمی‌بیند ولی مع هذا حاضر است که با مساعدت معنوی دولتین قرار قطعی در خصوص قروض جاریه متقبله خود بگذارد به این معنی که میزان مرابحه سالیانه و وضع پرداخت قرضه و همچنین اقساطی را که باید از محل عایدات مخصوص پرداخته شود معین خواهد نمود.

اما در خصوص اظهاری که در خاتمه مراسله به عبارت ذیل درج شده بود «دولتین انگلیس و روس در صورتی که حقوق اتباع سایر دول را در امور اقداماتی که مطلقاً تجارتی است در ایران مغل و مانع نیستند نمی‌توانند در هیچ صورتی بپذیرند امتیازاتی به اتباع دول دیگر داده شود که ممکن است مضر بر منافع و مصالح پلتیکی و نظامی دولتین در ایران بشوند.»

نظر به ابهام این قسمت مراسله دولت ایران جواب آن را به عهده تعویق می‌اندازد تا اینکه توضیح کتبی برای آن داده شود و بالخاصه لفظ امتیاز که بطور اعم در آخر مراسله ذکر شده توضیح و تشریح گردد به طوری که دولت علیه بتواند جوابی در این موضوع بدهد.

ابراهیم

ملفوظه ۲ در نمره ۱۰۶

مراسله مشترك دو سفارت به معاون الدوله
طهران ۷ مه ۱۹۱۰ مطابق با ۲۱ مه تاریخ روسی [۱۷ اردیبهشت ۱۲۸۹؛
۲۶ ع ۲ - ۱۳۲۸]

جناب مستطاب اجل آقای وزیر

در جواب مراسله جنابعالی مورخه ۲۶ ربیع الثانی ما امضاءکنندگان ذیل
وزیرمختار روس و شارژ دافر انگلیس با کمال افتخار توضیحات ذیل را درخصوص
قسمت آخر مراسله ۲۵ ربیع الاول خودمان به جنابعالی می‌دهیم. نظر باشکال تعیین
امتیازاتی که ممکن است به منافع پلتیکی و نظامی دولتین مضر باشد دولتین منتظر
و متوقع اند که دولت ایران قبل از دادن هر امتیازی از قبیل راهها و خط تلگراف
و بنادر به یک تبعه خارجی با آن دو دولت مبادله نظریات و مذاکره بنماید تا
اینکه منافع و مصالح پولتیکی و نظامی آن دو دولت کما ینبغی محفوظ ماند.
هر اقدامی که برخلاف این اصل و قاعده بشود مخالف با دوستی تاریخی که
خوشبختانه بین دولت ایران و دولتین روس و انگلیس موجود است ملاحظه و
محسوب خواهد شد.

نمره - ۱۰۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگ

وزارت خارجه انگلیس ۷ ژون ۱۹۱۰ [۱۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۸ ج ۱ - ۱۳۲۸]
صلاح و مستحسن است که اهتمام کرده دولت ایران را متقاعد نمایید که به مراسله
مشترك ما مورخه بیستم مه جوابی ندهند لکن اگر نمی‌توانید در انجام این امر
کامیاب شوید کافی است که بشرط موافقت دولت روس اظهار تأسف ما را شفاهاً
به دولت ایران تبلیغ نموده و نتایج این قسم عدم موافقت با تقاضاهای ما را
خاطر نشان نمایید.

من امیدوار شده بودم که دولت ایران مسلك و رویه دوستانه‌تری پیش‌گرفته
و حاضر شده بودم که در موضوع مساعدت یا استقراض مساعدت نمایم ولی اگر
با عدم احتیاج بجواب در فرستادن جواب غیر مساعد به مراسله ملایم ما اصرار
نمایند اثر سوئی حادث خواهد کرد.

نمره - ۱۰۸

تلگراف مستر ابیرن [ابرون] به سر ادوارد گری. واصله ۸ ژون

از پترزبورگ ۸ ژون ۱۹۱۰ [۱۸ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۹ ج ۱ - ۱۳۲۸]
امروز در موقعی که مسئله استقراض اظهاریه را به جناب مسیو ایزولسکی

یادآوری نمودم جناب معظم اظهار داشتند که مسیو پاکلوسکی توصیه نموده که این مسئله باید به عهده تعویق بماند تا مبحث جواب دولت ایران به مراسله مشترکه جدید دولتین ختم و قطع شود. جناب معظم از من استفسار نمودند که آیا مستر مارلینگک نیز چنین توصیه کرده است؟ در جواب گفتم بلی مستر مارلینگک توصیه کرده ولی نمی‌دانم سر ادوارد گری با این پیشنهاد دو نماینده موافقاند یا خیر لکن در هر حال به عقیده من خوب و صلاح است که در مسئله استقراض اساساً قرار و موافقتی کرده شود.

جناب مسیو ایزولسکی اظهار داشتند که من نیز با این عقیده همراه ولی فعلاً منتظر بعضی اطلاعات لازمه از طهران هستم و از طرف دیگر نیز لازم می‌دانم که دولتین این پیشنهاد نمایندگان خود را که جواب دولت ایران راجع به استقراض عجالتاً در عهده تعویق نماند مورد توجه قرار بدهند.

نمره - ۱۰۹

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۹ ژون)
از سن پترزبورگ ۹ ژون ۱۹۱۰ [۱۹ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱ ج ۲ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف شما به طهران مورخه ۷ ژون
یادداشتی از مسیو ایزولسکی به من رسیده که در آن موافقت کامل خود را
اظهار می‌دارد هر اینکه اگر دولت ایران در دادن جواب کتبی به مراسلات جدید
دولتین راجع به امتیازات اصرار نمایند لازم است نمایندگان دولتین در طهران
تبلیغات شفاهی را به دولت ایران بنمایند.

نمره - ۱۱۰

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک
وزارت خارجه انگلیس ۱۰ ژون ۱۹۱۰ [۲۰ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲ ج ۲ - ۱۳۲۸]
شما اجازه دارید به ترتیباتی که در تلگراف دیروز مستر ابرون معین شده،
عمل و اقدام نمایید.

نمره - ۱۱۱

مراسله مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۲۱ ژون)
 پترزبورگ ۱۷ ژون ۱۹۱۰ [۲۷ خرداد ۱۲۸۹: ۹ ج ۲ - ۱۳۲۸]
 زقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که از مسیو اینزولسکی راجع به استقراض
 اظهاریه دولت ایران به من رسیده لغاً ایفاء می‌دارم.
 بنده... هیو ابرون

ملفوفه در نمره ۱۱۱

یادداشت مسیو اینزولسکی مرسوله به مستر ابیرن [ابرون]
 سفارت کبرای دولت انگلیس در تاریخ ۱۳ مه ۲۶ مه روسیه هذه السنه به
 اطلاع وزارت خارجه امپراطوری روس رسانیده که سر ادوارد گری حاضر است
 در صورت موافقت دولت روس با مسئله استقراض به وزیر هند توصیه نماید که
 مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ لیره به عنوان سهم دولت انگلیس بدون هیچ شرطی به دولت
 ایران قرض بدهند.

دولت امپراطوری روس نیز حاضر است که دویمت هزار لیره سهمی خود را
 از قرضه اظهاریه بدون پیشنهاد کردن هیچ شرط پلیکی به دولت ایران بدد ولی
 این کار را فقط وقتی می‌توانند بکنند که تأمین و ضمانت تأدیه اقساط استهلاك
 و منافع این قرضه از محل مطمئنی از عایدات دولت ایران بشود.

از اطلاعات و معلوماتی که دولت امپراطوری روس فعلاً داراست نمی‌تواند
 بطور قطعی اطمینان داشته باشد که عایدات گمرکات شمالی و ضرابخانه برای
 تأمین این قرضه و تأدیه تقبلات و تعهدات سابقه دولت ایران کفایت خواهد کرد.
 در همین اواخر وزیرمختار روس در ایران راپورت داده است که دولت ایران
 حکمی صادر نموده که آنچه شمش تفره‌ای برای ضرب سکه در ضرابخانه وارد
 مملکت می‌شود از دادن حق گمرک معاف باشند.

نظر به اینکه این اقدام ممکن است باعث نکث ۳۰۰۰۰۰ تومان در عایدات
 سالیانه گمرکات شمالی بشود به وزیرمختار روس تعلیمات فرستاده شده که برضد این
 اقدام دولت ایران پروتست نماید چه که دولت روس هر اقدامی را که ممکن است
 باعث تخفیف و کسر عایدات گمرکاتی که وثیقه دو قرضه ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ مقرر
 شده‌اند بشود نمی‌تواند بپذیرد ولی این قبیل اتفاقات می‌فهماند که عایدات
 گمرکات شمالی را مشکل است بتوان يك محل تأمین مطمئن کافی تصور نمود.

بناء علی هذا برای اینکه دولت روس بتواند مسئله استقراضی را انجام دهد
 یحتمل لازم خواهد بود که در صورت عدم کفایت عایدات فوق‌الذکر محل دیگری
 برای تأمین و تأدیه قسط استهلاك و منافع سهمی دولت روس در این قرضه پیدا
 نماید برای این مقصود در صورت رضایت دولت اعلیحضرتی انگلستان می‌توان از

فاضل عایدات گمرکات جنوب که برای هیچ مصرفی متعین و مقید نیست استفاده و استمداد نمود. در این موضوع این مسئله را نیز باید متذکر شد که وضع و مقام کابینه دولت ایران فعلا به هیچ وجه محکم و استوار نیست و به عقیده مسیو پاکولوسکی و مستر مارلینگت صلاح است که انتخاب موقع مناسب برای انجام امر استقرار به عهده و اختیار آنها را گذار شود.

دولت روس که کاملا با این عقیده همراه است پیشنهاد می نماید که مبلغ ۴۰۰۰۰ لیره قرض به دولت ایران فقط وقتی داده شود که نمایندگان دولتمین صلاحیت و مناسبت موقع را به دولتمین متبوعتین خودشان اطلاع بدهند.

پترزبورگ ۳ ژون مطابق ۱۶ ژون روسی ۱۹۱۰ [۱۲ خرداد ۱۲۸۹: ۲۴

ج ۱ - ۱۳۲۸]

نمره - ۱۱۲

تلگراف مستر ابیرن [ابرون] به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژون)
از پترزبورگ ۱۸ ژون ۱۹۱۰ [۲۸ خرداد ۱۲۸۹: ۱۰ ج ۲ - ۱۳۲۸]
امروز مسیو ایزولسکی به من اطلاع دادند که در تبریز پلیسهای شهر به یکی از اتباع روس به قصد کشتن حمله برده اند و دولت روس مجبور شده که در این موضوع اقدام نماید. لهذا قشون روس چندین نفر از پلیسهای مرتکب و مسئول را دستگیر نموده اند. جناب معظم اظهار داشتند که این قبیل اتفاقات را ولو آنکه خالی از اهمیت باشند نمی توان اغماض و صرف نظر نمود.

نمره - ۱۱۳

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ ژون)
از قلمک ۳۰ ژون ۱۹۱۰ [۹ تیر ۱۲۸۹: ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۸]
از قرار راپورت کفیل قنصلگری دولت اعلیحضرتی مقیم کرمانشاهان طغیان و اغتشاشی سختی در آن ولایت بروز کرده یاغیها حکومت را شکست داده و داورخان یا استمداد کلهر شهر را تهدید می نماید.

نمره - ۱۱۴

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگت
از وزارت خارجه ۳۰ ژون ۱۹۱۰ [۹ تیر ۱۲۸۹: ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۸]
خواهش دارم راپورت دهید خبری که در اینجا شهرت دارد بر اینکه قشون روس بر استعدادی که از طرف دولت ایران برای جلوگیری دارا میرزا اعزام

شده هجوم برده و علی‌خان سرتیپ ایران در این جنگ کشته شده اصل و صحتی دارد یا خیر.

نمره - ۱۱۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگت
وزارت خارجه ۳۰ ژون ۱۹۱۰ [۹ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۲ ج ۲ - ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف امروز خودتان - شما باید به دولت ایران آگاهی دهید که
اگر حمله و صدمه بر قنصلگری دولت اعلیحضرتی انگلستان وارد آید دولت
ایران مسئول خواهد بود. لایه به دولت تأکید کرده‌اید که برای اطفاء ناپره اغتشاش
منتهمای اهتمام را بنمایید.

نمره - ۱۱۶

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۱ ژویه)
از قلمك ۱ ژویه ۱۹۱۰ [۱۰ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۳ ج ۲ - ۱۳۲۸]
در جواب تلگراف جنابعالی مورخه ۳۰ ژون اطلاع می‌دهم که راپورتهای اولیه
واصله از مجرای ایرانی با اظهار روسها که اول از طرف ایرانیها به قزاقهای
روس شلیک شده موافقت دارند.
بعلاوه مسیو پاکلوسکی از دولت ایران کاغذی در دست دارد حاکی بر اینکه
قاتل علی‌خان سرتیپ، احمدخان میرشکار سابق محمدعلی میرزا که از ارتجاعیون
معروف و از منسوبان خود علی‌خان است بوده.

نمره - ۱۱۷

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۲ ژویه)
قلمك ۲ ژویه ۹۱۰ [۱۱ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۸]
روز دوشنبه گذشته گاری پست که حامل پست اروپا بوده در راه رشت در دو
منزای مغرب قزوین دچار راهزنیهای مسلح گردیده است. ظن غالب این است که
دزدان به قصد زدن قافله‌ای که حمل نقره بانك شاهنشاهی را می‌کرده‌اند بوده‌اند
ولی قافله مزبور اگر چه مدتی در راه معطل شد بالاخره به سلامت به مقصد رسید.

نمره - ۱۱۸

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ ژویه)

طهران ۲۸ مه ۱۹۱۰ [۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۸] آقا

راجع به تلگراف خودم مورخه ۱ مه [۱۱ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۰ ع ۲ - ۱۳۲۸] اینک با کمال افتخار راپورت می‌دهم که مشیرالدوله در تاریخ ۲۱ شهر حال از وزارت عدلیه استعفا دادند و سردار منصور به مقام ایشان معین گردیدند. نظر به اینکه رئیس‌الوزراء وجود مشیرالدوله را در کابینه لازم می‌دانند ایشان را به مقام وزارت تجارت مقرر داشته و در همین موقع معتمد خاقان به وزارت پست و تلگراف معرفی شدند. دخول سردار منصور را در کابینه عموماً علامت ازدیاد نفوذ فرقه‌ای که مشوق و خواهان مناسبات حسنه صمیمانه با دولت انگلیس و روس‌اند می‌دانند. بنده... چارلز مارلینگک

نمره - ۱۱۹

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۴ ژویه)

طهران ۱۷ ژون ۱۹۱۰ [۲۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۸] آقا

راجع به مراسله ۱۸ مه خودم اینک با کمال افتخار سواد مشروحه کفیل قنصلگری شیراز را که ملاحظات خود را راجع به اوضاع عمومی فارس در آن تذکار نموده لغاً تقدیم می‌دارم. بنده... چارلز مارلینگک

ملفوفه در نمره ۱۱۹

مستر اسمارت کفیل قنصلگری شیراز به مستر مارلینگک

شیراز ۶ مه ۱۹۱۰ [۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۹؛ ۲۵ ع ۲ - ۱۳۲۸] آقا

اجازت گرفته چند فقره ملاحظات راجع به اوضاع عمومی فارس را تقدیم می‌دارم. شهر شیراز با وجود نبودن هیچ حکومت و اقتدار واقعی فوق‌العاده ساکت و منظم بوده در خصوص وضع راه اصفهان که متجاوز از دو ماه است به کلی برای تردد قوافل مسدود است لازم نمی‌دانم تأکید و تذکار کنم. پست را مرتباً دزد زده است و اگر یک پستی بطور استثناء به سلامت بگذرد باید فقط متشکر اعضاء دزدها باشد. از قرار معلوم در شمال آباده که کلونی

[کپیگلوپیه ای] ها و در جنوب ده بید طوایف عرب راه را کاملاً اشغال و تصرف نموده اند.

نصرت الدوله که فعلاً در کناره داخل ایلات عرب است ظاهراً نسبت به آنها حالیه اختیار و اقتداری ندارد. راه چره در تحت توجه و مراقبت صولت الدوله امن بوده است ولی فعلاً برای تجارت و تردد مسدود است. مشارالیه بدون مشورت و اطلاع اولیاء امور فارس با اینکه تعهدنامه رسمی برای حفظ و حراست راه به آنها داده است دفعته به تجار شیراز اطلاع داده که بعد از ۱۶ روز دیگر مسئولیت امنیت هیچ قافله ای را در راه چره قبول نخواهد نمود. نتیجه آنکه کلیتاً حمل مال التجاره در عهده تعویق است تا اینکه قرار جدیدی با صولت الدوله که فعلاً در خوان خبیص است گذارده شود. تجار چند نفر نماینده به آنجا فرستاده اند که با مشارالیه مذاکرات کرده قراری بدهند - از قرار مذکور صولت الدوله می خواهد راه بوشهر را تبدیل به راه فیروزآباد نماید و میل دارد که راه اصفهان را در تحت اداره خود بگیرد.

خطوط تلگراف را اعراب در سمت شمال و قشقایی در سمت جنوب مکرر قطع کرده و خسارت وارد آورده اند. رفتار طوایف قشقایی در اطراف دشت ارژن به مراتب بدتر از سالهای سابق است چنانچه دائماً خطوط تلگراف را قطع کرده و جبراً وارد تلگرافخانه شده و غلامهای تلگراف را تخت می نمایند.

صولت الدوله به مستر بیل وعده داده بود که ایلات قشقایی امسال در موقع حرکت به طرف شمال به دشت ارژن نخواهند رفت ولی ده روز قبل طایفه دره شوری قشقایی از دشت ارژن عبور کرده و خرابی زیادی وارد آورده اند. در مقابل شکایت من از این رفتار صولت الدوله جواب داد که متأسفانه فقط طایفه دره شوری مجبور به عبور از دشت ارژن شده و گمان نمی رود که این طایفه مرتکب چنین رفتاری بشود. از آن تاریخ به بعد طوایف مختلفه قشقایی یکان یکان از دشت ارژن عبور کرده یا مشغول گذشتن اند و هر کدام بقدر سهم خود خرابی و خسارت وارد آورده اند. نتیجه آنکه اظهارات و تأکیدات من به صولت الدوله غیر از دادن وعده های ایفاء نشده در تنبیه و جلوگیری اشرار و اظهار تأسفها تاکنون چندان اثری حاصل و حادث فکرده است.

نمره - ۱۲۰

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله در ۴ ژوئیه)

از قلمک ۱۷ ژون ۱۹۱۰ [۲۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۸]

آقا

خلاصه معمولی وقایع مهمه را که در چهار هفته گذشته در پایتخت و ولایات اتفاق افتاده برای اطلاع جنابعالی لفاً ایقاد می دارم. کلیتاً برای اطلاع دادن چندان

چیزی که دلالت بر بهبودی اوضاع مملکت بنماید نیست و این مسئله با وجود اختلافات داخلی کابینه که پیوسته اسباب فلج و بی اثر کردن حکومت مرکزی است چندان مورد تعجب نیست.

چیزی که در اوضاع کنونی اسباب نگرانی و اضطراب است همانا عدم کفایت ظفر السلطنه حکمران جدیدالورود است و به این ترتیب نمی شود پیش بینی کرد و اطمینان داشت که بین در قسمت قشقای در تحت صولت الدوله و ضیغم الدوله مخاصمه و مقاتله واقع نشود.

در مدت این يك ماه در راه بین شیراز و اصفهان راهزنی خیلی عمده واقع نشده.

در خصوص حفظ و تأمین راه بطور صحیح در واقع هیچ اقدامی نشده يك صاحب منصب به شیراز فرستاده اند که استعداد امنیه ای تشکیل بدهد ولی بواسطه فقدان وجه اهتمامات او نیز مفلوج و بی حاصل است.

بنده... چارلز مازلینگک

ملفوظه در نمره ۱۲۰

خلاصه ماهیانه وقایع اتفاقیه ایران در ظرف يك ماه لغایت ۱۷ ژون ۱۹۱۰
[۲۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۹ ج ۲ - ۱۳۲۸]

طهران

کابینه وزراء بعد از مذاکرات طولانی با مجلس در تاریخ ۲۱ مه [۳۱ اردی بهشت ۱۲۸۹؛ ۱۱ ج ۱ - ۱۳۲۸] تشکیل یافت و اعضاء از قرار ذیل اند:

رئیس الوزراء و وزیر داخله	سپهدار اعظم
وزیر جنگ	سردار امعد
وزیر خارجه	معاون الدوله
وزیر مالیه	وثوق الدوله
وزیر عدلیه	سردار منصور
وزیر پست و تلگراف	معمد خاقان
وزیر تجارت	مشیر الدوله
وزیر فوائد عامه	صنیع الدوله

چراید مبادلاتی را که هشت وزیر فوق الذکر پیوسته بین مقامات و مشاغل خود می نمایند مورد استهزاء قرار داده و مخصوصاً از سپهدار و وزیر عدلیه جدید به زبان بی احترامی زیاد سخن رانده اند.

در تاریخ ۲۵ مه [۴ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۵ ج ۱ - ۱۳۲۸] روزنامه جات تجاوزکار به حکم وزراء توقیف شدند و مدیرهای آنها را برای محاکمه حکم به حاضر شدن دیوانخانه عدلیه نمودند ولی مشارالیه هم از اجرای این حکم امتناع ورزیدند.

در مقابل هیجان و حرارت مردم سردار اسعد اجازه دادند که روزنامهجات مزبوره مجدداً طبع و نشر شوند ولی سپهدار معجلا از کابینه کناره جسته و به خانه بیلاقی خود رفتند. مذاکرات طولانی هر روزه بین جناب معظم و سایرین مبادله می شد تا بالاخره در تاریخ نهم شهر حال ایشان را متقاعد کردند که به شهر مراجعت نمایند - اهتمامی هم به عمل آمد که کابینه ای بدون بودن ایشان تشکیل شود و لکن کامیاب و موفق نشدند.

در تاریخ ۲۸ مه [۷ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۳۲۸] بین ۸ و ۹ ساعت بعد از ظهر چند نفر اشخاص مسلح غیر معلوم وارد خانه امین الممالک شده او را به ضرب گلوله کشته و فرار کرده اند. مشارالیه سابقاً رئیس پست بوده و معروف است به تمایل به ارتجاع.

در تاریخ بیست و ششم مه [۵ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۶ ج ۱ - ۱۳۲۸] قرارداد بین دولت علیه ایران و بانک شاهنشاهی امضاء شد که بموجب آن قروض جاریه دولت تبدیل به قرض یکجای ثابتی گردید.

مجلس

تغییرات جدید کابینه در تاریخ ۲۱ مه بتوسط رئیس الوزراء به مجلس اعلام گردید. در همان جلسه مجلس راپورت کمیسیون بودجه را در خصوص معافیت گمرکی بعضی ماشین آلات کارخانه تکمه سازی که می خواهند در تبریز دایر نمایند تصدیق و تصویب نمود.

در جلسه ۲۶ مه قراردادی را که بین دولت ایران و سفارت امپراطوری روس در خصوص حمل پوست بره به خارج منعقد شده مجلس تصویب نمود. پس از آن مسئله توقیف روزنامهجات مطرح گردید و حملات سخت به هیئت وزراء نمودند و نسبت نقض قانون اساسی و خلف مشروطیت به آنها دادند.

در تاریخ ۴ ژون رئیس مجلس اطلاع داد که وکیل السراپا که تا بحال با ادارات دولت مساعدت و کمک می کرده نظر به تنقیدات و اعتراضات خصمانه که نسبت به او و مداخلاتش در امور دولت می نمایند در آتیه از این قبیل مساعدتها امتناع و احتراز خواهد کرد. این مسئله مورد بحث و بالاخره موکول به رأی مجلس گردید نتیجه این شد که اکثریت مداخلات و مساعدت او را در امور قوه مجریه با وجود عضویتش در هیئت مقننه تصویب نمود.

در تاریخ ۷ ژون شاهزاده اسدالله میرزا به سمت مخبری کمیسیونی که برای ملاحظه و رفع بحران کابینه نتیجه از اثر توقیف روزنامهجات و بعضی علل دیگر معین و منتخب شده بود نطق مفصلی در مجلس نموده و عقیده کمیسیون خود را مشروحاً راپورت دادند. در ضمن راپورت اشعار شده بود که سردار اسعد از طرف خود و رئیس الوزراء تقاضای اختیارات و اقتدارات بیش از پیش می نماید که بتوانند از عهده انتظام اوضاع مملکت به خوبی برآیند. ظاهراً دادن این

اختیارات را کمیسیون تصدیق و توصیه نکرده بوده است. در موضوع کابینه به نایب‌السلطنه مراجعه شد حضرت معظم مخالفت خود را با تغییر کابینه اظهار داشته‌اند.

در تاریخ ۱۲ ژون [۲۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۶ ج ۲ - ۱۳۲۸] پس از آنکه سپهدار را راضی کرده از خانه ییلاقی به شهر آورده بودند یکی از نمایندگان شرح مفصل موثقی از مذاکرات جدید راجع به بحران کابینه در مجلس بیان نمود و اظهار داشت که نایب‌السلطنه رئیس مجلس را احضار فرموده و بتوسط ایشان به مجلس پیغام فرستاده‌اند که حضرت ایشان تغییر کابینه را تصویب نمی‌نمایند لهذا قرار بر این شده که کمیسیون دیگری تشکیل شود که برای اصلاح مطالب با وزراء مذاکره و مباحثه نمایند.

نمایندۀ دیگری این رویه و ترتیب را که مسائل مهمه مملکتی در کمیسیونها بطور محرمانه مذاکره و حل و عقد می‌شوند در کمال تشدد تقبیح و تنقید نمود بناءً علی‌هذا رئیس مجلس تعرض کرده از مجلس خارج گردید و لیکن او را راضی کردند که به مجلس عودت کرده و مجدداً به مسند خود جلوس نمایند. بالاخره کمیسیونی انتخاب شد که در آن موضوع اقدام نمایند.

تبریز

اوضاع آذربایجان به طریق عادی است.

رشت

(۱) جلال‌الدوله پسر اکبر ظل‌السلطان در تاریخ ۱۵ مه [۲۵ اردی‌بهشت ۱۲۸۹؛ ۵ ج ۱ - ۱۳۲۸] از رشت عبور کرده به طرف طهران رفتند.

(۲) حکومت و رؤسای ادارات عدلیه و نظمیه با انجمن ولایتی در نزاع‌اند و مداخله انجمن را در امور اداری صحیح ندانسته و اجازه نمی‌دهند. اعضای انجمن تهدید نمودند که یا از خدمت استعفاء دهند و یا اینکه مطالب را به طهران رجوع نمایند. نوشتجات تهدیدآمیز به حکومت و سایر مأمورین نوشته شده و در اطراف شهر منتشر کرده‌اند.

(۳) قوام‌الدوله وزیر مالیه عهد استبداد نظر به اینکه نتوانسته وکیل مسئولی در طهران معین نماید که در گفتگوها نماینده او باشد در موقعی که به طرف اروپا مسافرت می‌نموده در تاریخ ۱۶ مه [۲۶ اردی‌بهشت؛ ۶ ج ۱] در انزلی توقیف‌گردید و بعد از آن تاریخ او را اجازه داده‌اند به طهران مراجعت نموده است.

(۴) در تاریخ ۱۹ مه [۲۹ اردی‌بهشت ۱۲۸۹؛ ۹ ج ۱ - ۱۳۲۸] جراید محلی تلگرافی از سپهدار وزیر داخله به طبع رسانده و به اطلاع عامه رسانده‌اند مشعر بر اینکه در آتیه تمام منازعات و مراعات بین اتباع ایران و اتباع خارجه باید در محاکم عدلیه ایران محاکمه و تسویه شوند و کارگزارهای امور خارجه هیچ حق

مداخله ندارند و لیکن در موارد مهمه می‌توانند حضور به هم رسانند.

مشهد

ایالت خراسان را روی هم رفته می‌توان گفت نسبتاً منظم است سارقین فارسی حدود غربی این ایالت را مغشوش دارند ولی این مسئله چیزی نیست که خلاف معمول و عادت باشد.

شهر مشهد و بلوکات و نواحی اطرافش آرام است ولی از قرار مذکور ترتیب حکومت در مدت چند ماه گذشته تا حد محسوس معینی سست شده است. تا این تاریخ ایالت خراسان روی هم رفته مالیات خود را خیلی خوب پرداخته است ولی در سال آینده برای جمع‌آوری آن اشکالات معتنا به پیش‌بینی می‌شود. در مدت ماه مه دزدیه‌های متعدد در طرق غربی ایالت و راه عمده تجارتنی سیستان واقع شده است.

اصفهان

(۱) یکی از روزنامه‌جات محلی مقاله‌ای در سعایت حکومت بختیاری در اصفهان به طبع رسانده، عده‌ای از بختیارها نسبت به مدیر روزنامه تهدیدات نموده‌اند. حکومت مشارالیه را به معرض محاکمه درآورده خود او محکوم به ۱۴ روز حبس و روزنامه‌اش سه ماه توقیف گردید و لیکن حکومت مدیر را از حبس مستخلص و معاف نمود.

(۲) در مدت ماه مه وضع تمام راهها موافق معمول بوده پست مرتباً می‌رسید و هیچ دزدی راپورت داده نشد.

کاشان

در تاریخ ۲۷ مه [۶ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۷ ج ۱۳۲۸] نایب‌حسین که قریب چهار ماه قبل آسایش و امنیت کاشان را به هم زده بود از قرار راپورت با ۲۵۰ نفر مجدداً به یک فرسخی شهر آمده است. در تاریخ ۲۸ دو نفر از پسرهایش با ۱۵۰ نفر بدون تصادف یا هیچ مخالفتی وارد شهر کاشان شدند و خود نایب در فین مانده است.

در تاریخ ۲ ژون [۱۲ خرداد ۱۲۸۹؛ ۲۳ ج ۱۳۲۸] اعلاناتی به دروازه‌های شهر نصب کرده و در آن اعلان بعد از تعیین نرخ فروش اجناس و ارزاق نوشته بود که اگر حکومت امشب از شهر خارج نشود به او حمله خواهیم کرد. بعلاوه نایب در اعلان ذکر کرده بود که ما هیچ قصد تعرض و مداخله به شهر یا اهالی را نداریم و فقط با ۸ یا ۹ نفر دشمنهای خودم کار دارم.

قشون و استعداد حکومت نقاط و سنگرهایی را که گرفته بودند در تصرف داشته و در تاریخ ۶ و ۷ و ۸ ژون [۱۶ تا ۱۸ خرداد؛ ۲۷ تا ۲۹ ج ۱] جدال و

تیراندازی زیادی واقع شد. نتیجه جدال اینکه از طرف استعداد حکومت يك نفر مقتول و دو نفر مجروح شده‌اند. از قرار مذکور از طرف نایب تلفات ۸ نفر بودند. از قم کمک برای استعداد حکومت فرستاده شده است.

یازد

راحمیا روی هم رفته بی‌اغتشاش بوده ولی در فقره دزدی راپورت داده شده ازلی در وسط ماه مه در راه کرمان واقع شد که پست را در این موقع زده‌اند سارقین این مورد يك دسته ۳۰۰ نفره بوده است که حکومت آنها را تا فارس تعاقب نموده است ولی فقط به دسته عقب آنها تصادف و جنگت نموده سه یا چهار نفر از آنها را به قتل رسانیده ۲۰ رأس الاغ از آنها پس گرفته است. سرقت دوم در اواخر ماه مه در راه طبس واقع شده در این مورد يك قافله به کلی غارت شده و چندین نفر از شتردارهای افغانی مقتول گردیده‌اند. سفارت دولت اعلیحضرتی در طهران در این موضوع به دولت اظهارات نموده است نتیجه این گردیده است که وزیر داخله احکامات مؤکده برای مجازات و دستگیری مرتکبین صادر نموده است.

اقدامات به عمل آمده است که امتیهای برای راهها بگیرند ولی معلوم می‌شود آنهايي که فعلا در خدمت‌اند حقوقشان مرتب نمی‌رسد.

بعضی اغتشاشات و تعدیات در این ولایت راپورت داده شده است. در اردکان تحمیلات و تعدیات نایب حکومت محل باعث شده که ۷۰ نفر از رعایا به زور داخل تلفونخانه شوند و درخواست اجازه نمایند که مالیاتشان را مستقیماً به شهر یزد بدهند.

در نائین يك لوطی با آنکه يك نفر از نوکرهای نایب‌الحکومه را در مسجدکشته و دو نفر طواف یهودی بی‌آزار را زخم زده مع هذا دستگیر نگردیده است زیرا که نایب‌الحکومه از تابعین و هندستان او خائف است.

در تفت يك نفر سید بدون جهت به يك زردشتی پیرمردی حمله برده و به سر و صورت او زخم کارد زده است.

در شهر یزد يك باب خانه موقوفه زردشتی را که در ۱۲ سال قبل در غیبت متولی يك همسایه مسلمان غاصبانه تصرف نموده بود جدیداً به امر حکومت به زردشتیها دوباره انتقال شده و اجازه داده شد که دیوار حدود آن را بسازند. بعضی تجدید اظهار تظلم از طرف مسلمان حکومت این حکم خود را نسخ نموده و به زردشتیها اجازه داد که این مسئله را راجع به طهران نمایند. مع ذالك شخصی مسلمان در تاریخ ۶ ژون [۱۶ خرداد؛ ۱۲۷ ج ۱] دیوار را خراب نموده و زن زردشتی را که پاسبان خانه بوده ضرب و صدمه زده است. پس از آن کلیه طایفه زردشتی به حکومت تظلم و استدعای دادخواهی نمودند. حکومت در جواب آنها را مورد توبیخ و سرزنش قرار داده و لهذا زردشتیها بخیال تحصن در تلگرافخانه انگلیس افتادند ولی مستر بلك من آنها را از این اقدام متصرف نمود.

برای جمع‌آوری قسط اول مالیات هذه السنه حکم مؤکد شده است و حکومت صرف نظر از اینکه اهالی بتوانند از عهده برآیند یا خیر مصمم است که جبراً مالیات را بگیرد.

کرمانشاه

راحمها تماماً امن بوده و کلیه ولایت منظم است مگر اینکه در حدود کردستان بین ایلات بعضی منازعات واقع شده حکمران با داودخان ایلخانی کلمهر مشغول مذاکرات است و منتظر ورود بعضی سوارهای بختیاری است که پس از رسیدن آنها از کرمانشاه حرکت نماید. از قرار راپورت داودخان در جمع‌آوری استعداد حکومت در وحشت است و حاضر است که صلح نماید. در شهر کرمانشاه بعضی اشخاصی قواعدی را که حکومت برای اعاده نظم اتخاذ کرده مسورد تنقیدات و اعتراضات قرار داده‌اند ولی مشارایه دو نفر از مؤسسين این هیجان را عاجلاً دستگیر نموده و به این وسیله از غائله جلوگیری کردند.

همدان

چندین فقره دزدی راپورت داده شده و از قرار مذکور وضع نظمیه ابتدا رضایت‌بخش نیست.

کرمان

سردار ظفر بختیاری به جای قوام‌الملک به ایالت کرمان مأمور گردیده ولی تا سه ماه دیگر به مقر حکومت نخواهد رسید و حکومت یزد به نیابت ایشان رتق و فتق امور خواهند کرد.

قوام‌الملک بدلیل اینکه دولت تقویت لازمه را از او نکرده و املاک او را در فارس حفظ ننموده و بعلاوه بدلیل اینکه در مدت غیبتش که به بلوک گردشی رفته بوده نایب‌الحکومه وقت را غنیمت شمرده بر علیه او اسباب‌چینی و تمهیدات نموده از حکومت استعفاء داده. در مدت بلوک گردشی قوام‌الملک مبلغ معینی مسالیات جمع‌آوری نموده و چندین نفر از ضباط محال جزء را برای تعدیات و تجاوزاتی که کرده بودند تنبیه کرده است.

شیراز

ظفرالسلطنه فرمانفرمای جدید در اوایل ژون وارد شدند. از آن به بعد آرامی و سکونت در شهر بوده است. از قرار معلوم طوایف قشقایی به دو قسمت منقسم شده دسته‌ای هواخواه صولت‌الدوله و قسمتی مطیع ضیغم‌الدوله‌اند. رفتار و رویه صولت‌الدوله از قرار مذکور نسبت به حکومت مطیعانه است. راه پوشهر از خط کازرون مجدداً برای تردد قوافل باز شده و چهار نفر قزاق

روس از این راه به سلامت گذشته و به شیراز آمدند. پست نیز حالیه از این راه ذهاب و ایاب می‌کند.

راه اصفهان در قسمت نزدیکی سیوند از قرار مذکور ناامن است اگرچه هیچ دزدی معین و مشخصی هنوز راپورت داده نشده است.

خلیج فارس

بوشهر

(۱) در اوایل ماه مه ایالت جدید فارس تلگرافاً [= تلگرافی] به دریاییگی اطلاع داده‌اند که حکومت بنادر نیز در تحت اداره ایشان مقرر گردیده و ایشان مشارالیه یعنی دریاییگی را کماکان به حکومت بنادر منصوب و معرفی می‌فرمایند.

(۲) در اواخر آوریل اداره گمرک با کمک‌خان بندر يك گمرکخانه در نزدیکی مصب رودخانه «رودمله» که نقطه مناسب معروفی برای قاچاقچیان گمرک بوده تأسیس و افتتاح نمودند.

نمره - ۱۲۱

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۸ ژویه)

از قلمك ۸ ژویه ۱۹۱۰ [۱۷ تیر ۱۲۸۹؛ ۱ رجب ۱۳۲۸]

با کمال افتخار راپورت می‌دهم که رئیس و نایب رئیس مجلس دیروز استعفاء نمودند. سقوط کابینه وزراء بعد از این واقعه نیز محتمل است.

نمره - ۱۲۲

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۸ ژویه)

از قلمك ۸ ژویه ۱۹۱۰ [۱۷ تیر ۱۲۸۹؛ ۱ رجب ۱۳۲۸]

در این اواخر عدم امنیت راههای عمده روی به ازدیاد و شدت بوده و سارقین قشقای اطراف اصفهان را معرض تاخت و تاز و قتل و غارت نموده‌اند. نظر به اینکه نوشتجات و اظهارات مشدد من به دولت ایران در این موضوع هیچ اثری نکرده دیروز عباسقلی‌خان را به هیئت وزراء فرستادم که خاطرنشان نماید که اوضاع مملکت در نظر دولت اعلیحضرتی انگلستان تحمل‌ناپذیر گردیده. سردار اسعد پلاتامل جواب داده که دولت ایران می‌تواند پیش‌بینی نماید که دولت انگلیس ممکن است اقدامات نظامی بنمایند و اینکه دولت اعلیحضرتی تاکنون قشونی نفرستاده و تحمل و اغماض نموده دولت ایران با کمال سپاس‌گذاری قدر می‌شناسد ولی دولت ایران

به طوری که در سمت شمال انتظام را مستقر نمود اقدامات مجدانه برای اعاده نظم در فارس و نقاط دیگر به عمل خواهد آورد. اظهارات عباسقلی خان را که سخت بوده ولی تهدیدآمیز نبود، هیئت وزراء خوب پذیرفتند و گمان می‌کنم که اهتمامی برای اعاده و استقرار نظم در مملکت بنمایند.

نمره - ۱۲۳

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱۰ ژویه)

قلمك ۱۰ ژویه ۱۹۱۰ [۱۹ تیر ۱۲۸۹؛ ۳ رجب ۱۳۲۸]

در تعقیب تلگراف ماقبل خودم با کمال افتخار راپورت می‌دهم که از قرار بیان ژنرال قنسول اصفهان اوضاع آن ولایت باعث اضطراب خاطر است. مستر گرام راپورت می‌دهد قشقای و بختیاری مشغول چپاول راه اهوازاند و دویست الی ۳۰۰ نفر از قشقای در شهر اصفهانند و چون عده آنها بیش از استعدادی است که حکومت دارد به این جهت حکومت از دفع آنها عاجز است.

۱۰۰ نفر از سوارهای حکومت مأمورند که به قمشه عزیمت نمایند و از قرار مذکور خود حکومت نیز برای ملاقات با صولت‌الدوله به آنجا خواهد رفت و لیکن مقصود این ملاقات را قنسول ژنرال بیان نمی‌کند.

من اظهارات مؤکده مجده به دولت ایران کرده و مسئولیت امنیت اتباع انگلیس را در این شهر به عهده آن دولت گذاشته‌ام.

نمره - ۱۲۴

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله در ۱۲ ژویه)

از قلمك ۱۲ ژویه ۱۹۱۰ [۲۱ تیر ۱۲۸۹؛ ۵ رجب ۱۳۲۸]

خواهشمندم به تلگراف من مورخه ۸ ژویه رجوع فرمایید.

کابینه استعفاء کرده است. هنوز معین نیست هیئت جدید را که تشکیل خواهد کرد ولی محتمل است که فرقه ملیون در این کابینه غلبه داشته باشند.

نمره - ۱۲۵

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه انگلیس ۱۵ ژویه ۱۹۱۰ [۲۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۸ رجب ۱۳۲۸]

در خصوص توپ بستن کشتی جنگی روس به یکی از قراة ایران در کنار بحر خزر و خراب کردن آن قریه که در اینجا مذکور است در پارلمان سوآلی می‌شود خواهش دارم هر اطلاعی که دارید راپورت دهید.

نمره - ۱۲۶

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۱۶ ژویه)
 از طهران ۱۶ ژویه ۱۹۱۰ [۲۵ تیر ۱۲۸۹؛ ۹ رجب ۱۳۲۸]
 سید عبدالله مجتهد را دیشب به قتل رسانده‌اند. این مسئله ممکن است بحران
 کابینه را طولانی نماید.

نمره - ۱۲۷

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ ژویه)
 طهران ۱۷ ژویه ۱۹۱۰ [۲۶ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۰ رجب ۱۳۲۸]
 در جواب تلگراف جنابعالی ۱۵ ژویه
 وزیر مختار روس اطلاع ذیل را به من می‌دهد:
 تقریباً سه هفته قبل در ضمن گفتگو و مشاجره‌ای که راجع به سید ماهی روسها
 در گموش تپه [= گومیش تپه] تولید شده يك نفر ملا، یکی از قزاقهای مستحق
 قتل و اکثر اهالی ده فرار کرده‌اند. لهذا قایق جنگی از آشوراده مأمور گردیده
 و در وزود، برای آگاه ساختن سه تیر توپ انداخته‌اند. شخص قاتل بالاحرح خود
 تسلیم قراول سرحدی روس گردیده و گفته است ترجیح می‌دهم که روسها مرا به
 معرض استنطاق و محاکمه درآورند تا اینکه دچار مزاحمت ایرانیها شوم. لهذا
 مشارالیه در روسیه محاکمه خواهد شد و شاید حکم اعدام از صادر نشود ولی غرامت
 از اهالی قریه جبراً گرفته خواهد شد.
 این واقعه هیچ حرارت و هیجانی در اینجا تولید نکرد، و می‌توان آن را ختم شده
 تصور نمود.

نمره - ۱۲۸

تلگراف مستر مارلینگت به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژویه)
 قلهک ۱۸ ژویه ۱۹۱۰ [۲۷ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۱ رجب ۱۳۲۸]
 در تمثیب تلگراف خود مورخه ۱۶ ژویه با کمال افتخار راپورت می‌دهم که قتل
 در خانه خود سید عبدالله و در حضور پسرش و چهار نفر دیگر واقع شده و مرتکب
 چهار نفر از مجاهدین بوده‌اند. انتظار نمی‌رود که احتمالی برای مجازات قاتلین
 کرده شود زیرا که شهود جرات نمی‌کنند که آنها را معرفی نمایند.
 در دو روز گذشته بازارها بسته بود ولی فعلاً احتمال هیچ اغتشاشی نمی‌رود.

نمره - ۱۲۹

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیه)
 قلهک ۲ ژوئیه ۱۹۱۰ [۱۱ تیر ۱۲۸۹ : ۲۴ ج ۲ - ۱۳۲۸]
 آقا

عده سرقتهایی که در چند روز گذشته در شاهراهها واقع شده است دلالت بر افزایش وحشت انگیزی پرعدم امنیت ایران می نماید. گاری پست اروپا در بوینک که پنج فرسخی قزوین و در راه رشت است دچار حمله سارقین و به کلی غارت شده است و موافق راپورت دو فقره سرقت از همین قبیل در نزدیکی قم واقع شده اند. در يك مورد پست سلطان آباد و درمورد دیگر پست اصفهان را زده اند. بعلاوه راه بین اصفهان و طهران بواسطه تعدیات نایب حسین معروف به کلی خطرناک شده است. نایب مزبور سابقاً در کاشان و فعلاً در نزدیکی قم مشغول عملیات است. دولت ظاهراً از دستگیری او عاجز است.

در سه روز قبل عده ای اشخاص مسلحه به دسته ای از مستخدمین اداره تلگراف هند و اروپا در هفت میلی شرقی طهران حمله شدیدی برده و آنها را لغت کرده اند.

این مسائل بخوبی می نماید که شرارت و عصیان تا دروازه پایتخت را فرا گرفته است.

سه فقره سرقت در مجاورت شهر اصفهان و يك فقره در راه اهواز واقع شده است. از وضع راههای بین اصفهان و شیراز و همچنین بین شیراز و بوشهر خود جنابعالی بخوبی مستحضرید و مختصر بپیوستی که سابقاً راپورت دادم معلوم می شود مکث و حالت منتظره ای بوده که طوایف غارتگری خونریز فارس می خواستند مشاهده نمایند که در ورود ظفرالسلطنه حکمران جدید به اقدامات جدی سخت برای اعاده انتظام مبادرت می شود یا خیر.

کرمانشاه را چنانچه دیروز تلگرافاً [= تلگرافی] راپورت دادم ایل قوی و عظیم کلهر در تحت ریاست داودخان تهدید می نمایند.

حالت راه بین یزد و مشهد که از طبس می گذرد الم انگیز است چنانچه در يك ماه قبل قافله بزرگی از تجار هندی را در آن خط سیصد نفر سارقین عرب زده و دوستان نفر شترهای آنها را برده اند.

از ۶۰ تا ۷۰ میلی مغرب کوه ملک سیاه اسلحه گریزانهای افغانی خط تلگرافی هند و اروپا را که معروف است به خط ایران مرکزی دائماً قطع نموده و مأمورین انگلیس را که در این خط اند مجبور نموده که برای حفظ جان خود به رباط فرار نمایند. به این طریق تمام راههای عمده که مسیر و محل تردد تجارت انگلیس اند کم یا بیش خالی از امنیت اند.

من هیچ موقعی را از دست نداده و به دولت ایران کتباً و شفاهاً اهمیت و لزوم کردن اقدامات جدی را برای خاتمه دادن به این اوضاع تأکید و خاطر نشان نموده ام

به عهده گیرد در تحت ملاحظه درآورد.

با اوضاع کنونی برای اینکه به اولیاء امور ایران لزوم انتظام خانه و مملکت خودشان را مسجل نماییم مقتضی بلکه واجب است که در نهایت سادگی و وضوح به آنها سخن گوئیم. برای حصول این مقصود من پیشنهاد می‌کنم که به آن دولت رسماً اطلاع داده شود که اگر تا آخر ماه سپتامبر در راههای عمده تجارتي جنوب تا آن درجه انتظام و امنیت داده نشود که قوافل بطور متداول بتوانند تردد نمایند در آن وقت دولت انگلیس خود این تکلیف را به عهده خواهد گرفت.

این اقدام اشخاص معدودی را که معتقدند بدون استمداد و استعانت مستشاران یا معلمین خارجه پیشرفت در اصلاحات و تجدد ادارات ممکن نیست محرك خواهد شد که این عقیده خود را قبولانده و به مقام اجراء درآورند. بهمچنین دولت و مجلس را با حالت فلاکت مالیه مملکت که فعلاً در تفاضل یا تجاهل از آن جدیتی تمام دارند مواجه و روبرو خواهد نمود. خیلی ممکن است که دولت ایران در تحت فشار این قبیل تهدیدات و سائلی برای اعاده انتظام تحصیل نماید.

مجاهدات مظفرانه پیرم در آذربایجان بخوبی مجسم و معلوم می‌نماید که اگر فشار کافی آورده شود چه کارها ممکن است انجام یابد.

حالی که پیرم وارد طهران شده ممکن است که خدمات او را در فارس به کار بزنند و مثل آذربایجان اثرات حسنه و فایده ببرند فقط اشکال حقیقی، مسئله پول است ولی دولت ایران به خوبی میداند که برای این مقصود فقط لازم است که به دولتین اظهار نمایند و تنها چیزی که مانع این اظهار و تقاضا است همانا تهییجیات ضد روس نفهمیده بعضی ملیون تند است.

پنده... چارلز مارلینگ

مجدداً اظهار می‌دارم که بعد از اختتام مشروحه فوق خاطریم را متوجه خساراتی که عمداً در فارس بر خطوط تلگراف هند و اروپا وارد آورده‌اند و زیادتی عده و موارد آنها موجب وحشت است نموده‌اند. این خسارت تقریباً تماماً از قبیل شکستن مقررده بوده به‌طوری که در يك ماه گذشته ۳۳۷ عدد آنها را شکسته‌اند و در هر مورد شکستن مقررده باعث قطع جزئی یا کلی سیم روی آن مقررده شده است. غلامهای اداره تلگراف مزبور که سابقاً می‌بایست در ماهی شش دفعه تعمیر این قبیل خرابیها را بنمایند، حالیه دائماً مشغول این کارند و غالباً طعمه حملات و غارت سارقین می‌شوند. در این موضوع نیز به دولت ایران اظهارات سخت نموده‌ام.

چارلز مارلینگ

نمره - ۱۳۰

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱۸ ژوئیه)

از قلمك ۱۸ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۷ تیر ۱۲۸۹: ۱۱ رجب ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف ۸ ژوئیه خودم

عدم امنیت کلیه طرق روی به ازدیاد است و راپورتهای واصله از همدان
مشعرند که اغتشاش عظیمی در آن شهر بروز کرده. از طرف دولت هیچ اقدامی
نشده و نخواهد شد مگر اینکه بوسیله تهدید شدیدی مجبور شوند قواء و اهتمامات
خود را از دسته‌بندی و دسایس حزبی منصرف نموده و به عوض مصروف و متوجه
انتظام مملکت نمایند و من پیشنهاد می‌کنم که اجازت دهید به طوری که در مراسله
مورخه ۲ ژوئیه خود اشارت کردم به دولت ایران اختصار کنم.

نمره - ۱۳۱

تلگراف سر ادوارد گری به مستر مارلینگک

وزارت خارجه ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۰ [۳۱ تیر ۱۲۸۹: ۱۵ رجب ۱۳۲۸]

میل دارم که عقاید و نظریات شما را در موضوع پیشنهاد ذیل بعد از شور با
وزیرمختار روس بدانم که پس از دانستن عقاید شما آن را به دولت روس تکلیف و
اظہار نمایم.

تصور می‌کنم شما هنوز معتقدید بر اینکه امید چندانی نیست که دولت ایران
بصراف طبع از دولتن تقاضای استقراض بنمایند. نظر به اینکه اگر وجهی به
دست نیاورند اوضاع مملکت بدتر شده و امید کسی خواهد بود که رفع اغتشاشات
ایران عموماً و جنوب آن خصوصاً بشود عقیده من این است که دولتن سبقت کرده
و متفقاً به دولت ایران عنوان نمایند که حاضرند ۶۰۰۰۰۰ لیره بدون شرایط
دیگری (سواى تعیین محل تأمین و ترتیب تأدیة دین) به آن دولت قرض دهند.
ممکن است که ضمناً به دولت ایران گفته شود که این مساعدت و دادن وجه به
این خیال و اطمینان است که تمام آن به مصرف اعاده نظم و امنیت و اصلاح و
تنظیم اداره مالیه مملکت رسانده خواهد شد.

نمره - ۱۳۲

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیه)

طهران ۲۴ ژوئیه ۱۹۱۰ [یکم امرداد ۱۲۸۹: ۱۷ رجب ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف مورخه ۱۸ ژوئیه خودم

بازارها مشغول باز شدن است. جمعیتی که در مسجد بودند بنا بر وعده‌ای
که به آنها برای دستگیری و مجازات قاتلین سید عبدالله داده شده است مشغول

متفرق شدن‌اند. بعلاوه مذکور و مشهور است که سفارت روس تهدید نموده که اگر در ظرف سه روز کسب و تجارت شروع نشود قشون قزوین طهران را اشغال خواهد نمود. این فشار و تهدید نیز باعث تفرقه اجماع گردید ولی یقین است که چنین تهدیدی از طرف سفارت کرده نشده ولی این قصه برای ارائه دادن و ثبوت بعضی تمهیدات بی‌باکانه احرار ملیون مثال خوبی است.
(به پترزبورگ اطلاع داده شد)

نمره - ۱۳۳

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ ژوئیه)

قلهك ۲۴ ژوئیه ۱۹۱۰ [یکم اسرداد ۱۲۸۹؛ ۱۷ رجب ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف جنابعالی مورخه ۲۴ ژوئیه

دولت ایران محققاً احتمال نمی‌رود که فعلاً از دولتین تقاضای قرض بنماید. اما در خصوص پیشنهاد جنابعالی که دولتین متفقاً تکلیف دادن قرض به دولت ایران بنمایند رأی من این است که چنین اقدامی از طرف ما این عقیده‌ای را که احرار ملیون هم خود داشته و هم بین مردم انتشار می‌دهند که دولتین در این نقشه و تدبیراند که دست دولت ایران را از حیث معاملات مالیه به کلی ببندند تصدیق و مستحکم خواهد نمود. این مسئله بر دولت ایران به خوبی معلوم است که دولتین حاضرند بدون هیچ شرط پلتیکی قرض بدهند ولی از اثر انتشارات عقاید ملیونی که مصالح مملکت خود را فدای سوء ظن بی‌اساس خودشان نسبت به منظورات دولتین می‌نمایند تولید این امیدواری شده که ممکن است پولی یا شرایط خیلی سهل تحصیل نمایند و همین امیدواری واهی است که مانع می‌شود دولت ایران تقاضای مساعدت و قرض از دولتین بنماید.

گمان می‌کنم خزانه دولت ایران فعلاً در چنان ضیق و عسرتی است که اگر پولی هم به آن دولت داده شود مبلغ خیلی خیلی از آن به مصرف اعاده نظم رسانده خواهد شد و حالیه دادن قرضه ۶۰۰۰۰۰ لیره کفایت نخواهد کرد.

نمره - ۱۳۴

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ ژوئیه)

طهران ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۰ [۳ اسرداد ۱۲۸۹؛ ۱۹ رجب ۱۳۲۸]

دیروز هیئت وزرای جدید تشکیل شد.

مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرای بدون پرتفوی (یعنی وزارتخانه معین)

حسینقلی‌خان نواب وزیر امور خارجه

فرمانفرما وزیر داخله

حکیم‌الملک وزیر مالیه

عقیده رئیس‌الوزراء را ممکن است معتدل فرض و محسوب کرد. وزیر خارجه و وزیر مالیه از فرقه احرار ملیون‌اند. عضویت فرمانفرما در کابینه دلالت دارد بر اینکه ملیون آگاه بوده‌اند که اگر تمام کابینه را از حزب خودشان تشکیل می‌دادند در مملکت نفوذ و اهمیتی نمی‌داشت.

نمره - ۱۳۵

تلگراف مستر مارلینگت به سرادوارد گری (واصله ۲۸ ژویه)

قلهك ۲۸ ژویه ۱۹۱۰ [۵ امرداد ۱۲۸۹؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۸]

پنا بر اطلاعی که از کفیل نایب قنصلگری دولت اعلیحضرتی از کرمانشاه رسیده از اثر نشر عقاید ضد روس، قنصلگری روس در خضر عظیم است. سربازهای ایرانی دوبرتبه به طرف نایب قنصل روس در خانه‌اش تیر انداخته‌اند. قزاقهای روس مستحفظ قنصلگری نمی‌توانند از قنصلخانه بیرون بیایند و یا اینکه در کوچه‌ها پدیدار شوند.

نظام‌السلطنه از ویس قنصل مزبور عنبرخواهی نموده و همه قسم اطمینانات و تأمین داده‌اند ولی به نظر نمی‌آید که بتواند حکم و اقتدار خود را نسبت به اهالی اجراء و اعمال نماید. ضمناً مستر ناکس برای اعاده نظم و امنیت مشغول اظهارات و اقدامات مؤکد است.

به مسیو پاکلوسکی هم اطلاعات نظیر اخبار فوق از ویس قنصل روس رسیده جز اینکه واقعه تیراندازی در آن راپورت داده نشده وزیرمختار مشارالیه در اینجا مشغول اقدامات قویه است و به پطرزبورغ نیز ارائه طریق نموده که از اردوی قزوین پنجاه نفر قزاق اعزام شده به مستحفظین قنصلگری کرمانشاه افزوده شود.

نمره - ۱۳۶

تلگراف سرادوارد گری به سر آ. نیکلسن

وزارت خارجه ۲۸ ژویه ۱۹۱۰ [۵ امرداد ۱۲۸۹؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۸]

بنا بر اطلاعات اخیر واصله از طهران اغتشاشات در تمام مملکت خاصه در جنوب موجود و در کمال سرعت مشغول ازدیاد و انتشار است و ناگزیر نتیجه این اوضاع بزودی يك هرج و مرج کاملی خواهد شد. موارد اغتشاش منبأ مثل فراوانند مثلاً سرقت يك قافله بزرگ هندی در راه بین یزد و مشهد و اضرار و خسارت دائمی اسلحه گریزانهای افغان نسبت به خطوط تلگراف هند و اروپا در

سیستان و فرار مأمورین اداره از دست آنها به رباط و دو فقره سرقت پست در نزدیکی قم مورد حمله و غارت شدن جمعی مستخدمین اداره تلگراف هند و اروپا بدست اشخاص مسلحه در هفت میلی شرق طهران و شرارت و تعدیات تایب حسین معروف که در ماه ژون از راه بین اصفهان و طهران سلب امنیت کرده و همچنین وضع ناگوار راه بین اصفهان و بوشهر که از ابتدای ورود وزیرمختار تا بحال هیچ علامت بهبودی در آن مشهود نمی‌شود و چنانچه شما مستحضرید مدتی مدید تقریباً غیرقابل عبور بوده و خسارت عمده بر تجارت ما وارد آورده است. علاوه بر اینها چند فقره سرقت در مجاورت شهرهای اصفهان و کرمانشاه واقع شده و شهر کرمانشاه به طوری مورد تهدید ایل کلهر شده بود که حکومت محل ملتجی به قنصلگریهای انگلیس و روس شده است که چون خود مشارالیه اسباب و وسایل مقاومت را ندارد آنها دخالت و نصیحت کرده و ایلات را از تهاجم به شهر منصرف و ممنوع دارند.

به نظر من مطلوب است که دولتین متفقاً اظهاراتی به دولت ایران بنمایند و توجه اولیاء دولت را به این وضع ناگوار طرق و شوارع معطوف سازند. خواهشمندم شرح اوضاع را به نظر مسیو ایزولسکی برسانید و در صلاحیت اخطار متفق به دولت ایران اصرار و تاکید نمایید.

نمره - ۱۲۷

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژویه)
از قلهک ۲۹ ژویه ۱۹۱۰ [۶ امرداد ۱۲۸۹: ۲۲ رجب ۱۳۲۸]
در تعقیب تلگراف من مورخه ۲۸ ژویه اینک از کفیل ویس قنصلگری کرمانشاه خبر می‌رسد قسمتی از فوج سربازهایی را که به ویس قنصلگری روس شلیک کرده بودند حکومت خلع اسلحه نموده و وضع آرام‌تر و بهتر است. به مسیو پاکولسکی نیز راهپوزتی نظیر آن رسیده است.

نمره - ۱۲۸

تلگراف سر آ. نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ ژویه)
از پترزبورغ ۲۹ ژویه ۱۹۱۰ [۶ امرداد ۱۲۸۹: ۲۲ رجب ۱۳۲۸]
امروز مسیو ایزولسکی را ملاقات نموده و یادداشتی که حاوی پیشنهاد جنابعالی مندرجه در تلگراف مورخه ۲۸ ژویه بود به ایشان دادم. جناب معظم وعده فرمودند که بزودی جواب به من بدهند. مسیو ایزولسکی اظهار داشت که اطلاعات واصله از کرمانشاه بهتر و رضایت‌بخش‌تر از سابق‌اند. حکمران محل در خلع اسلحه سربازان عاصی موفق شده و آنها را از شهر بیرون کرده است.

نمره - ۱۳۹

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ ژویه)
از قلمبك ۳۱ ژویه ۱۹۱۰ [۱۸ مرداد ۱۲۸۹: ۲۴ رجب ۱۳۲۸]

راجع به وضع کرمانشاه

راپورت امروز ویس قنصل دولت اعلیحضرتی مبنی بر آن است که وضع آنجا خیلی آرام تر است.

مسیو پاکلوسکی به دولت متبوعه خود اطلاع داده که افزودن بر عده مستحفظ قنصلگری شاید لزوم پیدا نکند. منشاء اغتشاش ظاهراً از این قرار بوده که يك سرباز ایرانی در هنگام شب از دیوار بالا رفته که داخل باغ و عمارت قنصلگری روس بشود یکی از قزاقهای روس که مشغول کشيك بوده او را تیر زده است.

نمره - ۱۴۰

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۱ اوت)
طهران اول اوت ۱۹۱۰ [۹ مرداد ۱۲۸۹: ۲۵ رجب ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۳۱ ژویه

وضع کرمانشاه خیلی بهتر است. قزاقهای روسی که از تاریخ ۲۴ ژویه در شهر ظاهر نبودند مجدداً آزادانه درگردشند بدون اینکه اتفاق سوئی رخ دهد.

نمره - ۱۴۱

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)
از قلمبك ۴ ژویه ۱۹۱۰ [۱۳ تیر ۱۲۸۹: ۲۶ ج ۲ - ۱۳۲۸]
آقا

سردار اسعد وزیر جنگ در تاریخ ۲۷ ماه گذشته در موقعی که حسیات عمومی از اثر تهیجات ملیون و بعلت وقایع چرکر و تبریز فوق العاده بر ضد روس بوده به دیدن من آمدند و از من سؤال کردند که وضع را چه طور می بینید من در جواب جناب معظم اظهار داشتم که نظارگان خبیر و بصیر متحیرانده که آیا دولت روس تا کی این تحریکات و تهیجات خصمانه را که در طهران بر ضد او ترتیب می نمایند خواهد تحمل نمود و اما من نمی توانم حماقت فوق العاده این مردم را بفهمم آیا نمی توانند استدراک و استدلال کنند که چون دولت ایران از داشتن رابطه با روس ناگزیر است البته خیر و مستحسن است که آن روابط دوستانه و حسنه باشند و آیا آنها آن قدر بی مدرك اند که تصور می کنند که با يك دولت هظیمی که فقط قوای مسلحه آن معادل ثلث تمام جمعیت ایران است می توانند

مستیزه نمایند؟ و پدبختانه دولت بعوض جلوگیری از داد و فریاد مضر این فرقه، ساکت ایستاده و تماشا می‌کند که در افکار عمومی نیز سرایت نماید.

چرا وزیر امور خارجه که وظیفه مخصوص او تولید و استحکام مناسبات حسنه بین دولت ایران و دول همجوار است در مجلس ملی بر ضد این مبارزت ملیون پروتست نمی‌نمایند؟ من هرگز در صورت مذاکرات مجلس ندیده‌ام که حتی در يك مورد منفردی بر ضد این تحریکات و تہیجات خودکشانه يك نفر صدایی بلند کند و تا حدی که اطلاع حاصل کرده‌ام روش و روابط خارجه ایران بکلی به دست کمیسیون وزارت امور خارجه مجلس تفویض شده است.

از يك کمیسیونی که هرگز با سفارت روس یا سفارت انگلیس ملاقات و معاشرت نکرده بلکه از ما به کلی کناره جسته و با درهای بسته پخیال خود نشسته و شاید از اثر تعدیات موهومه خود را به حالت عصبانی در می‌آورند چگونه ممکن است امید داشت که يك مسئله راجع به روس را به نظر انصاف و بی‌غرضی ملاحظه نمایند. گویا همیشه باید گفتگوهای نقارآمیز و وقایع ناگوار بین روس و ایران موجود باشد و عده زیادی از مردم که به اصطلاح سیارند و ملیت آنها مشکوک یا ذوجنبتین است این وجود کدورت مابین را حتمی و واجب کرده‌اند. لهذا خیلی لازم است که برای تحقیر و تخفیف آن گفتگوها از هر جد و جهد و اهتمامی مضایقه نشود و جناب آقای سردار اسعد می‌توانند مطمئن باشند که اگر این قبیل مشاجرات و گفتگوها را بعوض آنکه تفویض به نظر و عقیده يك کمیسیون غیر مسئول مضرر بنمایند بگذارند بین سفارت روس و يك وزیر امور خارجه لایقی حل و قطع شود یقیناً روابط بین ایران و روس در کمال سرعت دوستانه خواهد گردید.

سردار اسعد وعده داد که خود را حامی و مشوق مسلک صلح‌آمیزتری نسبت به روس بنماید ولی اظهار داشت که مانع بزرگ نیل به این مقصود همانا اقامت طولانی قشون روس است در ایران. من در جواب از جناب ایشان سؤال کردم که چرا دولت ایران به اظهار سه هفته قبل وزیرمختار روس راجع به داخل مذاکره شدن در خصوص شرایط عسودت قشون روس جوابی نداده جناب ایشان جواب دادند که علت بحران کاپینه بوده و خواستند بعضی شکایات و تظلمات دولت ایران را نسبت به روس اظهار دارند ولی من این حکایت محنت‌سرایی را قطع کرده و گفتم شما آنچه را که من با این سعی و تفصیل نهی کردم الان تکرار و تذکار می‌نمایید به این معنی که بعوض آنکه مستقیماً نزد سفیر روس که همیشه حاضر است جنابعالی را با يك ضمیر و روش صلح‌آمیزی بپذیرد بروید و زحمت مذاکره مطالب را بخود دهید در اظهار شکایت از زحمات و تعدیات وارده بر ایران مبالغه و حکایت‌سرایی می‌نمایید. جنابعالی فقط شکایت و حکایت يك طرف را می‌شنوید و اگر زحمت مذاکره مطلب را با سفارت روس به عهده گیرید ملاحظه خواهید کرد که در اکثر موارد تنازع مثل واقعه تبریز ایرانیها لااقل بقدر روسها

مسئول و مأخوذ بوده‌اند. و اما دولت روس، من می‌توانم به جنابعالی اطمینان کامل بدهم که کمتر از ما خواهان مناسبات دوستانه با دولت ایران نیست. راپورت این مذاکره را مبادرت کرده مطولاً شرح دادم نظر به اینکه رفتار و مسلک دولت ایران را در مورد مسائل راجع به روس تا حدی به صحت و دقت می‌توان از آن درک نمود.

بنده ... چارلز مارلینگک

نمره - ۱۴۲

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)
از قلمهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۱ تیر ۱۲۸۹: ۵ رجب ۱۳۲۸]
آقا

در تلگراف مورخه ۳۰ ماه گذشته خودم با نهایت توقیر اطلاع دادم که اغتشاش و طغیان مهمی در ولایت کرمانشاه بروز کرده داودخان به ریاست ایل کلهر با هزار و هشتصد سوار به ماهی دشت که پنج فرسخی شهر است نزول نموده و اظهار امید نموده که ترتیب و قرار امور ایل خود را با حکمران بدهد. نظر به اینکه وضع لرستان اهمیت و وخامت پیدا کرده و سردار اکرم بین ایلات آنجا اتعادی تشکیل داده و کرمانشاه و همدان را تهدید می‌نمایند. کفیل قنصلگری انگلیس با معیت همکار روسی خود لزوم و صلاحیت عودت و عزیمت داودخان و کلهر را از نزدیکی شهر به حکمران متذکر گردیدند. جناب معظم جواب دادند که امیدوارم او را متقاعد نمایم که در ظرف چند روز حرکت نماید و اگر به این نیت خود موفق نگردیدم مداخله یا وساطت قنصلها را تقاضا خواهم نمود. بنا بر این من و وزیر مختار روس به قنصلها تعلیمات فرستادیم که در صورت تقاضای نظام - السلطنه نفوذ و اهتمام خود را به کار بزنند و در صورت لزوم داودخان را ملاقات بنمایند. لیکن حکومت توسلی به قنصلها نجسته و با سوارهای سنجابی مطیع خود در تاریخ ۲۸ به طرف داودخان حمله برده است. علاوه بر اینکه به آرزوی خود موفق نشده و نتوانست داودخان را متقاعد به مراجعت نماید شکست خورده با تلفات زیاد به شهر عقب نشسته پس از آن داودخان به قنصلها چنین اطلاع داد: «نظر به اینکه حکومت بدون جهت بر بن هجوم برده از دولتمین استمداد و استعانت می‌نمایم که مسائل متنازع‌فیه مابین را تسویه نمایند. من حاضریم که هر پیشنهاد و تکلیفی را که در آئین بنمایند قبول کنم و بالاخره تقاضای ملاقاتی با حکمران می‌نمایم.» ضمناً جناب حکمران بدون اینکه مذاکرات جدیدی با قنصلها بنمایند علائمی بروز دادند که مشخصاً دلالت بر اراده ایشان بر تجدید اقدام عاجل بی‌تأملی می‌نمود و قنصلها برای جلوگیری از مخاطرات چنین اقدامی تکلیف کردند که قرار اصلاح مابین باین‌طور داده شود که داودخان عقب‌سازنده

مالیات را بدهد و عملیات خود را بحدود ناحیه و منطقه خود محدود نماید. مسیو پاکلوسکی و من به قنسولها اجازه دادیم که نظام السلطنه را از مکتوب داودخان مستحضر سازند و بشرط موافقت جناب ایشان قرار صلح را با داودخان بگذارند و اگر بعلمت امتناع نظام السلطنه از قبول مساعدت قنسولها لزوم پیدا کرد به داودخان نصیحت نمایند که مطیع اوامر دولت شود. از دولت ایران مطابق مفاد تلگراف ۳۰ ماه گذشته جنابعالی تقاضای اقدامات کردم و دولت به من چنین اطلاع دادند که داودخان انقیاد و اطاعت خود را نسبت به اوامر دولت مرکزی اظهار داشته است. اطلاعات اخیر من مشعر بر این است. مشارالیه به قدر ۱۵ میل از شهر کرمانشاه دورتر شده است. بنده ... چارلز مارلینگ

نمره - ۱۴۳

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

قلبک ۱۲ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۱ تیر ۱۲۸۹؛ ۵ رجب ۱۳۲۸]

آقا

بعد از نوشتن مشروح ۲ ژوئیه، راپورتهایی که از قنسول ژنرال دولت اعلیحضرتی مقیم اصفهان رسیده حاکی برآنند که اوضاع امور در راههایی که از شیراز و اهواز منتهی به شهر اصفهان می‌شوند هر روزه بدتر می‌شود و مستر گراهم بالاخره این طور بیان کرده که «مجاورت اصفهان معرض تهیب و غارت سارقین قشقای است.»

نظر به اینکه ارسال مراسله به وزیر امور خارجه و ابلاغ اظهارات شفاهی به وزیر داخله یا وزیر جنگ به کلی بی‌فایده‌اند چه که مراسله را وزیر خارجه به کمیسیون خارجه مجلس ارجاع خواهد کرد و در مقابل اظهارات شفاهی از قبیل وعده‌های ایفاء نشده خواهند داد لهذا به نظر من لازم گردید که طریقه دیگری برای جلب توجه دولت به لزوم اعاده انتظام اتخاذ نمایم. بنابراین چنانچه در تلگراف مورخه ۸ ژوئیه اطلاع دادم عباسقلی‌خان نواب را تعلیمات دادم که در جلسه آتی وزراء اجازه دخول حاصل نموده و به آن هیئت بطور وضوح بفهماند که دولت اعلیحضرتی انگلیس بیش از این نمی‌تواند تعطیل کامل تجارت خود را تحمل نماید.

یادداشت عباسقلی‌خان را که شرح ملاقات و مذاکرات خود را با هیئت وزراء در موقعی که مستشارالدوله رئیس مجلس هم حضور داشته حاوی است اینک انفا ایفاد می‌دارم. از قرار معلوم عباسقلی‌خان این مأموریت خود را با فطانت زیادی انجام داده و اسیدی دارم که اثرات مستحسنه حادث شده باشد اگرچه به نظر یقین می‌نماید که هیئت وزرای فعلیه منفصل خواهند شد ولی شاید آن اثرات از خواطر

جانشینهای آنها به کلی محو و معدوم نشود معذالك این مسئله نزد من محرز و یقین است که دولت ایران اعم از اینکه اعضاء و اولیاء آن هرکس باشد هیچ اقدامی نخواهد کرد مگر اینکه در تحت فشار سختی آورده شوند نه این است که اولیاء امور نتوانند کاری انجام دهند، بلکه اگر وسایل و ترتیبات عهد قدیم را به کار برند انجام مقصود در حدود و حیز قدرت آنها است ولی میل و حسیات عمومی مجلس بر ضد به کار زدن آن وسایل است بلکه با استخدام اشخاصی که در عهد سابق تجربیات تحصیل کرده و آن طریقه را بخوبی و با اطمینان از نتیجه می‌توانند به کار برند بیشتر مخالفند.

با وجود مراتب فوق اگر کابینه جدی فعالی می‌بود ممکن بود بر تمام مشکلات فایق آید ولی بدبختانه کابینه بعدی مشغول و مستغرق مشاجرات و منازعات داخلی خود می‌باشد که نمی‌تواند عطف توجه به مصالح و خیر مملکت نماید و تا هنگامی که تهدید و اخطار جدی به طوری نشود که دولت ایران نتواند از رعایت آن تگاہل نماید همان حالت تسامح را در مورد پروتست‌ها و اظهارات ما کماکان مشهود خواهند داشت.

در تاریخ دهم راپورت تلگرافی از مستر گرام واصل گردید که همان روز مفاد آن را تلگرافاً [= تلگرافی] به جنابعالی اطلاع دادم. راپورت مزبور حکایت می‌کرد که بسبب حضور دویت یا سیصد نفر قشقای در شهر و خیال حرکت حکمران با يك قسمت از استعداد محلی در مردم اضطراب و توحشی حسادت گردیده.

نظر بدان که هیئت وزراء مجدداً استعفاء کرده‌اند فوراً از معاونین وزارتخانه‌های داخله و خارجه تلگرافاً [= تلگرافی] تقاضا نمودم که اقدامات جدی برای حفظ انتظام و امنیت اصفهان به عمل آورند و در همان روز بعد از ظهر به ملاقات مستشارالدوله رفته بودم. در موضوع وضع رقت‌انگیز ولایات جنوبی در نهایت جدیت با ایشان صحبت داشتم معزایلیه وعده دادند که برای اعاده امنیت نشو و خود را به کار برند.

بنده ... چارلز مارلینگک

ملفوقه در نمره ۱۴۳

یادداشت عباسقلی‌خان

بنا بر تعلیمات مستر مارلینگک دیروز به شهر رفتم که در موضوع عدم امنیت جنوب ایران که همواره روی به ازدیاد است با هیئت وزراء صحبت نمایم. رئیس‌الوزراء را در عمارت پارلمان یافتم. به جناب ایشان اطلاع دادم که از طرف شارژ دافر دولت اعلیحضرتی انگلستان برای اظهار بعضی مطالب به کابینه وزراء آمده‌ام. جناب معظم مرا داخل اطاقی کردند که سایر وزراء هم نشسته بودند.

بعد از تبادل تعارفات معمولی اجازه خواستم که مراسلاتی را که شارژدافسر معوی‌ایه به وزارت خارجه ایران راجع به اوضاع ناگوار نوشته است برای هیئت محترم بخوانم. با وجود امتناع آنها از استماع و اظهار اینکه مراسلات را سابقاً دیددایم من شروع بخواندن مراسله اخیر مستر مارلینگ مورخه ۶ ژوئیه نمودم. جناب رئیس‌الوزراء اظهار داشتند که اگر اوضاع ولایات شمالی را با سال گذشته قیاس نماییم ملاحظه خواهید کرد که امسال چه قدر بهتر شده مع وجود ذاک سفارتین روس و انگلیس همیشه از کوچک‌ترین گفتگو ولو آنکه بین دو نفر افراد باشد اظهار شکایت می‌نمایند. من در جواب گفتم که اوضاع شمالی هرچه هست بوده باشد ولی وضع جنوب که پیوسته تجار و کمپانیهای انگلیس که با ایران معامله و تجارت دارند از مزاید عدم امنیت آن به دولت اعلیحضرتی شکایت می‌برند طوری ناگوار و مغشوش شده که گمان نمی‌کنم دولت فخیمه انگلستان بتواند بیش از این تحمل آن را بنماید. من خود سؤال کردم که آیا عاقبت و نتیجه این وضع چه خواهد شد؟ سردار اسعد وزیر جنگ فوراً جواب دادند که دولت ایران درستی و یکجبهتی را که دولت اعلیحضرتی انگلستان تا بحال مشهود داشته و از هر اقدام و نمایش نظامی در مملکت ایران خودداری و احتراز فرموده قدر دانسته و سپاس‌گذار [= سپاسگزار] است.

من اظهار داشتم که خوب است دولت ایران برای اینکه امتنان و قدردانی خود را به منصفه ظهور پرسیانده اهتمامی در اعاده امنیت طرق تجارتی نموده و خاطر دولت اعلیحضرتی انگلستان را از این رهگذر آسوده و خالی از تشویش نمایند. آقای سردار اسعد در جواب گفتند که در خصوص راهزنیهای قشقای در مجازات اصفهان تعلیمات به بختیارها داده شده که آنها را تعاقب و تنبیه نمایند؛ اما راجع به اغتشاش فارس تغییرات اساسی در امور و اداره این ایالت لازم و حتمی است و فعلاً دولت در این موضوع مشغول مذاکره و مذاقه است. نتیجه مذاکرات را در تحت جواب مراسله‌ای که سفارت دولت فخیمه در این مبحث به وزارت خارجه نوشته‌اند به آن سفارتخانه اطلاع خواهیم داد. پس از آن سردار اسعد به من چنین فرمودند که چندی قبل در موقعی که شما در تأیید و تقویت صولت‌الدوله به من صحبت می‌کردید بدون مضایقه به شما گفتم که این شخص نالایق است. من در جواب سردار چنین بیان کردم که سفارت دولت اعلیحضرتی انگلستان در هیچ موردی حمایت از صولت یا شخص دیگری نکرده ولی فقط من بر طبق مأموریت خود به دولت ایران بطور خصوصی و دوستانه تأکید کردم که لازم است از هر مخاصمه و مجادله‌ای بین صولت‌الدوله و ضیفم‌الدوله برادرش جلوگیری و اجتناب شود زیرا که چنین واقعه‌ای ممکن است منجر به ظهور اشکالات سخت در جنوب بشود.

این را هم ضمیمه بنمایم که در طی صحبت، رئیس‌الوزراء اشاره به قوا و استعدادی که برای حفظ نظم فارس فعلاً در تحت فرمان فرمانفرمای آن ایالت است

نمود. من نتوانستم خودداری نمایم از اینکه به ایشان عرض کنم که حکام همیشه قوایی که در تحت فرمان خود دارند به راه و مورد صحیح به کار نمی‌زنند بلکه بعضی اوقات برای منافع و مصلحت شخصی استعمال می‌نمایند ولی در اینکه این مسئله در مورد فرمانفرمای فعلیه فارس صدق می‌کند یا خیر البته هیئت دولت بهتر می‌تواند تمیز دهد.

در خصوص اغتشاش نزدیکی کرمانشاه، کابینه به من اطلاع دادند که داودخان تلگرافاً [= تلگرافی] اطاعت خود را نسبت به اوامر دولت اظهار داشته و دیگر نشویش و نگرانی برای امنیت خارجیه در آن شهر نیست.

مباسقلی

۸ ژوئیه ۱۹۱۰ [۱۷ تیر ۱۲۸۹؛ ۱ رجب ۱۳۲۸]

نمره - ۱۴۴

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

قلمک ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۸ رجب ۱۳۲۸]

آقا

خلاصه ماهیانه وقایع مهمه را که در چهار هفته گذشته در ایران اتفاق افتاده با کمال افتخار لفا ارسال می‌دارم.

پنده ... چارلز مارلینگک

ملفوفه در نمره ۱۴۴

خلاصه وقایع ایران در چهار هفته لغایت ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰

[۲۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۸ رجب ۱۳۲۸]

طهران

کمی بعد از استعفای رئیس مجلس که در تاریخ ۷ ژوئیه بود کابینه منقصل گردید و در تاریخ ۱۴ سپهبدار و سردار اسعد به سمت نمایندگی مجلس انتخاب شدند و در همان موقع مستوفی‌الممالک اعلام داشت که نایب‌السلطنه ایشان را مأمور فرموده‌اند که کابینه جدید را تشکیل نمایند.

در تاریخ اول ژوئیه پیرم‌خان و سردار بهادر از آذربایجان وارد طهران شدند و یک عده اسرایی را که در مسافرت و اردوگشی آذربایجان دستگیر نموده‌اند با خود آوردند.

مجلس

در تاریخ ۱۴ ژون [۲۴ خرداد ۱۲۸۹؛ ۶ ج ۲ - ۱۳۲۸] نظامات و شرایط استقرار داخلی در مجلس قرائت و تصویب شد. مبلغ آن یک میلیون ایره و مراحه

آن صد هفت و ترتیب تأدیة آن در بیست قسط سالیانه و محل تأمین و ضمانت آن عایدات املاك خالصه و تذکره مقرر گردیده است.

در جلسه ۱۶ ژون [۲۶ خرداد ۱۲۸۹؛ ۸ ج ۲ - ۱۳۲۸] تجدید کنترات مسیو مرنارد یلژیکی رئیس گمرکات را برای مدت چهار سال از قرار سالی پنجاه هزار فرانك تصویب نمودند لیکن یکی از وکلاء موقع را مغتنم شمرده نطق سختی بر علیه [= علیه] مرنارد نمود.

در جلسه ۲۱ ژون راپورت وزارت جنگ و کمیسیون بودجه در خصوص خرید می هزار تفنگ از طرح جدید قرائت شد بالاخره قرار بر این شد که سه نفر مأمور شوند که به اروپا رفته و در آن باب تحقیقات نمایند.

در ۲۳ ژون [۲ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۸] کمیسیونی انتخاب شد که در محاسبات وزارت مالیه تفتیش نماید ولی چنین معلوم می شود که مقصود تفتیش و رسیدگی محاسبات اداره گمرک است.

در تساریخ ۲۵ ژون [۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۷ ج ۲ - ۱۳۲۸] راپورت کمیسیون بودجه در خصوص پیشنهاد وزارت داخله برای خرید پنجاه هزار موزر قرائت شد. تقی زاده این موقع را غنیمت شمرده و نطق مفصلی در تنقید مشی و مسلک دولت انشاد نمود و خطر گذراندن و تصویب این قبول پیشنهادات منفرد را قبل از تقدیم بودجه کل به مجلس متذکر گردید.

جلسه ۲۹ ژون [۸ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۱ ج ۲ - ۱۳۲۸] بواسطه تهر و سرپیچی یکی از نمایندگان نسبت به امر رئیس و تعرض و خارج شدن رئیس از مجلس برای اجرای حکم خود جالب توجه است. این واقعه می نماید که نفوذ و محبوبیت رئیس خیلی رو به انحطاط است.

معزاییه همیشه ساعی و چاهد بوده که کابینه را لااقل در جلسات علنی از حملات حفظ و حمایت نماید ولی در تاریخ ۲ ژویه دیگر نتوانست از نمایندگان جلوگیری نماید چنانچه شیخ اسماعیل هشترودی ابتدا شرحی از مذاکرات خود با بعضی وزراء راجع به رفتار دولت روس نموده و بالاخره از بیاناتش چنین استنباط می شد که مجلس به طوری نسبت به وزراء رنجیده و بی میل است که اگر از تمهیدات و اسباب چینی های آنها نترسند فوراً رأی عدم اعتماد خواهند داد. در تعقیب این نطق که فتح باب این قبیل نطقهای پرتنقید را در مجلس عمومی نمود جمعی دیگر از وکلاء بهمان مفاد و منظور نطایق و نقادی نمودند.

در این مجلس اجازه مرخصی سه ماهه به تقی زاده تصویب شد. باعث این تقاضا از طرف تقی زاده آن شده که علمای نجف تلگرافاتی به نیابت سلطنت و هیئت وزراء و مجلس کرده و در اخراج مشارالیه از مجلس نظر به تمایلات و عقاید بی دینی و انقلاب طلبی که بنا بر معروف داراست تأکیدات نموده بودند ولی معزاییه هنوز حرکت نکرده.

چون بعضیها به این صدد بودند وکیل الرعایا را که به وزارت مالیه کمک

می‌کرد و مذاکرات راجع به قرارداد ضرابخانه دولتی و راجع به تثبیت قسروض جاریه را از طرف دولت با بانک شاهنشاهی به خوبی انجام داد بی اعتبار و خفیف نمایند، لهذا کمیسونی انتخاب شد که بحساب اعانه مجبوری که مشارالیه از ظل السلطان و دیگران جمع‌آوری نموده رسیدگی نمایند در جلسه دوم شهر حال کمیسیون راپورت خود را در این موضوع قرائت نمود. و وکیل‌الرعا یا نطقی کرد. در تاریخ ۵ ژویه [۱۶ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۷ ج ۲ - ۱۳۲۸] در مجلس حملات سخت دیگر به وزراء کرده شد و در تاریخ ۷ مستشارالدوله رئیس مجلس از مقام ریاست استعفا داد و مجلس بدون مباحثه و تنقید استعفای ایشان را پذیرفت و ذکاءالملک بجای ایشان به ریاست انتخاب گردید.

در تاریخ ۱۱ ژویه [۲۰ تیر ۱۲۸۹؛ ۴ رجب ۱۳۲۸] سپهدار و سردار اسعد در مجلس حضور داشتند و بجای وکلای مستعفی برطبق قانون انتخابات به اکثریت آراء به سمت نمایندگی ملت انتخاب شدند. مستوفی‌الممالک به مجلس چنین اعلام داشتند که والا حضرت نایب‌السلطنه مرا مأور کرده‌اند که کابینه تشکیل نمایم و امیدوارم که بزودی کامیاب شوم، و کابینه خود را به مجلس معرفی نمایم. سپهدار و سردار اسعد هر دو با بیانات پسندیده نطق کرده و به نمایندگان خدمات و ورود خودشان را در يك سال قبل یادآوری نموده و مجلس را از بی‌طرفی و بی‌غرضی خود مطمئن ساخته و وعده کردند که ملت را در کار و مشکلاتی که در پیش دارد تقویت و خدمت‌گذاری نمایند. این بیانات را مجلس با فریاد تحسین پذیرفت.

تبریز

اوضاع آذربایجان در این مدت بطور عادی بوده است.

رشت

اردوی دولت در تحت فرمان سردار بهادر و پیرم که مأمور اردبیل بودند در اواسط ماه ژون از آنجا گذشته به طرف طبرستان رفته پنجاه نفر اسراء همراه داشتند که از جمله آنها امیر عشایر سرکرده معروف بوده است.

مشهد

وضع این ایالت کماکان آرام است ولی ترتیب اداره کردن امور خیلی نواقص دارد. یکی از مواد بی‌ترتیبی زیاد شدن ادارات دولتی است در صورتی که مأمورین آنها وظایف و حدود مسئولیت خود را ابدأ نمی‌دانند. انجمن ایالتی هیئت است که هیچ نفوذ و وسائلی ندارند و می‌توان گفت که اختیار و اقتدار آنها در امور سیاسی ایالت صفر است.

سیستان

آرامی و سکونت در ولایت کما سبق موجود است ولی اسلحه گسریزانهای افغانی باعث ناامنی راه سیستان و کوه ملک سیاه شده‌اند. مالیات را مأمورین گمرک جمع‌آوری می‌نمایند و بمرور وارد صندوق می‌شود. ریش‌سفیدان دهات از تعدیات حکومت به اداره گمرک تشکیات سخت می‌نمایند و می‌گویند اگر اهماسی به جهت بهبودی احوالشان نشود ناگزیر به یکی از قنسوخانه‌ها ملتجی خواهند شد و اگر باز مقصود حاصل نشد به خاک افغان جلای وطن خواهند نمود.

در مدت ماه ژون قاجاقچیهای افغانی مکرر خط تلگراف بین دهانه و کوه ملک سیاه را قطع و مزاحمت نموده‌اند و در اواخر همان ماه قافله‌ای از اسلحه قاجاقی با یکصد و بیست و پنج نفر افغانی در نقطه بلوچ آب برده‌اند، گمان چنان می‌رفت که این آخرین قافله موسم قاجاق است ولی باز راپورت رسید که در تاریخ ۱۱ ژویه قافله دیگری در نزدیکی بمپور بوده است.

در اوایل ژون دسته‌ای از قاجاقچیهای افغان در گردی چاه‌خانه مأمور گمرک و راحت‌گاه انگلیسها را غارت کرده‌اند. قافله آنها شامل ۵۰۰ الی ششصد شتر بوده که حمل اکثر آنها اسلحه بوده و یکصد و پنجاه نفر اشخاص مسلح همراه داشته‌اند. تجار بیرجند اقدام نموده‌اند که مال التجاره‌های خود را در کوه ملک سیاه توقیف نمایند تا راه امن گردد.

با وجود همه قسم مراسلات و پیغامات ما، دولت ایران هیچ اقدامی برای جلوگیری قاجاقچیان افغانی نکرده است.

اصفهان

وضع شهر اصفهان بی‌اغتشاش مانده، انجمن ولایتی مرتباً منعقد می‌شود ولی معلوم نیست کار چندانی انجام بدهد. در مدت نیمه اول ژون راهبها امن بودند ولی در نیمه ثانی از قرار راپورت راهبهای شیراز و اهواز و سلطان‌آباد که منتهی به اصفهان می‌شوند مغشوش بوده و چندین دزدی واقع شده است. سرقت راه سلطان‌آباد را الوار مرتکب بوده و تاخت و تاز و غارتگری زیادی کرده‌اند چنانچه پستها را غارت کرده و چند نفر را کشته‌اند.

دزدیه‌های راه شیراز و اهواز در نقاطی که بیش از سی میل از شهر اصفهان مسافت ندارند واقع شده و ظاهراً مرتکب تمام آنها قشقاییها بوده‌اند و حکمران ولایت که بختیاری است بحسب ظاهر مایل نیست که برضد آنها اقدامی کند.

بنا بر اطلاعات اخیر صولت‌الدوله در قمشه است و آقانورالله برای ملاقات مشارالیه به آنجا رفته است. ضمناً قریب دویست نفر قشقایی در خود شهر اصفهان جمع آمده‌اند ولی دولت ایران اظهار می‌دارد که حرکت قشقاییها هیچ موجب تشویش و اضطراب نیست.

در تاریخ ۱۳ ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۹؛ ۶ رجب ۱۳۲۸] مستر گراهم تلگرافاً

[= تلگرافی] راپورت داده است که چند قافله در روز دوازدهم و سیزدهم بدون هیچ آسیبی وارد اصفهان شدند و از طرف صولت‌الدوله نیز رسولمهایی به شهر آمده‌اند.

در راه طبران گاه‌گاهی متعرض به پست شده‌اند و این مسئله را به متابعین نایب حسین کاشی نسبت می‌دهند. خود نایب حسین پس از آنکه برای قشون ساخلو کاشان کمک رسید از آنجا خارج شده ولی قشون دولت او را تعاقب و حمله نموده و دو نفر از کسانش را مقتول و ۱۶ نفر را دستگیر نمودند. در تاریخ ۱۱ ژویه در نزدیکی خفر آدمهای نایب حسین پست طبران را زده و سه نفر مسافر بختیاری را به قتل رسانده و چهارده رأس اسب چاپارخانه را به غارت بردند.

یزد

شهر آرام و خالی از اغتشاش بوده ولی از طرف اهالی نسبت به مأموریتی که از طبران برای گذاشتن مالیات به بعضی اشیاء از قبیل تریاک و هیزم آمده‌اند مخالفت زیادی شده زیرا که براین اجناس خود حکومت قبلاً مالیات بسته است. حکومت اگر خود باطناً باعث و بانی این ضدیت نبوده باشد ولی ظاهراً مؤید آن است. مأمورین مزبور مسئله را رجوع به طبران کرده‌اند. در نائین نیز اتمام برای وضع این عوارض کرده شد ولی آنجا هم منجر به هیجان گردید و اجتماعی از اهالی به تلگرافخانه انگلیس رفته و از حکومت تمنای رفع تعدی کرده‌اند. مسئله راجع به طبران گردید و مالیات تریاک فعلاً بدون زحمت جمع‌آوری می‌شود. وضع راهها بی‌اغتشاش است ولی بواسطه اشتهارات اغراق‌آمیز راجع به یک دزدی که در نزدیکی رفسنجان واقع شده مکاریها را نسبت به امنیت راه کرمان مشوش و مضطرب نموده است. یک قافله پول نقره متعلق به بانک شاهنشاهی با سلامت وارد کرمان شده است.

در مسئله خانه موقوفه زردشتیها که در خلاصه ماهیانه سابق راپورت داد به تظلمات آنها از طبران جواب متنع رضایت‌بخشی داده نشد. بعلاوه این مورد، موارد عدیده دیگر بوده است که مسلمانان در صحت و اعتبار قسارنامه‌ها و اجاره‌نامه‌ها و غیره زردشتیان تشکیک و تردید می‌نمایند.

کرمان

وضع کلیه این ایالت مغشوش و نظر به اینکه مأمورین محلی از حفظ نظم عاجزند هیچیک از طرق را نمی‌توان بطور یقین امن خواند.

قنصل دولت اعلیحضرتی را عقیده بر آن است الحال که قوام‌الملک حرکت کرده است امید بهبودی در اوضاع نیست. ورود سردار جنگ ممکن است اثرات خوب ببخشد ولی احتمال نمی‌رود در تمام ایالت وسیع فوراً اعاده نظم نماید. در تاریخ ۱۵ ژویه [۲۴ تیر ۱۲۸۹ : ۸ رجب ۱۳۲۸] یک دسته پانصد نفره سارقین

فارسی سیرجان را احاطه نموده مشغول جدال بوده‌اند. همان دسته يك پست را سرقت کرده و تمام مکاتبات را سوخته‌اند. اهالی رفسنجان بی‌اندازه در وحشت‌اند.

شیراز

در اوضاع عمومی فارس هیچ بهبودی مشهود نیست فرمانفرمای ایالت ظاهراً بی‌کفایت است؛ ابتداء برای تضعیف قوای صولت‌الدوله قوامیه‌ها و ضیغم‌الدوله را به کار انداخته ولی حالیه همان رفقای اولیه خود را رنجانده و شاید بعدها باز با صولت‌الدوله منافقت نماید. ضمناً تا اندازه‌ای اقتدار صولت‌الدوله را اعاده داده است و فقط راهبهای تجارتنی که در آنها تردد قوافل به اصفهان و بوشهر شده است همانهایی هستند که صولت‌الدوله در دایر بودن آنها اصرار داشته و برای حفظ آنها مستحفظین تهیه می‌نماید. از قرار راپورت خود صولت‌الدوله در قمشه که در جزو خاک اصفهان است می‌باشد. تا هنگامی که حکومت کافی لایق برای فارس معین نشده امید چندانی نخواهد بود که در اوضاع آن ایالت بهبودی حاصل بشود.

خلیج فارس

بوشهر

دریابییگی حکمران در اواسط ژون هنوز در بندرعباس پیوده انجمن ولایتی بوشهر تقریباً معدوم است. فقط دو نفر از شش نفر منتخبین هنوز در بوشهراند و مسئله تجدید انتخابات راجع به طهران شده است. در مدت ماه مه و ژون تردد و شك زیادی در خصوص امنیت یا عدم امنیت راه شیراز و همچنین در اینکه از چه راهی باید ذهاب و ایاب نمود در بین مردم بوده است. در قسمت اخیر ماه مه معاون جراح دولتی انگلیس موسوم به «کلی» به سلامت به شیراز سفر نمود صولت‌الدوله اسباب تأمین عبور او را فراهم نمود. در تاریخ ۵ ژون در بوشهر راپورت داده شد که صولت‌الدوله بیکی از رؤسای تنگستان تلگرافاً [= تلگرافی] خبر داده که قوافل در آتیه راه فیروزآباد را به کار خواهند برد و رئیس مشارالیه را مسئول امنیت و سلامتی قوافل در موقعی که در حاك و سامان او می‌گذرند نموده است. این سرکرده تنگستانی مزبور که موسوم به «زایر خزر» [= زارخدر] است از قرار راپورت ۸۰۰ لیره به فرمانفرمای جدید فارس داده است به این امید که قوافل را اجازه دهند از حوزه حکومتی او بگذرند و همچنین اختیار بند «دلواره» را که مرکز قاچاقچیان گمرک است به او واگذار نمایند.

ضمیمه

سلطان آباد

در تاریخ ۲۶ ژون [۵ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۸ ج ۲ - ۱۳۲۸] الوار بروجرد پست را در نزدیکی راه چره سرقت نموده و پنج نفر از مسافرین را مقتول و هفت نفر که دو طفل جزو آنها بود مجروح نمودند. بهمچنین سه رأس اسب را زخمی کرده‌اند و از قرار مذکور سارقین هنوز در همان نزدیکی موجودند.

کرمانشاه

پستی که در تاریخ ۲۳ ژون [۲ تیر ۱۲۸۹؛ ۱۵ ج ۲ - ۱۳۲۸] از کرمانشاه به طرف طهران حرکت نمود در نزدیکی دولت آباد سرقت شد و همچنین پست طهران که بایستی در تاریخ ۲۷ وارد کرمانشاه شود، در نقطه سرخابه که بین سلطان آباد و قم است دزد زده در هر دو مورد گویا دزدها از الوار بوده‌اند.

همدان

در تاریخ ۱۳ ژویه [۲۲ تیر ۱۲۸۹؛ ۶ رجب ۱۳۲۸] بازارها برای ضدیت پرزست به مالیات و عوارض جدید بسته شد و بیم ظهور اغتشاشات می‌رود. صندوق دار بانک روس که خود روسی است مورد توهین و سوءرفتار از طرف اهالی شده است.

نمره - ۱۴۵

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲ اوت)

از قلمك ۲ اوت ۱۹۱۰ [۱۰ امرداد ۱۲۸۹؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۸]

يك منسوبی از تقی‌زاده را دیروز عصر مجاهدین به قتل رسانده‌اند. در صورتی که خود مشارالیه قبلا از طهران حرکت کرده است. این واقعه در نظرها انتقامی است که در مقابل قتل آقا سید عبدالله کشیده شده است. در صبح همان روز دو قتل دیگر نیز واقع شده. از نتیجه این اتفاقات دولت تصمیم عزم نمود که تمام مجاهدین و سایر تروریستها را خلع اسلحه نماید. اقدامات و حرکاتی که برای انجام این مقصود لازم خواهد بود به مشورت پالکتریک بریگاد قزاق کرده خواهد شد و محتمل است فردا با همدستی و کمک بریگاد قزاق اقدامات قهریه به عمل آید. مجاهدین ممکن است مقاومت و مخالفت نمایند ولی خوف آن نمی‌رود که بی‌نظمی و اغتشاش در شهر حادث شود.

نمره - ۱۴۶

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۳ اوت)
 طهران ۳ اوت ۱۹۱۰ [۱۱ مرداد ۱۲۸۹؛ ۲۷ رجب ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف ۲ اوت من دولت تصمیم نموده که خلع اسلحه مجاهدین را
 دو روز تمویق بپایاندازد.
 شب گذشته بعضی مجاهدین داخل خانه وزیر امور خارجه شده اند ولی
 معزیه‌الیه منزل نبوده است.

نمره - ۱۴۷

مراسله مستر ابیرن [اوبرن] به سر ادوارد گری (واصله ۴ اوت)
 از پترزبورگ ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۰ تیر ۱۲۸۹؛ ۴ رجب ۱۳۲۸]
 آقا
 با کمال افتخار سواد یادداشتی را که به مسیو ایزولسکی ارسال داشته و در
 تحت آن نظریات دولت اعلیحضرتی انگلستان را راجع به شرایط استقرای اظهاریه
 دولت ایران بیان نموده‌ام لذا تقدیم می‌دارم.
 بنده ... هیو اوبرن

ملفوفه در نمره ۱۴۷

یادداشت مستر ابیرن [اوبرن] به مسیو ایزولسکی
 راجع به یادداشت وزارت خارجه امپراطوری مورخه ۳ (۱۶) ژون
 [۱۳ خرداد؛ ۲۴ ج ۱] اینک سفارت کبرای دولت انگلیس با کمال توقیر به اطلاع
 آن وزارتخانه معظم می‌رساند که دولت اعلیحضرتی انگلستان موافقت می‌نمایند
 بر اینکه اگر دولت ایران تقاضای قرضه‌ای از دولتی بنماید آن تقاضا را قبول
 و اجابت نمایند و محل تأمین آن را از کلیه عایدات گمرکات شمال و جنوب مقرر
 دارند مشروط به این شرط که هیچ رشته‌ای از عایدات جنوب به مصرف قرضه
 جدید رسانده نشوند مگر اینکه قبلاً تعهدات راجع به قرض هندوستان و قروض
 بانک شاهنشاهی را کاملاً تأدیه کرده باشند و همچنین محاسبات پرداخت اقساط
 استهلاك و منافع قروض جدید را جدا جدا و به ترتیب نگاه دارند.
 دولت اعلیحضرتی نیز کاملاً حاضر است که ضدیت دولت امپراطوری را
 نسبت به آزادی حمل نقره به ایران یعنی معافیت حقوق گمرکی آن تأیید نماید و
 به‌همچنین با دولت امپراطوری در این نظر و رأی شریک است که تعیین و انتخاب
 موقع مساعد برای اظهار به دولت ایران که دولتی در دادن مبلغ منظوره حاضراند،
 تفویض رأی و سلیقه دو نماینده مقیم طهران بشود.

پترزبورگ ۲۰ ژون (۳ ژوئیه) ۱۹۱۰ [۳۰ خرداد ۱۲۸۹؛ ۱۲ ج ۲-۱۳۲۸]

نمره - ۱۴۸

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۵ اوت)
 طهران ۵ اوت ۱۹۱۰ [۱۳] امرداد ۱۲۸۹؛ ۲۹ رجب ۱۳۲۸
 راجع به تلگراف مورخه ۳ اوت من

دولت اعلانی صادر و منتشر نموده و اشخاصی را که بدون حق و اجازه حمل
 اسلحه می نمایند دعوت نموده که در ظرف ۴۸ ساعت اسلحه خود را تسلیم نمایند
 ولی تا چه اندازه این حکم را اطاعت خواهند کرد معلوم نیست و دولت در موقع
 و وضعیتی نیست که بتواند آن را جبراً اجراء نماید زیرا که به قوای بختیاری
 نمی توانند اطمینان و اعتماد داشته باشند و از بریگاد قزاق فقط چهارصد نفر
 جنگی در طهران موجود است.

مجاهدین به دو حزب تقسیم شده اند اول حزب و دسته ای که بنا بر معروف
 اسباب قتل سید عبدالله شده اند دوم دسته ای که منسوب تقی زاده را کشته و چنین
 می نمایند که برای انجام تقاضا و تشفی مردم مجازات قاتلین آقا سید عبدالله را
 در نظر و عهده دارند. رؤسای این دسته اخیر ستارخان و باقرخان اند.
 این دسته دیروز مجلس و مجمعی منعقد کرده و در آن مجمع مصمم شدند که تا
 تقاضاهای معینه آنها را که عمده و اهم آن انفصال کابینه است اجابت و انجام
 نکنند، اسلحه را تسلیم ننمایند.

نمره - ۱۴۹

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت)
 طهران ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵] امرداد ۱۲۸۹؛ یکم شعبان ۱۳۲۸
 راجع به تلگراف ۵ اوت من

ستارخان با يك عدة معتنابه از مجاهدین و بعضی دیگر در باغ اتابك متصل
 به سفارت جای گرفته و از تسلیم اسلحه امتناع دارند تا اینکه حقوق عقب مانده
 که می گویند طلب کارند به آنها داده شود.

قوای دولت با چند عراده توپهای کوچک آنها را احاطه نموده اند و لکن بسا
 وجود آنکه مهلت و موعدی که برای تسلیم اسلحه معین شده بود امروز صبح
 منقضی شد، باز دولت ظاهراً می ترسد اقدام نماید.

از رئیس بریگاد خواسته اند که استعداد و کمک بدون توپ بفرستد ولی
 مشارالیه کلیتاً بیش از سیصد و بیست نفر نمی تواند آماده نماید ... شهر آرام
 است و قشون بسیار خوب رفتار می نمایند.

نمره - ۱۵۰

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت)
 طهران ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ مرداد ۱۲۸۹: ۱ شعبان ۱۳۲۸]
 در ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر شلیک و تیراندازی غیر مرتب شروع
 شد و هنوز مداومت می نمایند.
 اتاشه نظامی سفارت در شهر مشغول حفظ و مواظبت سفارتخانه است.

نمره - ۱۵۱

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت)
 طهران ۸ اوت ۱۹۱۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۹: ۲ شعبان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف ۷ اوت من
 دیشب مجاهدین تسلیم شدند و ستارخان زخم برداشته است. شهر بعد کمال
 ساکت و منظم است.

نمره - ۱۵۲

مراسله سر ادوارد گری به مستر ایبرن [ایرون]
 وزارت خارجه انگلیس ۸ اوت ۱۹۱۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۹: ۲ شعبان ۱۳۲۸]
 آقا
 در تلگراف خود مورخه ۲۸ شهر ماضی از سر آ. نیکلسن خواهش نمودم
 که به دولت روس پیشنهاد نماید که به نمایندگان دولتین در طهران تعلیمات
 فرستاده شود که در خصوص عدم امنیت طرق تجارتی ایران متفقاً به دولت ایران
 اظهارات سخت و جدی بنمایند.
 اینک سواد مراسله ای را که از شارژدافر دولت اعلیحضرتی مقیم طهران
 رسیده و اوضاع ناگواری را که مستلزم چنین اقدامی از طرف ما شده شرح می دهد
 لفاً ایفاد می دارم. مشارالیه چنین ارائه طریق می نماید که به دولت ایران اظهار
 شود که اگر تا آخر سپتامبر اعاده نظم در طرق تجارتی ننمایند خسود دولت
 اعلیحضرتی انگلیس انجام این امر را به عهده خواهد گرفت.
 من اکراه دارم که دولت اعلیحضرتی را به اندازه ای که پیشنهاد شده دوچار
 مسلک و پلتیک مداخله نمایم ولی ترجیح می دهم که ابتداء اصرار در این امر
 نمایم که بتوسط هشت یا ده نفر از صاحب منصبان قشون هند که حکومت هندوستان
 بعنوان امانت به دولت ایران بدهد قوه امنیه ای مرکب از هزار الی هزار و
 دویست نفر گرفته و مشق داده شوند بدان امید که این اقدام برای حصول مقصود
 کافی خواهد بود لهذا از شما خواهش می کنم که طرح این نقشه و مقصود و

منظور را به دولت روس تشریح نموده و پیشنهاد نمایند که در موقعی که اخطار مندرجه در تلگراف فوق‌الذکر به دولت ایران می‌شود هسر دو نماینده باید در قبولاندن آن به دولت ایران اصرار و تأکید نمایند.

بنده... ادوارد گری

نمره - ۱۵۳

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۹ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۰ [۱۷ امرداد ۱۲۸۹: ۳ شعبان ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه هشتم اوت - تلفات طرفین از قرار مذکور از طرف قشون دولت هفت نفر مقتول و بیست و سه نفر مجروح - از طرف مجاهدین ۱۸ نفر مقتول و ۴۰ نفر مجروح‌اند.

به عوض آنکه سیصد قبضه تفنگک چنانچه انتظار می‌رفت به دست آید کمتر از ۷۰ قبضه در پارک به دست آمده است. چنین مذکور است که بقیه در دریاچه عمیق پارک انداخته شده‌اند ولی توضیح و خبر دیگر این است که بختیاریه‌ها در مدت شب بقیه تفنگها را برده‌اند.

از سایر نقاط شهر کمتر از این مقدار تفنگک تسلیم شده و معلوم نیست که مسئله خلع اسلحه بخوبی و کامیابی انجام شده باشد. بختیاریه‌ها در پارک و چند خانه مجاور کمی غارت کردند از جمله آنها خانه مسیو اسمیرنوف معلم روسی شاه است که غارت شده ولی خسارات او چندان زیاد نبود است.

وزیر خارجه از من می‌خواهد که درهای سفارت بسته باشند و بازارها در يك قسمت از روز بسته بودند.

نمره - ۱۵۴

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)

از پترزبورگ ۱۵ اوت ۱۹۱۰ [۲۳ امرداد ۱۲۸۹: ۹ شعبان ۱۳۲۸]

کفیل وزارت امور خارجه اظهار می‌دارد که به پیشنهادات جنابعالی مندرجه در مراسله هشتم شهر حال راجع به اعاده انتظام در طرق جنوبی ایران مانع و عایقی نمی‌بیند ولی میل دارد قبل از اینکه جواب قطعی در این موضوع بدهد رأی و نظریات وزیرمختار روس مقیم طهران را کسب نماید. چنانچه برای همین مقصود به مسیو پاکلوسکی تلگراف نموده است.

نمره - ۱۵۵

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ اوت)
 از پترزبورگ ۲۲ اوت ۱۹۱۰ [۳۰ مرداد ۱۲۸۹: ۱۶ شعبان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف من مورخه ۱۵ اوت - یادداشتی از کفیل وزارت خارجه
 دولت امپراطوری رسیده حاکی براینکه به وزیر مختار روس مقیم طهران تعلیمات
 داده شده که با همکار انگلیسی خود در اظهارات نسبت به دولت ایران راجع به
 عدم امنیت بعضی راههای تجارتی شرکت نمایند.
 وزیر خارجه در تشکیل قوه‌ای در تحت فرمان صاحب منصبان هندی شبیه
 به بریگاد قزاق مانعی نمی‌بینند.
 از اطلاعاتی که اخیراً به دست آمده عقیده دولت روس بر آن است که اگر
 به دولت ایران به عوض دو ماه سه ماه مهلت برای اعاده انتظام داده شود بهتر و
 پسندیده‌تر است مخصوصاً نظر به اینکه عملاً قریب فرمانفرمای جدید برای ایالت
 فارس تعیین و معرفی خواهد شد.

نمره - ۱۵۶

تلگراف سر جرج پارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)
 از قلمبهك ۲۴ اوت ۱۹۱۰ [۱ شهریور ۱۲۸۹: ۱۸ شعبان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف مستر ابرون مورخه ۲۲ اوت.
 من موافقم بر اینکه برای اعاده نظم به دولت ایران سه ماه مهلت
 داده شود.
 گمان می‌کنم که عزم دولت بر این است که عین‌الدوله را بجای ظفرالسلطنه
 به ایالت فارس مأمور نماید و تا حدی که من می‌توانم تشخیص بدهم تعیین این
 ایانت آتیة خوشی را وعده می‌دهد.
 اخطار پیشنهادیه‌ای راجع به طرق جنوبی در موقعی که در لندن از من
 کسب رأی و مشورت نمودند در نظرم آمد و هنوز در صلاحیت چنین اقدام راسخم،
 ولی اگر با این اخطار پولی به دولت ایران داده نمی‌شود، به نظر من صلاح و
 مقتضی است که عجلتاً آن را به عهده تعویق بیندازیم.
 کابینه فعلیه آتیة خوش نشان می‌دهد. و چنین اعلام داشته‌اند که اعاده نظم
 از وظایف و اقدامات اولیه آنها خواهد بود.

نمره - ۱۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرون
وزارت خارجه انگلیس ۲۷ اوت ۱۹۱۰ [۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۸].
راجع به تلگراف سر جرج بارکلی مورخه ۲۴ اوت
به دولت روس اطلاع دهید که من با عقیده سر جرج بارکلی همراهِ و
موافقم که اخطار منظوره تا يك مدتی به تعویق انداخته شود.

نمره - ۱۵۸

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)
قلمك ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ مرداد ۱۲۸۹؛ ۱ شعبان ۱۳۸۲]
۱۳۱

سواد مشروحهای که از کفیل قنسولگری دولت فخمه مأمور کرمانشاهان
رسیده و در آن اغتشاشاتی که جدیداً در آنجا بروز کرده و همچنین اقداماتی را
که خود مشارایه برای تقویت و تأیید همکار روس خود کرده است تفصیل داده با
کمال افتخار آنرا تقدیم می‌دارم
به عقیده من مستر «ناکس» کفایت و درایت قابل تمجیدی در يك موقع مشکلی
بروز داده و من کلیه اقدامات او را در این موضوع کاملاً تحسین و تصدیق نمودم
وزیرمختار روس نیز شفاهاً اظهار قدرشناسی از خدمات مستر ناکس نموده است.
بنده ... چارلز مارلینگ

ملفوفه در نمره ۱۵۸ [در اصل ۱۵۷]

مراسله مستر ناکس کفیل قنسولگری کرمانشاهان به مستر مارلینگ
از کرمانشاهان ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۰ [۵ مرداد ۱۲۸۹؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۸]
با کمال افتخار راپورت می‌دهم که از صبح ۲۴ ژوئیه نمایشها و هیجان سخت
ضد روس به ظهیر پیوست. در شب بیست و سیم یکی از سربازهای فوج کسرنده
در باغ قنسولخانه روس تیر خورد.
قبل از این سربازها اردوی حکومتی اتصالاً به قصد دزدیدن میوه در شب
داخل باغ می‌شدند و در نفر از باغبانها را زخم زده بودند.
این شخص مقتول در وهله اول متازن نصف شب در نزدیکی خانه مسیو
لیسوسکی دیده شده بود. به محض اینکه از فریاد و تهدید نموده‌اند فرار نمود
ر يك ساعت بعد همان شخص مراجعت نموده این مرتبه هدف تیر شد.
صبح روز بعد بیش از ۱۰۰ نفر از سربازهای همان فوج جلوی خانه قنسول
روس آمده و دیجان و نمایش شدیدی نموده و به فریاد بلند به مسیو لیسوسکی و

دولت متبوعه‌اش اهانت کرده و سنگها انداخته‌اند.

به محض مشاهده اول علامت خطر تمام مستحفظین و مستخدمین ایرانی فرار اختیار نموده و مسیو لیسوسکی را با دو نفر قزاق روس تنها گذارده‌اند.

در موقعی که خود مسیو لیسوسکی در بالاخانه ظاهر شد یکی از سربازها داخل باغ شده و با تفنگش به طرف او قراول رفت یکی از قزاقهای روس سرباز را از عقب گرفته و به این جهت قراول تفنگ منصرف شده و صدمه‌ای وارد نیاورد. فوراً پس از آن بیست یا سی نفر از قزاقان ایرانی از طرف اردوی نظام السلطنه وارد شده سربازها را متفرق نموده و آن سرباز خطاکار را تنبیه نمودند و فعلاً در خانه حکومت توقیف است.

کمی بعد مصمم الممالک رئیس سوار و رئیس قشون و چندین نفر از محترمین کشوری به آنجا آمدند که عذرخواهی نموده و وسایل حفاظت و حراست قنصل را کاملاً فراهم نمایند. قریب پنجاه نفر قزاقهای ایرانی که ساخلو شهرند در باغ قنصلگری گذارده شده‌اند و در هنگام شب سواران در اراضی و اطراف گردش می‌کردند. در ظرف این روز و روز بعد هیچ اغتشاشی بروز نکرد لیکن دستجات کوچک سرباز کردند از در خانه قنصل می‌گذشتند و فریاد و فحاشی و بدگویی را به مسیو لیسوسکی بلند می‌کردند.

عصر بیست و پنجم نظام السلطنه خود به دیدن قنصل روس آمده همه قسم معذرت خواسته و برای آتیه اطمینانات داده‌اند و همچنین در همان روز وعده دادند که آن فوج را خلع نمایند مع وجود ذلک حکمران مشارالیه به قنصل اخطار نمود که قزاقهای روسی فعلاً در کوچه‌ها ظاهر نشوند.

صبح روز بعد سراسله‌ای از همکار روس من به من رسید و در آن اظهار امیدواری نموده بودند که مسئله قریب به تسویه شدن است. عصر همان روز من به دیدن ایشان رفته و دیدم که وضع سخت‌تر شده است به این طریق که بعد از ظهر همان روز در موقعی که قنصل با صاحب منصب مستحفظین که نظام السلطنه فرستاده بود در جلوی ایوان ایستاده بودند سه نفر از سربازان کردند از آنجا عبور کرده و یکی از آنها تفنگ خود را به طرف او قراول رفته است و قبل از اینکه تفنگ را خالی کنند قزاقان ایرانی او را گرفته‌اند و اینک در توقیف است.

علاوه بر این بعضی نماینده‌ها و بدگوییمهای دیگر در جلوی قنصلخانه کرده شده است — همکار روس من حالیه ظاهراً مصمم است که اگر این اوضاع ناگوار فوراً خاتمه نپذیرد بی‌درنگ برای پروتست از کرمانشاه با مستحفظین خود عزیمت نماید. من آنچه ممکن بود برای انصراف او از این خیال کردم و حاضر شده و پیشنهاد کردم که تا رسیدن جواب دولت روس شخصاً و مستقلاً به قدر امکان به نظام السلطنه اعمال فشار و اصرار بنمایم که فوج کردند را فوراً خلع اسلحه نموده و استعداد جدیدی تهیه نمایند تا اینکه از حفظ امنیت و انتظام عمومی اطمینان حاصل شود قنصل روس این پیشنهاد مرا به خوبی و امتنان پذیرفتند.

لہذا اقداماتی را کہ در نظر داشتم تلگرافاً [= تلگرافی] بہ طهران اطلاع دادہ و روز بعد صبح زود مراسلہ تندی بہ حکمران نوشتہ و خلع اسلحہ فوج کردند و حاضر کردن فوج جدید را جدأ خواستار شدم و دلیل این تقاضا را این طور نوشتم کہ چون اغتشاش محل بہ حدی است کہ جان قنصل در خطر است من نیز هیچ وسیلہ و ضمانتی برای تامین اتباع انگلیس نمی توانم داشتہ باشم.

در تعاقب مراسلہ من خود بہ ہمراہی قزاقہای ایرانی کہ حکومت بصرافت طبع برای استحفاظ من فرستادہ بودند بہ دیدن حکمران رفتم و در آغاز صحبت بہ ایشان گفتم کہ اگر جنابعالی حاضر و مایلید کہ با من با یک اعتماد و صداقت و صفایی مذاکرہ و معاملہ نمایید و صلاح اندیشی من را همان طوری کہ دوستانہ دادہ می شود دوستانہ بپذیرند ممکن است یک راہ حلی برای این اوضاع ناگوار یافتہ شود. پس از آن بہ جناب ایشان اطلاع دادم کہ قنصل روس مصمم بودند کہ بہ محض تجدید بروز این اغتشاشات بہ عنوان پروتست از شہر خارج شوند و نتیجہ این اقدام چہ برای حکمران چہ برای آتیہ ایران وخیم خواهد بود.

در مقابل و جواب این اظهارات جناب ایشان منکر شدند کہ توهین و اذالہ انسانی نسبت بہ قنصل یا بیدق روس وارد شدہ باشد و همچنین جناب ایشان با یک عقیدہ ثابتی اظهار داشتند کہ هیچ سوء قصدی نسبت بہ جان قنصل نشدہ است.

خوشبختانہ من حکایتی را کہ ہمکار روس من بہ منشی باشی نظام السلطنہ گفتہ بود و شب گذشتہ شنیدہ بودم کلمہ بہ کلمہ بہ خاطر داشتہ و برای جناب ایشان نقل و تکرار کردم ایشان را متوجہ و متذکر ساختم کہ اقدامات خودشان تکذیب این اظهاراتشان را می نماید. چنانچہ برای رفع اغتشاشات اولیہ قشون و استعداد فرستادند و صاحب منصبان کشوری و لشکری را بہ عذرخواہی قسریل ساختند بعلاوہ خود جناب ایشان از مسیو لیوسکی عذرخواہی نمودند و اخطار کردند کہ کوچہ و معابر برای تردد قزاقہا مأمون نیستند و دیگر آنکہ جناب ایشان همان روز صبح اقدام غیر معمولی کردہ و عده ای سوار برای استحفاظ من فرستادہ اند. پس از این استدالات بہ طرز خیلی دوستانہ از ایشان تمنی نمودم کہ این حالت استقامت و رفتار را ترک نمودہ و با من بہ صافی و صداقت معاملہ نمایند ولی متأسفانہ در جواب همان انکار جامد جزئی را شنیدم حتی اینکه تکلیف نمودہ اند کہ مجلسی با من و مسیو لیوسکی منعقد نمایند و از فرماندہ سوارہایی کہ بہ قنصلخانہ روس فرستادہ اند در این خصوص تحقیقات و استنطاقات نمایند من در جواب بہ ایشان اطمینان دادم کہ بین دو قنصلگری صداقت و یگانگی کامل موجود است و آن ایامی کہ یک حاکم ولایتی در ایران می توانست بہ وسیلہ تواید سوء ظن بین قنصلہای انگلیس و روس بہ مقاصد خود نایل گردد درگذشتہ است. بعلاوہ گفتم کہ من در اینجا برای تفتیش و تعیین حقائق و درستی ہمکارم نیامدہ ام بلکہ آمدہ ام اجرای وظیفہ حکومتی جنابعالی را کہ نسبت بہ نمایندگان و اتباع

دول خارجه داريد جداً بخواهيم. لهذا جناب ايشان اطمینانات کامله دادند که دسته ۱۰۰ نفره‌ای را که شخص مقتول جزو آن دسته بوده فوراً خلع اسلحه کرده و در خصوص بقیه فوج منتهی اهتمام را در خلع و انفصال آنها نموده و بدون تأخیر عوض آنها را تهیه نمایند.

پس از آن من مستقیماً نزد قنصل روس رفته و از وضع و حالت حکومت ایشان را آگاهی دادم. همکار من فوراً صاحب منصب مذکور را احضار نموده و مشارالیه در مقابل خواهش ما آنچه واقع شده بود تماماً نقل کرده و مطالب مذکوره فوق را کاملاً تصدیق نمود علاوه بر آن سربازهای قنصلخانه خودسان که از همین فوج بودند در مقابل تحقیقات بی طرفانه میرزای قنصلگری عین همان تفصیل را تصدیق نموده‌اند.

عصر همان روز ۳ ساعت بعد از ظهر حکومت يك دسته از فوج کردند را حقوق داده و خلع اسلحه کردند. بعد از آن آنها را تحت الحفظ از شهر خارج نمودند. دیگر پس از این اتفاقات به حکومت اظهار می‌نکرده‌ایم و منتظریم که تعلیمات و دستور العمل شما در خصوص رفتار خود نسبت به حکمران برسد.

امروز صبح جواب رسمی مراسله خود را دریافت نمودم. نظام السلطنه در این مراسله جوابیه اظهار می‌دارد که انتظام کامل موجود است و هیچ توهین نسبت به اتباع یا قنصلخانه روس وارد نشده است ولی با وجود این انکار خلع اسلحه دسته سرباز کردند را به من اخبار می‌دهد و همچنین از خیال و نقشه خود در خصوص خلع و گرفتن عوض بقیه فوج مرا آگاه می‌سازد. روی هم رفته امروز وضع امیدبخش‌تر است و لیکن از وضع ناصحیح و حالت مغایرت حکومت به نظر نمی‌آید که ارضاع کاملاً ترمیم و اصلاح شوند و می‌ترسم که واداشتن او برای نکه دست از این انکارات بی‌عقلانه لغو بکشد غیرممکن باشد. گذشته از این مسئله نظام السلطنه آنچه در قوه داشته با يك جلدی و جدیتی در خصوص تهیه مستحفظه کافی برای قنصل روس انجام داده.

احساسات ضد خارجه در عامه مشهود و معلوم است و لیکن گمان می‌کنم که بعد از اقدام حکومت در خلع و عزل این دسته فوج احتمال چندان نمی‌رود که دیگر اقدامی بر ضد قنصل روس کرده شود.

از دیروز بعد از ظهر سیم تلگراف مقلووع است. تلگراف فوری که حاکی نتیجه ملاقات من بود دیروز ممکن نشد مخابره بشود و نه قنصل روس هنوز جوابی به تلگراف خود که راپورت تجدید اغتشاشات را داده بود در سافت نموده است.

مسیو لیسوسکی که در مدت این ۴۰ روزه گرفتار يك حالت عصبانی دائمی بوده در تمام مدت با يك مدارا و ملایمتی رفتار نموده. در بعضی موارد مستحفظین خود را به اشکال زیاد از شلیک کردن به طرف سربازهای بیرون جلوگیری نموده در هیچ مورد اقدام بی‌تأملی کرده نشده است. بنده... ناکس

نمره - ۱۵۹

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)
از قلمبرك ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ امرداد ۱۲۸۹؛ ۵ شعبان ۱۳۲۸]
آقا.

خلاصه وقایعی که در طهران و ولایات در مدت چهار هفته گذشته اتفاق افتاده اینک با کمال افتخار لفا تقدیم می‌دارم.

در اوضاع امور جنوب متأسفانه بهبودی یا دوام مادی حاصل نشده و لیکن در اواخر ماه گذشته در مدت قلیلی امنیت راه بین شیراز و اصفهان بهتر بوده است. راه بین اهواز و اصفهان حالیه بالنسبه امن و منظم است. به دولت ایران پیوسته تاکید و اصرار کرده‌ام که برای اعاده انتظام در فارس اقدامات مؤثره بکنند ولی بحران کابینه سابق و اشکالاتی که وزراء جدید را در طهران احاطه نموده تاکنون مانع شده‌اند از اینکه کاری در این موضوع کرده شود. لیکن امید که عزل و احضار ظفرالسلطنه از فارس که مکرر از عدم کفایت او شکایت کرده‌ام علامت این باشد که دولت بالاخره تصمیم نموده که این مسئله را جدأ مورد توجه قرار بدهد.

بنده ... چارلز مارلینگک

ملفوفه در نمره ۱۵۹

خلاصه ماهیانه ایران در چهار هفته لغایت ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ امرداد ۱۲۸۹؛ ۵ شعبان ۱۳۲۸]

طهران

سید عبدالله مجتهد معروف طهران که در تمام جنبش و جوشش مشروطه خواهی شرکت و دخالت عمده داشت ولی اسم و شهرت خوبی نداشت در شب شنبه ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۵ تیسر ۱۲۸۹؛ ۹ رجب ۱۳۲۸] بدست چند نفری که در پنهان داشتن هویت خودشان چندان اهمیاتی نداشتند مقتول گردید.

قاتلین مزبوره از مجاهدین بوده‌اند و قتل بطور وضوح پلتیکی بوده و مقصود مرعوب کردن فرقه‌ای که ایشان طرفدار و حامی آن فرقه محسوب می‌شدند بوده و یا اینکه منظور خاتمه دادن به اسباب‌چینی‌هایی بوده که آقای مذکور برضد فرقه معینی از ملیون می‌کردند.

فرقه‌ای را که تقی‌زاده از مهم‌ترین و معروف‌ترین اعضاء آن است، مسؤول این قتل می‌دانند و کمی بعد از این اتفاق تقی‌زاده مجبور به خروج از مملکت گردید.

ارتکاب این قتل در پایتخت هیجان فوق‌العاده حادث نموده و عده زیادی از تجار

و دیگران در یکی از مسجدهای بزرگ طهران اجماع کرده و به اولیاء امور فشار می‌آوردند که مقصرین را دستگیر نمایند.

در تاریخ ۲۵ ژویه کابینه جدید که با اشکال زیاد تشکیل شده به توسط مستوفی‌المالک رئیس‌الوزراء به مجلس معرفی شدند. اعضاء کابینه مستر بسور از قرار ذیل است:

وزیر داخله	فرمانفرما
وزیر خارجه	حسینقلی‌خان
وزیر مالیه	حکیم‌الملک
وزیر جنگ	قوام‌السلطنه
وزیر عدایه	دبیرالملک
وزیر پست و تلگراف	اسدالله میرزا

در تاریخ غره همین ماه مجاهدین مرتکب جنایت دیگری گردیدند ولی این مرتبه مرتکبین از حزبی بودند که ظاهراً مخالف با ملیون تنداند زیرا که یکی از مقتولین این واقعه میرزا علی‌محمدخان همشیره‌زاده تقی‌زاده بوده است. این اتفاق به منزله انتقام قتل آقا سید عبدالله مجتهد ملاحظه و محسوب می‌شود.

کابینه جدید بنا بر این اتفاقات ناگوار خلع اسلحه مجاهدینی را که مسئول این جنایات و عدم امنیت عمومی هستند مقتضی و لازم دانست. بناء علی هذا در تاریخ ۵ شهر حال اعلانی صادر و منتشر کرده و مجاهدین را دعوت و حکم به خلع اسلحه نمودند ولی آنها در جواب در تحت ریاست ستارخان معروف مدافع تبریز اتحاد کرده و در پارک اتابک مرحوم مجتمع شده و بعضی تقاضاها از دولت نمودند. این وضع امور تا هفتم شهر حال باقی بود ولی در آن تاریخ دولت مصمم شد که قوای قهریه در مقابل آنها اعمال نمایند.

در دو ساعت و نیم بعد از ظهر هفتم شهر حال بین يك نفر مجاهد و چند بختیاری در پارک گفتگویی شده و به یکدیگر تیر انداختند و این مسئله سبب شد که بین پیروزان ستارخان و قشون دولت جنگ و جدال شروع شود. قشون دولت توپها را به نقاطی که مشرف بر دیوارهای پارک و در نزدیکی سفارت دولت اعلیحضرتی انگلیس واقع بود کشیده و نایره جدال و قتال اشتغال یافت و طرفین قورخانه زیادی مصرف کردند.

بالاخره در هنگام شب قشون دولت در آن قسمتی از حصار پارک که روی به سفارت فرانسه است مدخلی به دست آورده از آن مدخل بختیارها داخل پارک شده و ستارخان را با باقرخان و تمام همراهانش که قریب ۳۰۰ نفر بودند از جمله آنها عده‌ای از کسبه بی‌اسلحه بودند دستگیر نمودند. ستارخان در جنگ زخم برداشته و ۱۸ نفر از مجاهدین بر سر مضطربها مقتول و قریب چهل نفر مجروح شدند. از طرف دولت از قرار مذکور ۷ نفر مقتول و ۲۳ نفر مجروح شده‌اند. در این جنگ سوارهای بختیاری در تحت فرمان سردار بهادر پسر ارشد سردار اسعد

شجاعت کرده و یقین رئیس نظمیه نیز از طرف دولت در خدمت بر همه مقدم و پیشقدم بوده است.

مجاهدین مقاومت چندانی نکردند و بدون شبهه دلیل عمده مهیا نبودن آنها برای جنگ و مستعد نبودن محل جنگ برای مدافعه بوده است. در روز بعد سردار محیی معزالسلطان که یکی از رؤسای مجاهدین بوده و با رئیس‌الوزراء سابق سپهدار ارتباط مخصوص دارد با دسته خود در سفارت کبرای عثمانی در شمیران متحصن گردید و عجالتاً چنین به نظر می‌آید که عنصر اغتشاش در طهران اطمینان بخشی خورده و باین وسیله نفوذ و حیثیت کابینه جدید محتمل است زیاد شود.

جلسات علنی مجلس در مدت چهار هفته گذشته مستلزم دادن راپورت مخصوص نیست زیرا که دارای اهمیت مخصوص نبوده و اکثر مسائل بهیمة مجلس مثل معمول در جلسات خصوصی مذاکره و تصفیه شده است.

ناصرالملک در آخر ژویه به طرف اروپا حرکت کرده‌اند.

تبریز

از قرار معلوم حاکم مراغه چندی قبل صاحب متعینان دسته پلیس را که ایالت آذربایجان به آنجا فرستاده گرفته و چوب مفصلی به آنها زده است و مذکور است که فرمانفرمای آذربایجان در خیال است که استعداد کافی برای تنبیه این مقصر اعزام نماید.

مستر «استیونس» را عقیده بر آن است که حکومت مراغه که از ارتجاعیون است دارای قوه و استعدادی است که اجرای این اراده ایالت را مشکل می‌نماید.

مشهد

رکن‌الدوله که از حکومت خراسان معزول شده بود به واسطه تغییراتی که در وزراء حادث شده در مقام خود باقی ماند.

رئیس قشون خراسان در اوایل ژویه از لشکرکشی ناقص که به حدود غربی خراسان کرده بود مراجعت نمود. مشارالیه کاری انجام نداده و دزدیهای جدید در نزدیکی تربت واقع شده‌اند و از قرار مذکور شش نفر مسافرین کشته شده‌اند. حدود شرقی خراسان نیز از قرار راپورت مغشوش و بی نظم است. دسته بزرگی از سارقین که مرکب از کاکاریها و جمشیدیها و افغانی بوده‌اند در نزدیکی زورآباد در تحت ریاست منگول‌خان کاکاری اطراق کرده و مرتکب چندین فقره سرقت و غارت شده‌اند منجمله قافله بزرگی متعلق به اتباع روس که حمل قدر به مشهد می‌کرده‌اند و دچار چپاول و تطلاول آنها شده است. پرنس دابیچی ژنرال قنسول روس به سختی پروتست نموده و اولیاء امور ایران وعده کرده‌اند که راهزنها را قلع و قمع نمایند.

ظاهراً اختلاف و نفاق زیادی بین حکام بعضی محال و نظمیه‌های آن نقاط

موجود است. مخصوصاً در بجنورد و قوچان و سرخس و بیرجند - مداخله پلیس از قرار مذکور اثر بدی در حکومت و اداره امور حاصل کرده و به آن جهت در جمع آوری مالیات تعویق حاصل می شود. رئیس نظمیه مشهد معروف و متهم است بر اینکه پول گزاف به طور غیر مشروع تحصیل کرده و وجاهت و محبوبیتش در انظار رو به زوال است.

اصفهان

واقعات عمده اینجا ورود سیصد نفر قشقایی به شهر و آمدن رسولان از طرف صولت الدوله نزد حکمران بوده است. مقصود صولت الدوله از مذاکرات با سردار اشجع ظاهراً این است که آن قسمت از بختیاری را که سردار معزی‌الیه جزو آن است همراه و مؤید خود نماید در صورتی که قسمت دیگر بختیاری که با آنها رقیب‌اند ضیغم الدوله و اهتماماتش را برای جلب و ریاست ایل قشقایی تقویت و تأیید می نمایند.

صولت الدوله بدرجه‌ای شایق و خواهان این تقویت و همراهی است که حاضر شده است غرامت تمام سرقت‌هایی را که قشقایی در خاک اصفهان کرده برای نیل به مقصود بدهد.

بنا بر دلایلی که در دست است می توان قبول کرد که خیلی از این سرقت‌ها را قشقایی نکرده بلکه در موارد عدیده بختیاریها و چهار محالیه‌ها بنا بر اشاره امیر مخم که مایل به حکومت اصفهان و در صدد اخلاص کار و شکست اعتبار سردار اشجع است مرتکب بوده اند. ضیغم الدوله از اواسط ماه ژویه در خاک بختیاری بوده و در اایل ماه اوت را پورت داده شد که در سی میلی جنوب غربی قمشه بین بختیاری و قشقایی جنگ واقع شده ولی صحت این خبر هنوز مصدق و محقق نشده. رسول صولت الدوله هم به حکمران و هم به انجمن ولایتی اظهار داشته که عقاید صولت الدوله مصالحت آمیز و صمیمانه خواهان مشروطه می باشد. رسول مذکور که معاون الممالک است ژنرال قنصلگری را دیدن نموده و سؤال نمود که چرا سفارت دولت اعلیحضرتی انگلستان تعیین صولت الدوله را به حکومت بنادر خلیج اعتراض و رد نمود. مستر گراهام در موقع بازدید تلگرافی از طرف شارژ دافر دولت فحیمه به مشارالیه تسلیم نمود که در آن اعمال صولت الدوله با اظهار دوستی که رسولش از طرف او می نماید مقایسه شده بود.

در تاریخ ۱۱ ژویه پست طهران را در نزدیکی امامزاده اتباع نایب حسین مرقت نمودند ولی غیر از این دیگر راه امن بوده است.

روی هم رفته در این اواخر بهبودی در وضع امنیت راههای عمده جنوبی حادث شده ولی در طریق یزد و سلطان آباد تا حدی عدم امنیت هنوز باقی است. ممکن است که این بهبودی جدید را در راهها نسبت به این داد که صولت الدوله مایل است خود را در نظر عامه و سفارت دولت اعلیحضرتی خوب جلوه دهد به

همین طریق عدم امنیتی را که فعلاً در بعضی راهها موجود است می شود تا درجه ای نسبت به بعضی دستجات قشقایی داد که از تحت اختیار و حکم صوات الدوله بیرون آند.

در تاریخ ۶ ماه اوت قشقایی ها صد نفر شتر از دم دروازه اصفهان به غارت برده آند.

یزد

(۱) سردار جنگه هنوز برای به دست گرفتن زمام حکومت کرمان از یزد حرکت نکرده ولی صارم الممالك برادرزاده اش که از قرار مذکور قایم مقام او در یزد خواهد بود مدتی است که در این شهر است.

راه اصفهان بعضی اوقات ناامن بوده است. بانك شاهنشاهی جدیداً مبلغ زیادی پول نقره به یزد فرستاده است این مسئله اسباب زحمت و اشکال اداره پست گردیده زیرا که در منازل اسب خیلی کم است.

مالیات تریاک حالیه جمع آوری می شود ولی سایر مالیات و عوارض جدیدیه هنوز در عهده تعویق آند.

در نائین مالیات نمك و تریاک بعد از آنکه به طهران رجوع و مذاکرات گردید اینك اخذ و جمع می شود.

از قرار راپورت تجار یزدی در این ایام نظر به مسدود بودن طرق جنوبی به عمال خودشان در طهران سفارش مال التجاره عموماً و پارچه خصوصاً می دهند.

معلوم است این مسئله باعث نكث و تخفیف در محصولات و متاع محلی و تجارت ریسمان انگلیس و هند خواهد شد. بعلاوه تجار مزبور مایل آند که امتعه انگلیسی یا هندی که لازم دارند به توسط تجار هندی کرمان سفارش بدهند و به این وسیله از مخاطره گم شدن آنها جلوگیری و احتراز نمایند.

رئیس عدلیه به طهران تلگرافاً [= تلگرافی] از مداخله حکومت و اجزایش در امور قضاییه شکایت نموده است.

(۲) در تساریخ ۱۴ ژویه [۲۳ تیر ۱۲۸۹؛ ۷ رجب ۱۳۲۸] نایب حسین کاشی با دو بیست و پنجاه نفر وارد اردستان شده در بیست لیله از اهل قصبه مطالبه نمود همراهانش نیز از اهالی احشام و اسلحه فراوان به غارت بردند.

نایب الحکومه محل به محض شنیدن خبر آمدن نایب، به اصفهان فرار نمود و قراقرانهای راه به استعداد نایب حسین ملحق شدند. يك خانه را کاملاً غارت و يك قافله را سرقت نمودند. خود نایب به تلگرافخانه انگلیس رفته و راجع به امور اوضاع یزد تحقیقات نموده است. پس از آن یکی از پسرهایش به تلگرافخانه آمده و با وجود امتناع و عدم رضایت تلگرافچی يك قبضه تفنگ او را گرفته و در مقابل ۱۲ لیله به مشارالیه داده در صورتی که قیمت اصلی آنها ۱۷ لیله است.

در تاریخ ۱۷ نایب حسین شنید که از نطنز و اصفهان استعداد بر علیه [= علیه] او حرکت کرده. لهذا از اردستان به طرف زواره حرکت نمود.

کنیل ویس قنصولگری دولت اعلیحضرتی در یزد حکمران را از حرکات و اقدامات نایب آگاه ساخته است. لهذا سردار تلگرافی خطاب به نایب نوشته و او را از آمدن به خاک یزد تهدید و تخویف نموده ولی چون در تلگراف ذکر کرده بود که از حرکات او به توسط مأمورین تلگراف اطلاع حاصل کرده و نظر به اینکه قبلاً یکی از پسرهای نایب به مأمورین تلگراف گفته بوده است که چون شما راپورت حرکات و اقدامات ما را می‌دهید پدرم کینه و خصومتی حاصل کرده و از شما انتقام خواهد کشید لهذا آن تلگراف سردار به مقصد رسانده نشد.

از قرار معلوم نایب حسین با صولت‌الدوله مکاتبه و رابطه داشته است.

در تاریخ ۲ اوت [۱۰ اسرداد ۱۲۸۹؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۸] نایب حسین با متعاقبانش در انارک بوده و در آنجا جنگی واقع شده که نتیجه آن مظفریت نایب حسین بوده ولی به واسطه نبودن علیق مجبور به عزیمت از آن مکان شده است.

از قرار مذکور استعدادی از پختیاری در تعاقب او می‌باشند.

کرمانشاه

۱) داورخان کلهر که در تساریخ ۷ ژویه [۲۶ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۹ ج ۲ ۱۳۲۸] به هارون‌آباد عقب نشسته بود در تاریخ ۱۵ با يك استعداد عظیمی مجدد به ماهی دشت مراجعت نموده و لیکن بنا بر اظهار و تقریر خودش به قصد انقیاد و اطاعت حکومت آمده است.

مشارالیه در پنج میلی شهر اردز افراشته و روز بعد پس از آنکه اردوی حکومت را به توسط عدد کثیری سوار کاملاً احاطه نمود خود به شخصه به چادر حکومت رفت.

این ملاقات مختصر که در تحت تفنگهای حاضر جنگ سوارهای مخصوص داورخان صورت گرفت رضایت بخش نبود. داورخان تعظیم و رسومات معموله تمکین و اطاعت را بجای آورده پس از آن حکمران از او سؤال نمود که چرا زودتر این اقدام را نکردی در جواب اظهار داشت که از ترس خیانت و بدقولی مبادرت نمی‌کردم. پس از آن داورخان مرخص شد.

کنیل قنصولگری اعلیحضرتی انگلستان و همکار روسی‌اش چون دیدند داورخان با این تبختر و بی اعتمادی نسبت به حکومت رفتار می‌نماید تصمیم عزم نمودند که موافق اجازه و تعلیماتی که از دو سفارتخانه‌های متبوعه‌شان قبلاً به آنها رسیده با حکومت مکاتبه نمایند.

حکمران در جواب از مراسله ارسال شده اظهار تشکر نموده و به آنها اطلاع داده است که داورخان سر اطاعت و انقیاد پیش نهاده و امید می‌رود که مسئله به

خوشی و مسالمت ختم و تسویه شود. پس از آن دو قنصل به داودخان که سابقاً از آنها استمداد کرده بود شرحی بدین مفاد نوشتند که اظهار و استمداد شما را رجوع به سفارتخانه‌های متبوعه خود نمودیم و پس از وصول جواب و تعلیمات از مفاد مشروح شما حکمران را استحضار داده و اظهار امید کسوده‌ایم که اختلافات ما بین را بدون خونریزی دیگری رفع و تسویه نمایند. بالاخره قنصلها به داودخان نصیحت نمودند که شرایط پیشنهادیه حکومت را هر چه باشد قبول نماید و اظهار امیدواری کردند که مسئله به طور دوستانه و مسالمت حل و قطع شود.

۲) شهرکرمانشاه بجز واقعه تیر خوردن يك سرباز ایرانی بدست قزاق روسی که راپورتش تفصیلاً تقدیم شده دیگر اتفاق بزرگی رخ نداده و شهر آرام مانده لیکن شبها بعضی تیراندازی می‌شود و يك نفر مقتول و دو یا سه نفر پلیس مجروح شده‌اند.

در کرمانشاه و بروجرد وسنندج احساسات اهالی بر علیه [= علیه] تأسیسات جدید ولایتی به شدت است.

در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۸ رجب ۱۳۲۸] بعضی افراد را که میوه به شهر می‌آورده‌اند در شش فرسخی شهر کرمانشاه لخت کرده‌اند و يك نفر مقتول شده است.

همدان

در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۰ تیر ۱۲۸۹؛ ۴ رجب ۱۳۲۸] برای پروتست بر ضد مالیات نمک و قپان و غیره بازارها بسته شد. مالیات نمک مخصوصاً در این ولایت خیلی مضر و مورد تنفر است زیرا که در صنعت دباغی نمک بسیار استعمال می‌شود.

در تاریخ ۱۲ نمایش راجع به این مسئله بی‌اغتشاش و با نظم بوده ولی در تاریخ ۱۳ رجالة فراوانی نیز ملحق به نمایش‌دهندگان شدند.

درب و پنجره دکان يك دواساز آلمانی را به علت اینکه با وجود اخطار آنها بسته بود، جمعیت شکستند. بعلاوه اجماعی با صندوقدار بانک روس که يك نفر روسی است در کوچه تصادف نموده و او را زده‌اند. ظاهراً در موقعی که داخل جمعیت می‌رفته است با تعلیمی او را زده‌اند و ضربت آن قدر سخت نبوده که به او صدمه‌ای وارد بیاورد.

مستر مكموری که از اعضای بانک شاهنشاهی است نیز در کوچه به جمعیتی چوب بدست تصادف نموده ولی جمعیت به مشارایه احتراسات نموده و برای او راه باز کرده‌اند.

شخص روسی به طهران تلگراف نمود وای بعد اطلاع داد که جمعیت از او معذرت خواسته‌اند.

در همان روز اجماع به مقر و مسکن حکومت محل رفته و فریاد می‌کردند که اجر و اهکی را که سال گذشته برای بنای این عمارت داده‌ایم می‌خواهیم. پس از آن يك دو از ستون‌ها را خراب کرده و اساسیه [= اثاث] آن محل را بردند. یهودیها و ارامنه از خانه خود بیرون نمی‌آمدند و بازارها تا تاریخ ۱۳ بسته مانده بودند. در آن تاریخ خبر وفات سید عبدالله از طهران تلگرافاً [= تلگرافی] رسید و همچنین اجازه داده بودند که رسومات ترحیم به عمل آید. مراسم ترحیم خیلی بی‌صدا به عمل آمد و پس از آن بازارها باز شدند. ظاهراً این خبر اسباب اسکات شهر گردید و علماء در يك وحشت و دهشت زیادی نزد امیر افخم رفتند. در تاریخ نوزدهم سردار ناصر حکمران که چهار ماه گذشته را در باغ بیرون شهر به سر برده بود با دویست نفر وارد شهر گردید. ظهور و حضور حکمران اثرات خوبه بخشیده و مالیاتها داده شد. امیر افخم که از متنفذین بزرگ ولایت است در انتظار اکثر مردم متهم است بر اینکه محرك اغتشاشات بوده است. امنیت شهر خیلی کم است. نظمیه که حقوق مرتب به آنها داده نمی‌شد در مدت اغتشاش به کلی معدوم شدند. در شهر هر شب دزدیها واقع می‌شود و يك پست را در يك فرسخی شهر زده‌اند.

کرمان

این ایالت هنوز بی حاکم است و نصره السلطان نایب‌الحکومه را می‌گویند بی‌کفایت و مورد تنفر و مخالفت انجمن ولایتی و مردم است. در اواسط ماه ژویه انجمن ایالتی جلسات خود را به عنوان پروتست بر ضد اقدامات خودسرانه نایب‌الحکومه موقوف نمودند. از قرار راپورت بلوچستان ایران کاملاً از تحت قدرت و اختیار حکومت محلی کرمان بیرون است و ۳۰ نفر از بلوچهای سرحد در ۱۲ ژویه به قریه نعیم‌آباد که در نزدیکی فهرج است هجوم برده و ۷۰ نفر شتر و خیلی چیزهای دیگر را به غارت برده و يك ساربان را کشته‌اند. به‌مچنین راپورت داده شده که گندل‌خان با ۱۰۰ نفر اسفندقه و محنی را یغما نمودند.

دسته دزدعسای فارسی که در خلاصه ماهیانه گذشته مذکور گردیده، استعدادی مرکب از نظمیه و سوار افشار به آنها حمله برده و پس از کشتن ۱۲ نفر از آنها و اسیر کردن ۱۱ نفرشان آنها را منهزم نمودند و به همچنین مقدار زیادی از غارتی که کرده بودند پس گرفته شد. اگرچه راه شیراز و کرمان فقط راهی است که بکلی مسدود است ولی کلیه راهها را امن نمی‌توان خواند.

شیراز

از قرار معلوم وضع این طور است که فرمانفرمای ایالت بنا بر حکم و دستورالعمل سپهدار در موقعی که هنوز وزیر داخله بوده است نفوذ و اقتدار صولت‌الدوله را مجدداً در فارس مستقر نموده و چندین از حکومت‌های جزء را به بستگان مشارالیه تفویض نموده و به این جهات قسمت بزرگی از قشقاییمها که به طرف ضیغم‌الدوله رفته بودند مجدداً ملحق به صولت‌الدوله گردیدند.

ضیغم‌الدوله به سمت حکومت بهبهان معین گردید ولی به دولت اطلاع داد که نظر به اشکالات و زحماتی که ظفرالسلطنه در ایل برای او تولید کرده است نمی‌تواند این خدمت را به عهده گیرد.

ظفرالسلطنه از صولت‌الدوله تقاضا نموده است که ۸۰۰ نفر قشقای برای اجرای اوامر و مقاصد حکومتی به شیراز بفرستد و تا به حال متجاوز از ۱۰۰ نفر که در تحت فرمان راهزن معروفی هستند وارد شده‌اند.

ایالت رسماً به قنصل اعلیحضرتی اعلان نموده که از تاریخ ۸ ژوئیه حکومت کازرون مسئولیت راه بوشهر را که سیم تلگراف از آن می‌گذرد به عهده گرفته ولی نظر به اینکه معروف است که صولت‌الدوله با دایر بودن این راه مخالفند قواقل از به کار بردن آن استیحاş دارند.

امالی عموماً از اهاده قدرت صولت‌الدوله خیلی متزجر و متنفراند. ما بین قوامیها و ضیغم‌الدوله رابطه و مکاتبه است و سردار اسعد آنها را تشویق و تشجیع می‌نماید.

در تاریخ ۶ ژوئیه سردار ظفر از ضیغم‌الدوله تلگرافاً [= تلگرافی] خواهش نمود که با استعداد یا بدون استعداد به بختیاری برود. در خاتمه تلگراف مزبور سردار ظفر چنین گفته بود «این مسئله یقین قطعی است که صولت‌الدوله کاملاً مغلوب و مقهور خواهد شد».

از قرار راپورت ضیغم‌الدوله به بختیاری رفته ولی با پنجاه سوار. راه فیروزآباد و بوشهر از قرار معلوم کاملاً امن است ولی راه اصفهان که چندین فقره دزدی شده من جمله چند پست را سرقت کرده‌اند ظاهراً طرف اعتماد کسی نیست.

در راه فیروزآباد نسبت به چهاروادارها تعدیات زیاد می‌شود. در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۰ [۱۷ مرداد ۱۲۸۹؛ ۳ شعبان ۱۳۲۸] در طهران اعلان گردید که ظفرالسلطنه از حکومت فارس منفصل گردیده.

خلیج فارس

بوشهر

پست شیراز را در تاریخ ۲۶ ژون بین کازرون و میان‌کتل دزد زده است.

نمره - ۱۶۰

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)
از قلمهك ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ مرداد ۱۲۸۹: ۵ شعبان ۱۳۲۸]
آقا

کابینه‌ای که تشکیل آن را در مراسله مورخه امروز خودم با کمال افتخار
راپورت داده بودم چند روز بعد از تشکیل و معرفی شدن با حل مسئله مشکله خلع
اسلحه فداییان و مجاهدین مقابل و مواجه گردید.

اقدام به این امر از اثر ارتکاب سه قتل پلتيکی در تاریخ اول شهر جاری که
تفصیل آن را در تلگراف دوم ماه راپورت داده‌ام لزوم و ضرورت پیدا نمود. در
اینکه این جنایات قطعاً پلتيکی بوده از این مسئله معلوم و ثابت می‌شود که یکی
از مقتولین واقعه میرزا علی محمدخان همشیره‌زاده تقی‌زاده را قبلاً آگاه و اخطار
کرده بودند لهذا مشارالیه چند ساعت قبل از این حادثه نزد وزیر امور خارجه
رفته و اطلاع داده بوده است که او و دو نفر دیگر را تهدید به قتل نموده‌اند.

میرزا علی محمدخان را يك دسته از مجاهدین در قهوه‌خانه‌ای که در یکی از
پرجمعیت‌ترین کوچه‌های طهران است هدف تیر نموده‌اند و در این موقع که بی‌محابا
تیر می‌انداخته‌اند سه یا چهار نفر دیگر مجروح گردیده‌اند ولی هیچ اهماسی
برای دستگیری مقصرین کرده نشد.

شب بعد بعضی مجاهدین به خانه وزیر امور خارجه رفته ولی خوشبختانه
جناب ایشان منزل نبودند و الا بدون شك مقتول می‌شدند.

از ارتکاب این جنایات ظاهراً انتقام قتل سید عبدالله منظور است و همچو
می‌نمود که آدم‌کش‌هایی که خود را هواخواه و پهلوانان فریقین مخالف محسوب
می‌داشتند با موزرها در طهران جنگ واقعی پلتيکی بر پا خواهند نمود. اوضاع
امور تحمل‌ناپذیر شد به طوری که دولت شروع به مذاکرات خلع اسلحه کلمیه
فداییان و مجاهدین که برای مملکت اسباب مخاطره و مخارج بودند نمود.

وزیر امور خارجه قصد و اراده دولت را در این موضوع در موقع ملاقات
روز دوم شهر حال به وزیرمختار روس نقل نمود. من نیز داخل آن صحبت شدم.
مسیو پاکلوفسکی [پاکلوسکی] این خیال و اقدام را صمیمانه تصدیق و تحسین
نمود و مخصوصاً در دستگیری قاتلین سید عبدالله اصرار و تأکید بلیغ کرد. نظر
به اینکه من با وزیرمختار روس قبلاً در این مبحث مذاکرات نموده و متفق شده
بودیم در اینکه ما باید دولت را در این امر تشویق و تشجیع نمایم لهذا من نیز
عقیده و نظریات خود را مانند وزیرمختار روس اظهار نمودم و لیکن من در
اهمیت فوق‌العاده خلع اسلحه فداییان تأکید نمودم زیرا که پس از نیل به این
مقصود و دستگیری قاتلین و تبعید مجاهدین [زندگی] اتباع خارجه بالنسبه سهل
خواهد بود.

از آنچه نواب بیان می‌کرد ظاهر بود که وزراء از این مسئله در وحشت و اضطرابند که اگر مجاهدین مقاومت سختی در مقابل دولت ب نمایند دولت روس آن را بهانه کرده و قشون خود را از قزوین وارد طهران بنماید. وزیرمختار روس جناب ایشان را اطمینان داد که دولت امپراطوری روس هرگز مایل نبوده و نیست که بهانه و عذری برای آوردن قشون به طهران تحصیل نماید و دولت ایران می‌تواند مطمئن باشد که اگر اقدامات و عملیات خلع اسلحه منجر به اغتشاش و بی نظمی شدید طولانی به درجه‌ای که موجب مخاطره خارجیه‌ها بشود، نگردید یک نفر سرباز هم از قزوین حرکت نخواهد نمود. از این اطمینان کامل وزیرمختار خاطر وزیر امور خارجه تسکین یافت. بعلاوه وزیر معظم در تشویش و التهاب بود که بفهمد که آیا به عقیده وزیرمختار روس در صورتی که دولت خدمت بریگاد قزاق را در تحت فرمان پرنس وادبولسکی ضرور دانسته و تقاضا نماید پرنس معزیه‌ایه موانع و اشکالاتی اظهار خواهد کرد یا خیر، مسیو پاکلوسکی طبیعتاً اظهار نمود که پرنس وادبولسکی در خدمت دولت ایران است و البته خدمت و صلاح بینی او و قسوه‌ای که در تحت فرمان دارد در تحت حکم دولت خواهد بود. ولسی اگر از او بخواهند که امور غیر ممکن انجام دهد یقین است که موانعی اظهار خواهد نمود ولی فقط به جهات و دلایل نظامی.

همان شب پلکنیک [پالکونیک] وادبولسکی برای حضور در جلسه وزراء دعوت شده و از او تقاضا شد که مجاهدین را خلع اسلحه نماید. مشارالیه از این خدمت امتناع نمود و اظهار داشت که تجسس و تفحص در خانه‌ها برای گرفتن اسلحه موافق نقشه‌ای که دولت در نظر دارد بیش از ۴۲۰ الی ۴۵۰ نفر از بریگاد که فعلاً در طهران حاضرند استعداد و قوه لازم خواهد داشت و من مسئولیت انجام این اقدام را فقط باکمک قوای نیم‌متظامی که دولت می‌تواند برای تقویت من بدهد نمی‌توانم به عهده بگیرم.

در حقیقت خیال اعمال قوای قهریه فوری در آن شب متروک گردید و روز بعد دولت اعلانی صادر و نشر نمود حاکی بر اینکه تمام اشخاصی که بی‌اجازه حمل سلاح می‌نمایند باید اسلحه خود را در ظرف ۴۸ ساعت تسلیم نموده و در مقابل وجهی مأخوذدارند و اگر پس از انقضای این مهلت اسلحه را تسلیم نکردند با قوای قهریه از آنها گرفته خواهد شد.

در آن روز بعد از ظهر وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و به ایشان گفتم که این رای دولت به نظر من مقرون بعقل و صواب نیست زیرا که مجاهدین خیال خواهند کرد که دولت در تردید و تزلزل است و بعلاوه آنها فرصت خواهند یافت که یا مہیای مقاومت و مخالفت شده و یا آنکه لااقل تفنگهای خود را پنهان نمایند و ضمناً ممکن است مرتکب قتل دیگری بشوند و اگر هیچیک از این پیش بینی‌ها به حقیقت نپیوست این اعلان از حیث تسلیم اسلحه هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد نمود.

مجاهدین از هر طبقه یکسان به تسلیم اسلحه که فقط وسیله اهمیت دادن به خودشان است مایل و راغب نخواهند بود و معتقد هم نیستند که دولت مهابی اتخاذ اقصی درجه وسایل اجبار نسبت به آنها بشود و لیکن در این مسئله مجاهدین اشتباه کرده بودند زیرا که وزراء در به کاربردن خدمات گرانبهای پیرم کامیاب شده و همچنین از کمک و تقویت سردار اسعد و بختیاریها که سه چهار روز قبل اظهار می‌کردند که در خلع اسلحه مجاهدین کمک نخواهیم کرد اطمینان حاصل نمودند.

در بعد از ظهر تاریخ ۶ مجاهدین فرق مختلفه شروع به اجتماع در باغی که متصل به سفارت اعلیحضرتی است و معروف است به پارک اتابک نمودند. در اینجا ستارخان و چند نفر از پیروانش سکنی داشته و زندگی می‌کردند. قشون دولت و ژاندارمری به جلدی و چابکی تمام نقاط جنگی را در طبقات فوقانی و بالای بامهای خانه‌های مجاور و حصارهای شهر تصرف نمودند و لیکن برای خروج و دخول پارک منعی نبود و باقرخان که در مدافعه تبریز همکار رفیق ستارخان بوده از قرار معروف در صبح هفتم از آن محل خارج شده و مجدداً مراجعت نمود.

در مراسلات دیگر وقایعی را که در آن روز اتفاق افتاد راپورت می‌دهم. در اینجا همین قدر ذکر کافی است که در ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر مجاهدین تسلیم شده و ستارخان مجروح گردید.

بهر دلیل و نظری مظفریت دولت به حد کمال بوده ۳۰۰ نفر از مجاهدین را دستگیر و اسیر نموده است ولی وقتی که در روز دوشنبه معلوم گردید به عوض ۳۰۰ قبضه تفنگ که مجاهدین در باغ پرده بودند فقط پنجاه یا شصت تفنگ به دست دولت آمد بعضی مردم می‌گفتند بختیاریها که هجوم آخرین را به پارک برده‌اند آنها را دزدیده‌اند و حقیقتاً این مسئله خیلی مهم و جالب دقت بوده که این بختیاریها در خانه‌های مجاور و در خود باغ غارت چندانی نکردند بعلاوه بعدها معلوم شد که عقیده و اظهار اولیه دولت بر اینکه تفنگها را در دریاچه ریخته‌اند صحیح بوده و قریب ۳۰۰ تفنگ بالاخره از دریاچه پارک بیرون آورده‌اند.

از طرف دیگر دو نفر از معروف‌ترین رؤسای مجاهدین سردار محیی و ضرغام السلطنه بختیاری هنوز آزاد بوده‌اند. اولی از آن در به خانه عموی خود به زرگنده رفته و نظر به اینکه آن محل در تحت قانون و اداره روس است از هر تعرض مصون است و دومی از آن در یعنی (ضرغام السلطنه) در گوشه‌ای مختفی است و عده اسلحه‌هایی که مجاهدین و فداییها در شهر تسلیم کردند خیلی قلیل بوده.

اهالی طهران متحیرند که وضع را چه طریق بپذیرند. این مسئله را عموماً قبول دارند که دولت چرات و کفایت و فعالیت بروز داده و در اضمحلال قدرت مجاهدین و فداییها خدمتی به عامه کردند ولی از طرف دیگر مابین مردم دلسوزی

زیادی برای ستارخان مشهود می‌شود. عقیده بر آن است که مشارالیه به این مقاومت و مخالفت رأی نداشته و مقتضیات موقع او را مجبور نموده که در این اقدام پیش‌قدم باشد.^۱

به همچنین بین مسلمانان عدم رضایتی مشهود است که چرا رشته امور به دست یپریم که يك نفر مسیحی است داده شده است و احساسات ضد ارمنه در بین اهالی محسوس است و بالاخره کسی اطمینان و اعتماد حقیقی به دولت ندارد. قسمتی از بازارها با وجود تهدیدات دولت بسته مانده‌اند و بعضی رؤسای علماء اهتمامی نمودند که در شاهزاده عبدالعظیم متحصن شوند و معزالسلطان سردار محیی با بیست و پنج نفر از مجاهدین دیگر از زرگنده بیرون رفته و در سفارت کبرای عثمانی متحصن شدند.

بنده ... چارلز مارلینگ

نمره - ۱۶۱

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)
از قلمبك ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ مرداد ۱۲۸۹: ۵ شعبان ۱۳۲۸]
اذا

با کمال افتخار یادداشتی که ایتاشه نظامی سفارت اعلیحضرتی نوشته و تفصیل جنگ واقع در هفتم شهر حال را راپورت داده لفا تقدیم می‌دارم. صبح یکشنبه در موقعی که اوضاع ظاهراً روزی به بدتری می‌رفت من به ماژر استکس تعلیمات دادم که به سفارتخانه شهر برود زیرا که به عقیده من مطلوب و صلاح بود که یکی از اعضای سفارت در شهر حاضر باشند و مشارالیه تا عصر دوشنبه در آنجا باقی بود.

بنده ... چارلز مارلینگ

ملفوفه در نمره ۱۶۱

یادداشت ماژر استکس در خصوص جنگ طهران در تاریخ ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ مرداد ۱۲۸۹: ۱ شعبان ۱۳۲۸]

در تاریخ ۷ اوت يك ساعت بعد از ظهر قریب ۳۰۰ نفر که از اطاعت اعلان دولت ایران صادره در تاریخ ۴ و تسلیم اسلحه امتناع نموده‌اند در باغ معروف به پارک اتابك اجماع نمودند.

در پارک مزبور مدتی بود که ستارخان و اتباعش منزل داشتند و در صبح آن روز باقرخان ملحق به آنها گردید.

(۱) اصل: پیش و او پیش‌قدم باشد. - م.

از این سیصد نفر عده زیادی از تابعین رؤساء دیگر بودند که بعضی از آنها مخصوصاً سردار محیی معزالسلطان مجاهدین را به تسلیم نکردن اسلحه ترغیب و تشجیع نموده و بالاخره وقتی که نوبت به جنگ و جدال کشید آنها را در آنجا گذارده و خود کناره کرده‌اند.

بنابر دلایل صحیح می‌توان قبول کرد که ستارخان مخالف با جنگ بوده ولی مجاهدین او را مجبور به همراهی و مقاومت نموده‌اند.

مبطلتی که دولت در اولتیماتوم معین کرده بود به امید آنکه مسئله به مسالمت خاتمه پذیرد تا ظهر آن روز تمدید یافت و قبل از ظهر مذاکرات ما بین دولت و مجاهدین در جریان نبود ولی نتیجه نبخشید. ضمناً قشون دولت که برای مقابله و معامله با مجاهدین معین شده بودند حرکت و نمایی نموده اطراف پارك را گرفته و بعضی از آنها سنگرهایی را که از آنجا می‌توانستند به پارك شلیک نمایند تصرف نمودند.

یضرم [یپرم] که با سردار بهادر متفقاً رئیس و فرمانده استعداد دولت بودند خود در اداره مرکزی بوده دو نفر از مأمورینش در عمارت سلطنتی که کابینه وزراء در آنجا منعقد بود منتظر تعلیمات بودند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر شخصی که در عمارت دولتی استفسار نموده بود رسماً جواب و اطلاع یافته بود که اگر مجاهدین اسلحه خود را تسلیم ننمایند در ظرف يك ساعت به اقدامات قهریه و یورش شروع خواهد شد.

اوضاع به همین قسم باقی بود تا دو ساعت بعد از ظهر در آن وقت یکی از مجاهدین خواست که از در بزرگ پارك بیرون آید ژاندارمی به او اظهار داشت که اگر می‌خواهی بروی باید اسلحه خود را تسلیم نمایی. مجاهد فوراً با موزر به طرف ژاندارم تیری انداخت ولی تیر به خطا رفت پس از آن يك بختیاری آن مجاهد را هدف تیر نموده و مشارالیه سخت مجروح گردید. به همان حال سعی و اهتمام نمود که دوباره خود را به پارك برساند. دو سه نفر از رفقایش بیرون آمدند که او را داخل باغ بکشند. در این موقع شلیک و تیراندازی عمومی شروع شد. قشون دولت شروع به گرفتن سنگرها نمود که مہیای حمله مرتبی به پارك بشوند و درحین که این قسمت مشغول سنگرگیری بودند آن قسمت که قبلاً در سنگرها جا گرفته بودند مشغول تیرباری بی‌ترتیب به طرف مدافعین بودند.

پارك اتابك مربع مستطیلی است که طول آن ۵۰۰ یا ۶۰۰ یارد (یارد معادل ۱۴ گره است) و عرضش ۱۳۰ یارد. حصار شمالیش به قدر ضد ذرع از خاک ریز شمالی شهر که مشرف بر پارك است فاصله دارد اطراف پارك دیوار گلی است که ارتفاع آن ۵ یارد و قطرش ۲ پا می‌شود. سه دروازه دارد که یکی در گوشه جنوب شرقی و دیگری در زاویه جنوب غربی و دروازه ثالث در وسط دیوار جنوبی واقعند. موازی هر دیواری کوچه‌ای است که در طرف دیگر آن کوچه‌ها خانه‌ها و دیوارهای

باغاتی واقعند که ارتفاعشان به قدری است که به داخل پارک تسلط دارند.
پارک که بالنسبه پر درخت است شامل دو عمارت است که یکی از آنها دارای ۲ طبقه است.

در ساعت ۴ ر ۴۵ دقیقه بعد از ظهر یورش جدی شروع گسردید ۲ عراده توپهای مسلسل کروز و ۲ عراده توپ ماکزیم به میدان مبارزت کشیده شد یک ماکزیم در گوشه شمال شرقی سفارت گذاشته شده بود که گاه به گاه به طرف دیوار جنوبی پارک تیر می انداخت و بی هرگز خود پارک را نشانه نمی کردند یک عراده توپ مسلسل چند گلوله به داخل پارک انداخت ولی توپهای صحرایی بیشتر سعی شان این بود که در دیوار پارک شکاف و مدخلی حادث نمایند.

مدافعین در اکثر موارد از مضغلهایی که در دیوار ساخته شده بود تیراندازی می کردند. در ساعت ۷ بعد از ظهر یک عراده توپ صحرایی به زاویه شمال شرقی سفارت کشیده شد و از آنجا به گوشه جنوب شرقی گلوله بارید.

مقارن ۸ ساعت بعد از ظهر در مجاورت زاویه جنوب غربی پارک شکافی باز شد و در آن گوشه واقع بود آتش زدند. قریب یک ساعت بعد متهاجمین از نقطه ای داخل پارک شدند و در ساعت ۱۰ بعد از ظهر ستارخان و باقرخان با ۲۷۰ نفر مجاهد اسیر و دستگیر شدند. بعلاوه ۳۰ الی ۴۰ نفر از کسبه بازار که این حرکت مجاهدین را یک نمایش تصور کرده و به آنها در پارک ملحق شده بوده و پس از شروع به جنگ نتوانستند بیرون بیایند نیز دستگیر شدند.

اگر چه دولت متجاوز از ۶۰۰۰ نفر استعداد حاضر کرده بود و لیکن حقیقتاً کمتر از ۱۰۰۰ نفر در جنگ شرکت داشتند. تلفات دولت ۵ نفر مقتول و ۱۲ نفر مجروح بودند و از طرف مجاهدین ۱۵ نفر مقتول و بیست و هفت نفر مجروح شدند و از جمله مجروحین ستارخان بوده است. از ۱۰ جنازه مجاهدین که من در پارک مشاهده کردم ۸ نفر آنها تیر به سرشان خورده بود و گمان می کنم در پشت مضغله تیر خورده اند.

قشونی که در تحت اسلحه حاضر بودند از قرار ذیل است.

پیاده نظام مرتب	۸۰۰ نفر
سوار نظام منظم	۱۸۰ نفر
ژاندارم	۳۰۰ نفر
پلیس	۲۵۰ نفر
قزاق	۵۰ نفر
بختیاری	۴۰۰ نفر
اسنیه	۱۵۰ نفر
جمع کل	۲۱۳۰ نفر

ماژور استکس آتاشه نظامی

نمره - ۱۶۲

مراسله مستر اوپرن به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)
از پترزبورگ ۲۴ اوت ۱۹۱۰ [۱ شهریور ۱۲۸۹: ۱۸ شعبان ۱۳۲۸]
آقا

پس از وصول مراسله جنابعالی مورخه ۸ شهر حال یادداشتی تسلیم کفیل
وزارت امور خارجه امپراطوری نمودم و سواد آن را اینک با کمال افتخار در دست
می‌فرستم.

در یادداشت مزبور طرح و نقشه‌ای را که دولت اعلیحضرتی انگلستان برای
تأمین راهبای تجارتی جنوب ایران در تحت ملاحظه دارد تفصیل داده و پیشنهاد
نمودم که تعلیمات به نمایندگان دولتی در طهران فرستاده شود که متفقا به دولت
ایران در خصوص عدم امنیت کنونی این راهبای مراسلات سخت نوشته و در قبولاندن
نقشه فوق‌الذکر به دولت ایران اصرار نمایند.

به همچنین سواد یادداشتی را که در جواب از دولت امپراطوری روس امروز
به من رسیده لذا تقدیم می‌دارم.

در این جواب مذکور است که به نمایندگی دولت روس تعلیمات فرستاده خواهد
شد که با همکار انگلیسی خود اتفاق نموده و در خصوص عدم امنیت موجوده بعضی
طرق به طوری که پیشنهاد شده به دولت ایران اظهارات مشترک نمایند.
بعلاوه در یادداشت جوابیه مندرج است که وزارت امور خارجه روس برای
تشکیل یک قوه امنیه شبیه به پریداد قزاق ایران که در تحت فرمان صاحب‌منصبان
هندی باشد هیچ مانعی نمی‌بینند.

دیگر در یادداشت مذکور است که بنا بر اطلاعاتی که جدیداً حاصل شده عقیده
دولت روس بر آن است که مهلت دو ماه که دولت اعلیحضرتی انگلستان می‌خواهد
به دولت ایران بدهد که خود در آن مدت اعاده انتظام را بنماید کافی نیست و بهتر
خواهد بود که آن مهلت را به سه ماه تمدید نمایند خاصه در صورتی که عمایق
فرمانبرای جدیدی که محتمل است شاهزاده عبدالعزیز باشد برای ایالت فارس
معین خواهد گردید.

بنده... هیو اوپرن

ملفوقه ۱ در نمره ۱۶۲

یادداشت مستر اوپرن به مسیو سازانو
در ضمن یادداشت خود مورخه ۱۶ (۲۹) ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۵ تیر ۱۲۹۸: ۹ رجب
۱۳۲۸]

سفارت کبرای اعلیحضرتی انگلستان به وزارت خارجه امپراطوری روس مفاد
اطلاعاتی که از شارژ دافر انگلیسی مقیم طهران راجع به عدم امنیت طرق تجارتی
ایران عموماً و راهبای جنوبی خصوصاً رسیده بود شرح داده است.

سفارت کبرای مذکور پیشنهاد کرده است که به دو نماینده مقیم طهران تعلیمات فرستاده شود که در این موضوع به دولت ایران اظهارات سخت مشترك نمایند.

اینك سراسله ای از شارژ دافر دولت فغیمه رسیده و در خصوص تزیاید اغتشاشات راهپای جنوبی و نقاط دیگر ایران شرحی نگاشته است. در این مشروحاً ستر مارلینگک چنین اراده طریقی می نماید که به دولت ایران استعضار و اخطار داده شود که اگر تا آخر ماه سپتامبر اعاده انتظام در طرق جنوبی نشد دولت اعلیحضرتی انگلستان خود انجام این تکلیف را بعهده خواهند گرفت.

دولت اعلیحضرتی انگلستان اهمیت اعاده انتظام را کاملاً می شناسد ولی مسلك مداخله عملی را که ستر مارلینگک اراده طریقی می کند خالی از موانع نمی داند. لهذا دولت معظم چنین پیشنهاد می کند که به دولت ایران آگاهی داده شود که اگر تا آخر ماه سپتامبر در اعاده انتظام در راهپای تجارتنی جنوبی موفق نشوند دولت اعلیحضرتی انگلستان مجبورا اصرار خواهد نمود که قوهای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر شبیه به بریگاد قزاق برای حفظ و حراست طرق تشکیل شود.

این قوه را ۸ یا ۱۰ نفر از صاحب منصبان قشون هند که برای همین مقصود حکومت هندوستان امانت خواهد داد تشکیل و تنظیم خواهند داد.

به سفارت کبرای دولت فغیمه تعلیمات داده شد که ترتیب آن نقشه را به استعضار دولت امپراطوری روس رسانده و پیشنهاد نماید که در موقعی که سراسله مشترك مذکوره در یادداشت به دولت ایران داده می شود نمایندگان دولتین در قبولاندن نقشه اظهاریه به دولت ایران اصرار نمایند.

پترزبورغ ۳۰ ژویه (۱۲ اوت ۱۹۱۰) [۷ امرداد ۱۲۸۹: ۲۳ رجب ۱۳۲۸]

ملفوفة ۲ در نمره ۱۶۲

یادداشت جوابیه مسیو سازانو به ستر اوپرن

وزارت خارجه امپراطوری پیشنهاداتی را که در یادداشت مورخه ۳۰ ژویه «۱۲ اوت» سفارت کبرای انگلیس مندرج بوده با نهایت دقت ملاحظه نمود و با این پیشنهاد موافق است که وزیر مختار روس مقیم طهران باید با همکار انگلیسی خود شرکت نموده و توجه جدی دولت ایران را نسبت به عدم امنیت بعضی طرق تجارتنی ایران معطوف سازد.

وزارت خارجه امپراطوری نیز به پیشنهاد تشکیل قوهای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر شبیه به بریگاد قزاق ایرانی که در تحت فرمان ۸ یا ۱۰ نفر صاحب منصب هندی بوده باشند و راهپای فوق الذکر را حفظ و حراست نمایند هیچ مانعی نمی بیند. بنابر اطلاعاتی که جدیداً رسیده است عقیده دولت امپراطوری این است که مهلت دوماهه ای که دولت انگلیس می خواهد به دولت ایران بدهد که خود اعاده انتظام در راهپا نماید کافی نیست و بهتر خواهد بود که آن مدت را تمدید به

سه ماه نمایند خاصه در صورتی که فرمانفرمای جدیدی که شاید شاهزاده عین‌الدوله باشد عمالقرب برای ایالت فارس تعیین خواهد شد.

پترزبورغ ۹ اوت (۲۲) ۱۹۱۰ [۱۷ ارداد ۱۲۸۹: ۳ شعبان ۱۳۲۸]

نمره - ۱۶۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

قلمك ۳۱ اوت ۱۹۱۰ [۸ شهریور ۱۲۸۹: ۲۵ شعبان ۱۳۲۸]

خیالات صولت‌الدوله ظاهراً دولت ایران را قدری مشوش نموده چنانچه تلگراف تهدیدآمیزی از مشارالیه رسیده و در اصفهان گمان می‌کنند مشارالیه اراده حرکت به طرف طهران را دارد.

سردار اسعد حکم کرده است که ۲۰۰۰ بختیاری از برای کمک قوای محل و جلوگیری صولت‌الدوله به اصفهان بفرستند.

نمره - ۱۶۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ سپتامبر)

قلمك ۳ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۱ شهریور ۱۲۸۹: ۲۸ شعبان ۱۳۲۸]

دیروز که موارد اعلیحضرت شاه بود در موقع پذیرایی نقاهت نایب‌السلطنه باعث تأثر و تألم تمام حضار گردید و ممکن است که به این زودیها مسئله تعیین قائم‌مقام ایشان پیش آید.

نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ سپتامبر)

قلمك ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۳ شهریور ۱۲۸۹: ۳۰ شعبان ۱۳۲۸]

با کمال توقیر راپورت می‌دهم که با وجود اظهارات و اشارات مکرر و سفارتخانه بر اینکه دولتم به مراسله مشترک مورخه ۲۰ مه خودشان جوابی نمی‌خواهند اینک جوابی از دولت ایران واصل گردیده مفاد جواب اینکه:

دولت ایران ابدأ خیال دادن امتیازات را به خارجیان ندارد ولی دقت ما را معطوف به تعهدی که برای حفظ استقلال و حقوق محقق آزادی ایران کرده‌ایم معطوف می‌سازد و نظر ما را به اطمینانات مکرره دولتم راجع به عدم مداخله در امور ایران که آن دولت را امیدوار ساخته که برخلاف آن اصل اظهار و عنوانی از طرف ما نخواهد شد مراجعه می‌دهد،

نظر به اینکه این جواب رضایت‌بخش نبوده است من و مسیو پساکلوفسکی

[پاکلوسکی] آن را به دولت ایران پس فرستادیم.

به ترجمانها تعلیمات داده شد در همان موقع که مراسلات را پس می‌دهند شفاهاً خاطر نشان نمایند که در مقابل مراسله مشترک ما جوابی لازم نبوده زیرا که آن مراسله فقط حاوی اخطاری بوده که نتیجه عدم موافقت دولت ایران را با تقاضای مشروع دولتین مجاورتین که پیوسته احساسات خیرخواهانه دوستانه نسبت به آن دولت می‌پرورانند در آن ذکر نموده بودیم.

نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۶ سپتامبر)

قلمك ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹: ۱ رمضان ۱۳۲۸]

در تعقیب تلگراف دیروز خودم اینک با کمال توقیر راپورت می‌دهم که دیروز ترجمانهای دو سفارت جوابی را که دولت ایران به مراسله مشترکه مورخه ۲۰ مه داده بود به وزیر امور خارجه زد کردند؛ وزیر معظم اظهار نهایت تعجب نموده زیرا که قسمت اول جواب مزبور را رضایت‌بخش دانسته و به اهمیت آن جلب توجه نمودند. مستر چرچیل و مسیو بارونوفسکی [بازانوسکی] در جواب اظهار داشته بودند که اثر خوش قسمت ازل به واسطه بقیه جواب ضایع و زایل شده است. علاوه به وزیر امور خارجه خاطر نشان کرده بودند که دولتین به کرات و مرات نظر دولت ایران را متوجه و معطوف ساخته بودند که مراسله مزبور جوابی لازم ندارد.

نمره - ۱۶۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد کری (واصله ۶ سپتامبر)

قلمك ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹: ۱ رمضان ۱۳۲۸]

در تعقیب تلگراف ۶ سپتامبر خودم با کمال افتخار اطلاع می‌دهم که قسمت اول جوابی که سفارتین در مقابل مراسله مشترک ۲۰ مه از دولت ایران دریافت کرده‌اند چنین می‌گوید که دولت ایران هرگز به اقداماتی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه خود با دولتین انگلیس و روس بوده باشد رأی و رضایت نخواهد داد.

نظر به اینکه به عقیده من اثر رضایت‌بخش این اظهار به واسطه اینکه در قسمت‌های دیگر جواب که دولت ایران در تحت روپوش بدون شبهه حق آزادی برای خود منظور نموده که با اظهارات و تقاضای ما موافقت ننماید خنثی و لغو می‌شود به این دلیل من آن را تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع نداده بودم ولی اینک نظر به اهمیت مخصوصی که وزیر خارجه در حضور دو ترجمان سفارتین به این قسمت نسبت داده آن را تلگرافاً [= تلگرافی] به استحضار جنابعالی می‌رسانم.

نمره - ۱۶۸

تلفگراف سر جرج بارکلی (واصله ۲۹ سپتامبر)
طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [۶ مهر ۱۲۸۹: ۲۴ رمضان ۱۳۲۸]
با کمال تأسف راپورت می‌دهم که نایب‌السلطنه امروز بعد از ظهر وفات
گسردند.

نمره - ۱۶۹

تلفگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ سپتامبر)
طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱ مهر ۱۲۸۹: ۱۹ رمضان ۱۳۲۸]
ناصرالملک دیروز به مقام نیابت سلطنت انتخاب گردید.

نمره - ۱۷۰

تلفگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۰)
قلمک ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [۲ مهر ۱۲۸۹: ۲۰ رمضان ۱۳۲۸]
وزیرمختار روس اطلاع ذیل را به من می‌دهد:
حکومت اردبیل که ۱۰۰۰ نفر استعداد برای خلع اسلحه شاهسون تعیین نموده
بود در ۵ میلی اردبیل از شاهسون شکست خورده‌اند یک قسمت از استعدادش به
شاهسون ملحق شده و یک قسمت اسیر و دستگیر گردیدند و معدودی با خودحکمران
به اردبیل فرار نموده و تمام اسلحه و قورخانه را به دست یاغیان گذاردند.
وزیرمختار مشارالیه اظهار داشته که اگر به مسلحان قشون روس نمی‌بود
شاهسون یک مرتبه دیگر شهر را غارت می‌کردند و هیچ چیز نمی‌توانست آنها را
منع از جلوگیری نماید.
فعلاً شاهسون مشغول غارت املاک اتباع روس در قراچه‌داغ و سایر نقاط
شمال می‌باشند.

نمره - ۱۷۱

سراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
قلمک ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۳ شهریور ۱۲۸۹: ۳۰ شعبان ۱۳۲۸]
آقا

از تاریخ ۱۸ ماه گذشته که من از مرخصی مراجعت کردم در اوضاع پلتیکی
طهران چیزی که قابل ذکر مخصوص باشد واقع نشده.
وزرای جدید فعلاً از قرار معلوم به اتحاد و اتفاق مشغول کارند. مجلس نیز

مشغول مباحثه استخدام معاونین خارجه است. در ولایات دقت نظر متوجه و مرکوز اقدامات صولت الدوله رئیس قشقای است. مشارالیه چون هفته است که با بعضی از خوانین بختیاری و انجمن ولایتی اصفهان مشغول مذاکرات است و ظاهراً مقصود و منظورش این است که از ابقای خود در مقام ایلخانی‌گری اطمینان حاصل نماید. رفتار او نسبت به دولت جدیداً باعث تشویش و اضطراب شده و چنانچه در تلگراف ۳۱ اوت اطلاع دادم چند روز قبل تلگراف تهدیدآمیزی به دولت فرستاده و در آن اعلام نموده که بنابر احکاماتی که از علماء نجف به او رسیده عمیقاً قریب برای انتقام قتل سید عبدالله به طرف طهران حرکت خواهند نمود. این تهدید این قدر جدی به نظر می‌آمد که سردار اسعد حکم نمود که ۲۰۰۰ بختیاری از چهارمعال به اصفهان رهسپار گردند.

به واسطه اختلافات و نفاق بین بختیاری اوضاع مشکل و پیچیده شده است. در فارس هیچ بهبودی حاصل نشده که راپورت بدهم. راه فیروزآباد بین بوشهر و شیراز مفتوح است ولی راه پستی بین دو نقطه مزبور و همچنین بین شیراز و اصفهان مسدود است. شاهزاده عین الدوله به سمت فرمانفرمایی فارس معین شدند ولی هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند.

بنده... ج. بارکلی

نمره - ۱۷۲

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
 قلمک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸]
 آقا

راجع به تلگراف دیروز من اینک افتخار دارم که ترجمه جواب دولت ایران را که به مراسله مشترک سفارتین مورخه ۲۰ مه در خصوص مسلک و رفتار دولتیین راجع به امتیازاتی که در ایران ممکن است مخالف مصالح و منافع نظامی و پلیتیکی آنها باشد داده‌اند لفا ایفاد می‌دارم.

این مراسله فارسی در صورتی که ابتداءً به ما بطور اعم اطمینان می‌دهد که دولت ایران هیچ اقدامی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه بوده باشد نخواهد نمود و اظهار می‌دارد که فعلاً هیچ خیال اعطای آن قبیل امتیازاتی که در مراسله ما ذکر شده به خارجیها ندارند ولی حسن اثر حادثه از این قسمت و اطمینانات را به واسطه قسمتهای بعد که برای خود با یک پرده‌پوشی ولی بدون شبهه حق آزادی محفوظ و منظور می‌دارند که موافق میل و صلاح خود در این موضوع عمل کنند لغو و ضایع می‌نمایند.

من و همکار روسم صحیح و صلاح دانستیم که آن جواب را به وزیر امور خارجه

رد نساییم زیرا که چنانچه خاطر جنابعالی مستحضر است بارها به ایشان اطلاع دادیم که مراسله مشترك ما را بلاجواب بگذارد و بعلاوه خود مشارالیه به مستر مارلینگت وعده کرده بود که بدون مذاکسر و مباحثه با نمایندگان سفارتین جوابی ندهد.

لہذا هر دو مراسله را که متحدانمال به عنوان دو سفارت دیروز بعدازظهر پس فرستادیم در ترجمان که آن مراسلات را به ضمیمه يك مراسله ای که سواد آن را در جوف می فرستم به حسینقلی خان تسلیم نمودند در همان وقت شفاهاً اظهار داشتند که مراسله مشترك سفارتین مورخه ۷ (۲۰ مه) جوابی لازم نداشت زیرا که آن مراسله فقط حاوی اخطاری بود براینکه از اثر عدم موافقت دولت ایران با تقاضای شروع دولتن که همیشه حسیات خیرخواهانه نسبت به آن دولت می پروراندند نتایج سوء حاصل خواهد شد.

وزیر امور خارجه که از عودت مراسلات تعجب می نمود اظهار داشت که عبارت مراسله کاملاً رضایت بخش است و مخصوصاً به قسمتی که نقل می کند عزم دولت ایران را براینکه هیچ اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات حسنه موجوده بین دولت ایران و دولتن نخواهد نمود و همچنین اینکه فعلاً هیچ خیال دادن این قبیل امتیازات منظوره را به خارجیان ندارند اهمیت گذارد.

ترجمانیهای سفارتین نظر وزیر امور خارجه را معطوف به لفظ «فعلاً» که در مراسله مذکور است نموده و همچنین به آن قسمتی که حکایت می کنند که دولت ایران مجبور است استقلال و حقوق آزادی خود را حفظ و صیانت نماید خاطر وزیر را متوجه نموده و اظهار داشتند که با مقتضیات موجوده این قسمتهای اخیر مراسله ظاهراً سیاق و مفاد مراسله را که ممکن بود رضایت بخش باشد تغییر داده اند.

وزیر امور خارجه مسئله را با يك تفصیلی مباحثه و استدلال می نمودند و نی ترجمانیها پس از آنکه خاطر ایشان را یادآور شدند که سفارتین مکرر به ایشان اصرار و تأکید کرده بودند که هیچ جوابی برای مراسله مشتركه ۷ مه لازم نیست مراسلات را نزد جناب ایشان گذارده بیرون آمدند.

بنده ... ج. بارکلی

ملفوظه ۱ در نمره ۱۷۲

مراسله حسینقلی خان به سر جورج بارکلی

۳ سپتامبر ۱۹۱۰ (مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۲۸) [۱۱ شهریور ۱۳۲۸]

جناب جلالت مآب اجلا در جواب مراسله مورخه دهم جمادی الاول ۱۳۲۸ مطابق ۷ (۲۰) ماه مه مسیحی ۱۹۱۰ که به امضای مستر مارلینگت شارژ دافر دولت فحیمه انگلیس و جناب جلالت مآب اجل وزیر مختار روس رسیده و شامل توضیحات راجع به قسمت اخیر مراسله ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ (۷ آوریل ۱۹۱۰) بوده با کمال توقیر اظهار می دارم که دولت متبوعه دوستار پیوسته مناسبات دوستانه و وداد صمیمانه که

خوشبختانه از قدیم بین دولت ایران و دولت انگلیس موجود بوده محفوظ و مرصوص داشته و آن مناسبات را به منتهی درجه محترم و مفتنم می‌شمارد. و این مسئله واضح است که ما در هیچ موردی به اقداماتی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه مابین بوده باشد رأی و رضایت نخواهیم داد.

اگر چه دولت ایران فعلاً ابدأ خیال ندارند که از آن قبیل امتیازات مذکوره در مراسله فوق‌الذکر به خارجیان بدهند و بلکه ترجیح می‌دهد آنها را برای خود ذخیره نماید مع‌هذا خاطر آن جناب جلالت‌مآب را معطوف به مسئله ذیل می‌نماید: دولت ایران مجبور است که استقلال و حقوق محقق آزادی را که این مملکت داراست حفظ و حراست نماید.

نظر به اظهار و تعهداتی که پیوسته دولت اعلیحضرتی انگلستان منصفانه و عادلانه در خصوص عدم مداخله در امور ایران و رعایت استقلال تامه به مملکت نموده است نهایت اعتماد را داریم که این نظر و مسلک دولت فخیمه همیشه بخوبی مرعی و مشهور بوده و هیچ اظهار و عنوانی که مخالف با این اصل و عقیده باشد نخواهد نمود.

بنده ... حسینقلی

ملفوظه ۲ در نمره ۱۷۲

مراسله مشترک که به حسینقلی‌خان فرستاده شده
چهارم سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۲ شهریور ۱۲۸۹: ۲۹ شعبان ۱۳۲۸]
جناب وزیر

ما امضاکنندگان ذیل وزراء مختار انگلیس و روس افتخار داریم که بر طبق تعلیمات دولّین متبوعتین خودمان مراسلات متحدالمآلی را که در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ به ما نوشته بودید عیناً لفاً عودت دهیم.

بنده جرج بارکلی
پاکلوسکی گزیل [گزل]

نمره ۱۷۳

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)
قلبیک ۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۷ شهریور ۱۲۸۹: ۴ رمضان ۱۳۲۸]
آقا

خلاصه معمولی اتفاقات ایران واقع در چهار هفته گذشته را با کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم.

بنده ... جرج بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۷۳

خلاصه ماهیانه وقایع ایران در چهار هفته گذشته لغایت ۹ سپتامبر ۱۹۱۰
[۱۷ شهریور ۱۲۸۹؛ ۴ رمضان ۱۳۲۸]

تهران

در جلسه یازدهم ماه اوت پیشنهاد هیئت وزراء راجع به استخدام مستخدمین خارجه برای وزارتخانه‌های مختلفه در مجلس قرائت شد پیشنهاد از قرار ذیل بود:

۳	اداره خزانه
۲	اداره مالیات مستقیم
۲	اداره کنترل
۶ نفر	برای وزارت داخله موافق تقسیم ذیل
۱ نفر ایتالیایی	مستشار وزارتخانه مرکزی و ولایات
۲ نفر ایتالیایی	صاحب منصب ژاندارمری
۲ نفر سوئدی	صاحب منصب نظمیه
۲ نفر	برای وزارت عدلیه موافق تقسیم [ذیل]
۱ فرانسوی	مشارر حقوق
۱ نفر مصری	مدیر اداری عدلیه

چنین پیشنهاد گردید که این ۱۵ نفر مستخدمین برای سه سال اجیر و مستخدم شوند. پس از مباحثه مختصری مسئله راجع به کمیسیون گردید.

در تاریخ ۱۶ ماه اوت کمیسیونی که برای تحقیق و رسیدگی محاسبات وکیل‌الرعا یا انتخاب شده بود راپورت خود را که نتیجه آن تحقیقات بود تقدیم مجلس نمود. مفاد راپورت این بود که در محاسبات مزبور باقی معتدایی یافته شده که وکیل‌الرعا یا باید در آن خصوص توضیحات دیگر بدهد. این مسئله از آن تاریخ دیگر مطرح نشده است.

در تاریخ ۱۸ ماه گذشته مراسله‌ای از وزیر مالیه در مجلس قرائت شد و به مجلس برای تصویب پیشنهاد نموده بود که به ستارخان ماهی ۴۰۰ تومان و به باقرخان ۳۰۰ تومان مقررآ داده شود و بعلاوه ۲۰۰۰ تومان نقداً به ستارخان و ۱۵۰۰ تومان به باقرخان دولت اعطاء نماید.

مراسله دیگری از همان وزارتخانه خوانده شد که از مجلس تقاضا نموده بود تصویب نمایند به ورثه آقا سید عبدالله مجتهد مقتول ماهی ۵۰۰ تومان و وظیفه داده شود. هر دو این پیشنهادها راجع به کمیسیون گردیدند.

در جلسات ۲۰ و ۲۳ ماه اوت [۲۸ و ۳۱ امرداد ۱۲۸۹؛ ۱۴ و ۱۷ شعبان ۱۳۲۸] سرانجامه وزراء مطرح مباحثه گردید و بالاخره مجلس به اکثریت

زیادی آن مرامنامه را قبول نمود.

در تاریخ ۲۵ اوت [۲ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱۹ شعبان ۱۳۲۸] کمیسیونسی انتخاب شد که پروگرامی برای مجلس بنویسند. رئیس مجلس اظهار داشت که این پروگرام حاوی فهرستی از مسائل مهمه خواهد بود که برای مباحثه و رأی به ترتیب پیشنهاد مجلس خواهند گردید.

این اقدام نظر به این مسئله کرده شد که وقت زیادی از مجلس صرف مسائل بی‌اهمیت می‌شد. پس از آن تلگرافی از سردار ظفر بختیاری قرائت شد حاکی به این که بر طبق فرمان مجلس مشارالیه اردویی را که برای حمله به صولت‌الدوله تجهیز نموده بود متفرق کرده است.

در تاریخ ۳ سپتامبر [۱۱ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۸] یکی از وکلاء وزیرداخله را در خصوص راپورتهای مشهوره راجع به اقدامات امیر مخم بختیاری و قصد حرکت صولت‌الدوله به طهران استیضاح نمود.

شاهزاده فرمانفرما در جواب منکر صحت راپورتهای مزبوره گردید.

در تاریخ ۶ سپتامبر [۱۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸] کمیسیونسی که مأمور رسیدگی و شور پروگرام راجع به استخدام مستخدمین خارجه شده بود راپورت خود را تقدیم مجلس نمود. کمیسیون مزبور توصیه نموده بود که بعوض به کار بردن فرانسوی برای وزارت مالیه از سوی استخدام نمایند. در ضمن مباحثه شاهزاده ملا یعنی حاج شیخ‌الرئیس پیشنهاد نمود که معاونین مالیه از اهل دول متحده امریکا مستخدم شوند. شاهزاده اسدالله میرزا که از طرف دولت ناطق بود در کمال سختی در استخدام فرانسویها تأکید نمود و اظهار داشت که صلاحیت و مطبوعیت استخدام فرانسوی به دلایلی است که نمی‌تواند علنی اظهار و اقامه نماید ولی مسئله واضح بود که اکثریت بزرگی به استخدام امریکاییها مساعد و موافقاند. مسئله مجدداً راجع به کمیسیون گردید.

شاهزاده اسدالله میرزا در خصوص لفظ مستخدم چنین توضیح داد که علت استعمال این لفظ عوض مستشاران این است که ممکن است لازم بشود که وظایف آن مستخدمین خارجه را محدود و محصور به مشاوره نمایند بلکه به بعضی از آنها اختیارات اجراییه تفویض دارند.

عید مولود شاه

در تاریخ ۲ سپتامبر [۱۰ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۸] مراسم جشن مولود به طریق معمول به عمل آمد. هیئت مأمورین خارجه شرفیاب حضور شاه و نایب‌السلطنه شدند. وزیرمختار دولت اعلیحضرتی موقع را مغتنم شمرده مکتوب اعلیحضرت سلطان انگلیس را که حاکی بر خبر تأسف‌آثر وفات پدر تاجدارشان بود و همچنین اعتبارنامه جدید مأموریت خود را تسلیم و تقدیم اعلیحضرت همایون شاه نمود.

تبریز

تقی‌زاده که از طهران عزیمت نموده در تاریخ ۹ اوت [۱۷ مرداد ۱۲۸۹: ۳ شعبان ۱۳۲۸] وارد تبریز شد.
اوضاع این شهر به حالت عادی است.

مشهد

رکن‌الدوله با اینکه کسی برای نشستن جای ایشان وارد نشده در ۲۳ ژوئیه [۳ تیر: ۱۶ رجب] از مشهد حرکت نمودند.
ایالت خراسان با وجودی که بی حکمران است ساکت و بی‌اغتشاش مانده.
راهپا به استثنای حدود افغان و مجاورت تربت که چندین فقره سرقت در آنجاها واقع شده مأمون بوده‌اند.
در ترتیب اداره ایالت هیچ علامت بهبودی مشهود نیست و بین ادارات جزو اختلافات و نفاق زیاد موجود است.
خبر قتل آقا سید عبدالله تشویش و اضطراب مختصری در اینجا حادث کرد ولی هیچ اتفاق ناگواری نیفتاد.

اصفهان

(۱) در تاریخ ۱۹ اوت سیصد الی چهارصد نفر بختیاری در تحت فرمان اسکندرخان پسر سردار ظفر از اصفهان حرکت کرده و از راه یزد به کرمان می‌روند.
(۲) حکمران کماکان تسلیم و مقهور علماء است و در اداره ولایتی هیچ بهبودی معلوم نیست وضع راهپا ظاهراً خیلی تغییرپذیر است چنانچه گاهی قوافل بدون تعرض و آسیبی عبور می‌نمایند و در مواقع دیگر وقوع سرقتهای فراوان راپورت داده می‌شود. این دزدیها را نسبت به دستجات قشقایی می‌دهند و در بعضی موارد غارت‌زدگان بختیاری هستند.
در طول ماه اوت بین خوانین مختلفه بختیاری و صولت‌الدوله و علمای اصفهان مذاکرات مبادله می‌شد. مطرح مذاکره از قرار معلوم مسئله ایلخانگیری قشقایی است. صولت‌الدوله ایلخانی فعلیه همراهی و معاضدت امیر مفخم و سردار اشجع و علمای اصفهان را برای خود تحصیل و فراهم نموده. از قرار مذکور صولت‌الدوله و علمای مزبور برطبق تعلیمات واصله از سپهدار مرسوله از طهران عمل می‌نمایند.
ضیف‌الدوله را که نیز داوطلب و مدعی ایلخانگیری است سردار ظفر و سایر رؤسای بختیاری که در تحت حکم سردار اسعدند تأیید و حمایت می‌نمایند. مکرر چنین مشهور شد که بین فریقین جنگ واقع شد ولی صحت هیچیک از شهرتها معلوم نگردید.
دولت و رؤسای بختیاری که در طهران اند کوشش نمودند که از وقوع منازعه

و مجادله جلوگیری نمایند. صولت الدوله از نزدیکی قمشه حرکت نموده و به آبادیه رفت.

چنین معلوم است که امیر مفخم و سایر خوانین بختیاری که همراه و مؤید صولت الدوله اند به طهران احضار خواهند شد و سردار محتشم برای حفظ انتظام بختیاری به اصفهان خواهد رفت. بنابر راپورتی که مذکور شد بین جانبین صلح و آشتی واقع شده ولی معلوم شد که راپورت صحیح نبوده.

سلطان آباد

در تاریخ ۲۷ اوت جنگ سختی بین حکمران والوار واقع شده و از قرار مذکور حکمران در موقع و وضع خطرناکی است.

یسزد

مقارن اواخر ژویه در این شهر مشهور گردید که شاه مخلوع و ظل السلطان با ۱۹۰۰۰ جمعیت وارد رشت شده اند. این قبیل شهرتها در اهالی شریر دهات حدود ولایت اثرات خطرناک حادث می نمایند.

سردار جنگ با وجودی که اعلان نموده که زمام حکومت را به دست برادرزاده خویش داده اند هنوز خودشان در یزداند و هیچ علامتی از حرکتشان به کرمان معلوم نیست.

مدیرالدوله که به سمت نمایندگی سردار ظفر به کرمان می رود در تاریخ ۲۶ اوت با ۳۵۰ نفر سوار بختیاری از انار [انارک؟] گذشته. راهبهای اطراف نائین از قرار راپورت ناامنانند ولی سایر راهبهای یزد ظاهراً به وضع معمول و عادی است. نایب حسین در آخر ماه اوت هنوز در انارک بوده. انتظام الملک نیز ملحق به او شده. قشون دولت که معهود است آنها را تعاقب نمایند هنوز در نائین اند.

کرمانشاه

شهر و اطراف خالی از اغتشاش بوده از قرار راپورت نظمیه شهر خیلی طرف نفرت عموم است و مقارن آخر ژویه اهالی نمایش بی نظمی برضد آن اداره نمودند. حکومت به محض اصفای پروژ اغتشاش به شهر آمده و رئیس نظمیه را علناً مورد شتم و بدگویی نمودند. مشارالیه از خدمت استعفاء داد لکن بعدها بنا بر حکم طهران مجدداً مشغول کار خود گردید و حکمران از مشارالیه عذرخواهی نمود. از قرار راپورت داودخان در خصوص دادن مالیات اشکال تراشی می نماید. وضع راهبها بطور عادی است.

همدان

(۱) در ۲۶ ژویه يك نفر از تبعه افغان در این شهر مقتول شد. کفیل قنسوگری

دولت فغیمه متقیم کرمانشاه به حکومت همدان در این موضوع اظهارات نموده قاتل مزبور دستگیر شده ولی هنوز به معرض استنطاق نیامده.

(۲) پس از تشکیل کابینه جدید از طهران حکم تلگرافی به حکومت رسید که اشرار و مفسدین را که سلب آسایش از اهالی می نمایند گرفته و تنبیه و تبعید نمایند. تلگراف مزبور طبع و نشر شد و مردم را تا حدی متوحش و مرعوب نمود. سهرتبهای اضطراب انگیز انقلاب آمیز در افواه است موافق ذیل:

نظر عمرایسی رئیس الوار که به سالارالدوله در طغیان و یاغیگری کمک و معاضدت نمود تا به نزدیکی پروچرد رسیده. شاه مخلوع عن قریب وارد می شود. امیر افخم حکم کرده است که ۲۶ قریه ملکسی خودش را که بین همدان و قزوین اند هر کدام معادل ۱۰۰۰۰ پوند تقریباً (۱۶۶۶) آرد تهیه نمایند که در یکی از قراء بزرگ سردرود جمع و انبار شوند و تصور می رود که این تهیه ها برای يك لشکرکشی است.

کرمان

انجمن ایالتی در اواخر ژویه بنا بر تعلیمات طهران شروع به اجلاس نمودند. علمای محل اهتمام نمودند که از گرفتن بعضی عوارض که جدیداً انجمن ایالتی تصویب نموده جداً مانع شوند جمعی به مباشرین جمع آوری آن عوارض هجوم برده و آنها را از مقر خودشان بیرون کردند لکن نظمیه غایله را خاموش نموده و آنها را مجدداً سر کار خودشان مستقر نمود.

معاون حکومت خیلی طرف بی میلی اهالی است و لکن اخیراً نسبت به قنصل دولت اعلی حضرتی خیلی ادب و تواضع بروز داده و اظهار میل نموده است که تمام دعاوی اتباع انگلیس را تسویه نماید.

به استثنای بلوچستان که معرض اغتشاش و بی نظمی است کلیه ایالت ساکت و آرام بوده است.

در تاریخ ۳۰ اوت [۷ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۶ شعبان ۱۳۲۸] استعداد عظیمی از بلوچهای سرحد و رنگان در تحت ریاست چپیند به قهرج و سایر قراء ورود کرده و در کریم آباد حاکم بم را محاصره کرده اند. از قرار مذکور قوای حکمران ۱۵ نفر از متهاجمین را کشته اند و آنها روز بعد عده زیادی از احشام و دوازده اسیر با خود برداشته و رفته اند و از طرف نرماشیرها دو نفر مقتول شدند.

شیراز

ظفرالسلطنه فرمانفرمای منفصل فارس در تاریخ ۱۷ اوت به طرف طهران حرکت کردند.

قوام الملك به کفالت حکمرانی معین شده اند. نظم کامل در شهر محفوظ است.

قوافل راه فیروزآباد را به بوشهر و راه سرحد را به اصفهان به کار می‌برند. هر دو این راه در دست و اختیار قشقاییها است که نسبت به چارواکارها تعدی می‌کنند.

از طرق پستی شمال و جنوب شهر قشقاییها سلب امنیت می‌نمایند زیرا که می‌خواهند راههای خودشان را به کار بیندازند. عین‌الدوله به فرمانفرمایی ایالت فارس معین شده‌اند و اهالی با يك توجهی منتظر ورودشان هستند ولی هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند.

بنابر اینکه فرمانفرمای سابق یعنی ظفرالسلطنه کاملاً تسلیم صولت‌الدوله شده بودند افکار عمومی وضع را تاریک می‌بیند. صولت‌الدوله فعلاً در آیاده است. عقیده عمومی در شیراز این است که اگر به يك حکمران کافی لایقی اختیارات تامه داده شود به وسیله قوایی که فعلاً در شیراز است و با عاقلانه به کار بزدن، ضعیف‌الدوله می‌تواند اعاده انتظام را به خوبی بنماید. ایلات عمأقرب از بیلاق به محل قشلاق حرکت خواهند نمود و با نبودن يك حاکم قادری مخاطره وقوع اغتشاش زیاد است.

خلیج فارس

بوشهر

در آخر ماه ژویه راه کازرون به شیراز هنوز مسدود بوده ولی راه فیروزآباد مفتوح و مأمون بوده است. راهپورتهای واصله از بندرعباس و لنگه حاکی بر اینند که راههای آن بنادر هنوز مغشوش و بی‌نظم‌اند.

اهواز

در تمام ماه ژویه شوشتر درحالت اغتشاش و منازعه بوده و بازارها بسته بودند سبب اغتشاش معلوم نیست. شیخ خزعل رؤساء و پیشوایان فریقین متخاصمین را احضار نموده و تصمیم خود را اظہار داشت که به این اغتشاشات کثیرالوقوع خاتمه دهد ولو آنکه لازم شود تمام قوای خود را به کار برد. جہازات دیگر سیر و ذهاب و ایاب به شوشتر نمی‌نمایند و راه شوشتر دزفول ناامن بوده.

نمره - ۱۷۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ سپتامبر)
 طهران ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۰ [۵ شهریور ۱۲۸۹: ۲۲ شعبان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف من مورخه ۲۴ سپتامبر - ناصرالملک قبولی مقام نیابت سلطنت
 را به مجلس تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع داده‌اند.

نمره - ۱۷۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)
 قلهک ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [۶ شهریور ۱۲۸۹: ۲۳ شعبان ۱۳۲۸]
 صلاح و مقتضی چنان دانسته بودم که تا به حال اظهارات مشترک راجع به طرق
 جنوبی ایران بعهده تأخیر افتد زیرا که به نظرم موقعی که دولت ایران پوی تحصیل
 نماید برای این عنوانات مناسبتر خواهد بود. و دیگر به دلیل اینکه دولت فرمانفرمای
 قادر قوی برای فارس معین کرده بود نمی‌خواستم آنها را به عسرت و زحمت
 بیندازم ولی چون بی‌نظمی و عدم امنیت راه اصفهان و شیراز بدتر از همیشه است
 فرمانفرمای جدید فارس یعنی شاهزاده عین‌الدوله هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند
 عقیده‌ام این است که اکنون ما می‌توانیم اظهارات خودمان را به طوری که در
 تلگراف جنابعالی ارائه طریق شده بنماییم و سه ماه مهلت معین نماییم که در ظرف
 آن مدت دولت ایران باید امنیت طرق را مجدداً مستقر نماید.

نمره - ۱۷۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ سپتامبر)
 طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۰ [۷ شهریور ۱۲۸۹: ۲۴ شعبان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف من مورخه ۲۵ سپتامبر - وزیرمختار روس به من اطلاع دادند
 که حالیه طوایف شاهسون اطراف مجاور اردبیل را کاملاً در تحت اختیار و قدرت
 خود دارند و از قرار راپورت در نزدیکی تبریز مشغول غارت هستند (به پترزبورغ
 اطلاع داده شد).

نمره - ۱۷۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی
 وزارت خارجه ۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۸ مهر ۱۲۸۹: ۲۶ رمضان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف شما مورخه ۲۹ سپتامبر - من موافقم.

نمره - ۱۷۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اکتبر)

طهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۱ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۸]

با کمال توقیر راپورت می‌دهم که امروز مراسله‌ای خطاب به دولت ایران می‌کنم و اخطار می‌نمایم که اگر در ظرف سه ماه دولت ایران در راه بین بوشهر و اصفهان اعاده و انتظام امنیت را ننماید دولت اعلیحضرتی انگلستان اصرار خواهد نمود که قوه محلی در تحت ریاست صاحب منصبان هندی که حکومت هندوستان امانت بدهد برای حفظ امنیت آن راه تشکیل شود.

مسیو پاکلوسکی اظهارات مرا در کمال جدیت تأیید و تقویت خواهد نمود. در مراسله مزبوره فقط راه بین بوشهر و اصفهان را ذکر کرده‌ام زیرا که واضح است که قوه پیشنهاد شده برای حراست سایر طرق کافی نخواهد بود بعلاوه اگر [این] نقشه بهره‌ور و مفید شد بعدها همیشه ممکن است آن را وسعت داد.

نمره - ۱۷۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اکتبر)

طهران ۱۷ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۴ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۳ شوال ۱۳۲۸]

چند روز است که در کاشان جنگ واقع می‌شود. نایب حسین مؤسس یکی از یاغیگریهای کوچکی که اکنون در جریانند آن شهر را تصرف نموده و قوه زیادی از بختیاریها که از اصفهان آمده‌اند مشغول حمله و مجادله با او هستند. از طرف بختیاری وقوع تلفات متعدد راپورت داده شده.

نمره - ۱۸۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اکتبر)

طهران ۱۹ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۵ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۱۴ اکتبر

در زیر امور خارجه امروز به من اظهار داشتند که برای دولت ایران غیرممکن است که بدون پول اقدامی برای بهبودی طرق جنوبی بنمایند.

من جناب ایشان را یادآور شدم که مستر مارلینگ و خودم بارها به ایشان اشاره کردیم که اگر دولت ایران برای استقراض به دولتین اظهار نماید محتمل خواهد بود که جواب مساعد بشنوند.

نمره - ۱۸۱

مراسله سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اکتبر)
 قلمبهك ۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۱۳ مه ۱۲۸۹: ۲ شوال ۱۳۲۸]

آقا

خلاصه اخبار ماه گذشته که لفا ارسال می‌دارم تصویر بی‌نظمی و اغتشاش
 اوضاع مملکت را بیش از پیش اضطراب‌بخش می‌نماید. صحیح است که اختلاف و
 نزاع بین خوانین بختیاری که در مراسلات سابق اطلاع‌دادم اصلاح شده و صولت‌الدوله
 دیگر شهر اصفهان را تهدید نمی‌نماید ولی فشقاییها در موقعی که به طرف جنوب
 حرکت می‌کرده‌اند خسارت عظیم و خرابی وسیعی وارد آورده‌اند و حتی آنکه از قرار
 راپورت دامنه غارت و تاخت و تاز تا حوالی شهر را فراگرفته و از طرف دیگر حرکت
 ذهابزاده عین‌الدوله فرمانفرمای جدید فارس به طرف مقر مأموریت خود هنوز در عهده
 تعویق است و دولت برای تجمیع استعدادی که باید با معزیه‌الیه بروند نمی‌تواند
 پولی تهیه نماید. راه پستی بین شیراز و اصفهان برای تردد قوافل کاملاً مسدود
 مانده، در راه شمال اصفهان چندین فقره دزدی واقع شده. لرستان بیش از پیش
 معرض اغتشاشات بوده و راپورتهای اخیر حکایت می‌نمایند که حکمران در برجرود
 محصور است. در شمال طوایف شاهسون مجدداً علم طغیان برافراشته و پس از آنکه
 قوای حکومت را که برای مقابله با آنها فرستاده بودند شکست دادند اینک تمام نقاط
 و نواحی اطراف را در تحت قدرت و اختیار دارند. بعلاوه از قرار راپورت همان
 شاهسونها در مسافت ۲۰ میلی تبریز در راه بین تبریز و قزوین مشغول یغما و
 غارت‌اند. حتی اینکه در مجاورت طهران در يلوک دماوند امیرمکرم که از ملاکین
 عمده مازندران است با کمک رشیدالسلطان نامی طغیان و یاغیگری کوچکی فراهم
 کرده‌اند. این جنبش و عصیان شاید بیشتر به سبب تظلمات و شکایات شخصی برضد
 دولت ظاهر گردیده و این قدرها مربوط به مراتب پلتيکی نیست. در هر صورت هر دو
 این اشخاص دارای اتباع و اجزای زیادند و با وجودی که قشون دولت که برای دفع
 آنها فرستاده شده تاحدی مظفریت داشته هنوز در کوهها مامن و سنگرهای محکم دارند
 و ممکن است اسباب زحمت و گرفتاری دولت شوند.

در طهران فقط دو اتفاق مهمی که در ماه گذشته افتاده استعفاي فرمانفرمای
 وزیر داخله بوده و فوت نایب‌السلطنه. علت استعفاي فرمانفرما اختلاف عقیده و
 نظری بوده که راجع به کار صولت‌الدوله بین ایشان و همکارانش حادث شده. حضرت
 والای معزیه‌الیه به ابقای صولت‌الدوله به ریاست قشقایی لاقلاً تا ورود فرمانفرمای
 فارس به شیراز مساعد و معتقد بودند در صورتی که سایر وزراء به انفصال فوری
 صولت‌الدوله رأی داشتند ولیکن این اقدام را با وجود استعفاي فرمانفرما، هنوز
 نکرده‌اند.

به وثوق‌الدوله اصرار زیاد شده است که مقام وزارت داخله را قبول نماید
 ولیکن تا بحال جداً از قبول این خدمت امتناع نموده. تا حدی که من می‌توانم حکم

کنم کتابینه وزراء با اینکه هنوز تقویت و همراهی گرانبهای سردار اسعد و بختیاری را دارا می‌باشند. از تاریخ مکتوب سابق من از وجاهت‌شان در انتظار مردم کاسته شده است. از هر طرف شکایات ضعف و بی‌قدرتی آنها برای اعاده انتظام شنیده می‌شود. ظاهراً بهترین امید مردم در مراجعت ناصرالملک است.

بنده... ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۸۱

خلاصه وقایع ماهیانه ایران در سپتامبر ۱۹۱۰

طهران

شاهزاده فرمانفرما در این ماه به علت اختلاف عقیده‌ای که با سایر وزراء راجع به رفتار با صولت‌الدوله داشته‌اند از مقام وزارت داخله استعفاء نموده است. عقیده ایشان بر این بود که عزل صولت‌الدوله در این هنگام اوضاع وخیم‌تری از حالت حالیه در فارس تولید خواهد نمود در صورتی که سایر اعضای کابینه محالف این عقیده را داشتند. تا به حال قائم‌مقامی برای شاهزاده معزی‌الیه معلوم نشده.

عضدالملک نایب‌السلطنه در تاریخ ۲۲ سپتامبر [۳۰ شهریور ۱۲۹۸: ۱۷ رمضان ۱۳۲۸] مرحوم شد و روز بعد مجلس جلسه خصوصی برای انتخاب جانشین ایشان منعقد نمود. برای ناصرالملک ۴۰ رأی داده شد در صورتی که بقیه آراء برای تعیین مستوفی‌الممالک بودند.

جنازه نایب‌السلطنه مرحوم در تاریخ ۳۰ سپتامبر با رسومات و تجلیلات شایانی حرکت داده شد. هیئت نمایندگان خارجه در لباس رسمی نیز حضور داشتند. اقدامات امیرمکرم و رشیدالسلطان در شمال شرقی طهران تولید تشویش و اضطرابی نموده.

امیر مکرم حاکم موروثی لاریجان است و خانه و علاقه‌اش در رنه [رینه] که در دامنه‌های شرقی دماوند است واقع است. مشارالیه و رشیدالسلطان راجع به بعضی گفتگوها و دعاوی که نسبت به املاک متصرفی آنها در میان بوده به حکم حکومت جلب به عدلیه شده بودند و محاکم آنها را محکوم نموده لهذا آنها به کوهپایه رفته به دوت عاصی شدند. اردوها بر مخالفت آنها فرستاده شد و جنگهای مختصر واقع شده ولی تاکنون هر دو یاغیها آزاداند.

در جلسه ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۸] مجلس یکی از نمایندگان شیراز موسوم به حاجی آقا، سردار اسعد را که به سمت نمایندگی طهران به صندلی خود نشسته بود راجع به وضع و رفتار نسبت به صولت‌الدوله تنقید و حمله سخت نمود. نماینده مزبور به سردار اسعد اصرار و تاکید بلیغ نمود که از مداخله در اموری که مربوط به او نیست اجتناب نماید و اظهار داشت اگر سردار اسعد این مبارزات بی‌حق خود را نسبت به رئیس بی‌آزار قشقایی خاتمه ندهد

ایشان هم کمتر از رشیدالسلطان یاغی نخواهد بود.
سردار اسعد هیچ احساس رنجش و تغییری بروز نداده و در نهایت متانت و آرامی به تنقید و حمله مشارالیه جواب دادند.

تبریز

مقارن اواخر سپتامبر راپورت رسید که اغتشاشات سخت در اردبیل ظهور کرده، ملوایف شاهسون طغیان نموده و استعداد حکومت را شکست داده و چند عراده توپ از آنها گرفته‌اند و مشغول غارت بودند. چنان شهرت کرد که پسر رحیم‌خان که با پدرش تبعید شده بود به قراجه‌داغ مراجعت نموده و تولید اغتشاشات می‌نماید. پست طهران در نزدیکی میانج غارت شده است.

در تاریخ ۲۹ سپتامبر [۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۸] موافق راپورت واصله دسته عمده‌ای از شاهسونها مشغول غارت شبلی در بیست و پنج میلی تبریز بوده‌اند.

مشهد

(۱) وضع ایالت بی‌تغییر مانده است ولی وقوع چندین فقره سرقت راپورت داده شده.

در مجلس حکومت مشغول اقدامات عملی است که دفع دزد معروف محمدعلی نیشابوری را بنماید ولی تاکنون نتیجه نبخشیده. در اوایل سپتامبر قافله‌ای که متعلق به اتباع انگلیس بود در موقعی که از مشهد به طرف افغانستان عزیمت می‌نموده در نیم میلی شهر مشهد غارت شده. کفیل ایالت نظر به اینکه هیچ قوایی ندارد عاجز و بی‌قدرت است.

(۲) تاجرباشی روس که یکی از اتباع متمول و معروف روس است در اواخر ماه اوت به طریق مکتوم عجیبی مفقودالثر شد و تا به حال اثری از آن معلوم نشده.

سیستان

در تاریخ ۲۱ اوت [۸ شهریور؛ ۲۵ شعبان] قافله‌ای از کوه ملک‌سیاه به سیستان می‌رفته در نزدیکی گرده چاه دچار حمله یک‌دسته دزدی که مرکب از ۷ نفر افغان و ۳ نفر بلوچ بوده است شده‌اند. در جزء قافله مزبور هم ۴ بار شتر متعلق به قنسول دولت اعلیحضرتی مأمور سیستان بوده ۴ نفر از اشخاصی که داخل قافله بودند مقتول و تمام اسباب مال‌التجاره به غارت برده شد.

دستجات مأمورین به تعاقب دزدها فرستاده شدند و رد آنها را تا به «میرآباد» معین نموده‌اند ولی تاکنون دستگیر نگردیده‌اند. از قرار راپورت در همان اوان یک دسته از زواری که به مشهد می‌رفتند در تنگه انجیره دوچار حمله سارقین شده و ۱۶ نفر کشته شده‌اند.

در تاریخ ۱۲ سپتامبر راپورتها حاکی بر این بوده‌اند که راهها هنوز ناامن‌اند.

اصفهان

در شهر اصفهان وضع بطور عادی است و در مدت ماه سپتامبر تمام راهها به استثنای راه طهران ظاهراً امن بوده اند و قوافل بدون آسیبی می آمدند. در نیمه آخر سپتامبر در راه طهران سه فقره دزدی واقع شده که در وهله اخیر پستی را که به طهران می رفته در قریب ۳۰ میلی اصفهان زده و غارت کرده اند از قرار مذکور دزدها بختیاری بودند.

نزاع و اختلاف بین رؤسای بختیاری لااقل فعلاً اصلاح شده. سردار اسعد اکثر رؤسای عمده را به طهران احضار نموده که يك قرار اصلاح دائمی داده شود ولی باید دید که رؤسای مذکوره حکم احضار او را اطاعت خواهند نمود یا خیر.

یزد

(۱) سردار جنگ حکمران در تاریخ ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور؛ ۱۳ رمضان] به طرف اصفهان عزیمت نمود و سالار مؤید را به کفالت حکومت گذارد. مشارالیه جوانی است ۲۲ ساله و بعلمت رفتار تند بی ملاحظه اش خیلی مورد نفرت و بی میلی اهالی شده است. در خصوص عهد حکومت سردار جنگ، مذکور است که زمان خوشی بوده که در آن زمان راهها امن و انتظام کامل در شهر موجود بوده است ولی از طرف دیگر طرز استبداد و خودرأئیش در حکومت شدیداً ارتجاعی بوده است. ارتشاء خیلی معمول و تمام ادارات مشروطه که تأسیس شده بودند مجبور به تمکین و مقهوریت نسبت به او بوده اند. وضع راهها بطور عادی بوده مگر راه نائین و اصفهان که از قرار راپورت از امنیتش اطمینان حاصل نبوده و راه یزد و انار [انارک؟] که در اواخر ماه سپتامبر دزدها بسته بودند.

(۲) در اواخر ماه سپتامبر نایب حسین کاشی و انتظام الملک از انارک به اردستان رفته به آن محل و زواره تحمیلات وارد آورده اند. چندین نفر از ساکنین عمده اردستان که از جمله آنها قاضی عمده محل بود گرفتار شده و مورد بد رفتاری اتباع نایب شده اند ولی انتظام الملک به محض ورود قاضی مزبور را مستخلص کرده و مالش را به او رد کرده بعلاوه یکی از متهاجمین مشارالیه را تنبیه سخت نموده و گوش دیگری را بریده است.

معلوم می شود که نایب حسین مایل به تمکین و تسلیم است ولی شرم می کند دولت قلم عفو بر اعمال گذشته او بکشد و پسرش را که در طهران محبوس است آزاد نمایند. مشارالیه به همین مضمون تلگرافی به مجلس ملی نموده و درخواست عفو کرده است اتباع و اردوی او از قرار مذکور پانصد نفر پیاده و سواره بالغ می شود.

پروچرد

از قرار راپورت حکمران حمله‌ای را که سیلاخوری‌ها به شهر برده‌اند جلو گرفته
آنها را عقب نشانده‌اند و همچنین با طایفه مال‌سبزه‌ای جنگی شده است و ظاهراً
ایلات شهر را محاصره نموده‌اند.

کرمانشاه

(۱) نفوذ و اقتدار سابقه حکومت اینک از قرار معلوم کاملاً درهم شکسته قدرت
و سختی فوق‌العاده‌ای که در ماههای اوایل حکومتش بروز و ظهور داد اسباب این
شد که عده زیادی نسبت به او مخالف و دشمن شوند. این دشمنان به ریاست مسای
بزرگ کرمانشاهان با معیت رؤسای مأمورین منظور که ادارات محلی حکمران
مشارالیه اهتمام در محدود نمودن آنها می‌کرد علاوه تحصیلدار عمده مالیات که از
مداخل معمولی‌اش جلوگیری می‌شد اجماعاً بر ضد حکومت به طهران شکایت کردند.
این شکایات که اکثر آنها به کلی بدون حق و مأخذ بوده به قدری وضعیت و مقام
حکومت را تضعیف نموده که در حالت ثبات و استقامتش به تدریج سستی عارض شده
و استعفای خود را داده است ولیکن دولت این استعفاء را نپذیرفته.

(۲) در اوایل سپتامبر ۱۰۰۰۰۰ لیره تخمین شده بود در نزدیکی کنگاور به کلی یغما و غارت کردند و
همچنین یک عده زوار را لغت نموده‌اند. از جمله آنها قریب ده خانواده از هندیهای
انگلیس بوده‌اند که پس از غارت شدن با حالت فلاکت و بیچارگی وارد کرمانشاه
شدند. اگرچه اکثر این دزدیه‌ها خارج از حوزه حکمرانی نظام‌السلطنه واقع شدند
ولی معزای‌الیه استعدادی به محل وقوع سرقت فرستادند. چنین راپورت داده شده که
قسمت عمده دزدیه‌ها را طایفه خزل مرتکب شده‌اند و بقیه را طایفه کاکاوند.
عقیده عمومی این بود که این سرقتها و شرارتها به‌اشاره و تحریک سردار اکرم
که در نزدیکی هرسین اقامت دارد مبادرت شده.

همدان

در اوایل سپتامبر بین عباس‌خان چناری و حکومت با تقویت استعداد کردستانی
جنگی واقع شده عباس‌خان شکست خورده و به طایفه خزل در نزدیکی کنگاور ملجی
گردید.

کرمان

صارم‌الملک پسر ارشد سردار ظفر و مدبرالدوله نایب‌الحکومه سابق یزد در
تاریخ ۵ سپتامبر وارد کرمان شدند. به قنسول دولت اعلیحضرتی اطلاع داده شد که
صارم‌الملک تا ورود پدرش موقتاً حکمران است ولی معلوم نبود که مقام مدبرالدوله
چیست.

راهنمای کرمان ظاهراً مأمون و مصون است ولی طرق بلوچستان تماماً خالی از امنیت‌اند.

در تاریخ ۱۸ سپتامبر نایب‌الحکومه سابق و رئیس نظمیه از خوف تنبیه شدن به دست صارم‌الملک در قنسولخانه دوت اعلیحضرتی متحصن شدند.

شیراز

قوام‌الملک کفیل ایالت در شهر انتظام را محفوظ دارد ولی در سایر نقاط بی‌قدرت و عاجز است.

راه کازرون به بوشهر کماکان مسدود است ولی قوافل از راه فیروزآباد عبور می‌نمایند.

راه بزرگ به اصفهان در معرض تاخت و تاز عرب و قشقایی است که به هیچ چیز ابقاء نمی‌نمایند و پست را مرتباً غارت می‌کنند.

سیمهای تلگراف پیوسته مقطوع و مأمورینی را که برای تعمیر بیرون می‌روند لغت می‌کنند و کتک می‌زنند. یک قافله اخیراً از اصفهان از راه سرحد عبور کرده و وارد شیراز شد.

حاکم داراب و تمام مأمورین آنجا مقام خود را ترک و تخلیه نموده آن محل در دست بهارلو است.

از قرار مذکور بهارلو با شیخ زکریا در صدد ستیزه و جنگ‌اند و قشقاییها در تحت ریاست صولت‌الدوله به طرف جنوب حرکت می‌نمایند و تمام دهات جنوب آباده را غارت نموده و حتی تا حوانی شهر شیراز را تاخت و تاز نمودند.

کفیل حکمران سوارهای عرب را به داخل شهر آورده زیرا که قصد صولت‌الدوله که بیش از ۳۰ میل از شهر دور نیست معلوم نیست.

در وضع قشون شیراز بهبودی حاصل شده است چنانچه لباس آنها بهتر شده حقوقشان مرتب می‌رسد و گاهی مشق هم می‌کنند.

عین‌الدوله هنوز از طبران حرکت نکرده که زمام امور ایالت فارس را به کف کفایت بگیرد ولی قرار است که عملاً قریب حرکت کند.

خلیج فارس

بوشهر

دریابییگی با یک استعداد ۳۰۰ نفره و ۲ مراده توپ در تاریخ ۹ اوت از بوشهر حرکت نموده و در اواخر ماه اوت هنوز مشغول عملیات و اقدامات جنگی بر ضد «زائر خدر» شیخ اهرم بوده است ولی هیچ نتیجه قطعی گرفته نشده لکن دریابییگی چنین شهرت داد که مقصود عمده‌اش از این اقدامات تأسیس گمرکخانه در بندر دلوار بوده که به این وسیله از قاچاق امتدای که به تشویق و تقویت رئیس‌علی تنگستانی

سرکرده دلاوار کرده می شود جلوگیری نماید.

اهواز

شیخ خزعل استعدادی مرکب از ۵۰۰۰ نفر در اوایل ماه اوت در بند قیر جمع آوری نموده و خودش به آنجا رفته که رؤسای دستجات مخالف شوشتر را ملاقات نماید. نتیجه ملاقات این شد که يك نفر نماینده از طرف شیخ به شوشتر آمده و بر این اصلاح موفق گردید که فریقین مخالفین اسلحه خود را زمین گذاشته و قلاع و سنگرهای خود را خراب نمایند و در تاریخ ۱۳ ماه اوت بازارها مجدداً باز شدند. شیخ خزعل به محرمه مراجعت نمود ولی دو نفر از رؤسای شوشتر را که با خود آورد بود به ناصری فرستاد.

در اواخر ماه اوت مجدداً راپورت داده شد که اغتشاشات جدید در شوشتر بروز نموده.

ماژر استکس آتاشه نظامی

نمره - ۱۸۲

تلگراف سر چرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اکتبر)

طهران ۲۵ اکتبر ۱۹۱۰ [۲ آبان ۱۲۸۹: ۲۱ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۱۹ اکتبر - مراسله دولت ایران به من رسید. تلگراف مورخه ۲۲ اکتبر روتر از طهران خلاصه خوبی است از آن مراسله خواهشمند رجوع فرمایید.

پس از مشورت با وزیر مختار روس چنین پیشنهاد می کنم که در صورت تصویب جنابعالی در جواب به دولت ایران خاطرنشان نمایم که آنچه در مراسله راجع به حضور قشون خارجی در ایران و سوء استعمال بست و تحصن در سفارتخانه های خارجه (روس و عثمانی) نوشته شده است ربطی به موضوع مطرح ما یعنی به مسئله غارتگریهای ایلات در طرق جنوبی ندارد.

و اما در مسئله ترقی عایدات گمرک موافق استاتیستیک این ترقی در موضوع عایدات شمالی بیشتر از جنوبی صدق می نماید و اگرچه صحیح است که در پنج ماه گذشته در گمرکات جنوبی نسبت به عایدات پنج ماه سال سابق يك تجدید حیاتی مشاهده می شود (در عایدات گمرکات محرمه حقیقتاً ترقی زیادی حاصل شده) ولی این مسئله را نباید فراموش کرد که در ماههای اوایل سال گذشته بوشهر دچار اغتشاشات تنگستانیها بوده است.

به هر حال يك مسئله را نمی توان انکار کرد که در راه بزرگ جنوب به علت اغتشاشات به کلی عبور و تردد مسدود است و تا هنگامی که این وضع باقی است در تجارت رواج و حیات جدید ما دوامی حاصل نخواهد شد.

این مسئله را نیز به دولت ایران توضیح خواهم کرد که ما اجازه افزایش به کمرکات واردات جنوبی نمی‌توانیم بدهیم مگر اینکه عایدات از این مجری به مصرف بازکردن و تأمین راههای جنوبی رسانده شود. و لکن هیچ اعتمادی نمی‌توانیم داشته باشیم که عایدات مزبور بطور صحت به مصرف برسد.

و دیگر در مراسله ذکر خواهیم کرد که هر قدر که دولت اعلیحضرتی انگلستان از مجبور شدن به اجرای نقشه منظوره که مستلزم اقل مداخله در امور داخلی ایران خواهد بود اکراه داشته باشد، مصمم است که در صورت عدم استقرار نظم در مهلت معیود آن نقشه را به موقع اجراء گذارد.

به همچنین در جواب متذکر خواهم شد که اگر دولت ایران از يك کمپانی معتبر انگلیسی معامله و قرض می‌نماید به شرط آنکه ناقض و مخالف با شرایط و مواد مندرجه در مراسله مشترك ۷ آوریل نبوده باشد دولت اعلیحضرتی انگلستان آن معامله را به نظر عدم مساعدت ملاحظه نخواهد نمود.

نمره - ۱۸۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اکتبر)

طهران ۲۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۳ مهر ۱۲۸۹: ۲۱ رمضان ۱۳۲۸]

کفیل قنصلگری تبریز خبر می‌دهد که پسر رحیم‌خان در قراچه‌داغ مشغول تولید اغتشاشات سخت است و با يك استعداد مرکب از ۱۵۰۰ نفر در خارج اهر به اردوی دولت یورش برده است.

نمره - ۱۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۳ مهر ۱۲۸۹: ۲۱ رمضان ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف شما مورخه ۲۵ اکتبر. من جواب شما را تصویب می‌کنم.

نمره - ۱۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اکتبر)

از طهران ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ [۴ مهر ۱۲۸۹: ۲۲ رمضان ۱۳۲۸]

قشون دولت پسر رحیم‌خان را شکست دادند.

نمره - ۱۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اکتبر)
 طهران ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ [۴ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۸]
 راجع به تلگراف من مورخه ۱۷ اکتبر. در کاشان هنوز جنگ در کار است و
 پشتیباریان تاکنون نتوانستند سنگرهای نایب حسین را بگیرند.

نمره - ۱۸۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اکتبر)
 طهران ۲۹ اکتبر ۱۹۱۰ [۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۸]
 مدتی می‌گذرد که راه پستی بین بوشهر و شیراز برای تردد تجارت به کلی
 مسدود بوده و لی در این ایام در يك حالت اغتشاش و بی‌نظمی است که نظیر و سابقه
 آن دیده نشده.

امروز اطلاع حاصل نمودم که خطوط تلگراف اداره هند و اروپا را طوایف
 قشقایی در نزدیکی دشت ارژن بفاصله زیادی خراب نمودند، کلیه مقره‌ها را شکسته
 و سیمها را بریده و يك قسمت از سیم را برده‌اند. فعلا خط به کلی مقطوع است و
 يك نفر صاحب‌منصب اداره در کوشش است که رابطه و مخایره را اعاده نماید و لی
 به واسطه اغتشاش و هرج و مرجی که اکنون موجود است رئیس کل مشغول معاودت
 دادن او است و مجبوراً قدغن نموده که هیچ صاحب‌منصبی برای انجام ماموریت راجع
 به قطع سیم بیرون نرود.

نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر)
 طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [۷ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۸]
 تغییرات ذیل در کابینه حادث شده است:
 عین‌الدوله وزیر داخله
 فرمانفرما وزیر جنگ
 صنیع‌الدوله وزیر مالیه
 محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه
 حسینی‌خان کماکان به وزارت خارجه باقی است.

نمره - ۱۸۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر)

طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [۷ مهر ۱۲۸۹: ۲۵ رمضان ۱۳۲۸]

ژنرال قنصل دولت اعلیحضرتی از بوشهر تلگراف ذیل را می‌نماید:

«مبادرت کرده اهمیت و وخامت فوق‌العاده اوضاع کنونی جنوب ایران را تأکیداً خاطر نشان می‌نمایم و با کمال احترام خلاصه آن اوضاع را ذیلاً تقدیم می‌دارم: دولت کلیتاً از اعمال قدرت و حکمرانی در کلیه بلوچستان منصرف شده است. در هفته گذشته در چاه‌بهار انتظار داشتند که طوایف دشتیاری حمله و تاخت و تاز عظیمی به آن نقطه نمایند ولی حضور يك دسته قشون انگلیس باعث انصراف و انحراف متهاجمین گردید.

از قرار راپورت در هفته گذشته به قریه ملکی میر بیابان که با ما معاضدت و همدستی می‌کرد هجوم برده‌اند و خود میر به قتل رسیده است. برای تحقیق صحت این خبر من قاصد مخصوص فرستاده‌ام.

اولیاء امور ایران برای توقیف کردن میر برکت که در ماه اوت گذشته فرار نموده اهتمامی نکردند.

با کمال افتخار جنابعالی را به تلگراف ۱۱ اکتبر خودم راجع به اوضاع بندر عباس مراجعه می‌دهم. در اوایل ماه يك دسته دزدی که مرکب از ۵۰۰ نفر چنگو بوده از طرف لارستان به آن نواحی نزول کرده و چندین قافله و قریه را صدمات و خسارات زده و تا قریب قنصلخانه قدیم ما و محل قرنتین نزدیک شده‌اند.

از طرف مأمورین محلی هیچ مخالفت و مقاومتی در مقابل آنها نشد، کسی در تعاقب آنها نرفت و از غارت هیچ استرداد نشد. مال‌التجاره انگلیس معادل يك لك روپیه در جزو اموال مسروقه است.

راجع به بوشهر و مجاورت آن نظر به اینکه وضع به اندازه‌ای که مستلزم تصدیق و مزاحمت جنابعالی بوده باشد سخت اضطراب‌آور نبوده تلگرافی نکردم ولی تنگستانها راحت نمی‌نشینند. بنابر دلایل صحیح و اطلاعات بی‌شبهه که در چند روز گذشته به من رسیده است صولت‌الدوله مشغول اهتمام و متقاعد کردن بعضی از رؤسای آنها است که در طرف او در حکومت بوشهر مداخله نمایند.

کفیل قنصلگری شیراز خبر می‌دهد که رئیس قشقایی مشغول تحریک اغتشاشات در شهر و اطراف است.

انتظار می‌رود که بلوچیه در ایالت کرمان به نرمایش هجوم ببرند. چنانچه قبلاً راپورت دادم پست بین بوشهر و طهران را اداره پست از راه بغداد و اهواز مقرر داشته.

چنانچه مستحضریک مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا در سمت جنوب اگر اصلاً بتوانند برای تعمیر بیرون بروند با مخاطرات زیاد این تکلیف را انجام می‌دهند، حقیقتاً غیر ممکن است که بدون تشویش و اضطراب خاطر چنان تصور نمود که

سه ماه دیگر يك چنین هرج و مرج کاملی باقی باشد و در هر صورت به عقیده من قوه‌ای که برای حفظ و ساخلو راه بین بوشهر و اصفهان معین شده یعنی ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر دیگر برای این خدمت کفایت نخواهند نمود ولیکن این مسئله محقق است که اشکال و مخارج هر اقداسی که ما به عهده می‌گیریم بر نسبت مدتی که می‌گذرد و تاخیری که می‌شود افزوده خواهد شد.

تنقید و عقیده خود را راجع به راپورت فوق تا فردا به عهده تعویق می‌اندازم.

نمره - ۱۹۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر)

طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [۷ مهر ۱۲۸۹: ۲۵ رمضان ۱۳۲۸]

اطلاعاتی از کفیل قنصلگری دولت اعلیحضرتی از شیراز به من رسیده حاکی بر اینکه شورش عظیمی امروز در شهر بروز کرده که قشون دولت و استعداد قشایی در آن شرکت داشته‌اند.

از قرار راپورت مستر اسمارت این اغتشاش به اشاره صولت‌الدوله بوده و قشایبها شهر شیراز را محاصره نموده و داخل شهر می‌شوند. عمارت حکومتی را شورشیان احاطه کرده و همچنین محله یهودیان شهر را غارت کرده‌اند.

مراسله‌ای به دولت ایران در این موضوع نوشته و دولت را مسئول هر خسارتی که به جان و مال اتباع انگلیس وارد شود نموده‌ام.

نمره - ۱۹۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اکتبر)

طهران ۳۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۸ آبان ۱۲۸۹: ۲۷ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر رئیس‌الوزراء و وزیر تلگراف در مقام و وزارت خود باقی‌اند.

نمره - ۱۹۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اکتبر)

طهران ۳۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۸ آبان ۱۲۸۹: ۲۷ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر اینک مبادرت کرده توضیح می‌نمایم اغتشاشاتی که نایب‌سرمهنگ ککس [کاکس؟] راپورت داده است اگر بطور کلی ملاحظه شوند حقیقتاً دلالت به وجود يك وضع خیلی وخیمی در جنوب ایران می‌نمایند. ولی اگر جدا جدا ملاحظه شوند اختلافی بین آنها و اغتشاشات ماههای گذشته واقع در

جنوب نیست مگر در شدت و ضعف اغتشاش بجز اینکه اغتشاشات انعکاس سوئی در وضع طرق می‌نمایند و اتباع انگلیس را گاهی به معرض مخاطرات می‌اندازند. دیگر به عقیده من مستقیماً به منافع انگلیس اثری نمی‌کند تجربیات گذشته معلوم نمود که از غارتگریها و تاخت و تاز سارقین به اتباع انگلیس خطر چندانی وارد نیست. کشتی‌های دولت اعلیحضرتی برای حفظ و حمایت اکثر آنها نزدیک و حاضرند.

بعلاوه این مسئله که راههای تجارتی مسدوداند چیز تازه‌ای نیست و اگرچه آتیه ممکن است به ما ارائه و معلوم نماید که این نقشه ما راجع به امنیه راه غیر کافی است ولی به عقیده من به هر صورت شایسته امتحان است که قبل از آنکه برای استقرار نظم در جنوب ایران توسل به مداخله بجویم این نقشه را در راه بوشهر و اصفهان بموقع اجراء گذاریم زیرا که آن مداخله و استقرار انتظام در کلیه جنوب مستلزم اعزام اردوی عظیم و مخارج گزاف بوده بعلاوه منتج نتایجی می‌شود که دامنه احتمالات مالی آن خیلی وسیع خواهد بود.

ضعف دولت از اثر فقدان سرمایه است چنانچه مدتی می‌گذرد که ایالت فارس بی‌فرمانفرما است زیرا که دولت وجه لازم را ندارد که تهیات و تجهیزات حکمران تعیین شده را درست فراهم نموده و او را روانه مرکز مأموریت نمایند. عقیده من بر این است که ما باید قبل از توسل به مداخله عظیمی که تجربه پرخطری است لااقل ملاحظه و امتحان نماییم که دولت ایران با داشتن سرمایه چه خواهد کرد. لهذا امید است که بزودی کمک و مساعدت مالی به دولت ایران بشود.

نمره - ۱۹۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱ نوامبر)

طهران ۱ نوامبر ۱۹۱۰ [۹ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۲۷ اکتبر

نایب حسین و اتباعش شبانه از کاشان فرار نموده‌اند و بختیاریها در تعاقب آنها هستند.

نمره - ۱۹۴

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ نوامبر)

طهران ۱۵ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۲ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۱ شوال ۱۳۲۸]

آقا

راجع به تلگراف دیروز من اینک با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که دیروز در خصوص بی‌نظمی طرق جنوبی به دولت ایران نوشته‌ام لفا ایفاد می‌دارم. بنده... جرج بارکلی

ملفوظه در نمره ۱۹۴

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران
تهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۱ مهر ۱۲۸۹: ۱۰ شوال ۱۳۲۸]

جناب وزیر

مکرر نظر دولت ایران را به عدم امنیت ناگوار طرق جنوبی مملکت معطل و ساختن. بدبختانه اظهارات من نتیجه نبخشیده هیچ بهبودی که حاصل نشده سهل است. وضع این طرق امروز بدتر از هر موقعی است که از ابتدای مأموریت خود به ایران مشاهده کرده‌ام. سرقتها و شرارتها بیش از پیش واقع می‌شوند و طرق عمده که مجری و مسیر تجارت انگلیس به داخل مملکت بودند در این ایام به واسطه تهاجمات و تاخت و تاز طوایفی که ظاهراً بکلی از دایره اقتدار و اختیار دولت مرکزی بیرون اند کاملاً مسدود شده‌اند.

فعلاً مذاکره و دعاوی عدیده راجع به حملات به اتباع انگلیس و سرقتها امتعه متعلق به آنها را که به توسط این سفارتخانه و قنصلخانه‌های دولت اعلیحضرتی انگلستان به دولت علیه ایران و مأمورین محلی ولایات اظهار شده به عهده تعویق می‌اندازم و تسویه و تأدیه آنها در موقع خود مطالبه خواهد گردید ولی اکنون اظهار من اصلاً و اساساً مربوط به اقداماتی است که باید برای علاج اوضاع ناگواری که بالاخره در نظر دولت اعلیحضرتی انگلستان تحمل‌ناپذیر شده کرده شود.

از طرف وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی به من چنین تعلیمات رسیده که به جنابعالی اطلاع دهم که اگر تا انقضای سه ماه از این تاریخ در راههای بین بوشهر و شیراز و بین شیراز و اصفهان که مخصوصاً محل وقوع تهاجمات و تظاولات عظیمه و خیمه بوده‌اند اعاده امنیت و انتظام نشود دولت اعلیحضرتی خود کرها و عنفاً اقدام به عملیاتی که برای تأمین صحیح و حراست این طرق لازم است خواهد نمود.

خاطر محترم را نیز استحضار دهم که در صورت عدم موفقیت دولت ایران بر اعاده نظم در مدت و مهلت معهود اقداماتی که اجرای آن را دولت اعلیحضرتی در اولین مرحله در نظر دارد این است که قوه امنیه‌ای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک عده از صاحب‌منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ راههای منظوره در محل تشکیل و تنظیم شوند. یک قسمت از وجه مخارج این قسوه به این حاصل خواهد شد که به حقوق گمرکی کلیه واردات بنادر جنوبی صد دهی افزوده شده و جمع‌آوری شود یک قسمت دیگر از آن مالیات ایالت فارس داده خواهد شد به این معنی که قسمت کافی از آن مالیات را بعلاوه عایدات صد ده اضافی گمرک فوق‌الذکر باید به فرمانده کل این قوه امنیه بپردازند. امید و اعتماد دارم که این مسئله مورد جدی‌ترین توجه کابینه ایران خواهد شد.

در همین موقع که به دولت ایران نتیجه مداومت این وضع الم‌انگیز کنونی طرق

جنوبی را اخطار می‌نمایم وقترا مفتنم شمرده و احترامات فائقه خود را تقدیم می‌دارم.
بنده... ج. بازکلی

نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ نوامبر)
طهران ۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر - قنصل دولتی فخمه از شیراز خبر
می‌دهد که وضع شهر هنوز مورث اضطراب و تشویش خاطر است.

نمره - ۱۹۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بازکلی
وزارت خارجه ۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف شما مورخه ۳۰ اکتبر - کمیته اتحاد اسرائیلی از دولت
اعلیحضرتی تمنا نموده که وسیله اعاده انتظام را در شیراز تأیید و فراهم نمایند.
به همچنین مجمع اتحاد اسرائیلی به دولت فرانسه اصرار نموده و واداشته است که
به وزیر مختار فرانسه در طهران به همان مفاد تعلیمات فرستند. شما با وزیر
مشارایه همراهی کنید و هر اقدامی که ممکن است در این موضوع بنمایند.

نمره - ۱۹۷

تلگراف سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ نوامبر)
طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
قنصل روس مأمور کرمان در موقعی که از کرمان به طهران مسافرت می‌کرده
مابین کبوترخان و رفسنجان خود و زنش و دو بچه‌اش با چهار قزاق روس به دست
سارقین گرفتار گردیدند.

نمره - ۱۹۸

تلگراف سر جرج بازکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ نوامبر)
طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
راجع به تلگراف امروز من - قنصل روس و همراهانش موافق راپورت حالیه به
سلامت به رفسنجان وارد شده‌اند.

نمره - ۱۹۹

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ نوامبر)

طهران ۲۹ اکتبر ۱۹۱۰ [۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۸]

آقا

راجع به تلگراف من مورخه ۲۵ شهر حال و مراسله مورخه ۱۵ اکتبر اینک با کمال توقیر ترجمه انگلیسی مراسله دولت ایران را که در جواب مراسله ۱۴ اکتبر ما راجع به استقرار و اعاده انتظام در راههای جنوبی نوشته‌اند لفا تقدیم می‌دارم. بنده... ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۱۹۹

مراسله حسینقلی‌خان به سر جرج بارکلی

طهران ۲۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۸ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۸]

جناب جلالت‌مآب اجلا از مفاد مراسله جنابعالی مورخه ۱۰ شوال ۱۳۲۸ مطابق ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۱ مهر ۱۲۸۹] راجع به طرق جنوبی استحضار حاصل شد. اینک با کمال توقیر جواباً زحمت افزاست چنانکه دولت متبوعه آن جناب جلالت‌مآب بخوبی مستحضر و مسبوق بوده و تصدیق خواهند فرمود پس از زوال اغتشاشات سابقه در سال گذشته در موقعی که دولت جدید ایران زمام حکومت را در دست گرفته‌اند مملکت در چه وضع ناگوار الم‌انگیزی بوده چه که تمام امور و ادارات دولت خاصه اداره مالیه در یک بی‌ترتیبی و اغتشاش کاملی بوده و اساس امنیت و آسایش عمومی بکلی درهم و متزلزل بوده است.

با وجودی که دولت جدید هر روزه با موانع و اشکالاتی عظیم (از قبیل اقامت دستجات قشون خارجه در مملکت که باعث تزلزل و ملالت عمومی بوده و برای تحریکات و دسیسه‌کاری اشخاصی که از اوضاع مغشوشه سابقه منتفع می‌شدند تشبث و بهانه‌ای است و همچنین بروز اتفاقات دیگر مثل وقایع قراجه‌داغ و اردبیل و زنجان و ورامین و غیره که دائماً قوای دولت را در چندین نقطه مشغول داشتند) تصادف می‌نمایند مع‌ذلك از آن تاریخ تاکنون امورات مملکت از خیلی جهات بهتر شده و می‌شود ولی بدبختانه در بعضی نقاط دسیسه‌کاری اشخاصی که برای منافع شخصی خود می‌خواهند مملکت در اغتشاش دوره سابق باقی ماند بطوری که ذیلاً شرح داده می‌شود هنوز در کار بوده و بکلی متروک و موقوف نشده است.

مثلاً بعضی اشخاص پس از تحقق تقصیرشان در افساد و دسیسه‌کاری در سفارتخانه‌های مختلفه تحصن اختیار نموده و از این حمایت مبذوله سوء استفاده کرده و خود را از نفی و تبعید که عادتاً درمورد این قسم متحصنین معمول می‌دارند معاف دانسته و در داخل و خارج سفارتخانه مشغول اسباب‌چینی و دسیسه‌کاری‌اند و جمعی دیگر به قواعد و وسایلی که در نامشروع بودن اکثر آن وسایل شبهه و خلاقی نیست

مثل اشخاص تحت حمایت که خود را مصون و معاف از هر تعرض دانسته از هیچ افساد و تحریکی خودداری و مضایقه نمی نمایند و به همین طریق يك قسمت دیگر که در ظاهر اتباع ایران به شمار می آیند ولی در حقیقت متکی به ملیت و تبعیت خارجه هستند با يك جسارت و اطمینان کاملی مرتکب تقصیرات و جنایات می شوند و پس از آن خود را به عنوان تبعیت خارجه معرفی کرده از حکومت و سیاست دولت می گیرزند. به همین نحو اشخاصی که بدون شبهه اتباع ایرانند ولی به وسایل غیر قانونی مدعی تبعیت خارجه اند مرتکب انواع مختلفه خلاف کاریها و افساد می شوند. این مسائل که باعث نهایت تصدیع و مزاحمت دولت است و تولید اغتشاشات در مملکت می نمایند به ضمیمه اقامت طولانی دستجات قشون خارجه باعث تجری و تشویق بعضی اشخاص شده که به امیدهای بی اساس مستظهر گردیده و خیالات فاسد نمایند که اوضاع و اداره سابق عودت خواهند نمود.

علاوه بر اینکه از اثر این مسائل وقت و دقت دولت فوق العاده مصروف و متوجه ملاحظات و لوازم امور داخلی مملکت بوده این مسئله طبیعتاً اسباب تأسف و تأثر است چه که دوام و بقای این وضع امور ممکن است که سکت و خسارتی به تجارت بین اتباع انگلیس و ایران در ولایات جنوبی وارد آورد.

عقیده دولت ایران بر آن است که عمده سبب این اوضاع ناگوار علاوه بر دلایل فوق الذکر تأثیر سوئی است که اقامت دستجات قشون خارجه در مملکت حادث کرده و دیگر اشکالات و مضایقه [= مضیقه] مالی دولت است که از عدم ترتیب و مراقبت اداره سابقه نتیجه شده است.

اگر این تأثیرات سوء ناگوار و اشکالات مالی نبودند قوایی که فعلاً در خدمت دولت اند برای حفظ انتظام کافی می بود. در آن صورت تأمین طرق جنوبی مورد اشکالی نمی بود ولی چنانچه در فوق ذکر شد به واسطه اشکالات مالی است که دولت نتوانسته به مقصود اصلی خود که تکمیل امنیت است موفق و نایل گردد.

چنانچه در مراسله جوابیه وزارت خارجه مورخه ۲۶ ربیع الاول مطابق ۷ آوریل ۱۹۱۰ [۱۷ فروردین ۱۲۸۹] به اطلاع آن جناب جلالت مآب رسانیده شد کابینه جدید به محض تشکیل شدن در مرامنامه خود که تقدیم به مجلس نموده اند این مسئله را قید کرده اند که يك قسمت از مساعده و استقراض که تحصیل آنها را در نظر داشته به مصرف تکمیل امنیت طرق برسانند لهذا وزیر مالیه و وزیر خارجه آن روز با جنابعالی راجع به يك مساعده و استقراضی داخل مذاکره شده اند. مراسله جنابعالی مورخه ۵ صفر ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [۲۷ بهمن ۱۲۸۸] که در جواب اهتمامات و تقاضای دولت ایران ارسال شده بود مشتمل بر شرایطی بود که دولت متبوعه آن جناب برای دادن مختصر مساعده پیشنهاد کرده بود. آنچنان شرایطی که قبولی آنها مخالف با استقلال مملکت که حفظ آن از وظایف اولیه هر دولتی است می بود.

نظری به این ملاحظات دولت ایران برای تحصیل پول درصدد وسایل دیگر برآمده

در این اثناء مراسله آن جناب جلالت‌مآب مورخه ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸] راجع به سندیکای بین‌المللی اسباب مذاکرات و مبادلات مراسلاتی گردید که در تحصیل وجه لازم برای تکمیل امنیت راهها تأخیر حاصل شده و در همان ضمن علاوه بر آنکه آن مذاکرات و مبادله مراسلات فوق‌الذکر باعث اشتغال خاطر دولت ایران گردید خیالاتی در مردم تولید نمود که نتیجه آن به مرور زمان منتهی به ارضاعی گردید که در مراسله جدید آن جناب جلالت‌مآب ذکر و اشاره شده است.

با وجود این مراتب یقین دارم که خاطر نصفت مظاهر آن جناب تصدیق خواهد نمود که اگر دولت جدید از ابتدای امر برای تحصیل وجه با چنین اشکالات مواجه نمی‌شد حفظ انتظام و امنیت کامل برای این دولت خیلی سهل‌تر از حالیه می‌بود. با این احوال دولت ایران هیچ‌آنی از این مقصود و منظور منحرف و منحرف نشده و برای نیل به آن وسایل ذیل را به‌جهت تهیه وجه در تحت ملاحظه دارند:

اولاً مشغول مذاکره با يك شركتی هستند که قروض مستقبلة خود را به بانک شاهنشاهی تبدیل به قرض دیگر با منافع کمتر بنمایند و دولت ایران را عقیده بر آن است که به این وسیله مبلغی به دست خواهد آورد که بتواند به تحریکات و افساد کاملاً خاتمه دهد.

وثیقه و ضمانتی که دولت ایران برای این قرض به نظر دارند همان وثیقه‌ای است که برای قروض خود به بانک شاهنشاهی می‌دادند به این معنی که از عایدات گمرکات جنوبی خواهد بود. بدین ترتیب به محل تأمینات سایر قروض ایران به‌هیچ‌وجه تحمیلی وارد نمی‌شود.

نظر به اشتیاق و اضطرابی که دولت ایران در خصوص استقرار امنیت عاجل در شاهراههای تجارتی دارد خیلی به موقع و مناسب می‌دانند که قسمت عمده مخارجی که برای تکمیل امنیت طرق لازم است از پولی که به وسیله این معامله حاصل می‌شود تهیه شود و به دولت فخیمة انگلیس اطمینان می‌دهد که این اقدام و معامله مایه اثر نامناسبی نسبت به قرض هند (۱۹۰۴) نخواهد نمود.

با این ترتیبات دولت ایران اعتماد و اطمینان کامل دارد که دولت اعلیحضرتی انگلستان نظر به میل و اشتیاقشان به توسعه تجارت با این معامله که دولت ایران برای آن مقصود در نظر گرفته مساعده خواهد بود.

به همچنین لازم می‌دانم که نظر جنابعالی را معطوف به این مسئله نمایم که چون دولت ایران هر ساله نمی‌تواند تهیه لوازم خود را به وسیله قروض متوانیه نمایند، لهذا باید برای رفع هر احتیاجی منبع عایدات مخصوص تهیه و معین شود و بهترین منبع عایدی که حالیه در تحت مقتضیات فعلیه ایران می‌شود حاصل کرد که لااقل يك قسمت از سرمایه‌ای که برای تأسیس ژاندارمری لازم است فراهم نماید همان ارائه طریق و اشاره‌ای است که در مراسله اخیر جنابعالی راجع به افزایش

صد ده به عایدات گمرکی مذکور و مندرج شده ولی چون پیشنهاد مندرجه در مراسله فوق‌الذکر مخالف با استقلال محقق مملکت و منافعی با روابط دوستانه و ودادی که تاکنون بین دولتین موجود بوده می‌باشد دولت ایران هرگز و در هیچ صورتی نمی‌تواند به آن پیشنهاد رضایت و موافقت دهد لیکن نظر به اینکه از طرف دیگر دولت ایران اهمیت مخصوص به تشویش و نگرانی دولت اعلیحضرتی انگلستان در خصوص شاهراههای تجارتی می‌دهد و بنا بر اینکه دولت ایران حفظ استقلال خویش را با رفع نگرانی دولت اعلیحضرتی توأم می‌داند لهذا چنین صلاح و صواب می‌پندارد که این اضافه صد ده را دولت ایران خود از گمرکات جمع‌آوری نموده و به مصرف تکمیل امنیت لازم برساند.

بناء علی‌هذا دولت علیه ایران به‌توسط جنابعالی از دولت اعلیحضرتی انگلستان تسنی می‌نماید که برای اجرای این منظور و نیل به این مقصود تقویت و مساعدت خود را مبذول دارند و نظر به اینکه این تمنای دولت ایران برای توسعه تجارت کرده شده و انجام آن برای حفظ همان امنیتی که جنابعالی ذکر کرده‌اید لازم است لهذا در پذیرفتن این تمنی باید عجله شود.

قبل از اختتام مراسله برای ثبوت این مسئله که به تجارت نکث و خسارتی وارد نشده دقت نظر دولت متبوعه آن جناب جلالت‌مآب را به ترقی فوق‌العاده عایدات گمرکات جنوبی معطوف می‌سازم بدون اینکه بکلی منکر شوم که در این اواخر بعضی اغتشاشات و موانع در راه و وسایل تجارت بین ایران و انگلستان بوده است. به نظر دوستدار چنانچه از صورت استاتستیک^۱ عایدات گمرکی هم معلوم می‌شود حقیقتاً هیچ خسارت تجارتی به اتباع انگلیس وارد نشده در صورتی که از طرف دیگر صد هزار تومان اضافه که در عایدات گمرک عربستان^۲ در سنه ماضیه تخاقوی نیل^۳ نسبت به سنه ماقبل حاصل شده و همچنین ترقی فوق‌العاده که در عایدات هذه السنه مشاهده می‌شود بطور قطعی ثابت می‌نماید که تجارت جنوبی فقط از مجری و مسیر معمولی خود موقتاً منحرف شده.

بعلاوه در کلیه واردات تجارتی ایران در سنه ماضیه نسبت به سنه قبل یعنی پیچی نیل^۴ (۱۹۰۸-۱۹۰۹) صدی نوزده اضافه حاصل شده و در پنج ماه هذاه سنه اضافه به صدی بیست بالغ شده.

نظر به مراتب فوق‌الذکر عقیده دولت ایران بر این است که اتباع خارجه هیچ حق شکایتی نسبت به تجارتشان با ایران ندارند.

حسینقلی

(۱) استاتستیک = آمار.

(۲) عربستان = منظور خطه خوزستان است.

(۳) تخاقوی نیل = سال مرغ (به تقویم ترکی که بیشتر در ایران بکار می‌رفت). - م.

(۴) پیچی نیل = سال میمون (تقویم ترکی). - م.

نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ نوامبر)

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۰ آبان ۱۲۸۹: ۹ ذی قعدة ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۹ نوامبر

اطلاعات واصله دیگر مشعراند بر اینکه فقط يك قسمت از قافله قنسول روس

گرفتار سارقین شده‌اند. خود قنسول با قزاقهایش سارقین را تعاقب نموده و اموال

مسروقه را پس گرفته‌اند.

نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ نوامبر)

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۰ آبان ۱۲۸۹: ۹ ذی قعدة ۱۳۲۸]

از قرار مسموع کمسیون که جدیداً برای مذاکره اغتشاشات جنوب ایران تشکیل

شده است صلاحیت استخدام عده معینی از سواندیه‌ها را برای تشکیل و تنظیم امنیه

راهم‌ها در تحت ملاحظه دارد.

دیروز سردار اسعد به دیدن من آمد و تقاضا نمود که به مهلت سه ماهه

اوتیساتوم افزوده شود. در جواب من به ایشان اطلاع دادم تا اینکه دولت ایران

اقدامات مؤثره مفیده برای رفع اغتشاشات طرق بطوری نمایند که جلب رضایت

خاطر دولت اعلیحضرتی انگلستان بشود من نمی‌توانم امید داشته باشم که اجرای

نقشه منظوره بعهده تعویق افتد لهذا اگر دولت ایران طرح و نقشه‌ای بریزد که در

نظار دولت اعلیحضرتی انگلستان پسندیده و حاوی احتمال حصول نتیجه منظوره

باشد موافق صلاح و نفع خود اقدام نموده است.

نمره - ۲۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه ۱۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۲ آبان ۱۲۸۹: ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۸]

رجوع به تلگراف ۱۴ نوامبر خودتان بنمایید.

هر آزاده و قصدی که دولت ایران در استخدام صاحب‌منصبان از مملکت کوچکی

برای تنظیم قوه امنیه منظوره اظهار ابراز نماید باید به منزله علامت جدیت و میل

صمیمی آن دولت به تعمیر و اصلاح امور دانست ولیکن ما باید این حق را برای خود

محفوظ داریم که در هر لحظه که لازم بدانیم صاحب‌منصبان انگلیس و هند به کار

برده شوند.

نمره - ۲۰۳

مراسله سر جرج بارکلی (واصله ۲۱ نوامبر)
طهران ۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۰ آبان ۱۲۸۹: ۲۹ شوال ۱۳۲۸]
آقا

خلاصه ماهیانه را که با کمال تأسف اوضاع اغتشاش و هرج و مرج را تاریکتر از آنچه در مراسله ۶ اکتبر راپورت داده بودم تصویر می‌نماید لفا با کمال افتخار تقدیم می‌دارم:

در جنوب بر وزارت جدید که قابل ذکر بوده باشد وقوع شورش است در شیراز - و تهدید یورش به لنگه که مستلزم پیاده کردن صد و شصت سرباز بحری انگلیس و چهار مراده توپ گردیده و دیگر بروز اغتشاشات در مجاورت بندرعباس و تهدید بلوچها در تهاجم و حمله به نرماشیر.

وضع راه پستی بین بوشهر و شیراز بدتر از هر موقعی است چنانچه این راه و راه بین شیراز و اصفهان برای تردد قوافل بکلی مسدوداند.

حتی راه بختیاری از اهواز به اصفهان که تاکنون امن بوده است معرض چندین فقره دزدی شده و از قرار راپورت سرکشی این سرقتها بختیاری و کهگیلویه [کهگیلویه] بوده است.

در شمال اغتشاش و اتفاقی که پیش از همه جالب اهمیت بوده جنگ کاشان بوده است ولی این جنگ خوشبختانه خاتمه پذیرفته و نایب حسین فرار کرده است. و اما در خصوص سایر موارد اغتشاش در قراچه‌داغ مذکور است که پسر رحیم‌خان شکست‌خورده است ولی از قرار اظهار وزیرمختار روس محال شاهسون از تحت قدرت و اختیار دولت خارج است و همچنین مازندران را می‌توان از حدود قدرت دولت خارج دانست زیرا که در آنجا بنا بر راپورت امیرمکرم و رشیدالسلطان‌قشون دولت را مغلوب کرده‌اند.

در طهران مطالبی که مخصوصاً قابل مذاکره باشند از این قرار است - مذاکرات راجع به استقرار - و تسلیم مراسله ما راجع به راههای تجارتی جنوبی در تاریخ ۵ اکتبر - و دیگر تغییرات جدید در کابینه.

بنده... جرج بارکلی

ملفوفه در نمره ۲۰۳

خلاصه وقایع ایران در ماه اکتبر ۱۹۱۰

طهران

در تاریخ ۱۴ اکتبر راجع به اغتشاشات طرق جنوبی مراسله‌ای به دولت ایران داده شد جواب آن مراسله در تاریخ ۲۲ واصل گردید.

کابینه وزراء در تاریخ ۳۰ اکتبر مجدداً تشکیل شد و اعضاء آن فعلاً از قرار ذیل‌اند:

رئیس الوزراء	مستوفی الممالك (بدون تغییر)
وزیر داخله	شاهزاده عین الدوله
وزیر جنگ	شاهزاده فرمانفرما
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر عدلیه	محتشم السلطنه
وزیر خارجه	حسینقلی خان (بدون تغییر)
وزیر پست و تلگراف	شاهزاده اسدالله میرزا (بدون تغییر)
وزیر علوم	معین نشده
کمیسیون وزارت خارجه مجلس در تاریخ ۱۳ اکتبر مجدداً از قرار ذیل انتخاب و تشکیل شد:	
مشیر الدوله	
مؤتمن الملک	
صنیع الدوله	
مستشار الدوله	
ممتاز الدوله	
معزز الملک	

تبریز

در تاریخ ۲۵ اکتبر ویس قنصل دولت اعلیحضرتی راپورت داد که پسر رحیم خان با هزار و پانصد نفر در قراجه داغ مشغول اغتشاش اند و در نزدیکی اهر به فاشون حکومت هجوم برده اند ولی بنا بر راپورت بعد مشاورانیه شکست خورده است.

مشهد

اوضاع بدون تغییر باقی است. رئیس نظمیه در تاریخ اول اکتبر منفصل شده است و در تاریخ ۲ به طرف تبران حرکت نمود. محالات طبس و تربت از قرار راپورت بعلت وجود دستجات دزد در حالت مغشوشی هستند، ظهیرالسلطان مشغول کفالت حکمرانی است.

سیستان

وضع طرق در اواسط ماه سپتامبر خوب و رضایت بخش نبوده.

اصفهان

در تاریخ ۱۰ اکتبر معتمد خاقان بجای سردار اشجع بختیاری به حکومت اصفهان منصوب گردید. حکومت جدید ظاهراً خیلی مایل است که با قنصل جنرال دولت اعلیحضرتی روابط و مناسبات دوستانه صمیمانه پیروزانند. آقا نورالله از اصفهان

به طرف کربلا حرکت نمود. يك نمايش ظاهري کرده شد بر اينكه مشاراليه را از رفتن ممانعت نمايند. چندين نفر از معاريف از شهر بيرون رفته كه ايشان را عودت دهند ولي كليتاً همچو معلوم می شود كه عزيمت ايشان موجب رضایت اهالی است.

طرق کرمانشاهان و يزد در امنیت باقی بوده اند ولي راه شیراز از آباده به واسطه دستجات اشراَر غارتگر بکلی مسدود است. مذکور است كه اينها منتظر يك نفر اروپايی هستند كه در عوض اشخاصی كه مستحفظين مستر بيل به قتل رسانيد؛ اند كشته و انتقام بکشند.

راه طهران خیلی مفشوش بوده است. پستها را دزد زده و ذهاب و اياشان به تعويق می افتد. اغلب اين دزدیها را نسبت به اتباع نايب حسين و بختياريسهامی دهند. چندين نفر اروپايی به علت اغتشاش اين راه در اصفهان معطل مانده اند ولي دو نفر مسافر انگلیسی از طهران به سلامت به اصفهان رسيدند.

راه اهواز تا ۲۶ اکتبر كاملاً امن بود ولي از آن تاريخ دو فقره دزدی بزرگ راپورت شده است.

اداره پست اصفهان به واسطه مسدود ماندن راه شیراز چنين قرار داده اند كه پست از راه اهواز به ناصری برود به اين ترتيب كه هفته ای يك پست حرکت كنند و فاصله اصفهان به ناصری را از ۱۲ الي ۱۴ روز به پيماید.

در اوایل اکتبر اكثر رؤسای عمده بختیاری در اصفهان جمع شده اند و با خود قریب هزار موار داشته اند. قرار کلی اصلاح داده شد و پس از آن تصميم عزم نمودند كه تماماً به طهران رهسپار شوند و قصدشان اين است كه پس از يكسره كردن كار نايب حسين در كاشان اجماعاً به طهران بروند.

كاشان

در اوایل اکتبر نايب حسين و انتظام الملك با اتباعشان در اردستان بوده اند چندين دفعه به دولت اظهار رغبت به تسليم شدن با شرایط معينی نمودند ولي دولت هيچ شرطی را نمی پذيرفت و تسليم بی شرط را می خواست. پس از آن آنها به طرف كاشان حرکت نموده و در تاريخ ۱۷ اکتبر وارد آن شهر شدند. اهالی آنها را پذيرفته و خيرمقدم گفته لکن عده ای از اهل كاشان به محض استماع خبر مراجعت نايب حسين به قم فرار نمودند. نايب اعلاناتی در كاشان نصب و منتشر نمود كه نسبت به هيچ كس صدمه و آزاری نخواهند كرد و احدی از او در خوف و وحشت نباشند.

در تاريخ ۹ قوای بختیاری در تحت فرمان اميرمفخم و سردار ظفر از اصفهان به طرف كاشان عزيمت نموده و روز بعد ساير خوانين و اتباعشان به دنبال آنها رهسپار شدند.

در تاريخ ۱۱ اهالی كاشان تلگرافاتی به طهران مخابره نمودند و تقاضای استخلاص پسر نايب حسين را كردند و نايب حسين اعلام داشت كه اگر جواب رضایت بخش به اين درخواست نرسد مجبور به بعضی اقدامات خیلی سخت خواهد گرديد.

مشارالیه چندین از عمارات و دروازه‌های شهر را سنگربندی نموده و بنا بر اطلاق راصله هزار و دویست نفر استعداد جنگجو که اکثر آنها سوارند با خود داشته از جمله عماراتی که اتباع نایب سنگربندی کرده‌اند بنایی است که اداره تلگراف هند و اروپا و تلگرافخانه ایران مشترکاً در آنجا واقعند.

در تاریخ ۱۲ صد و هشتاد بار از امتع‌ای که برای کمپانیهای اروپایی به طهران حمل می‌شدند وارد کاشان شدند و اتباع نایب حسین به معض اینکه دانستند که آنها برای اروپاییها حمل می‌شوند بکلی غارت کرده‌اند.

قسمتی از قوای بختیاری در تاریخ ۱۳ وارد شده و در همان روز جنگ و جدال شروع گردید. در مدت شب نایره جدال مشتعل تیراندازی و شلیک در کار بوده و بختیاریها دو مرتبه حمله و اهتمام کردند که سنگری بگیرند ولی اتباع نایب آنها را عقب نشانیده و چهار نفر از آنها را به قتل رسانده‌اند.

در تاریخ ۱۴ امیرمفخم با پانصد نفر بختیاری دیگر وارد شده و در همان شب محله پشت مشهد که از محلات شهر است از دست اتباع نایب حسین گرفته شد. نایب مجدداً کوشش نمود که آن محله را پس بگیرند ولی مغلوب گردید و به مقصود نایل نگردید. از قرار مذکور از طرف بختیاری ده الی بیست نفر که از جمله آنها چندین نفر از خانزاده‌های جوان بوده‌اند مقتول شده‌اند.

تلگراف فوری از راه قم به طهران فرستادند و اعزام طبیب و جراح را تقاضا نمودند.

از قرار راپورت امیر مفخم مایل به توپ بستن به شهر و اتلاف نفوس زن‌ها و اطفال نبوده است. عقیده‌اش این بود که نایب حسین را عفو نمایند و خدمتی در کاشان به او رجوع کنند.

از دولت به مشارالیه چنین تعلیمات رسید که حتی المقدور به اهالی کاشان صدمه وارد نیاروند و تمام آتش جدال را به سر نایب و اتباعش بریزند. بعضی بختیاریها اسبهای چاپارخانه را از چندین منزل راه اصفهان برده‌اند ولیکن بعداً پس دادند.

در تاریخ ۲۳ پسر نایب حسین پیغامی به تلگرافچی کاشان فرستاده بدین مفاد که قبل از فرار کردن از کاشان برای اینکه جلب دقت و توجه سفارت انگلیس را بنمایم تلگرافخانه و هر قدر از خط تلگراف را که بتوانم خراب و منهدم خواهم نمود. تلگراف سختی از وزیر مختار دولت اعلیحضرتی به مشارالیه فرستاده شد و به او اخطار و تهدید نمودند که از این اقدام احتراز کند.

در تاریخ ۲۶ بختیاریها دو حمله عظیم دیگر برای گرفتن سنگرهای دشمن بردند ولی عقب نشانده شدند. خوانین بختیاری يك مرتبه دیگر کسب تکلیف و اجازه برای گلوله بستن به شهر نمودند. عده اتباع نایب حسین اکنون می‌گویند که به دوهزار و پانصد بالغ شده‌اند. از اصفهان و طهران کمک با توپخانه برای بختیاریها فرستاده شد و در تاریخ ۳۰ اکتبر [۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۶ شوال ۱۳۲۸]

گلوله‌باری به شهر شروع شد. در ساعت سه بعد از نصف شب ۳۱ اکتبر [۸ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۸] نایب حسین با جمعیتی که می‌گویند سیصد نفر است از کاشان فرار نموده است. قوایی از بختیاری از قرار مذکور به تعاقب مشارائیه رفته‌اند و اکنون شهر در تصرف بختیاری است.

سلطان‌آباد

منتصرالدوله که اخیراً حاکم بروجرد بوده و معلوم می‌شود از مقر مأموریت خود فرار کرده در تاریخ ۹ وارد سلطان‌آباد شد و در تاریخ ۱۴ از آنجا به طرف قم حرکت نمود و مسافرت خود را حتی المقدور مخفیانه و محرمانه می‌نماید. ائوار مجدداً مشغول غارت محال سریند شده و تمام طرق ناامن‌اند. پست کرمانشاه را در تاریخ ۱۵ اکتبر در نزدیکی قم الوار سرقت نمودند.

یزد

حاکم کماکان مشغول تعدی و گرفتن پول از مردم بوده و به واسطه سوءرفتارش با رؤسای ادارات مختلفه کار ادارات به کلی تعطیل است. رئیس عدلیه درب عدلیه را بسته و در تلگرافخانه انگلیس متحصن شده ولی بالاخره راضی شد که از آنجا خارج شود. رئیس نظمیه را نیز حکمران علناً شتم و توهین نمود. اهالی دو مرتبه تلگرافات به طهران کرده و از حکمران شکایت و تظلم نمودند ولی چون جوابی در ترضیه آنها نرسید در تاریخ ۱۳ و ۱۴ اکتبر بعضی نمایشها بر ضد عوارض محلی تشکیل دادند، درب انجمن ولایتی را سوزانده و به رئیس پلیس تیر انداختند و مشارائیه قرار نموده و بازارها بسته شد. راه یزد و نائین و یزد و مشهد از قرار راپورت امن‌اند ولی راههای شیراز و کرمان به کلی مسدود‌اند. در راه کرمان چند دسته کوچک از سارقین باعث اغتشاش راه شده و حرکت پست به کرمان به واسطه فقدان اسبهای چاپارخانه به کلی از ترتیب و نظم افتاده است و پست را حمل الاغ می‌کنند. سواران بختیاری در موقعی که از کرمان مراجعت می‌کردند از قرار راپورت در راه غارت فراوان نموده‌اند.

کسب و تجارت به کلی در توقیف و تعطیل است و قیمت اجناس در یزد ترقی زیاد نموده. در چندین مورد اشخاص از ظلم و ستم مأمورین محلی تمنای بست و حمایت از تلگرافخانه‌های واقع در یزد و مجاورت آن نموده‌اند ولی به متحصنین اطلاع داده شد که دولت اعلیحضرتی انگلستان در امور داخلی ایران نمی‌تواند مداخله نماید.

کرمانشاه

در اوایل اکتبر و با در این شهر بروز نموده در خود شهر و اطراف منتشر گردید.

حکمران و مأمورین عمده دیگر و قشون ساخلو و قریب چهار خمس از اهالی از شهر فرار کردند و در تاریخ ۱۶ اکتبر کسب و کار در تعطیل بوده و یک حالت وحشتی اهالی را فراگرفته بوده است. فقط قشونی که در شهر باقی مانده بود ۳۰ قزاق ایرانی مستحفظین حکومت بوده. در تاریخ ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر ۱۲۸۹: ۱۶ شوال ۱۳۲۸] از قرار راپورت جنگی در نزدیکی قصر شیرین بین ایلات سنجابی و کلهر واقع شده حبیب‌الله خان پسر رئیس سابق سنجابی از داودخان استعدادی گرفته و به صمصام‌الممالک حمله برده ولی با تلفات زیاد مغلوب و جلوگیری شد. پس از آن به عزم افزودن به استعداد خود مراجعت نموده است. ضمناً از حکومت کرمانشاه به نایب‌الحکومه کردند تعلیمات داده شده که صمصام‌الممالک را تقویت نماید.

کرمان

اوضاع کساکن بی‌تغییر است.

در تساریخ ۲۱ اکتبر [۲۸ مهر ۱۲۸۹: ۱۷ شوال ۱۳۲۸] خبر رسید که قوایی از بلوچها در تحت فرمان جمپند و محمدرضاخان به قصد غارت نرماشی [= نرماشیر] به طرف فهرج تاخت می‌آورند. در تاریخ ۲۶ این استعداد که از قرار مذکور ۱۵۰۰ نفر بوده‌اند بنا بر راپورت در ۲۰ میلی فهرج رسیده و در آنجا حکومت ۶۰۰ نفر استعداد برای مخالفت و ممانعت آنها تجهیز و تهیه نموده بود. بلوچها تا ۸ میلی فهرج آمده ولی از آنجا به جانب یم منحرف شدند. ظاهراً از یورش به نرماشی [= نرماشیر] ترسیدند.

شیراز

فارس هنوز بی فرمانفرما است ولی قوام‌الملک نایب‌الحکومه ظاهراً تا ۳۰ اکتبر در شهر انتظام را حفظ نموده است. در تاریخ ۲۹ صولت‌الدوله در نزدیکی شیراز نزول نموده اول صبح ۳۰ اکتبر دو هواخواهانش یعنی نصیرالملک و بهاء‌السلطنه برای ملاقات او از شهر بیرون رفتند. فوراً پس از عزیمت آنها اجماعی از مردم در دارالحکومه ریخته و نعش دختر مسلمانی را که مدعی بوده‌اند یهودیها کشته‌اند عرضه داشتند. پس از آن شورشیان اداره عدلیه را غارت کرده و هرچه بود منجمله اسناد اداره‌ای خراب کرده و بردند. حتی اینکه خود قوام‌الملک را تهدید نمودند ولی مشارالیه آنها را از جلو راند. بعد از آن شورشیان به محلات یهودی یورش برده سربازانی که برای حفظ آن محله فرستاده شدند در غارت با شورشیان شرکت نموده‌اند. عده‌ای از قشقاییها نیز در آن وقت به آنها ملحق شده و بیش از همه خسارت وارد آوردند. خلاصه تمام محله معرض غارت گردید و ۱۱ نفر یهودی مقتول ۱۵ نفر مجروح شدند. تمام خانه‌ها بکلی غارت و یغما شدند. کلیه جمعیت یهود که ۵۰۰۰ نفر می‌شوند از فقیر و غنی حالیه مطلقاً بیچاره و مستأصل‌اند.

مستتر اسماست که بعد از بازدید محله یهودیها این وقایع را راپورت داده با

مأمورین محلی دفتر اعانه‌ای برای رعایت و استخلاص آنها ترتیب داده است. چنین راپورت رسیده که بدون شك این شورش را صولت‌الدوله به وسیله نصیرالملک و بهاء‌السلطنه تحریک کرده برای اینکه دولت را مجبور نماید به خود صولت‌الدوله اختیارات تامه داده و قوامیها را خلع نمایند.

به قشون ساخلوی شیراز حقوق نرسیده و نارضی‌اند از جمله آنها قزاقهای ایرانی و سواره عرب می‌باشند. قوامیها فقط ۴۰۰ نفر قشون مطیع دارند. عقیده بر آن است که اگر به صولت‌الدوله به سختی نصیحت و ملامت شود و نصرالدوله را از شیراز خارج کنند و حکومت شهر را نظامی نمایند در اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد و اگر این کار نشود انتظار وقوع اغتشاشات دیگر می‌رود.

راههای فارس خیلی ناامن و مغشوشند و تردد تجارت مطلقاً معطل و معوق است. خسارت زیادی به خط تلگراف وارد شده بخصوص در نزدیکی دشت ارژن و کازرون. مأمورینی که برای تعمیر سیم بیرون رفته‌اند معرض سرقت و بد رفتاری شدند.

نقاط بین اصفهان و شیراز دچار تاخت و تاز و غارتگری بویراحمدی و کهگیلویه [= کهگیلویه] و لشنی هستند و به بسیاری از قراء صدمات و خسارت وارد آورده‌اند.

خلیج فارس

بوشهر

کلنل «کاکس» تلگرافاً [= تلگرافی] در تاریخ ۳۰ اکتبر [۷ آبان ۱۲۸۹]: ۲۶ شوال ۱۳۲۸] راپورت می‌دهد که تنگستانیه‌ها در جنبش و اغتشاش‌اند و صولت‌الدوله اهتمامی داشته که بعضی از رؤسای آنجا را وادار کند که از طرف او در حکومت بوشهر مداخله نمایند.

نظر به وضع مغشوش طرق، اداره پست، پست مهران را از راه بغداد یا اهواز می‌فرستند.

جد و جهد حکومت برای اینکه بندر دلواری تنگستان را در تحت اختیار خود درآورد نتیجه نبخشید. گمرکخانه‌های آنجا را مسدود و واردات و صادرات آن بندر را موقوف نموده‌اند.

بندرعباس

در اوایل اکتبر قریب ۵۰۰ نفر دزد از لار حرکت کرده و محال بندرعباس را احاطه نموده و تمام قوافل و قراء را تا حدود شهر غارت کردند. مأمورین محلی از جلوگیری یا تعاقب آنها عاجز بوده‌اند. اموال غارت شده شامل امتعه انگلیسی معادل ۲۳۰۰ لیره بوده است.

لنگه

در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۹ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۸] ویس قنصل دولت اعلیحضرتی خبر داد که غارتگر معروف غلامحسین خان وراوی^۱ در نزدیکی بستک با جمعیت زیادی به لنگه تاخت می آورده و ویس قنصل مشارالیه آمدن کشتی جنگی را تقاضا و تصویب نموده لهذا کشتی موسوم به «فکس» با صاحب منصب ارتد بحری در ۲۴ وارد در نزدیکی بندر لنگه شد.

در تاریخ ۲۵ وزیرمختار دولت فخمیه اجازه داد که استعداد کافی از کشتی به خشکی نشینند که جان و مال اتباع خارجه را در صورت وقوع تهاجم حفظ و حمایت نمایند. ضمناً صاحب منصب بحری بنابر تعلیمات «کلنل کاکس» به غلامحسین خان پیغام فرستاده و مشارالیه را از آمدن لنگه تخویف و تهدید نموده.

در تاریخ ۲۵ غارتگران که ۳۰۰۰ جنگجو بوده اند از قرار راپورت در فاصله دو روز راه در مغرب جبل ترنجه بوده اند. این اردوی اشرار ترکیب و اختلاطی بود از سه سرکرده محال «قلادر» «اسکانو» و «وراوی» با اتباعشان. در تاریخ ۲۷ استعداد حکومتی از لنگه برای جلوگیری متهاجمین فرستاده شد و از قرار راپورت از آنها شکست خوردند لهذا ۱۶۰ سرباز بحرو انگلیس با چهار عراده توپ از کشتی «فکس» پیاده شدند و به صاحب منصب ارشد بحری اجازه داده شد که برای جلوگیری و مسانعت غارتگران از دخول به شهر اقدامات لازمه را بنمایند. در تاریخ ۲۹ اکتبر [۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۸] خبر رسید که شیخ نزقور (نزقور محلی است) در «شیورع»^۲ ۸۰۰ نفر به کشتی نشانده که به بندر لنگه هجوم آورد لهذا کشتی اعلیحضرتی موسوم به «اوین» برای دفع و رفع آنها فرستاده شد. قایقهای شیخ مزبور در تاریخ ۲۹ «جیزغه» و «نخیله» را غارت نموده و در تاریخ ۳۰ اتباع شیخ به خشکی نشسته و به اردوی وراوی ملحق شده و بر «مرنج» حمله بردند. کشتی اعلیحضرتی «اوین» سه کشتیهای پادی آنها را در نزدیکی «جیزغه» یافته به محض اینکه قایقی از کشتی انگلیس به طرف آنها فرستاده شد اشخاصی که در آنها بودند به ساحل فرار کرده و به طرف «اوین» تیر بازیده در کشتیهای آنها اسراء و غارت زیادی که از دهات آورده بودند موجود بود. جهاز اعلیحضرتی قایقهای آنها را بنا بر اینکه برای دزدی استعمال می شدند منهدم نموده اسراء و غارتهای را به نقاط اصلی خود عودت دادند.

اهواز

در مدت ماه سپتامبر ظاهراً نظم در شوشتر باقی بوده و قوای نظمیه در حال تشکیل شدن است. راه دزفول و شوشتر که در قسمت اول ماه به واسطه ایل سگوند مغشوش و ناامن بود بنابر راپورت در آخر سپتامبر امن و منظم شده است.

(۱) اصل: وراوی.

(۲) ظاهراً باید «شیوع» باشد که بندری است نزدیک لنگه. - م.

نمره - ۲۰۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ دسامبر)
 از طهران ۷ دسامبر ۱۹۱۰ [۱۵ آذر ۱۲۸۹؛ ۴ ذی حجه ۱۳۲۸]
 مسئله استقراض از بانک شاهنشاهی دیروز اولین دفعه‌ای بود که مجلس علناً
 آن را مطرح بحث نمود. از طرف فرقه مخالفین مخالفت معتدله در این موضوع
 بروز داده شد. کابینه جد و اصرار داشتند بر اینکه برای مصرف صحیح پول باید
 ضمانت و اطمینان رضایت‌بخشی در دست باشد و برای این مقصود کابینه اعلام
 داشت که کمیسیون کنترلی که شامل چند نفر اروپایی باشد تشکیل خواهد شد.
 بالاخره مباحثه این مسئله به تعویق افتاد.

نمره - ۲۰۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ دسامبر)
 طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۰ [۲۳ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۲ ذی حجه ۱۳۲۸]
 وزیر امور خارجه به من خبر می‌دهد که نایب‌السلطنه از پاریس به هیئت وزراء
 و مجلس تلگراف کرده که عاجلاً به طرف ایران حرکت خواهد نمود.

نمره - ۲۰۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)
 طهران ۱۸ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۸]
 آقا
 راجع به مراسله ۲۹ ماه گذشته من که جواب دولت ایران را به مراسله ۱۴
 اکتبر خودمان در لف آن فرستاده بودم اینک با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که بر
 طبق تعلیمات جنابعالی در تاریخ ۱۷ شهر حال راجع به اعاده انتظام در راه بوشهر
 و اصفهان به دولت ایران نوشته‌ام لفاً تقدیم می‌دارم.
 بنده... بارکلی

ملفوقه در نمره ۲۰۶

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران
 طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۵ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۸]
 آقای وزیر
 وصول مراسله مورخه ۲۱ شهر ماضی جنابعالی را با کمال افتخار اطلاع می‌دهم.
 در جواب این مراسله من اشاره و ذکر در خصوص اظهارات جنابعالی راجع
 به حضور قشون خارجه در ایران نمی‌نمایم زیرا که به نظر دوستدار این اظهارات

با موضوعی که عجالتاً بالخاصه مربوط می‌باشد یعنی به تهاجمات و غارتگریهای ایلات در طرق تجارته جنوبی ربطی ندارد.

جناب‌عالی اشاره به ترقی در کلیه تجارت ایران در سنه تنخاقوی ثیل (۱۹۰۹-۱۹۱۰) نسبت به سنه ماقبل (۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹) نموده و همچنین به ترقی و افزایشی که در پنج ماه هذه السنه مشهود است متذکر گردیده‌اید ولی لازم است که دوستدار حاضر نشان جناب‌عالی نمایم که ترقی عایدات (۱۹۰۹ الی ۱۰) چنانچه در صورت عایدات گمرک مشاهده می‌شود راجع به شمال بوده نه به جنوب مخصوصاً این مسئله ملاحظه می‌شود که عایدات بوشهر در سال گذشته خیلی کمتر از سنه ماقبل بوده و همچنین در سنه (۱۹۰۹ الی ۱۰) از سال ماقبل خود خیلی کمتر بوده و اما در خصوص ترقی ۵ ماه هذه السنه صحیح است که گمرکات جنوبی در این افزایش دخالت و شرکت داشتند ولی باید این مسئله را بغاظر آورد که محصول امسال بطور استثناء خوب و فراوان بوده و ۵ ماه سال گذشته که طرف متایسه آن است زمانی بوده که در این مدت بوشهر در تحت قدرت و استیلای سید مرتضی و اتباع تنگستانی‌اش بوده و نظر آن جناب جلالت‌آب را معطوف به این مسئله می‌نمایم که با وجود این در عایدات بوشهر فقط صدی دوازده ترقی حاصل شده.

بهر حال هرچه صورت استاتیستیکی تجارت ماههای گذشته بوده باشد این مطلب را انکار نمی‌توان کرد که بعضی طرق جنوبی بکلی مسدود و غیرقابل عبور بوده‌اند مخصوصاً این مسئله در مورد راه عمده تجارتی جنوب که بین بوشهر و اصفهان را اتصال می‌دهد صدق نموده محال و نواحی حدود ایالات فارس و اصفهان در یک حالت اغتشاش خارج از وصف و بیانی بوده ولیکن تردد تجارت بین بوشهر و شیراز اخیراً کاملاً در تعطیل نبوده و قسواً فقط از یک راه منحنی ناراحت نامتناسبی تردد نموده‌اند که در آن راه عبور مال‌التجاره مجبور به دادن عوارض و باجهای غیرمشروع جبری و منوط به اجازه و میل ایلخانی که در تحت اقتدار کامل دولت نمی‌باشد بوده است. حقیقتاً تا هنگامی که این مرج و مرج کنونی در این طرق جنوبی باقی است هیچ امید رواج و تجدید حیات متمادی تجارت نمی‌رود و به ملاحظه یافتن علاج برای این اوضاع ناگوار بوده که به جناب‌عالی نامه نگاشتم که آن علاج را در صورت امکان خود دولت ایران به موقع عمل گذارد ولی در صورت لزوم به کمک و معاونت صاحب‌منصبان انگلیسی که از قشون هندوستان به دولت ایران امانت دهند مقصود را حاصل نماید.

این مسئله را نمی‌شود قبول کرد که اقدامات فوق‌الذکر تجاوز و مداخله به حقوق و اختیارات سلطنتی ایران بوده باشد زیرا که صاحب‌منصبان مزبور که از قشون هند به امانت گرفته می‌شوند در تحت فرمان دولت ایران خدمت‌بهمیده خواهند گرفت. اما در خصوص افزایش صد ده به حقوق گمرکی استعفا و اردی که از گمرکخانه‌های جنوبی می‌گذرند لازم است که اظهار نمایم که دولت اعلیحضرتی انگلستان فقط به این تحمیل می‌توانند به شرط و در صورتی رضایت دهند که عایدات آن بطور صحت

و اطمینان به مصرف تأمین طرق تجارتی جنوبی رسانده شوند.
نقشه و طرحی که دوستدار در مراسله مورخه چهاردهم اکتبر خودم برای
تشکیل قوای امنیه ایرانی بوسیله صاحب‌منصبان انگلیسی پیش‌بینی کرده بودم برای
ایفای آن شرط کافی است.

بنده... جرج بارکلی

نمره - ۲۰۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)
طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۸ آبان ۱۲۸۹: ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
آقا

اطلاعات به طهران رسید که چند هفته قبل در اسلامبول مجمعی منعقد شده و بر
ضد اقدام و رفتار دولت انگلیس و روس در ایران پروتست نموده‌اند. کمی بعد
از وصول این خبر در طهران اهتمامات کرده شد که نمایی مشابه به آن تشکیل و
فراهم نمایند. علی‌هذا اعلان متحدالمال بی‌امضایی طبع و زیاده منتشر گردیده و
تمام وطن‌خواهان حقیقی را دعوت نموده که در تاریخ ۱۷ نوامبر [۲۵ آبان
۱۲۸۹: ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۸] در میدان توپخانه حاضر شده که بر ضد حضور متمادی
قشون روس و همچنین بر ضد مراسله دولت انگلیس راجع به اوضاع جنوب نمایی
کرده و پروتست نمایند.

در موقع معهود چند صد نفری جمع شده و مجتهد عمده افتتاح و شروع
میتینگ را اعلام نمود و چندین نفر از ناطقین در خصوص تعدیاتی که مدعی‌اند
نسبت به ایران شده اجماع حضار را خطاب کرده و نطقهای مفصلی کردند. ناطقین
مختلفه اقدامات دولت انگلیس و روس را چنین ذکر و وانمود کردند که متوجه تمام
کردن و انهدام استقلال ایرانند و اظهار یقین کردند که مسلک و رفتار دولت
انگلیس نسبت به این مملکت به هیچ‌وجه به حسیات خیرخواهانه و دوستانه ملت
انگلیس نسبت به ایران اثری حادث نمی‌کند.

این میتینگ در اجماع مردمی که حضور داشتند و چندان اعتنایی به این مسائل
نداشتند حرارت و حدت وطن‌پرستی زیادی احداث نمود و اگرچه روزنامه‌جات محلی
کوشش و مبالغه نمودند که آن اقدام را يك نمایش ملی بسزرگی جلوه دهند ولی
ظاهراً هیچ نتیجه فوقیتی از این کار حاصل نگردید.

چندان شکی نیست که تمام این اقدام را رؤسای ارباب و اتباع چراید تشکیل
و تأسیس نموده و شاید از طرف فرقه ملیون جنگجوی مجلس نیز آنها را تشویق و
تشجیع کرده باشند زیرا که ملیون مشارالیه هم اخیراً در پارلمان بر ضد روس و
انگلیس حملات سخت می‌برند و فریاد شکایت بی‌نهایت بلند می‌نمایند مخصوصاً از
تاریخ طبع مراسله مورخه چهاردهم اکتبر من راجع به طرق جنوبی.

اشاراتی که در يك قسمت از مطبوعات اروپا کرده‌اند بر اینکه مراسله جدید ما مقدمه الجیش تقسیم و تجزیه ایران به دست دولتين انگلیس و روس می‌باشد در این مملکت طرف توجه گردیده و مقالات مزبور کاملاً ترجمه و طبع شده و در بعضی موارد تنقیدات راجع به آنها بیش از آنچه در روزنامجات اروپا ظاهر گردیده مبالغه‌کارانه و گزاف‌گویی بودند.

مکتوب سربازی که از علمای عمده نجف به نمایندگان خسارجه مقیم طهران رسیده و در آن از مقاصد متعدیانه فرضی دولتين انگلیس و روس ملتجی و متکی به حسن عداوت‌خواهی و شرف‌دوستی آنها شده بودند نیز در روزنامجات طبع و نشر شده بود.

بنده... بارکلی

نمره - ۲۰۸

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)
طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۰ [۸ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
آقا.

از تاریخ تسلیم مراسله ۱۴ اکتبر راجع به اغتشاشات طروق تجارتی جنوبی علائمی به نظر می‌رسد که دلالت دارند بر اینکه دولت ایران بالاخره لزوم مفتوح داشتن راه بزرگ جنوبی را درك و التفات نموده است.

اولین اقدام لازم برای حصول آن نتیجه تعیین فرمانفرمایی است برای فارس که حقیقتاً کافی بوده و راضی به عهده‌گرفتن این خدمت بشود. این اقدام تاکنون کرده شده است چنانچه در اول پیشنهاد گردید که شاهزاده ظل‌السلطان را برای اشغال این مقام و انجام این مرام به ایران بخواهند. حقیقتاً کابینه وزراء در تاریخ ۳ با حضرت اقدس والا مخبره تلگرافی نموده و تکلیف این مأموریت را به ایشان نمودند لکن جلال‌الدوله پسر ظل‌السلطان به پدر خود تلگرافی کرده و چنین صلاح‌اندیشی نمود که آن خدمت را قبول ننماید لهذا دولت نظام‌السلطنه را که جدیداً در مقام حکومت کرمانشاه خدمت خوبی انجام داده بود به سمت فرمانفرمایی فارس معین نموده. مشارالیه مابین بوشهر و شیراز مالك املاك وسیع است و در ایالت فارس دارای يك اندازه نفوذ می‌باشد و قنصل اعلیحضرتی در کرمانشاه خبر می‌دهد که معزاییه در شرف حرکت است که به مقام مأموریت جدید خویش برود و این مسافرت را از راه بوشهر خواهد پیمود ولی بدون تقویت يك استعداد قوی امید کمی است که حتی يك حکمران کافی بتواند با اوضاع کنونی فارس مقابله و معامله نماید.

وزیر جنگ متقبل شده که اردویی مرکب از دو هزار الی سه هزار نفر بفرستد و اکنون که دولت ایران نزدیک است که مساعدت مالی از طرف بانک شاهنشاهی قبول نماید ظاهراً امید خوشی است از اینکه تقویت معهود از نظام‌السلطنه بشود

ضمناً چنین اعلام شده که صولت‌الدوله امنیت شاهراه بین بوشهر و شیراز را ضمانت کرده است. ولی بدبختانه از قدر و قیمت این ضمانت به واسطه خبری که در موقع تحریر این مراسله رسید کاسته می‌شود و خبر مذکور حکایت می‌نماید که قافله اولی که راه منحرف سابق را ترك کرده و به اعتماد و اطمینان ضمانت صولت‌الدوله از این راه رفته بین شیراز و کازرون دوچار سارقین گشته و به کلی غارت شده است. بنده... ج. بارکلی

نمره - ۲۰۹

مراسله سرچرچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)
طهران ۱ دسامبر ۱۱۹۱۰ [۱۰ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]
آقا

خلاصه ماهیانه وقایع ۴ هفته‌گذشته ایران را به کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم.
بنده... ج. بارکلی

ملفوفه در نمره ۲۰۹

خلاصه وقایع ماه نوامبر ۱۹۱۰

طهران

خوانین عمده بختیاری عمأقرب در طهران جمع خواهند شد چنانچه بعضی از آنها تاکنون وارد شده‌اند. خوانینی که اخیراً نایب‌حسین را در کاشان محاصره کرده بودند در راه‌اند و به طرف طهران می‌آیند.
سردار اسعد آنها را به واسطه اختلافاتی که جدیداً بین آنها عارض شده و نزدیک بود که منجر به مخاصمه و مقاتله در ایل بشود اجماعاً احضار به طهران نموده نثار و گفتگوهای بین آنها فعلاً رفع شده است ولی این مسئله باید معلوم شود که کدامیک از خوانین برای حکومت و ریاست ایل بختیاری خواهد رفت.
مذاکرات مجلس در مدت چهار هفته گذشته مستلزم ذکر و تنقید مخصوص نبوده و جلسات مثل معمول منعقد می‌شده و هیچ کاری که اهمیت مخصوص داشته باشد در مجلس علنی فیصل نشده است.

رشت

پنجاه نفر ژاندارم در اوایل نوامبر از طهران وارد رشت شده و صد نفر دیگر عمأقرب خواهند رسید.

(۱) در متن اصلی از ماه نام برده نشده است ولی به قرینه باید یکم ماه دسامبر باشد که بهمین گونه ویراسته شد.

مشهد

وضع این ایالت بی تغییر مانده ولی از هنگام خلع رئیس پلیس سابق ظهیر-السلطان کفیل ایالت بر وفق و صلاح قانون و انتظام عمل و اقدام می‌نماید و روابطش با دو قنصلخانه بسیار دوستانه و مستحسن است.

محمد علی نیشابوری با یک دسته سارقین در گون‌آباد [گناباد] اطراق نموده و از دهات حوالی باج می‌گیرد. چنین معلوم می‌شود که مشارالیه به علت اینکه رئیس پلیس سابق به ادعای دروغی املاک او را تصرف نموده بود به سرقت و شرارت وادار شده است.

ظهیرالسلطان سعی نمود که او را متقاعد نماید که به حکم عدل تمکین نماید ولی چون نتیجه‌ای حاصل نشد کفیل ایالت شروع به اقدامات قهریه بر ضد مشارالیه نمود.

حاکم طبس از طبس به تربت فرار نموده و در اواخر اکتبر در آنجا منتظر رسیدن کمک بوده که بتواند به مقام خویش عودت نماید. راهبای سیستان و حدود افغان بنا بر راپورت امنیتی نداشته و در آنها سرقت‌های کثیره واقع می‌شود خاصه در نزدیکی تربت.

سیستان

دستجات مسلح بلوچ از قرار راپورت در راهبای موجوداند و دزدیهای متعدد کرده‌اند. قنصل اعلیحضرتی به مأمورین و رؤسای محلی تأکید نموده که جلوگیری از آنها بنمایند ولی بهره و نتیجه‌ای که بلوچیهای نواحی جنوبی از غارت و تاخت و تاز به نرماشی [= نرماشیر] برده‌اند بلوچیهای سیستان را نیز تطمیع نموده که بخت و طالع خویش را از این راه بیازمایند. تمام طرق بنا بر اطلاع واصله ناامنانند.

اصفهان

شهر ساکت و آرام بوده ولی در بین اهالی به واسطه کمیابی و گران‌ی نان شکایت بسیار است. اولیاء امور محل اهتمام می‌کنند که در قیمت نان تخفیفی بدهند ولی باید با صاحبان غله که اشخاص متنفذ و متمول‌اند و اکثر آنها از علمای محل می‌باشند ستیزه نمایند.

اما وضع ولایت که سابقاً رضایت‌بخش نبوده و شکایات عدیده از تحمیلات فرع مالیات و غیرمشروع که حکام محلی بزور می‌گرفتند می‌رسید، اینک تا حدی بهتر شده. حکمران ظاهراً مایل است که خصوصیت و روابط دوستانه با دو قنصلخانه داشته باشد. بعضی تحریکات و اسباب‌چینی بر ضد حکمران مشارالیه کرده می‌شود که نسبت آن را به سردار اشجع حکمران سابق می‌دهند. تمام راهبای مغشوش بوده‌است.

پستهای راه طبرستان ابتداء به واسطه آنکه بهختیاریها اسبها را از منازل برده اند تعویق افتاده و بعد از آنکه اسبها هم مسترد گردیده اند باز حرکت پست تا حدی غیر منظم است.

راه شیراز مسدود بوده و از قرار راپورت دزدها در قمشه و یزدخواست و اباده می باشند.

در راه یزد اطلاع رسید که سیصد نفر دزد در نائین بوده و ده نفر شتر با بارهایشان را از نه گنبد برده اند. در نزدیکی اردکان به پست حمله برده اند حکمران خود به محل سرقت شتافت.

در راه سلطان آباد در تاریخ ۱۴ اکتبر قافله زوار را سارقین حمله نموده چهار نفر را کشته اند و در همان وقت يك قافله تریاک را نیز غارت نمودند.

در راه اهواز بین ۱۷ و ۲۰ اکتبر چهار فقره دزدی در «مرواری» و «سلطان سری راک» و «گندم کار» واقع شده است و در نقطه اخیر پست را زده اند. این سرقتها در خلاصه ماهیانه گذشته اشتباهاً راپورت داده شده بود که بعد از ۲۶ اکتبر واقع شده اند.

رؤسای بهختیاری وعده کردند که برای استقرار امنیت در این راه اقدامات عاجل نمایند و دیگر وقوع سرقتی راپورت داده نشده است.

کاشان

در تاریخ ۳۱ اکتبر [۸ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۸] بنا بر راپورت ۲۵۰ نفر بهختیاری به تعاقب نایب حسین از کاشان حرکت نمودند ولی نایب در همان شب از خاند آباد عبور کرده به طرف اردستان رفته است. پس از آن از زواره و امیرآباد گذشته و در تاریخ ۳ نوامبر به شهراب که ۳۶ میلی مشرق اردستان است رسیده است. از اتباع نایب هر روزه قسمتی فرار می نمایند و فقط ۱۰۰ نفر نزد او باقی مانده اند. پس از آن نایب به طرف انارک رفته و می گویند يك «اوازیس» یا نقطه آبادی است که در وسط صحرائ وسیع بی آب و علف واقع است.

شهاب السلطنه در تاریخ ۳ در اردستان بوده و از قرار راپورت جداً مشغول تعاقب نایب حسین است و استعداد معتنا به از اردستان گذشته اند که برای کمک به مشارالیه ملحق شوند.

از قرار مذکور بهختیاریها از فرار نایب حسین از کاشان خیلی متأسف و متأثرند. در تاریخ ۱ نوامبر [۹ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۸] خبر رسید که بهختیاریها يك قسمت از بازارهای کاشان را غارت کرده اند. خوانین وعده دادند که مرتکبین را تنبیه نمایند.

شهر آرام بوده و منتظم الدوله به حکومت آنجا برقرار گردید.

یزد

حکمران کماکان مشغول تعدی و اخاذی از همه طرف بوده است. یکی از نتایج این رفتار آن شده که عده زیادی از مردمان محترم جد و جهد نمودند که جبراً داخل ویس قنسولگری شده و از تعدیات حکمران تحصن اختیار نمایند. باوجود تمام اهتمامات در جلوگیری آنها قسمتی داخل شده و از بیرون رفتن امتناع کردند و بکلی منکر قیمت و صحت اطمینانات گردیدند. کسب و تجارت یزد در تعطیل است بختیاریه که در التزام حکمران مخلوع کرمان می آمدند از قرار راپورت دهات و مسافرین را در عرض راه بین یزد و کاشان غارت کردند.

در تاریخ ۹ نوامبر در راه کرمان در نزدیکی کبوترخان قافله قنسول روس که از کرمان می آمده دوچار سارقین و غارت شده ولی خود مسیو پتروف با سوارهای مستحفظین خود آنها را تعاقب کرده و تقریباً تمام اموال مسروق را پس گرفته.

در تاریخ ۷ نوامبر ۸۰۰ نفر از ایل بهارلو به دهج هجوم برده و ۱۰۰۰ گوسفند از آنها به غارت برده اند ولی دهجیه تنگه های راه را بسته دزدها را از پیش رانده و تعاقب نمودند چهار نفر آنها را مقتول و چندین نفر مجروح و يك نفر اسیر گرفته اند تلفات خود دهجیه يك نفر مقتول و چهار نفر مجروح بوده اند.

ضیغم الدوله قشقای به حکومت یزد معین شده و در تاریخ ۱۹ نوامبر از اصفهان به طرف یزد حرکت نموده است.

کرمانشاه

(۱) مرض وبا ظاهراً در آخر اکتبر تمام شده و در ماه نوامبر فقط معدودی مبتلا شدند. بسیاری از اشخاص که از شهر فرار نموده بودند به خانه های خود مراجعت نموده ولی حکمران هنوز در بیرون توقف دارد. در مجاورت شهر مکرر سرقت واقع شده.

نظام السلطنه به فرمانفرمایی فارس معین گردیده و چنین معلوم است که رکن الدوله به جای ایشان به کرمانشاهان خواهند آمد.

(۲) در اوایل نوامبر کلهرها مجدداً به قصر شیرین هجوم برده و نایب الحکومه آنجا به شهر کرمانشاه فرار کرده و در تاریخ ششم وارد شده است. سیم تلگراف بین سرپل و قصر شیرین مقطوع بوده و خیلی از مردم در گمرکخانه متحصن شده اند.

کرمان

جلال الدوله به سمت فرمانفرمایی کرمان معین شده و تا ورود ایشان سردار نصرت کفیل حکومت اند و قنسول دولت اعلی حضرتی راپورت می دهد که مشارالیه خیلی حاضر مساعدت و امتنان بخش [اطمینان بخش؟] است.

صارم الملك که به نیابت سردار جنگ حکومت می کرد از قرار مذکور در موقع

اقامت در کرمان مبلغ معتنا بهی پول دولت را برای مصرف شخصی مأخوذ داشته. سردار نصرت برای جلوگیری از ویا در انار و راور قرنترین گذاشته و زواری که از مشهد مراجعت می نمایند چند روزی در آن نقاط در تحت قرنترین در می آیند. اهالی راور از قرار مذکور وحشتی کرده و بسیاری از قصبه فرار نمودند. راه بندرعباس در ماه اکتبر از قرار راپورت برای تردد مسافرین ناامن بوده و به همچنین راه کرمان و یزد.

در تاریخ ۴ نوامبر راپورت رسید که استعدادی از بلوچ «کشید» را که ۳۰ میل در شمال بم واقع است غارت نموده و یغمای زیادی برده و ۳۲ نفر به قتل رسانیده اند و پس از آن به طرف خبیص حرکت کرده اند.

شیراز

در مدت ماه اکتبر هیچ بهبودی در وضع فارس و طرق بوشهر و اصفهان اطلاع داده نشده ولی در ماه نوامبر در راه اصفهان بهبودی مختصری به واسطه حرکت ایلات به طرف جنوب حادث شده ولی بویراحمدیها هنوز در قسمت راه بین امین آباد و آباده مشغول غارت اند.

پست شمالی تبدیل به ذهاب و ایاب قاصد پیاده شده - این ترتیب سلامت تر است ولی در برابر مدتی که برای پست به عراده لازم بود طول می کشد.

نظام انسلطنه به سمت فرمانفرمایی فارس معین شده از کرمانشاه حرکت کرده و از راه بغداد و بوشهر مشغول مسافرت شیراز است.

صولت اندوله در تاریخ دهم نوامبر به کازرون رسیده و چند روز بعد از طرف دولت مفتوح و دایر نگاهداشتن راه کازرون به عهده مشارالیه مفوض گردید. حرکت مشارالیه از مجاورت شیراز اثر بسیار خوبی نسبت به شهر بخشیده چنانچه اینک شهر خیلی آرام تر است.

خلیج فارس

بندرعباس

در تاریخ ۹ اکتبر دریابگی با ۵۰ تفنگچی به توسط قایق گمرک موسوم به «شهران» از «میناب» آمده وارد بندرعباس شدند. عده ای از تفنگچیهای خود را بر مخالفت دزدهایی که در «صورو» چادر زده و اطراق کرده بودند اعزام نمود. دزدهای مزبور به کلات که ۱۵ میلی بندرعباس است عقب نشسته اند.

راهبایی که به داخله می روند در وسط اکتبر مطلقاً منشوش بوده و هیچ قافله ای از آنها عبور نمی کرده.

نمره - ۲۱۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ دسامبر)
 طهران ۲۸ دسامبر ۱۹۱۰ [۶ دی ۱۲۸۹؛ ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۸]
 حسینقلی خان استعفاء داده و دولت ایران استعفای او را پذیرفته است.

نمره - ۲۱۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ دسامبر)
 طهران ۳۰ دسامبر ۱۹۱۰ [۸ دی ۱۲۸۹؛ ۲۷ ذی حجه ۱۳۲۸]
 از تاریخ ۵ دسامبر هیچ دزدی در راه بوشهر و اصفهان راپورت داده نشده ولی
 اخبارات اخیر حاکی بر این اند که صولت الدوله به علت عدم رضایت اهالی ایل
 نتوانسته قوای کافی برای استرداد اموال مسروقه تهیه نماید و موقوفی دزدیها
 فقط به واسطه هوای سرد زمستان است.
 به هر حال قوافل حالیه از راه بزرگه بین بوشهر و شیراز عبور می نمایند ولی
 بعضی کمپانیهای انگلیس در فرستادن امتعه از این راه مردد بوده اند تا اینکه من
 به آنها اطمینان دهم که دولت ایران مسئول خسارتی که بر آنها وارد شود نخواهد بود.

فهرستها*

(۱) در این فهرستها اعلام مربوط به مجلدات اول تا چهارم یکجا تنظیم شده است و برای سهولت مراجعه شماره هر جلد را قبل از ذکر شماره صفحات مربوط در [] قرار داده ایم.

(۲) در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامه ها و تلگرافها خودداری کرده ایم.

نامهای کسان

یادآوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده می‌شود که بنظر می‌رسد باید مربوط به يك شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در يك ردیف فهرست‌بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به يك نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازیزرو آنها را به همان‌گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

آقازاده (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶	آجودانباشی [ج ۴] ۷۰۰
آقا سید جمال‌الدین واعظ. [ج ۱] ۴۰، ۲۱۶، ۴۱	أصف‌الدوله [ج ۱] ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹
آقا سید عبدالله [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۳۰	۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲] ۴۳۱، ۵۲۳، ۵۹۶
آقا سید عبدالله مجتهد [ج ۱] ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸، ۱۲۵، ۱۳۰	۶۰۳، ۶۱۴، ۶۲۹، ۶۳۰، ۷۱۳، [ج ۳] ۵۹۶
۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵، ۲۰۰	۷۱۴، [ج ۴] ۸۳۲
۲۳۷، ۲۳۸، [ج ۴] ۹۰۶، ۹۲۸	آقا احمد یزدی [ج ۳] ۷۱۲
آقا سید محمد (طباطبائی) [ج ۱] ۱۵۴	آقا باقر [ج ۳] ۷۳۱
آقا سید محمد مجتهد [ج ۱] ۱۱، ۲۴	آقاخان (سلطان محمدشاه) [ج ۴] ۷۹۳
	۷۹۵

ادیبالتجار [ج ۱] ۲۵	۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
ارباب رستم [ج ۳] ۷۸۷	آقا شیخ نورالله [ج ۱] ۸۲، ۳۵، ۲۴
ارباب فریدون [ج ۱] ۱۷۸	۸۲
ارشدالدوله [ج ۳] ۷۵۶	آقا صدر [ج ۴] ۷۹۸
استد [ج ۱] ۱۸۸	آقا محمد مهدی [ج ۱] ۴۶
استراگراوسکی - استروگراتسکی [ج ۱]	آقاجفی [ج ۱] ۳۵، ۲۸، ۲۷، ۲۴
۴۱۹، ۴۰۶ [ج ۲] ۳۰۰	۵۴، ۷۳، ۱۲۳، ۱۲۸، ۱۵۷، ۲۶۷
استروس [ج ۳] ۷۶۲	[ج ۲] ۵۲۳، ۳۶۹ [ج ۴] ۸۲۲
استوارت (استوارت) [ج ۱] ۷۰	آقا نورالله [ج ۱] ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۲۷
استوکس (ماژور) [ج ۱] ۱۶۷، ۱۵۹، ۹۵	۱۵۷، ۲۶۷ [ج ۲] ۴۷۱ [ج ۳]
۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸	۷۱۰ [ج ۴] ۸۹۲، ۹۵۶
۲۲۹، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱	
۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹، ۳۰۶، ۳۲۳	
[ج ۲] ۴۷۲ [ج ۳] ۵۸۹، ۶۰۵	ایراهم (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴
۶۰۸، ۶۱۱، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۴۵	اتابک [ج ۱] ۵۶، ۵۰، ۴۸، ۴۷، ۴۲
۶۵۱، ۶۸۱، ۶۸۵، ۶۸۸، ۶۹۰	۶۰، ۷۶، ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰
۷۰۵، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۳۴	۱۱۷، ۱۳۰، ۱۴۱ [ج ۴] ۹۰۶
۷۴۷، ۷۶۵ [ج ۴] ۹۱۷، ۹۱۹	اتابک اعظم [ج ۱] ۵۲، ۴۸، ۴۳، ۴۱
۹۴۲	۸۰، ۸۱، ۹۴
استیونس - استهون - استونز - استونس	اجلال الملك [ج ۲] ۳۸۷ [ج ۳] ۵۴۶
[ج ۱] ۵۳، ۱۱۰، ۲۳۵، ۲۷۱	۵۶۶، ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۰۱
۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵، ۲۹۱، ۳۰۴	احتشام السلطنه [ج ۱] ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴
۳۱۸ [ج ۴] ۹۰۷	۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴
اسدالله [ج ۳] ۶۰۰، ۷۰۴، ۷۲۹، ۷۴۵	[ج ۳] ۷۲۷
اسدالله میرزا - شامزاده اسدالله میرزا	احمد (سلطان احمد) [ج ۳] ۶۸۵
[ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۸ [ج ۴] ۷۷۳	احمدخان [ج ۳] ۷۱۶
۷۷۸، ۸۶۸، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۵۶	احمدخان میرشکار [ج ۴] ۸۶۴
اسدالله (یاور) [ج ۲] ۵۳۱	احمدشاه (سلطان احمدشاه) [ج ۳] ۶۲۶
اسکات (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸	۶۳۱، ۶۸۴، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۱
۷۱۹	۷۰۷، ۷۰۸، ۷۱۰، ۷۲۵، ۷۲۶
اسکلی (دکتر) [ج ۱] ۱۴۱	۷۳۴، ۷۴۳ (نک: ولیعهد)
اسکندر خان (پسر سردار ظفر) [ج ۴] ۹۳۰	احمد میرزا (سلطان احمد میرزا) [ج ۱]
اسمارت [ج ۱] ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲ [ج ۳]	۲۰ [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۸۹
۷۰۰، ۷۰۱، ۷۴۱ [ج ۴] ۷۷۹	ادوارد هفتم (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴
۷۸۵، ۸۳۶، ۸۶۵، ۹۴۶، ۹۶۰	۸۵۵

- اسماعیل خان (دکتر) [ج ۴] ۷۷۸
 اسمیت [ج ۴] ۸۰۶
 اسمیرنوف [ج ۳] ۶۹۰، [ج ۴] ۸۹۹
 اسنارسکی (ژنرال) [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۷۸، ۷۶۱
 اصغر خان [ج ۱] ۲۴۹
 اعتمادالذاکرین [ج ۲] ۵۲۹
 اعدالدوله [ج ۲] ۵۳۱
 اعزازالممالک [ج ۲] ۴۲۶
 افتخارالتجار [ج ۱] ۱۴۰
 اقبالالدوله [ج ۱] ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۰۸، ۴۰۶، ۳۶۳
 اقبال السلطنه [ج ۲] ۳۸۹
 اقتدارنظام [ج ۱] ۲۸۲
 اکبرمیرزا [ج ۱] ۲۴۹
 اکرم السلطان [ج ۱] ۵۲
 اکتور (دکتر) [ج ۱] ۲۸۲
 اکزامپلاروف [ج ۳] ۶۰۶
 الکسیس (گراندوک) [ج ۲] ۳۲۸، ۳۶۱
 ام الخاقان [ج ۳] ۷۸۶
 امام جمعه [ج ۲] ۲۴۶، [ج ۳] ۶۹۰، ۷۴۴
 امام جمعه خوی [ج ۱] ۹۹
 امامزاده [ج ۳] ۶۹۰
 امامقلی خان [ج ۳] ۷۳۰
 امامقلی میرزا [ج ۱] ۲۲، ۲۳، [ج ۲] ۴۸۲
 امیراعظم [ج ۱] ۹۰، ۹۲، ۱۲۶
 امیر افخم [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
 امیربهادر - امیربهادرجنگ [ج ۱] ۴، ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۲۱، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۶، ۳۸۰، ۴۰۱، ۴۱۲، ۴۶۹، ۴۷۵، ۵۰۲
 ۵۳۸، [ج ۲] ۵۵۱ - ۵۵۳، ۵۶۳
 ۵۶۴، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۹۵، ۵۹۸
 ۶۲۲، ۶۲۹، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰
 ۶۴۳ - ۶۴۵، ۶۸۳، ۶۸۷، ۷۰۶
 ۷۵۶، ۷۰۸
 امیرجنگ [ج ۲] ۵۰۶، ۵۲۱
 امیر سیف الدین میرزا [ج ۴] ۸۱۲
 امیر عشایر [ج ۴] ۸۹۱
 امیر مفخم - امیر مفخم بختیاری [ج ۳] ۵۸۰، ۶۱۴، ۶۲۷، ۶۳۸، ۶۴۰
 ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۹۰۸، ۹۲۹، ۹۳۰
 ۹۳۱، ۹۵۷، ۹۵۸
 امیرمکرم [ج ۲] ۴۶۹، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۵۵
 امیرنظام [ج ۳] ۵۶۱، ۷۰۷
 امین السلطان [ج ۱] ۳۲، ۳۶
 امین الممالک [ج ۴] ۷۶۸
 امین دربار [ج ۳] ۶۷۴
 انتظام الملک [ج ۱] ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۴] ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۷
 اوبرن (اوبرون - ابیرن - اپرون) [ج ۳] ۵۸۴ - ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۳
 ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱ - ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۶۴-۶۶۶، [ج ۴] ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰ - ۸۶۳، ۸۹۶
 ۸۹۸-۹۰۱، ۹۲۰، ۹۲۱
 اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
 اوکانر - اوکونر - اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱
 ایزولسکی - ایسولسکی - ایزوالسکی - ایسولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰
 اورنو [ج ۳] ۶۸۱، ۶۸۲
 اوکانر - اوکونر - اوکونار (ماژور) [ج ۳] ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۲۱
 ایزولسکی - ایسولسکی - ایزوالسکی - ایسولسکی [ج ۱] ۱۴، ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰

باسکرویل [ج ۳] ۵۹۳	۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴
باقر (دررودی) [ج ۴] ۷۹۴	۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۳۱، [ج ۲]
باقرخان [ج ۲] ۴۹۳، ۴۸۹، ۴۶۴، ۳۸۷	۳۳۶، ۳۳۸، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۱
[ج ۳] ۵۵۶-۵۵۸، ۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲	۳۶۷، ۳۷۹، ۳۹۱، ۳۹۳، ۳۹۵
۵۹۹، ۶۱۸، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲	۳۹۹، ۴۰۱، ۴۱۱، ۴۲۰، ۴۲۳
۷۰۱، ۷۴۹، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹	۴۲۶، ۴۲۹، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۷۴
۸۱۴، ۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۱، ۸۲۴	۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۴
۸۲۷، ۸۳۳، ۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶	۴۹۵، ۴۹۷، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹
۹۱۹، ۹۲۸	۵۱۱، ۵۱۳، [ج ۳] ۵۷۹، ۵۸۷
باکالی [ج ۳] ۶۸۸	۶۰۹، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۵
باکر [ج ۳] ۶۸۷، ۷۱۹	۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۵۱، ۶۵۲
بانوی عظمی [ج ۱] ۲۳۷	۶۵۴، ۶۹۲، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۶
بخشو (حسن) [ج ۳] ۷۱۶	۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۸۰۲، ۸۱۴
برن هم - بارنهام [ج ۱] ۲۴، ۳۵، ۶۹	۸۱۵، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹
۷۰	۸۵۱، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۳، ۸۸۲
برون [ج ۱] ۷۰	۸۱۶
بشیر خاقان [ج ۳] ۶۴۹	ایل بیگی [ج ۳] ۶۳۱
بلارانونف [ج ۱] ۶۴	
بلک (لقتنت) [ج ۱] ۱۲۷	
بلک من [ج ۱] ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱، [ج ۲]	بارکر [ج ۱] ۱۴۲
۳۸۴، [ج ۴] ۸۷۱	بارکلی (سر جرج) [ج ۲] ۳۳۶، ۳۵۰
بنکن دورف (کنت) [ج ۱] ۲۹۷، ۳۰۸	۳۹۱، ۴۱۶، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۶۲
[ج ۲] ۳۹۳، ۵۰۹، [ج ۳] ۵۸۶	۴۷۳، ۴۹۸، ۵۱۲، [ج ۴] ۵۵۴
۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۲۸، ۷۳۴	۶۵۳، ۶۶۴، ۶۹۴، ۶۹۷، ۷۱۷ -
۷۳۵، [ج ۴] ۸۴۰	۷۱۹، ۷۲۶، ۷۳۵، [ج ۴] ۸۲۹
بومن [ج ۱] ۸۲	۸۳۷، ۸۵۹، ۹۰۱
بهاء السلطنه [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۰	بارانوسکی - بارناوسکی - بارناوسکی -
بهاء الواعظین [ج ۱] ۲۶۲	بارانوفسکی [ج ۱] ۲۳۸، ۲۴۱
بهادر السلطنه [ج ۲] ۳۸۸	۲۸۳، [ج ۲] ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۷۲
بهیمانی [ج ۳] ۶۹۰	۳۷۷، ۳۷۸، ۵۲۶، ۵۲۹، [ج ۳]
بهرام خان [ج ۴] ۸۱۲	۵۵۲، ۵۵۳، ۵۸۹، ۶۱۸، ۶۲۱
بهرام میرزا [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۳]	۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۸۲-۶۸۴
۷۱۳	۷۰۴، ۷۰۵، ۷۲۲، [ج ۴] ۹۲۳
بیزو - بیزوت [ج ۱] ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰	بارون استواک (مصباح السلطان) [ج ۳]
۱۸۱ - ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱	۷۵۶

- ۲۶۶، ۲۶۸-۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۲ [ج ۲]، ۳۵۸، ۳۷۶، ۳۹۴، ۳۹۹، ۴۰۵، ۴۱۹، ۴۵۷، ۴۵۸ [ج ۴]، ۷۷۵، ۸۲۵، ۸۴۹
- یگلربیگی (نصرالدوله) [ج ۲]، ۳۸۳، ۳۸۵، ۴۶۸ [ج ۳]، ۶۰۰، ۶۴۷
- بیل [ج ۱]، ۲۲۳ [ج ۲]، ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳]، ۵۶۹، ۶۰۲-۶۰۴، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۶، ۶۳۱، ۶۳۴، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۳۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷ [ج ۴]، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۹۰، ۸۰۳، ۸۰۷، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۶، ۹۵۷
- بیوکخان (پسر رحیمخان) [ج ۱]، ۵۱، ۵۳
- پاری [ج ۱]، ۲۸
- پاسک [ج ۳]، ۷۶۵، ۷۶۶ [ج ۴]، ۷۸۷، ۷۹۰
- پاسکوویل (پاسکرویل؟) [ج ۳]، ۵۹۳
- پاکلوسکی - پاکلاوسکی [ج ۳]، ۶۹۲، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۶، ۷۶۷ [ج ۴]، ۷۸۵، ۸۱۷، ۸۳۹، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۲، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۸۱-۸۸۳، ۸۸۶، ۸۹۹، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۲۲، ۹۲۷، ۹۳۵
- پالکونیک - پالکونیک و ادبولسکی (پرنس) [ج ۴]، ۸۹۵، ۹۱۵
- پتروف [ج ۴]، ۹۷۰
- پرویز [ج ۱] (نک: شاه جهان)
- پری بینی زوف (کاپیتان) [ج ۳]، ۶۴۲، ۶۸۷، ۷۰۶
- پریم [ج ۱]، ۲۵، ۴۲
- پسر داودخان کلهر [ج ۳]، ۷۱۱
- پسر رحیمخان [ج ۴]، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۱۰، ۹۳۸، ۹۴۳، ۹۵۵، ۹۵۶ (نک: بیوکخان)
- پسر سردار اسعد [ج ۴]، ۷۹۲، ۷۹۷
- پسر ظل السلطان [ج ۳]، ۶۶۴، ۶۶۵
- پسر نایب حسین [ج ۴]، ۹۵۷، ۹۵۸
- تاجرباشی - تاجرباشی روس [ج ۳]، ۵۹۳ [ج ۴]، ۹۳۸
- ترور (کاپیتان - میجر - مسیجر؟) [ج ۲]، ۴۶۶ [ج ۴]، ۸۲۰
- تزار [ج ۳]، ۶۲۱، ۶۲۷
- تقی زاده [ج ۱]، ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۶۲، ۲۶۳ [ج ۳]، ۵۵۰، ۵۷۱، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۲۷ [ج ۴]، ۷۷۸، ۸۴۵، ۸۹۰، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۱۴، ۹۳۰
- تیمورخان [ج ۱]، ۱۵۷
- ثقة الاسلام [ج ۲]، ۴۸۸ [ج ۳]، ۵۹۱
- ثقة الملك [ج ۴]، ۸۱۸، ۸۲۱
- جلال الدوله [ج ۱]، ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸ [ج ۲]، ۳۸۰ [ج ۴]، ۸۶۹، ۹۶۶، ۹۷۰
- جنتلمن [ج ۴]، ۸۰۶

- جهانگیرخان (صوراسرافیل) [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۶
- جیمز - جیمس [ج ۳] ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶
- جواد خان [ج ۴] ۸۳۶
- جیهند - جیهند [ج ۴] ۸۱۲، ۹۶۰
- چرچیل [ج ۲] ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۵۴، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۴۵۹، ۵۲۶
- [ج ۳] ۵۵۱-۵۵۴، ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۸۱، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۸، ۷۲۲، ۷۲۸، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۲۶، ۹۲۳
- چریکوف (چاریکوف) [ج ۱] ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴-۲۹۹، ۳۰۷، ۳۰۸، [ج ۲] ۵۱۵، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۵۴، ۵۷۵
- چیک [ج ۳] ۶۶۰، ۶۶۳
- حاج سید نصراله [ج ۳] ۶۷۴، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳
- حاج شیخ رئیس [ج ۴] ۹۲۹
- حاج میرزا رضاخان [ج ۴] ۷۷۸
- حاجی آخوند (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
- حاجی آقا [ج ۴] ۹۳۷
- حاجی آقا محسن (اراکی) [ج ۱] ۵۵
- حاجی ابراهیم [ج ۳] ۶۰۲
- حاجی خسروخان [ج ۳] ۷۶۲
- حاجی رحیمخان [ج ۲] ۵۳۰
- حاجی سیف الدوله [ج ۳] ۷۶۵
- حاجی شیخ محمد واعظ [ج ۱] ۹، ۱۱
- حاجی علی آقا [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۳] ۵۶۹
- ۶۰۳
- حاجی علی لاری [ج ۳] ۶۵۱
- حاجی مجدالدوله [ج ۳] ۷۰۷
- حاجی محمد (درودی) [ج ۴] ۷۹۵
- حاجی محمدباقر (درودی) [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰
- حاجی محمدحسین کازرونی [ج ۱] ۳۵
- حاجی میرزا آقاسی [ج ۱] ۹
- حاجی نایب [ج ۱] ۱۲۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۵۳۱
- حبیب الله خان [ج ۲] ۵۲۳، [ج ۴] ۹۶۰
- حسام الدوله [ج ۳] ۶۰۱، ۶۴۸، ۷۲۹
- حسن بنخشو (نک: بنخشو)
- حسین (پسر نایب الصدر) [ج ۱] ۲۸۶
- حسین خان کسمائی [ج ۳] ۷۴۴
- حسینقلی [ج ۳] ۷۰۴
- حسینقلی خان [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۸۴۵، ۹۰۶، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۴۴، ۹۵۰، ۹۵۳، ۹۵۶، ۹۷۲
- حسینقلی خان نواب [ج ۱] ۹۲، ۲۴۶، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰
- حشمت الدوله [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۳
- حشمت الملك [ج ۱] ۳۵
- حشمت الممالك [ج ۴] ۸۳۴
- حکیم الملك (دکتر) [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۸۰، ۹۰۶
- حمیدی [ج ۱] ۱۶۷
- حیدرخان کمارجی [ج ۳] ۷۶۴
- خازن الملك [ج ۴] ۷۹۵
- خاص آقا [ج ۲] ۴۲۶
- خان انگالی [ج ۳] ۶۵۷
- خان بندر (بوشهر) [ج ۴] ۸۷۳

- خان بندر ریگ [ج ۳] ۷۱۶
 خان ماکو [ج ۳] ۶۶۳
 خبیرالدوله [ج ۱] ۱۲۷، ۱۳۹
 خسروخان [ج ۱] ۸۳، [ج ۲] ۴۷۱،
 [ج ۳] ۶۴۹
 خوبیوف (کاپیتان) [ج ۳] ۷۵۵
- دابیژا - دابیجا - دابیچی - داپسی‌چا
 (پرنس) [ج ۱] ۹۳، [ج ۳]
 ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۷
 داراب‌میرزا [ج ۴] ۸۵۲، ۸۶۳
 دارسی [ج ۴] ۸۱۵، ۸۳۱
 داودخان [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۰،
 ۵۳۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۳۵،
 ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۶،
 ۸۸۹، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۶۰
 داودخان کلهر (نک: داودخان) [ج ۳]
 ۷۱۱، ۸۱۲، ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۶،
 ۹۱۰
 داودساسون وکمپانی [ج ۳] ۶۵۶
 دبیرالملک [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶
 دریاییگی [ج ۱] ۹۵، ۱۱۲، [ج ۲]
 ۴۷۲، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۷۲، ۵۷۳،
 ۵۹۶، ۶۰۵، ۶۱۲، ۷۱۶، ۷۳۳،
 ۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴،
 ۹۴۱، ۹۷۱
 دوداین [ج ۳] ۶۹۸
 دوکارت (ماژور) [ج ۱] ۱۳۸
 دوگلاس (کنل) [ج ۱] ۱۰، ۶۲، ۶۴
 دولت‌آبادی (محمدخان) [ج ۳] ۶۰۰
- رئیس روحانی کربلاء [ج ۳] ۷۱۲
 رئیس‌علی [ج ۳] ۷۱۶، ۷۳۳
 رئیس‌علی تنگستانی [ج ۴] ۹۴۱ (نک:
 رئیس‌علی)
 رابینو [ج ۱] ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱،
 ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳، [ج ۲] ۲۵۲،
 ۴۲۵
 راتیسلا - راتیس‌لو - رتیس‌لو [ج ۱]
 ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲،
 ۳۱۰، ۳۱۱، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۸،
 ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۶، ۳۸۸ - ۳۹۰،
 ۴۰۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۷، ۴۱۹،
 ۴۲۲-۴۲۴، ۴۲۳، ۴۳۵، ۴۴۲،
 ۴۴۶، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۸۱،
 ۴۸۸، ۵۰۴، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳]
 ۵۶۵، ۵۷۱، ۵۸۳، ۵۹۰، ۵۹۴،
 ۵۹۹
 رایت [ج ۳] ۷۳۱
 رتلا [ج ۴] ۸۱۱
 رجب‌افندی [ج ۱] ۵۲
 رحیم‌خان [ج ۱] ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱،
 ۲۷۲، [ج ۲] ۳۷۱، ۴۳۴، ۴۴۰،
 ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۶۲، ۴۸۲، ۴۹۹،
 [ج ۳] ۵۶۵، ۶۴۶، ۶۹۴، ۷۰۱،
 ۷۳۶-۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۶-
 ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۷، [ج ۴]
 ۷۷۹-۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۰،
 ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۹،
 ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۵، ۸۱۹،
 ۸۲۱
 رشیدالسلطان [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸،
 ۹۵۵
 رشیدالملک [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۳] ۷۰۱
- ذکاءالملک [ج ۱] ۱۷۸، [ج ۴] ۷۷۸،
 ۸۹۱

- ۷۸۵، ۷۷۹ [ج ۴]، ۷۶۰، ۷۴۹
 رفت الدوله [ج ۳] ۷۲۹، ۶۴۹
 رفت نظام [ج ۳] ۷۶۳
 رکن الدوله [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۲] ۴۶۷،
 [ج ۳] ۵۶۷، ۵۷۸، ۵۸۰، ۶۰۰،
 ۶۴۷، ۷۲۹، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۱۱،
 ۸۳۳، ۹۰۷، ۹۳۰، ۹۷۰
 رنکینگ (لفتنت) [ج ۱] ۱۳۹، [ج ۴]
 ۸۱۱
 روتر [ج ۴] ۹۴۲
 رومانوسکی [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴،
 ۷۰۵
 ری (کاپیتان) [ج ۳] ۷۶۴، [ج ۴] ۸۰۶
 زاپولسکی - زپولسکی (کاپیتان) [ج ۳]
 ۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۵، ۷۰۶
 زایر خزر - زایر خدر (زایر خضر) [ج]
 ۸۹۴، ۹۴۱
 زایر قادر (زایر خدر؟) [ج ۳] ۷۱۶
 زیقتر - زیگلر [ج ۱] ۱۳۹، ۱۵۷،
 ۲۷۲
 زرژ (پادشاه انگلیس) [ج ۴] ۸۵۴
 سابیلین - سبلین [ج ۱] ۳۱۹، ۳۲۰،
 ۳۲۲، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۴۴،
 ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۶، ۴۰۳،
 ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۳، ۴۲۵،
 ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۳، ۴۷۳،
 ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۲۷، ۵۲۹،
 [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۴۸،
 ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۸۲، ۵۸۴،
 ۵۸۵، ۵۸۹، ۶۰۶، ۶۰۸، ۶۱۰،
 ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۲۱،
 ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲،
 ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۵۲،
 ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۸۱، ۶۸۳-۶۸۵،
 ۶۹۳، ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۲۱، ۷۲۶،
 ۷۳۵
 سازانوف [ج ۳] ۵۸۴، ۵۸۵، ۶۵۲،
 ۶۵۵، ۶۹۷، ۷۳۸، ۷۴۸، [ج ۴]
 ۸۳۹، ۹۲۰، ۹۲۱
 ساعدالدوله [ج ۱] ۴۳
 سالار ارفع [ج ۲] ۳۸۳ (نک: سردار ظفر)
 سالار اشرف [ج ۲] ۴۳۰
 سالارالدوله [ج ۱] ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶،
 ۱۷۵، [ج ۴] ۹۳۲
 سالارالسلطان [ج ۱] ۲۸، ۱۷۵، ۱۷۶،
 [ج ۲] ۳۸۵
 سالارخان [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷،
 ۶۰۰، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲
 سالار مسعود [ج ۴] ۸۲۳
 سالار معزز [ج ۳] ۵۶۷، ۷۲۹
 سالار مکرم [ج ۱] ۱۲۴، [ج ۳] ۷۲۹
 سالار مؤید [ج ۴] ۹۳۹
 سامانی (جواد) [ج ۲] ۵۴۰
 ساکس-سایکس (ماژور) [ج ۱] ۳۴، [ج]
 ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۶۷، ۴۶۸،
 [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴، [ج ۴]
 ۷۹۶، ۸۳۰
 سپهدار - سپهدار اعظم [ج ۱] ۲۴،
 ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸، [ج ۲]
 ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱، ۴۲۵، ۴۵۹،
 ۴۶۰، ۴۶۱، ۵۲۱، ۵۲۹، [ج ۳]
 ۵۴۱-۵۴۷، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۷۳،
 ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۸۹،
 ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۰۷-۶۰۹، ۶۱۱-

۸۵۴، ۸۴۶، ۸۴۵، ۸۲۸، ۸۲۶	۶۲۹، ۶۲۷، ۶۲۴، ۶۲۲، ۶۱۴
۸۸۴، ۸۸۳، ۸۷۳، ۸۶۸، ۸۵۵	۶۸۶، ۶۸۴-۶۸۱، ۶۴۵-۶۴۱
۹۱۲، ۹۰۶، ۸۹۱، ۸۸۹، ۸۸۸	۷۰۷-۷۰۴، ۷۰۱، ۶۸۹، ۶۸۷
۹۵۴، ۹۳۹-۹۲۷، ۹۲۲، ۹۱۶	۷۱۴، ۷۱۲، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶
۹۶۷	۷۲۹، ۷۲۸، ۷۳۳-۷۳۱، ۷۴۱
سردار اشجع - سردار اشجع بختیاری	۷۴۳، ۷۴۵، ۷۵۸، [ج ۴] ۷۷۸
[ج ۴] ۸۱۱، ۸۲۴، ۸۴۵، ۸۴۶	۷۸۲، ۷۸۴، ۸۰۲، ۸۰۹، ۸۹۵
۹۰۸، ۹۳۰، ۹۵۶، ۹۶۸	۸۵۴، ۸۵۵، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹
سردار افخم [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶	۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۱۳، ۹۳۰
سردار اکرم [ج ۴] ۸۸۵، ۹۴۰	سپهسالار [ج ۱] ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵
سردار امجد [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳	۲۸۴، [ج ۲] ۴۲۸، ۴۶۹، ۵۰۹
سردار بهادر (پسر سردار اسعد) [ج ۴]	ستارخان [ج ۱] ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۶
۷۸۵، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۲۱، ۸۳۳	۳۲۸، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۸۷، ۳۹۱
۸۴۵، ۸۵۵، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۰۶	۴۰۹، ۴۴۶، ۴۶۲، ۴۶۴، ۴۸۹
۹۱۸	۴۹۳، ۴۹۶، ۴۹۸، ۵۱۵، ۵۱۶
سردار جنگ - سردار جنگ بختیاری [ج ۳]	[ج ۳] ۵۵۸-۵۵۶، ۵۷۱، ۵۷۶
۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۶	۵۸۵، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۹، ۶۰۸
۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۴۶	۶۲۷، ۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۲
۸۵۶، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹	۷۰۱، ۷۱۹، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۳
۹۷۰	۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۸
سردار سعیدخان [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۴	۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۴، ۸۱۴
سردار سعیدخان (کپی) [ج ۱] ۱۵۹	۸۱۶-۸۱۹، ۸۲۴-۸۲۷، ۸۳۳
سردار ظفر [ج ۲] ۳۶۵، ۴۱۳، [ج ۴]	۸۹۷، ۹۰۶، ۹۱۶-۹۱۹، ۹۲۸
۸۳۴، ۹۱۳، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۵۷	سردار ارفع [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۵۶۸
(نک: سالار ارفع)	۷۶۵
سردار ظفر بختیاری [ج ۴] ۸۷۲، ۹۲۹	سردار اسعد [ج ۱] ۲، [ج ۲] ۴۳۳، ۴۵۱
سردار فیروز [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶	۵۱۸، ۵۲۳، ۵۴۰، [ج ۳] ۵۷۲
۳۲۳، [ج ۲] ۴۸۶، ۴۳۱	۵۷۹-۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۵۸۹
سردار محتشم [ج ۳] ۵۸۳، ۶۰۱، [ج ۴]	۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۳
۹۳۱	۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴
سردار مسعود [ج ۳] ۶۱۵	۶۲۷، ۶۳۶-۶۴۵، ۶۸۱-۶۸۴
سردار معتضد (بهجت الملک) [ج ۱]	۶۸۶، ۶۸۷، ۷۰۴-۷۰۷، ۷۱۰
۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰، [ج ۲]	۷۱۴، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۶، ۷۳۰
۴۱۳، ۴۲۹	۷۳۳، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۷۳
سردار معتمد [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰	[ج ۴] ۷۸۳، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۹

- ۷۷۴ [ج ۴]، ۷۶۳، ۷۴۸-۷۴۶
 ۷۷۶، ۷۸۲، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۶۷، ۸۶۸
 سپه‌ام السلطنه [ج ۲] ۵۲۳
 سید [ج ۲] ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۷۹
 [ج ۳] ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۲۹
 سید ابوالحسن [ج ۳] ۵۶۹
 سید احمد (دستکی) [ج ۱] ۱۷۵
 سید اسدالله [ج ۳] ۷۱۴، ۷۲۳، ۷۴۷
 سید اسدالله نجفی [ج ۳] ۶۱۲
 سید اکبر [ج ۱] ۱۷۴
 سید جعفر [ج ۳] ۵۶۹
 سید جمال‌الدین (واعظ) [ج ۱] ۴۱، ۲۱۶
 سید حسن [ج ۱] ۲۶۲
 سید حسین لاری [ج ۲] ۴۱۰
 سید شبر [ج ۳] ۷۲۳ (نک: شیخ شبر)
 سید شهاب [ج ۱] ۱۲۸
 سید عبدالله - سید عبدالله مجتهد [ج ۳]
 [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۷۴، ۸۷۹، ۸۹۷، ۹۰۵، ۹۱۲
 ۹۱۴، ۹۲۵ (نک: آقا سید عبدالله مجتهد)
 سید عبدالحسین [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۴، ۶۰۲
 سید عبدالحسین لاری [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵
 [ج ۲] ۳۵۳، ۴۳۱، [ج ۳] ۶۰۵، ۶۱۵، ۶۲۶، ۶۲۷
 ۶۲۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۵۸
 ۷۶۳ [ج ۴] ۷۸۹
 سید عبدالصاحب [ج ۳] ۷۱۶
 سید علی یزدی [ج ۱] ۱۴۵
 سید کمال‌الدین [ج ۳] ۷۱۱
 سید لاری [ج ۲] ۳۸۵، ۴۳۱، ۴۶۵، ۷۲۸ [ج ۳]
 سردار مظفر [ج ۳] ۵۶۶
 سردار منصور [ج ۱] ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 [ج ۲] ۳۸۰، ۴۲۶، ۴۶۰
 [ج ۳] ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۶۷، ۸۶۵
 سردار محیی (معزالسلطان) [ج ۴] ۹۰۷، ۹۱۶ - ۹۱۸
 سردار ناصر [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲
 سردار نصرت [ج ۲] ۵۲۸، [ج ۴] ۹۷۰، ۹۷۱
 سردار همایون [ج ۱] ۱۷۴، [ج ۲] ۴۲۶، ۴۵۹، ۴۶۰
 سعدالدوله [ج ۱] ۱۶، ۲۵، ۷۸، ۸۱، ۸۶-۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 [ج ۲] ۳۴۴، ۳۶۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۴۱، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۷۳، ۴۸۲، ۴۸۷، ۵۱۷، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۳، ۵۴۰
 [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۷، ۵۵۰-۵۵۹، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۶۴-۵۷۳، ۵۷۴، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۱۰، ۶۱۳، ۶۲۲، ۶۳۷-۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۸۰، ۶۸۲، ۷۰۴، ۷۱۷، ۷۴۴
 سعدالسلطنه [ج ۱] ۳۲۲
 سعدالملک [ج ۳] ۷۴۳
 سعیدالسلطنه [ج ۱] ۹۵
 سعیدالمالک [ج ۲] ۵۹۹
 سلطانعلی‌خان وزیر دربار [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸
 سلیمان میرزا [ج ۱] ۲۱۷
 سلیم‌خان بهادرالسلطنه [ج ۲] ۳۸۸
 سپه‌ام‌الدوله [ج ۳] ۶۶۵، ۷۳۲، ۷۴۱

۴۷۱. [ج ۳] ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۶،
 ۶۱۹، ۷۱۳، ۷۳۳، ۷۴۱
 سید محمد [ج ۱] ۲۰۰، ۲۸۳، [ج ۳]
 ۷۱۳
 سیدمرتضی [ج ۲] ۴۴۴، ۴۵۱، ۴۵۲،
 ۴۷۷، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، ۷۱۶،
 [ج ۴] ۹۶۴
 سیدمرتضی احمدی [ج ۳] ۷۴۷ (نک:
 سید مرتضی)
 شاپشال [ج ۱] ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
 شادجهان (شاه جهانیان) - پرویز [ج ۱]
 ۲۷، ۳۵، ۱۶۲
 شاهزاده فرمانفرما [ج ۲] ۳۶۹، ۳۷۰،
 ۴۳۲، ۴۵۳ (نک: فرمانفرما)
 شاهزاده نایب السلطنه [ج ۲] ۳۴۶ (نک:
 نایب السلطنه)
 شجاع التولیه [ج ۳] ۶۴۷
 شجاع الملک [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، [ج ۳]
 ۷۲۹، ۷۴۵
 شجاع نظام [ج ۱] ۳۰۹، ۳۲۴، [ج ۲]
 ۳۸۹
 شجاع الملک [ج ۳] ۷۲۹
 شعاع السلطنه [ج ۱] ۱۴، ۱۵، ۱۵۲،
 ۱۵۶، [ج ۲] ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۶۰
 شکرالله [ج ۳] ۸۰۸
 شکسپیر (کاپیتان) [ج ۲] ۴۶۵
 شهاب الدوله (اسدالله میرزا) [ج ۴] ۷۷۳
 (نک: اسدالله میرزا)
 شهاب السلطنه [ج ۴] ۹۶۹
 شوکت الدوله [ج ۱] ۱۲۴
 شوکت الملک [ج ۳] ۷۲۹
 شیپلی [ج ۴] ۸۲۷، ۸۳۳
 شیخ آقا (مجتهد) [ج ۴] ۷۹۵
 شیخ اسماعیل هشتروندی [ج ۴] ۸۹۰
 شیخ رئیس [ج ۱] ۹، ۲۳، ۱۹۵، ۲۳۸
 شیخ حسین چاه کوتائی [ج ۳] ۷۱۶
 شیخ خزعل [ج ۴] ۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲
 شیخ زکریا [ج ۲] ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳]
 ۷۱۳، ۹۴۱
 شیخ شبر [ج ۳] ۵۶۸ (نک: سید شبر)
 شیخ عبدالله زنجانی (ج ۳) ۷۲۲
 شیخ علی [ج ۳] ۷۳۴
 شیخ علی دشتی [ج ۳] ۷۳۳
 شیخ فضل الله [ج ۱] ۵۱، ۵۸، ۷۳،
 ۱۴۵ [ج ۲] ۳۴۶، ۴۱۲، ۴۲۹،
 [ج ۳] ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۹۹، ۷۰۰،
 ۷۰۷
 شیخ محمدحسین یزدی [ج ۳] ۷۲۸
 شیخ محمود [ج ۱] ۲۹
 شیخ نزقور [ج ۴] ۹۶۲
 شیرخان [ج ۲] ۵۴۳
 صاحب اختیار [ج ۱] ۱۳۹، ۱۶۹-۱۷۱،
 ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۰۵، ۳۲۲، [ج ۲]
 ۶۷۰، [ج ۳] ۶۰۲
 صارم الدوله [ج ۳] ۷۳۰
 صارم الملک [پسر ارشد سردار ظفر]
 [ج ۴] ۹۴۰، ۹۷۰
 صارم الممالک [ج ۴] ۹۰۹
 صدراعظم [ج ۳] ۵۵۱
 صدرالدین بیگ [ج ۲] ۳۷۸، ۴۴۲
 صدرالعلماء [ج ۲] ۳۸۴
 صدیق الحرم [ج ۱] ۲۶۲
 صدیق حضرت [ج ۳] ۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸
 صدیق السلطنه [ج ۳] ۷۲۸
 صمدخان [ج ۲] ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲،
 ۴۶۳، ۴۸۲، ۴۹۳، ۴۹۹، ۵۰۰

۹۲۵، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۳	۵۹۳، ۵۹۱، ۵۴۷ [ج ۳]، ۵۱۴
۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۵، ۹۴۶	۵۹۴، ۷۰۸، ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۰
۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۷، ۹۷۲	[ج ۴] ۷۷۹، ۸۲۱
صولت‌الملک [ج ۴] ۷۸۹	صمصام [ج ۲] ۴۳۲
	صمصام‌خان [ج ۲] ۲۵۱
	صمصام‌السلطنه [ج ۱] ۵۴، ۸۱، [ج ۲]
ضرغام [ج ۳] ۷۳۶	۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۶-۳۷۰، ۳۸۳
ضرغام بختیاری (حسین‌خان) [ج ۳]	۳۹۳، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۱، ۴۱۳
۷۶۲	۴۲۲، ۴۵۳، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۱۵
ضرغام‌السلطنه [ج ۲] ۴۰۷، ۴۰۶، ۳۶۳	۵۱۸، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۳۱، [ج ۳]
ضرغام‌السلطنه بختیاری [ج ۴] ۹۱۶	۵۷۲، ۵۸۳، ۵۹۵، ۶۰۱، ۶۳۱
ضیغم‌الدوله [ج ۴] ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۷	۶۳۸، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۳۰
۸۷۲، ۸۸۸، ۸۹۴، ۹۰۸، ۹۱۳	[ج ۴] ۷۶۲، ۷۸۵، ۷۹۷، ۷۹۸
۹۲۳، ۹۷۰	صمصام‌الملک [ج ۲] ۳۸۴
	صمصام‌الممالک [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴]
	۹۰۲، ۹۶۰
ظفر‌السلطنه [ج ۱] ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴	صنیع‌الدوله [ج ۱] ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹
۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱	۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳
[ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۴۶	۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰
۸۵۶، ۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۶، ۹۰۰	۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸، [ج ۲] ۳۸۰
۹۰۴، ۹۱۳، ۹۳۲، ۹۳۳	۵۲۹، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۰۷
ظال‌السلطان [ج ۱] ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲	۷۲۷، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴
۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۴۱، ۱۳۴، ۱۳۰	۸۶۷، ۹۴۴، ۹۵۶
۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰	صنیع‌حضرت [ج ۳] ۶۳۶، ۶۴۳، ۷۰۰
۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶-۱۷۷	۷۰۷
۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷	صولت‌الدوله [ج ۲] ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴
۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰	۴۳۲، ۴۷۲، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳]
۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷	۶۰۲-۶۰۴، ۶۳۴، ۶۵۰، ۶۵۳
[ج ۲] ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲	۷۱۳-۷۱۵، ۷۲۶، ۷۳۲، ۷۳۳
۳۸۰، [ج ۳] ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۷۹	۷۴۶، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۸
۵۸۱، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۸، ۶۱۹	۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۸-۸۱۰
۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳	۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲
۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵	۸۳۵، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶
۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۸، ۷۱۳، ۷۱۴	۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۴	۸۹۴، ۹۰۸-۹۱۰، ۹۱۳، ۹۲۲

- ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۹۵، ۵۹۹، ۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۹۰، ۶۹۹، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۹، ۸۹۱، ۹۳۱، ۹۶۶
 ظهیرالدوله [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹، [ج ۳] ۶۵۰، ۷۳۱، [ج ۴] ۷۹۸
 ظهیرالسلطان [ج ۴] ۹۵۶، ۹۶۸، ظهیرالملک [ج ۲] ۵۳۳، [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۴۶
 عباس آقا (قاتل اتابک) [ج ۱] ۹۴، عباس خان افشار [ج ۱] ۱۵۸، عباس خان چناری [ج ۴] ۹۴۰، عباسقلی [ج ۴] ۸۸۹
 عباسقلی خان [ج ۱] ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲، [ج ۲] ۳۴۶، [ج ۴] ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۸۷
 عباسقلی خان نواب [ج ۱] ۲۶۴، [ج ۴] ۸۸۶، عبدالرحیم (حاجی) [ج ۱] ۳۸، [ج ۲] ۳۸۳
 عدل الدوله [ج ۲] ۴۳۰، [ج ۳] ۷۱۰، عدیل الملک [ج ۱] ۱۷۴، عضدالملک [ج ۱] ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲-۲۱۵، [ج ۳] ۶۲۴، ۶۲۶، ۶۸۴، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۸۳، ۹۳۷
 عطاءالدوله [ج ۱] ۳۲۳، [ج ۲] ۳۸۵، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۵۰، ۷۱۳، ۷۱۴
 علاءالدوله [ج ۱] ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱، ۲۱۴-۲۱۷، ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۷۰۹، غریب خان [ج ۱] ۸۱، [ج ۳] ۷۰۹
 علاءالسلطنه (محمدعلی) [ج ۱] ۲۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱-۳۰۳، ۳۳۰، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۷۲، ۴۱۲، [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۴، ۸۲۱
 علاءالملک (محمودخان) [ج ۱] ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۶۹۰، علم الهدی [ج ۲] ۵۳۳، علی جان (چلییانلو) [ج ۱] ۲۲، ۲۸، علی خان [ج ۴] ۷۹۸، علی خان (سرتیپ) [ج ۴] ۸۶۴، علیقلی [ج ۳] ۶۸۹، (نک: سردار اسعد) علیقلی خان (حاج) [ج ۲] ۵۴۰، [ج ۳] ۵۶۹، (نک: سردار اسعد) عمیدالحکماء [ج ۴] ۷۷۸، عمیدالسلطان [ج ۲] ۴۶۰، [ج ۴] ۷۸۵، عین الدوله [ج ۱] ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷، ۵۶۶، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۹، ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۹۹، ۷۴۳، ۷۴۴، [ج ۴] ۹۰۰، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۶، ۹۴۱، ۹۴۴، ۹۵۶

- غفارخان [ج ۴] ۷۷۹
غفاری (محمد ابراهیم) [ج ۴] ۸۲۲
غلامحسین خان وراوی [ج ۴] ۷۸۹، ۹۶۲
غلامعلی [ج ۳] ۶۰۰
- فاتح السلطنه [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۷۰۹
فاضل [ج ۳] ۷۴۴
فتح الملك [ج ۴] ۸۰۸
فخر الملك [ج ۳] ۷۶۵
فرانکلین (کاپیتان) [ج ۲] ۳۸۱، ۳۸۲
فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) [ج ۱] ۳۵
فردوسی [ج ۳] ۶۴۱
فرمانفرما [ج ۱] ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۹، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۵۹۵، ۵۹۷، ۶۳۱، ۶۷۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۲۴، ۸۸۰، ۸۸۱، ۹۰۶، ۹۲۹، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۴، ۹۵۶ (نک: شامزاده فرمانفرما)
فریدون (زرتشتی کشته شده) [ج ۱] ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
- قائم مقام [ج ۱] ۱۴۶، ۱۶۹
قاسم آقا (سرتیپ) [ج ۳] ۵۶۶
- قلی خان [ج ۲] ۷۰۱
قوام [ج ۱] ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶، [ج ۲] ۴۲۱، ۴۷۱، [ج ۳] ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۱۳، ۶۵۰، ۷۱۴، ۷۱۵
قوام الدوله [ج ۱] ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰، [ج ۲] ۴۲۸، [ج ۴] ۸۶۹
قوام السلطنه [ج ۴] ۸۵۵، ۹۰۶
قوام الملك [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸، [ج ۲] ۴۳۱، ۵۳۴، [ج ۳] ۷۱۳، ۷۳۰-۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۲۵، ۸۷۲، ۸۹۳، ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۶۰
- کادلوبیکی (?) [ج ۴] ۷۸۷
کارتیرایت (سر) [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۳۳، ۶۳۵
کاره [ج ۱] ۱۵
کاشف السلطنه [ج ۳] ۶۷۴
کاظمی [ج ۴] ۸۰۸
کاکس (ماژور) [ج ۱] ۲۸۶، [ج ۲] ۴۵۱، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۸، ۵۳۶، [ج ۳] ۶۱۶، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۶ کلنل کاکس [ج ۴] ۹۶۱، ۹۶۲
کاکلس (ماژور) [ج ۳] ۷۴۰ (کاکس؟)
کامران میرزا [ج ۱] ۱۴۰
کاولوبوسکی [ج ۳] ۷۶۵
کراسل (کاپیتان) [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲
کراسویت (لیوتنانت) ۷۳۲
کرنیت دوف (گرنیت دوف) [ج ۱] ۹، ۱۱
کرمتمس [ج ۳] ۷۱۵

- کری پون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
کریم خان (یرادرزاده رحیم خان) [ج ۲]
۴۲۶، ۴۶۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۰۸، ۸۲۱
کسوبا اینف (کاپیتان) [ج ۱] ۶۴
کلی [ج ۴] ۸۹۴
کولن گامبل [ج ۲] ۷۱۹
کون [ج ۲] ۷۵۵، ۷۵۶
کیخا حاصل [ج ۴] ۸۰۸
کیخا محمد علی [ج ۴] ۸۰۸
گاردنر [ج ۲] ۴۲۵، ۴۲۶
گامبل [ج ۳] ۷۲۱ (نک: کولن گامبل)
گای (ارنست) [ج ۱] ۲۱۹، ۲۵۲
گراهام - گراهام، گریهم، گرهام [ج ۱]
۲۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷
[ج ۲] ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۹۲، ۴۰۶-۴۰۸، ۴۲۲، ۴۲۴
[ج ۳] ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۷، ۶۳۷، ۶۴۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۱۱، ۷۲۷، ۸۳۴، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۴، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۲، ۹۰۸
گری (سر ادوارد) [ج ۳] ۷۲۱، ۷۳۵
[ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۶۰-۸۶۲
گنجعلی [ج ۴] ۸۲۳
گندلخان [ج ۴] ۹۱۲
لابینسکی [ج ۳] ۷۵۳
لتیلتن [ج ۴] ۸۰۶
لشکر نویس باشی [ج ۱] ۱۲۴
لمسن [ج ۲] ۳۸۴
لوتار (لوتر - سر) [ج ۳] ۵۵۵، ۵۵۶
لوریم (کاپیتان) [ج ۱] ۷۹
لیاخف (کلنل) [ج ۱] ۶۳، ۶۴، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۴۰، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۳۲۱
[ج ۳] ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۶، ۷۰۸، [ج ۴] ۷۸۳
نیس-اوسکی - لیسوسکی [ج ۱] ۸۲، [ج ۴] ۹۰۱-۹۰۳
لی گس [ج ۱] ۱۲۸
لمیتین [ج ۴] ۸۰۶
لینتن [ج ۲] ۵۳۵
لینچ - لنچ [ج ۱] ۸۱، ۸۲، ۲۸۳
لیندلی (دکتر) [ج ۱] ۱۶۸
لیوینگستون زیتون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
مؤتمن الملك [ج ۱] ۳۱، ۱۱۰، ۱۷۳، ۲۲۰
[ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۸
[ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۹۵۶
مؤیدالدوله [ج ۱] ۳۵، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۲۱
مؤیدالسلطنه [ج ۱] ۱۷۳، [ج ۲] ۶۰۱
مارابیل (خانم) [ج ۴] ۸۵۶
مارلینگت [ج ۲] ۳۹۶، [ج ۴] ۸۳۷، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۵۲، ۸۵۵، ۸۵۹، ۸۶۱، ۸۶۳، ۸۸۸، ۹۲۱، ۹۲۶، ۹۳۵
مجدالملك [ج ۱] ۸۱
مجلل السلطان [ج ۱] ۱۵۴
مجلل السلطنه [ج ۳] ۶۸۳، ۷۵۶
محتشم السلطنه [ج ۱] ۱۳، ۱۳۲، ۱۹۰

- محمدعلی نیشابوری [ج ۴] ۹۳۸، ۹۶۸
 محمدقلی خان [ج ۳] ۷۰۱
 مخبرالدوله [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۲۲، ۶۲۷ - ۶۴۰، ۶۴۳، ۷۰۷
 مخبرالسلطنه [ج ۱] ۳۲، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۷۳، ۱۷۸، ۲۳۶، [ج ۲] ۴۸۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۵۲، ۶۹۴، ۶۹۹، ۷۰۱، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۲۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۵۸
 مخبرالملك [ج ۳] ۶۷۴
 مختارالسلطنه [ج ۳] ۷۳۲
 مدبرالدوله [ج ۴] ۹۳۱، ۹۴۰
 مدبرالملك (میرزا علی خان) [ج ۲] ۳۳۴
 مرتضی قلی خان [ج ۱] ۲۴۶
 مرنارد [ج ۱] ۳۰، ۵۹، ۶۱، ۱۶۰، ۱۶۱، [ج ۴] ۸۹۰
 مساوات [ج ۱] ۲۳۹، ۲۴۵
 مستشارالدوله [ج ۱] ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۳۸، ۲۸۱، [ج ۳] ۵۵۹، ۵۹۷، ۶۷۴، ۷۲۷، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۳، ۸۴۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۹۱، ۹۵۶
 مستشارالسلطان [ج ۳] ۶۷۴
 مستشاردفتر [ج ۲] ۴۲۶
 مستوفی الممالك [ج ۱] ۸۱، ۱۱۰، ۱۸۶، ۲۲۰، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۴، ۶۳۱، ۶۴۰، ۶۷۴، ۷۰۷، ۷۲۶، [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۳۷، ۹۵۶
 مستشارالسلطنه [ج ۳] ۵۵۹، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۲۶
 مشیرالدوله [ج ۱] ۱۳، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۷۹، ۸۱، ۸۶، ۸۹، ۹۳، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۶، ۱۵۲
- [ج ۲] ۳۹۰، [ج ۳] ۵۷۷، [ج ۴] ۹۴۴، ۹۵۶
 محتشم الملك [ج ۱] ۱۷۴
 محمدآقا [ج ۱] ۱۵۷
 محمدباقر [ج ۳] ۷۱۶
 محمدبن عبدالله [ج ۳] ۶۶۸
 محمدحسن خان (حاکم دررود) [ج ۴] ۷۹۵
 محمدحسن میرزا [ج ۳] ۶۹۶، ۷۲۵، ۷۲۸
 محمدخان [ج ۱] ۱۴۳
 محمدخان (منشی قنصلگری انگلیس) [ج ۴] ۷۹۴
 محمدخان دولت آبادی [ج ۳] ۶۰۰
 محمدرضاخان [ج ۱] ۲۵، [ج ۴] ۹۶۰
 محمدعلی [ج ۲] ۴۱۰، ۴۱۱، ۵۳۰، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۵۵، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۴۱ (نک: محمدعلی شاه، محمدعلی میرزا)
 محمدعلی بیگ [ج ۳] ۷۰۱
 محمدعلی شاه [ج ۲] ۳۴۸، ۳۷۵، ۳۷۹، ۴۷۶، [ج ۳] ۶۲۲، ۶۲۴، ۷۰۰، ۷۲۹، ۷۳۷، ۷۵۴، [ج ۴] ۸۵۲
 محمدعلی شاه قاجار [ج ۳] ۵۶۲، ۵۹۰، ۶۸۰
 محمدعلی میرزا [ج ۱] ۳، ۲۰، ۱۰۳، ۲۴۳، ۳۰۷، [ج ۳] ۶۲۳، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۳۲-۶۳۴، ۶۵۲، ۶۶۳، ۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۷، ۷۰۰-۷۰۳، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۷، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۸، [ج ۴] ۸۶۴ (نک: محمدعلی شاه، محمدعلی شاه قاجار، محمدعلی)

- ۱۶۰-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۲،
 ۱۸۵، ۱۸۹، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰،
 ۲۶۵، [ج ۲] ۴۱۲، [ج ۳] ۵۶۱،
 ۵۶۵، ۵۹۷، ۶۷۴، [ج ۴] ۷۷۸،
 ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶
 مشیرالسلطنه [ج ۱] ۸۱، ۲۲۰، ۲۴۰،
 ۲۶۸، ۳۰۰، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸،
 ۵۲۸، [ج ۳] ۵۵۳، ۵۶۳، [ج ۴]
 ۷۸۳
 مشیرالملك [ج ۱] ۳۱، [ج ۲] ۷۱۳
 مشیرالممالك [ج ۱] ۳۵، [ج ۲] ۳۸۴
 مصباح السلطان [ج ۳] ۷۵۶
 مصطفى میرزا [ج ۳] ۷۴۵
 مظفرالدوله [ج ۲] ۳۸۹
 مظفرالدینشاه [ج ۳] ۶۹۰
 مظفرنظام [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴
 معاضدالسلطنه [ج ۱] ۲۶۲، ۳۲۲، [ج
 ۴] ۷۷۸
 معاونالدوله [ج ۱] ۳۲، [ج ۴] ۸۲۷،
 ۸۴۴، ۸۵۴، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۷
 معاونالممالك [ج ۴] ۹۰۸
 معتمدخاقان [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۸۵۵،
 ۸۶۵، ۸۶۷، ۹۵۶
 معتمد دیوان [ج ۱] ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۳،
 ۱۷۵، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۶
 معتمد همايون [ج ۲] ۵۴۰
 معدالممالك [ج ۲] ۴۰۶
 معزالسلطان [ج ۲] ۴۲۶، ۴۶۰
 معزالملك [ج ۴] ۹۵۶
 معیرالممالك [ج ۴] ۸۳۳
 معینالاسلام [ج ۲] ۵۳۴
 معینالدوله [ج ۱] ۱۴۰، [ج ۳] ۶۷۴،
 ۷۴۴
 معینالرعايا [ج ۳] ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۴۶
 معینالسلطان [ج ۳] ۷۴۳
 معینالغریباء [ج ۴] ۷۹۴-۷۹۶، ۸۳۰
 معینالوزاره [ج ۱] ۲۳۹
 مشاخرالملك [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۲، [ج ۳]
 ۵۷۳، ۶۳۶، ۶۳۹، ۶۴۲، ۶۸۳،
 ۷۰۰، ۷۰۷
 مفتاح السلطنه [ج ۱] ۲۲۷، ۲۴۶، ۲۶۲،
 ۲۶۳
 مقتدرنظام [ج ۱] ۱۵۴، [ج ۳] ۶۴۳
 مك موری [ج ۴] ۹۱۱
 ملاحسینعلی [ج ۴] ۷۹۵
 ملا خورشید [ج ۴] ۸۰۸
 ملا سلیمان [ج ۴] ۷۹۵
 ملا عبدالکریم [ج ۴] ۷۹۵
 ملا علی پناه [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قباد [ج ۴] ۸۰۸
 ملا قربانعلی [ج ۳] ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴]
 ۷۸۵
 ملا محمد آملی [ج ۳] ۶۴۳
 ملا محمد کاظم خراسانی [ج ۳] ۷۳۲
 ملا مهدی [ج ۱] ۴۶، ۴۷، [ج ۳] ۵۶۷
 ملت (مستر) [ج ۲] ۴۸۰
 ملك المتكلمين [ج ۱] ۱۴۰، ۲۱۶، ۲۳۹،
 ۲۴۶
 ملینکان (دکتر) [ج ۱] ۲۳۸
 ممتازالدوله [ج ۱] ۱۷۸، ۲۱۲، ۲۴۶،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۳، ۹۵۶
 منتصرالدوله [ج ۴] ۹۵۹
 منتظمالدوله [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۴] ۷۹۸،
 ۷۶۹
 منصورالسلطنه [ج ۳] ۶۰۲
 منصورالسلطنه عرب [ج ۴] ۷۸۷
 منصورالملك [ج ۱] ۱۷۵
 موار (مستر) [ج ۳] ۵۹۳
 موثقالدوله [ج ۳] ۶۹۰، ۷۰۴، ۷۰۷
 مورلی (لردویکنت) [ج ۳] ۷۱۹، ۷۲۱

- مورلی بلك برون (ویکنت) [ج ۳] ۶۹۵
(نک: مورلی)
موقر السلطنه [ج ۳] ۷۵۶
مهدی خان [ج ۱] ۹۶
مهدی خان قفقازی [ج ۴] ۷۹۸
مهندس الممالك [ج ۱] ۲۲، ۸۱، [ج ۲]
۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۵۶۱، ۵۶۵، ۶۷۴
میدلتن [ج ۳] ۷۳۲
میربرکت - میربرکت خان [ج ۳] ۶۰۵،
[ج ۴] ۹۴۵
میریابان [ج ۴] ۹۴۵
میرپنج [ج ۲] ۴۶۶، ۴۶۷
میرپنجه [ج ۳] ۷۱۶
میرزا ابراهیم [ج ۲] ۵۳۴
میرزا ابراهیم خان [ج ۴] ۷۷۸
میرزا بابا [ج ۳] ۷۴۴
میرزا حسن خان (اصفهبانی) [ج ۱] ۲
میرزا سید ابوالقاسم خان [ج ۱] ۲
میرزا علی اکبر خان [ج ۱] ۲۶۲
میرزا علی محمد خان [ج ۴] ۹۰۶، ۹۱۴
میرزا کاریز خان [ج ۱] ۲۶۸
میرزا کاظم خان [ج ۱] ۲۸۶
میرزا محمود خان [ج ۱] ۲
میرزا مهدی خان [ج ۴] ۸۴۱، ۸۴۷
میرهاشم [ج ۳] ۷۰۰، ۷۲۸
میلر [ج ۲] ۵۲۷
ناتان [ج ۴] ۸۳۵
ناصرالدین شاه [ج ۱] ۶۵، ۸۹، [ج ۳]
۶۹۸
ناصر السلطنه [ج ۱] ۲۸۷
ناصر الملك [ج ۱] ۲۵، ۳۲، ۸۱، ۸۴،
۸۶، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲
ناظم [ج ۱] ۱۳۸، ۱۵۸، [ج ۲] ۴۷۰
ناظم التجار [ج ۱] ۱۱۲، ۳۲۲
ناکس (مستر) [ج ۴] ۸۸۱، ۹۰۱، ۹۰۴
نایب [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۰، ۹۵۸، ۹۶۹
نایب حسین [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۵۷۶،
۷۴۵، ۷۶۲ [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۲،
۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۵، ۹۴۴،
۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۵۹، ۹۶۷، ۹۶۹
نایب حسین کاشی [ج ۴] ۸۹۳، ۹۰۹،
۹۳۹
نایب السلطنه [ج ۲] ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۲۱،
[ج ۳] ۵۵۱-۵۵۳، ۵۶۳، ۵۶۴، ۶۲۲،
۶۳۵، ۶۸۳، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۴۳،
[ج ۴] ۷۷۷، ۸۰۲، ۸۳۳، ۸۳۹، ۸۴۰،
۸۶۹، ۸۸۹، ۸۹۱، ۹۲۲، ۹۲۴، ۹۲۹،
۹۳۶، ۹۳۷، ۹۶۳
نایب السلطنه (عموی شاه) [ج ۳] ۷۰۸،
۷۱۲
نایب الصدر [ج ۱] ۲۸۶
نایب یوسف [ج ۳] ۵۷۶
نراتوف [ج ۳] ۷۴۷
نصرالدوله [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۲] ۴۶۸،
۴۷۱، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹،
۶۰۳-۶۰۵، ۶۵۰، ۶۵۱، ۷۶۳، ۷۶۶ [ج ۴]
۸۶۶، ۹۶۱
نصرت السلطان [ج ۴] ۹۱۲

- نصرت‌الممالك [ج ۳] ۷۳۱
 نصیرالملک [ج ۲] ۵۲۴، [ج ۴] ۸۲۵، ۹۶۰، ۹۶۱
 نظام‌السلطنه [ج ۱] ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲-
 ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، [ج ۳]
 ۶۰۲، ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۳۱، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۳۴، ۸۸۱، ۸۸۵، ۸۸۶، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۶۶، ۹۷۰، ۹۷۱
 نظام‌الملک [ج ۱] ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱، [ج ۲] ۴۱۲، ۴۲۸، [ج ۳] ۶۹۰
 نظربیگ‌اوف [ج ۳] ۵۹۳
 نظرعلی‌خان [ج ۳] ۷۱۱
 نظرعمرائی [ج ۴] ۹۳۲
 نظم‌الدوله [ج ۳] ۶۷۴
 نعمت‌الله (قاتل قوام‌الملک) [ج ۱] ۱۷۵
 نقیب‌السادات [ج ۱] ۵۱
 نلسون [ج ۳] ۶۴۱
 نواب (حسینقلی‌خان) [ج ۳] ۵۹۶، [ج ۴] ۹۱۵
 نوز [ج ۱] ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳، [ج ۲] ۳۹۶
 نیرالدوله [ج ۱] ۵۴، ۱۳۲، [ج ۲] ۴۶۷، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۷۹۶
 نیکراسو [ج ۳] ۷۵۵
 نیکلسون [ج ۲] ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۴۸، ۴۹۵، ۴۹۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۴-۵۴۶، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۷، ۷۵۰-
 ۷۵۳، ۷۵۵-۷۵۷، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۱۲-۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۹۸
 نیلکان (دکتر) [ج ۳] ۶۸۵
 وادبولسکی - وارپولسکی (پرنس - کلنل پرنس) [ج ۴] ۷۸۳، ۹۱۵
 (نک: پالکونیک)
 وثوق‌الدوله [ج ۳] ۷۰۴، ۷۲۷، ۷۵۹، [ج ۴] ۷۷۸، ۷۸۴، ۸۵۴، ۸۶۷، ۹۳۶
 وحیدالملک [ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۷۷۸، ۸۴۵
 وزیر افغم (سلطانعلی‌خان) [ج ۱] ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
 وزیر اکرم [ج ۱] ۲۴، ۴۴، ۱۱۰، [ج ۳] ۷۲۸
 وزیر مخصوص [ج ۱] ۸۱
 وزیر همایون [ج ۱] ۳۲، ۸۱
 وکیل‌الرعايا [ج ۴] ۸۶۸، ۸۹۰، ۸۹۱، ۹۲۸
 ولات (دکتر) [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۸
 ولیعهد [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۹۰، ۶۹۶، ۷۰۷، ۷۲۵، ۷۲۸
 ویکتوریا (ملکه انگلیس) [ج ۳] ۶۹۸
 ویلسن (لیوتنانت) [ج ۱] ۱۳۹
 ویکسون (و کمپانی) [ج ۳] ۶۵۶
 هارت‌ویگت (هارت‌ویک) [ج ۱] ۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱-۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲-۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۰، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۱۴ - ۳۱۷، ۳۲۵ - ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۶

هاردیک (سر چارلز) [ج ۴] ۸۴۷

هاردینگ (سر - هاردیک؟) [ج ۲]

۵۲۲، ۵۱۹، ۳۹۳

هاکینز [ج ۱] ۲۵۲

هاورت، هاوارت، هاورس (کاپیتان) [ج]

[۱] ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۲۸، ۱۹۰

[ج ۲] ۴۳۱، ۴۴۶، ۴۷۰، ۵۳۲

۵۳۳

های نیک (کاپیتان) [ج ۱] ۱۲۷، ۱۲۸

هرمز میرزا [ج ۱] ۲۱۴

هونر (کاپیتان) [ج ۳] ۵۶۷

یاور اسدالله ۵۶۷ (نک: اسدالله)

یپرم - یپرم خان - یفرم - یفرم خان [ج]

[۳] ۷۰۷، ۷۴۳، ۷۵۸، ۷۶۰، [ج]

[۴] ۷۸۵، ۷۹۷، ۸۰۹، ۸۱۰

۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۷، ۸۳۳، ۸۳۸

۸۴۵، ۸۵۵، ۸۷۸، ۸۸۹، ۸۹۱

۹۱۶ - ۹۱۸

یحیی میرزا [ج ۳] ۷۲۸

یوسف [ج ۳] ۵۵۸، ۵۷۶

یوسف خان [ج ۳] ۶۸۴

نام جایها

،۴۲۲ ،۴۱۵ ،۴۱۰ ،۴۰۴ ،۴۰۳	آباد [ج ۲] ،۴۷۱ ،۴۷۲ [ج ۳] ،۶۳۴
،۴۴۹ ،۴۳۵ ،۴۳۱ ،۴۲۷ ،۴۲۴	،۶۷۶ ،۷۲۱ ،۷۳۰ ،۷۳۲ ،۷۴۶
،۵۶۶ ،۵۵۰ ،۵۴۳ [ج ۳] ،۴۸۶	[ج ۴] ،۸۳۶ ،۹۳۱ ،۹۳۳ ،۹۴۱
،۶۳۰ ،۶۲۶ ،۵۹۷ ،۵۹۶ ،۵۹۲	،۹۵۷ ،۹۶۹ ،۹۷۱
،۶۷۵ ،۶۷۰ ،۶۶۶ ،۶۵۱ ،۶۳۲	آب گنده (آب گندو) [ج ۳۰] ۶۶۱
،۷۲۵ ،۷۰۸ ،۷۰۷ ،۶۹۶ ،۶۹۵	آجی (رودخانه) [ج ۳] ۶۴۶
،۷۵۶ ،۷۵۴ ،۷۴۹ ،۷۴۳ ،۷۴۱	آذربایجان [ج ۱] ،۴۱ ،۴۳ ،۴۹ ،۵۳
[ج ۴] ،۷۶۵ ،۷۶۱ ،۷۶۰ ،۷۵۸	،۶۶ ،۷۲ ،۸۱ ،۹۴ ،۱۴۸ ،۲۶۲
،۸۱۹ ،۸۱۷ ،۸۱۰ ،۷۸۰-۷۷۸	،۲۶۶ ،۲۶۹ ،۲۷۳ ،۲۸۱ ،۲۸۴
،۸۸۹ ،۸۷۸ ،۸۶۹ ،۸۵۵ ،۸۵۲	،۲۸۵ ،۲۹۱ ،۳۰۳ ،۳۰۹ ،۳۱۵
۹۰۷	،۳۱۸ ،۳۲۰ ،۳۲۶-۳۲۹ ،۳۳۱
آستارا [ج ۱] ،۵۴ ،۱۳۷ ،۲۶۹ [ج ۲]	[ج ۲] ،۳۴۷ ،۳۴۸ ،۳۵۱ ،۳۶۰
،۷۵۴ ،۷۵۲ ،۶۷۵ [ج ۳] ،۴۸۷	،۳۶۱ ،۳۶۴ ،۳۶۸ ،۳۷۰ ،۳۷۱
،۷۷۷ ،۷۷۶ [ج ۴] ،۷۶۵ ،۷۵۶	،۳۸۶ ،۳۸۹ ،۳۹۰ ،۳۹۵ ،۴۰۱

۷۷۹، ۷۸۵

آشتیان [ج ۳] ۶۷۸

آشوراده [ج ۴] ۸۷۵

آلمان [ج ۳] ۶۹۷

آمل [ج ۳] ۶۸۰

ابرکو [ج ۲] ۴۷۱

ابهر [ج ۳] ۶۷۸

اترك [ج ۱] ۱۲۶

اتریش [ج ۲] ۳۵۸، ۳۵۹، [ج ۴] ۷۷۹

احمدآباد [ج ۳] ۶۸۶

احمدی [ج ۲] ۶۶۱، [ج ۴] ۸۰۷

ارجین [ج ۴] ۷۸۶ (نك ارجین)

ارجین [ج ۴] ۸۰۴

اردبیل [ج ۱] ۶۶، ۷۲، ۱۷۸، [ج ۳]

۵۷۹، ۵۹۶، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۵۲

۶۵۲، ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۰۸، ۷۱۹

۷۳۶-۷۳۹، ۷۴۲، ۷۴۷، ۷۴۹

۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶-۷۵۸

۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۵، ۷۶۷، [ج ۴]

۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۹-۷۸۲، ۷۸۴

۸۱۴، ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵

۸۹۱، ۹۲۴، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۵۰

اردمستان [ج ۱] ۳۰۵، [ج ۳] ۶۷۷

[ج ۴] ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹

اردکان [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۰۸، ۸۷۱

۹۶۹

ارزروم (ارضروم) [ج ۱] ۳۲۴

ارس [ج ۲] ۴۲۲

ارگت - ارك [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۷، ۵۳۰

[ج ۳] ۵۹۱، ۶۴۷، ۷۵۵، ۷۵۷

اروپا [ج ۲] ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۰، ۳۸۵

۳۸۸، ۳۹۸، ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۳۱

۴۳۳، ۴۴۲، ۴۵۹، ۵۳۱، [ج ۳]

۶۴۶، ۶۵۰، ۷۰۷، ۷۱۷، ۷۲۸

۷۴۴، [ج ۴] ۸۶۴، ۸۶۹، ۸۷۶

۸۹۰، ۹۰۷، ۹۵۸، ۹۶۶

ارومیه (اورمیه) [ج ۱] ۱۲۲، ۱۲۷

۲۶۶، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۹، ۳۹۰

۴۲۳، ۴۴۸، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۷۵

۵۷۷، ۵۹۹، ۶۷۵، ۷۲۱، ۷۶۱

[ج ۴] ۸۱۹ (دریاچه) - ارومی

[ج ۳] ۷۲۱

استرآباد [ج ۱] ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۳

۱۲۶، ۱۳۲، ۱۶۵، ۱۷۴، ۱۷۹

[ج ۲] ۳۴۲، ۳۵۲، ۳۸۳، ۴۱۰

۴۱۳، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۶۹، ۴۸۴

۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۹، ۵۳۰، [ج ۳]

۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۷، ۷۰۹، ۷۲۹

[ج ۴] ۷۷۸، ۸۷۵

اسدآباد [ج ۳] ۶۸۰

اسرائیل [ج ۲] ۵۳۲

اسفندقه [ج ۴] ۹۱۲

اسکانو [ج ۴] ۹۶۲

املابول [ج ۲] ۴۸۷، [ج ۳] ۵۵۵

۵۵۶، ۶۲۱، [ج ۴] ۹۶۵

اشرف [ج ۳] ۶۸۰

اصفهان [ج ۱] ۳۴، ۳۵، ۳۸، ۵۴، ۶۶

۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲

۹۳، ۹۴، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۲۶، ۱۲۷

۱۲۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۷، ۱۵۸

۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴

۱۷۷-۱۸۰، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸

۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۴۹، ۲۶۶

۲۶۸، ۲۷۴، ۲۸۱، ۲۸۹، ۳۲۲

۳۲۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۶۰

۳۶۳-۳۷۰، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۹۱

۳۹۳، ۳۹۵، ۴۰۱، ۴۰۴، ۴۰۶

۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵

۴۲۷، ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۸، ۴۵۱

۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۱۴

- انارک [ج ۳] ۷۴۱، [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۶۹
- انبارک [ج ۳] ۷۱۶
- انزلی [ج ۱] ۳۷، ۴۴، ۵۲، ۵۴، ۷۰، ۷۲، ۲۶۳، [ج ۲] ۳۵۲، ۴۱۳، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۴۹، ۴۶۱، ۴۸۰، [ج ۳] ۵۸۷، ۵۸۸، ۶۰۷، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۷۹، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۲۴، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۹، [ج ۴] ۸۱۴، ۸۶۹
- انگالی [ج ۳] ۶۵۷
- انگلیس [ج ۱] ۴۴، ۴۵، ۱۱۲، ۱۴۱، ۱۸۸، ۱۹۶، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۸، [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۸، ۳۵۳ - ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۶۰ - ۳۶۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۸۱ - ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۹۱ - ۳۹۳، ۳۹۵ - ۴۰۳، ۴۰۵ - ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰ - ۴۲۳، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۵ - ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۵، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۱ - ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸ - ۴۸۱، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۷ - ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۵ - ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴ - ۵۳۷، ۵۳۹، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۶۰، ۵۶۳ - ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۹۲، ۶۰۱، ۶۰۴ - ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۲۲
- اوشا [ج ۳] ۶۷۷
- افغان [ج ۱] ۷۵، [ج ۲] ۷۴۶، [ج ۴] ۸۸۱، ۸۹۲، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۸، ۹۶۸
- افغانستان [ج ۴] ۹۳۸
- اقطاع [ج ۳] ۶۷۷
- اکونوری نودر [ج ۴] ۸۱۳
- البلوک [ج ۳] ۶۷۹
- الوار [ج ۲] ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۳۳
- الیغ [ج ۴] ۸۲۲
- امریکا [ج ۴] ۷۷۹، ۹۲۹
- امیرآباد [ج ۴] ۴۷۱، ۹۶۹
- امین‌آباد [ج ۴] ۹۷۱
- انار [ج ۱] ۱۸۷، [ج ۲] ۷۴۱، [ج ۳] ۸۲۳، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۷۱

اهواز [ج ۱] ۹۶، ۱۱۳، ۱۳۹، ۲۸۳
[ج ۲] ۶۰۱، ۷۱۰، [ج ۴] ۷۹۸،
۸۵۶، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۸۶، ۸۹۲،
۹۰۴، ۹۳۳، ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۵۵،
۹۵۷، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۹

اهونی [ج ۲] ۴۶۲
ایران [ج ۳] ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۶،
۵۵۷، ۵۷۱، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶،
۵۸۸، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۰۹،
۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۲۰، ۶۲۲،
۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۳، ۶۳۶، ۶۳۸،
۶۴۳، ۶۴۵، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴،
۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۶، ۶۶۹،
۶۸۵، ۶۸۹، ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۹،
۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۵،
۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۲۸،
۷۳۰، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۷، ۷۴۱،
۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۰،
۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۷، ۷۵۹، ۷۶۶،
۷۶۷، [ج ۴] ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۷،
۷۸۰، ۷۹۱، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۳،
۸۰۵، ۸۰۷، ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۱۵،
۸۱۷، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۸،
۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۴، ۸۴۷،
۸۵۱، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۸، ۸۶۰،
۸۶۲، ۸۶۴، ۸۶۷، ۸۷۳، ۸۷۶،
۸۸۰، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۷،
۸۸۹، ۸۹۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰،
۹۰۴، ۹۱۵، ۹۱۷، ۹۲۰، ۹۲۱،
۹۲۳، ۹۲۶، ۹۲۸، ۹۳۴، ۹۳۵،
۹۳۷، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۶، ۹۴۸،
۹۵۰، ۹۵۵، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۳،
۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۲

ایزدخواست [ج ۳] ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۲
بابعالی [ج ۲] ۴۷۰

۶۲۳، ۶۲۵، ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴،
۶۴۷، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۵، ۶۵۸،
۶۶۰، ۶۶۳، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹،
۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۳، ۷۰۷،
۷۰۹، ۷۱۱، ۷۱۳، ۷۱۹، ۷۲۰،
۷۲۳، ۷۲۴، ۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۷،
۷۵۵، ۷۶۲، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۷۵،
۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۱،
۷۹۴، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۳،
۸۰۵، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۱۵، ۸۱۷،
۸۲۰، ۸۲۵، ۸۲۹، ۸۳۱، ۸۳۲،
۸۳۸، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۷، ۸۵۱،
۸۵۴، ۸۵۶، ۸۵۸، ۸۶۰، ۸۶۲،
۸۶۵، ۸۷۱، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶،
۸۷۸، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۸۶، ۸۸۸،
۸۹۲، ۸۹۴، ۸۹۶، ۸۹۸، ۹۰۳،
۹۰۶، ۹۰۹، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۶،
۹۲۷، ۹۲۹، ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۰،
۹۴۳، ۹۴۵، ۹۴۸، ۹۵۱، ۹۵۲،
۹۵۴، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۱،
۹۶۲، ۹۶۶، ۹۷۲ (نیز نك انگلستان)
انگلستان [ج ۳] ۶۶۰، ۶۹۸، [ج ۴]
۷۸۲، ۷۸۳، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۶،
۸۲۸، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۸، ۸۴۱،
۸۴۲، ۸۴۷، ۸۶۲، ۸۶۴، ۸۷۳،
۸۸۷، ۸۸۸، ۸۹۶، ۹۰۸، ۹۱۰،
۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۷، ۹۳۵، ۹۴۲،
۹۴۸، ۹۵۲، ۹۵۴، ۹۵۹، ۹۶۴،
۹۶۵ (نیز نك انگلیس)

اورامان [ج ۳] ۶۷۹

اورمیه (نك: ارومیه)

اوین [ج ۴] ۹۶۲

اهر [ج ۳] ۶۷۵، ۷۶۰، [ج ۴] ۸۱۰،
۹۴۳، ۹۵۶

اهرم [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴] ۹۴۱

- باخرز [ج ۳] ۶۷۶
بادامک [ج ۳] ۶۸۶
بادکوبه [ج ۲] ۴۶۱، [ج ۳] ۵۴۵، ۵۸۴، ۵۸۷، ۶۰۷، ۷۴۴
بارفروش [ج ۱] ۲۴۸، [ج ۳] ۶۸۰
بارنگت - بارنج [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۳] ۵۹۱
بازار (محلّه) [ج ۳] ۶۷۵
باسمنج - باسمج [ج ۲] ۳۸۶، ۳۵۱، ۳۸۸، ۳۹۰، ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۴، ۴۵۳، ۴۶۱ - ۴۶۴، ۴۸۰، ۴۸۲، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۷، ۵۰۳، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۵، ۵۲۶، [ج ۳] ۵۹۲ - ۵۹۴، ۶۴۶، ۷۴۹، [ج ۴] ۸۲۷
باطوم [ج ۱] ۳۱۸، [ج ۳] ۶۰۸
باغ اتابک [ج ۴] ۸۹۷
باغشاه [ج ۱] ۳۱۸، ۳۲۱، [ج ۲] ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۴۵، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۶۱، ۵۰۲، [ج ۳] ۵۵۱، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۵، ۶۴۶، ۷۰۷
باغ شمال [ج ۳] ۵۷۸
باغ مدیریه [ج ۲] ۴۲۴ - مدیریه [ج ۲] ۴۶۰
باغو [ج ۱] ۱۸۰
بافت - بفت [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۷۰
باقق [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۴] ۸۵۶
باکو [ج ۱] ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱، [ج ۲] ۴۲۱، ۴۲۳، (نک: بادکوبه)
باند [ج ۱] ۲۳، ۲۸
بانّه [ج ۳] ۶۷۹
بایزید [ج ۳] ۶۶۳
بجنورد [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۹۰۸
بحر خزر [ج ۱] ۵۴، [ج ۲] ۴۱۰، [ج ۳] ۵۴۵، ۷۴۴، [ج ۴] ۸۷۴
بختیاری [ج ۱] ۵۴، ۲۸۳
برازجان [ج ۱] ۱۲۹، ۱۵۸، [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۷۷، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۹، ۸۰۰، ۸۰۷، ۸۳۵
برج نمازگاه [ج ۳] ۶۶۱
بردسیر [ج ۱] ۱۶۷
برلن [ج ۱] ۲۰۶، [ج ۳] ۷۰۱
بروجرد [ج ۲] ۴۶۸، [ج ۳] ۶۷۸، ۷۳۰، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۲، ۹۳۶، ۹۴۰، ۹۵۹
بزچلو [ج ۲] ۲۵۳
بستک [ج ۳] ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴، [ج ۴] ۹۶۲، ۷۸۹
بسطام [ج ۳] ۶۷۸
بصره [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۶
بطوند (بتوند) [ج ۱] ۱۱۳، ۱۳۹
بغداد [ج ۱] ۱۵۸، ۳۲۲، [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۷۳۲، [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۷۱
بلده نور [ج ۳] ۶۸۰
بلژیک [ج ۲] ۴۶۵، ۴۷۷، ۵۳۶، [ج ۴] ۷۷۹
بلوچستان [ج ۱] ۲۶۹، [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۲۳، ۹۱۲، ۹۳۲، ۹۴۱، ۹۴۵
بم [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹، [ج ۳] ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، ۷۶۳، [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۵، ۹۳۲، ۹۶۰، ۹۷۱
بمبئی [ج ۴] ۷۸۹
بمپور [ج ۴] ۷۸۷، ۸۹۲
بناب [ج ۲] ۳۵۱، ۳۹۰، [ج ۳] ۶۷۵
بنادر و جزایر [ج ۳] ۶۷۷
بنادر خلیج [ج ۴] ۹۰۸

۷۴۶، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۵،

[ج ۴] ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۸۱، ۷۸۸ -

۷۹۰، ۷۹۲، ۷۹۹ - ۸۰۱، ۸۰۴،

۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۲۰،

۸۲۴، ۸۲۲، ۸۲۵، ۸۳۷، ۸۶۶،

۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۹۴،

۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۳، ۹۳۵، ۹۴۱،

۹۴۲، ۹۴۴ - ۹۴۸، ۹۵۵، ۹۶۱،

۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۷۱،

۹۷۲

بویراحمدی [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۵،

۷۸۷ - ۷۹۰، ۷۹۲، ۸۰۳، ۸۰۴،

۸۰۷، ۸۰۸، ۹۶۱، ۹۷۱

بوینک [ج ۴] ۸۷۶

بهارستان [ج ۳] ۶۱۵، ۶۲۱ - ۶۲۴،

۶۲۶، ۶۸۲ - ۶۸۴، ۶۸۶ - ۶۹۰،

۷۰۵، ۷۰۶

بهبهان [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۷۸۸، ۸۰۷،

۸۰۸، ۹۱۳

بیت المقدس [ج ۱] ۳۸

بیجار [ج ۳] ۶۷۹

بیرجند [ج ۱] ۷۵، ۱۷۰، [ج ۳] ۶۰۱،

۶۴۸، ۶۷۶، ۷۲۹، [ج ۴] ۸۹۲،

۹۰۸

بیضاء [ج ۳] ۷۱۴

پارک - پارک اتابک [ج ۴] ۸۹۹، ۹۰۶،

۹۱۶ - ۹۱۹

پاریس [ج ۲] ۳۵۲، ۳۹۹، ۴۲۹، ۵۴۱،

[ج ۳] ۷۲۸، [ج ۴] ۹۶۳

پرتغال [ج ۱] ۱۶۵

پروسک [ج ۱] ۱۷۷

پشتکوه [ج ۲] ۳۸۴، [ج ۳] ۶۸۰،

پشتمشهد [ج ۴] ۹۵۸

پطرزبورغ - سنت پطرزبورغ [ج ۱]

۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹،

بنادر فارس [ج ۳] ۶۵۰، ۶۵۵،

بندرجز (بندرگز) [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳]

۵۳۰

بندر خمیر [ج ۳] ۶۷۷

بندر دیلم [ج ۱] ۲۸

بندر ریگک [ج ۱] ۳۸، [ج ۳] ۷۱۶

بندرعباس [ج ۱] ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲،

۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰،

۲۸۲، [ج ۲] ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۳۶ -

۴۳۸، ۴۴۰، ۴۶۴ - ۴۶۶، ۴۶۹،

[ج ۳] ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۹۶،

۶۰۳، ۶۰۵، ۶۱۱، ۶۲۱،

۶۵۱، ۶۵۷، ۶۷۷، ۷۱۳، ۷۱۷،

۷۲۳، ۷۳۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹،

۸۳۵، ۸۹۴، ۹۳۳، ۹۴۵، ۹۵۵،

۹۶۱، ۹۷۱

بندرلنگه [ج ۳] ۵۶۸، ۶۱۱، ۶۲۱، [ج]

[ج ۴] ۷۹۹ (نک: لنگه)

بنهگز [ج ۳] ۷۱۶

بوشهر [ج ۱] ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴،

۹۵، ۱۱۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸،

۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰،

۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۹،

۳۲۳، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۶، ۴۰۰،

۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶ - ۴۳۹، ۴۴۱،

۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۱ - ۴۵۴،

۴۶۴ - ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۶،

۴۷۸، ۴۷۹، ۵۰۵، ۵۳۴ - ۵۳۶،

[ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸،

۵۶۷، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۷۵، ۵۷۸،

۵۷۹، ۵۹۸، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۱۱ -

۶۱۴، ۶۱۶، ۶۱۹ - ۶۲۱، ۶۲۶،

۶۳۰، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰، ۶۵۳،

۶۵۵ - ۶۶۱، ۶۷۷، ۶۹۳، ۷۱۴ -

۷۱۶، ۷۲۱، ۷۳۲ - ۷۳۴، ۷۴۰،

۳۸۹، ۳۸۷، ۳۸۶، ۳۸۳، ۳۸۱
 ۴۰۳، ۴۰۱ - ۳۹۹، ۳۹۱، ۳۹۰
 ۴۱۵ - ۴۱۳، ۴۱۱ - ۴۰۹، ۴۰۴
 ۴۲۷، ۴۲۳، ۴۲۲، ۴۱۹ - ۴۱۷
 ۴۴۰، ۴۳۹، ۴۳۴، ۴۳۳، ۴۲۹
 ۴۵۱، ۴۴۹ - ۴۴۶، ۴۴۴، ۴۴۲
 ۴۶۹، ۴۶۴ - ۴۶۱، ۴۵۷، ۴۵۳
 ۵۰۴، ۵۰۲ - ۴۸۷، ۴۸۵ - ۴۷۹
 ۵۲۸ - ۵۲۴، ۵۲۲، ۵۱۸، ۵۱۶
 ۵۴۶، ۵۴۴ - ۵۴۲ [ج ۳]، ۵۲۴
 ۵۶۶، ۵۶۵، ۵۵۹ - ۵۵۴، ۵۴۷
 ۵۸۳، ۵۷۹ - ۵۷۳، ۵۷۱ - ۵۶۹
 ۵۹۴، ۵۹۲ - ۵۹۰، ۵۸۸، ۵۸۵
 ۶۲۷، ۶۲۱، ۶۱۲، ۶۰۸، ۵۹۹
 ۶۴۶، ۶۴۱، ۶۳۲، ۶۳۱، ۶۲۹
 ۶۶۳، ۶۵۴، ۶۵۲ - ۶۵۰، ۶۴۷
 ۶۹۴، ۶۸۲، ۶۷۶، ۶۷۵، ۶۶۴
 ۷۰۹ - ۷۰۷، ۷۰۱ - ۶۹۹، ۶۹۷
 ۷۳۹ - ۷۳۵، ۷۲۸، ۷۲۱، ۷۱۹
 ۷۵۰، ۷۴۹، ۷۴۸، ۷۴۳، ۷۴۱
 ۷۶۰، ۷۵۸، ۷۵۵، ۷۵۴، ۷۵۲
 ۷۷۶ [ج ۴]، ۷۶۶، ۷۶۵، ۷۶۱
 ۷۸۵، ۷۸۴، ۷۸۱ - ۷۷۹، ۷۷۷
 ۸۱۶، ۸۱۴، ۸۱۰، ۸۰۲، ۷۹۷
 ۸۲۷ - ۸۲۴، ۸۲۱، ۸۱۹، ۸۱۷
 ۸۶۹، ۸۶۸، ۸۵۵، ۸۴۵، ۸۳۳
 ۹۱۶، ۹۰۷، ۸۹۱، ۸۸۴، ۸۸۳
 ۹۴۳، ۹۳۸، ۹۳۶، ۹۳۴، ۹۳۰
 ۹۵۶

تخت کی [ج ۳] ۶۶۲

ترافلگار [ج ۳] ۶۴۱

تراکمہ [ج ۳] ۷۲۹، ۶۰۰

تربت [ج ۲] ۴۶۹، ۵۳۱ [ج ۲] ۵۶۷
 ۶۰۱، ۶۲۹، ۷۴۵ [ج ۴] ۹۰۷
 ۹۶۸، ۹۵۶، ۹۳۰

۱۵۰، ۱۸۳، ۱۹۱ - ۱۹۴، ۱۹۹
 ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۵۷
 ۲۶۳، ۲۷۳ - ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۹۴
 ۲۹۵، ۲۹۷ - ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸
 ۳۱۰ - ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰
 ۳۲۴ - ۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱ [ج ۳]
 ۶۴۱، ۶۵۱، ۶۵۳، ۶۵۵، ۶۹۳
 ۶۹۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۳۵، ۷۳۷
 ۷۴۷، ۷۵۰ - ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷
 ۷۶۶ [ج ۴]، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۱۴
 ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۷
 ۸۲۹، ۸۵۲، ۸۶۰، ۸۶۱ - ۸۶۳
 ۸۸۰ - ۸۸۲، ۸۹۶، ۸۹۹، ۹۰۰
 ۹۲۰ - ۹۲۲، ۹۳۴ (نک: سنت

پطرزبورغ)

پطروس [ج ۱] ۱۴۱

پطروسکی [ج ۳] ۷۴۴، ۶۶۵

پل آجی [ج ۱] ۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴ [ج ۲]

۳۹۰، ۵۱۶ [ج ۳] ۵۹۱

پل دالکی [ج ۳] ۶۶۱

پل زنیان [ج ۴] ۸۰۸

تالش - تالش دولاب [ج ۱] ۵۴، ۶۶

۳۰۵

تبریز [ج ۱] ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۴ - ۵۱

۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸ - ۱۱۲

۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶

۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷

۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶

۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶

۲۷۱ - ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴

۲۸۵، ۲۸۸ - ۳۰۰، ۳۰۷ - ۳۱۳

۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷ -

۳۲۹، ۳۳۱ [ج ۲]، ۳۳۷، ۳۴۱

۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۶۴

۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵

- ۶۰۸ - ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۱۵،
 ۶۱۷ - ۶۲۳، ۶۲۵ - ۶۲۷، ۶۳۱،
 ۶۳۳، ۶۳۵، ۶۳۶ - ۶۳۸، ۶۴۱ -
 ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۴،
 ۶۵۵، ۶۶۴، ۶۷۰، ۶۷۲، ۶۷۵،
 ۶۸۱ - ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۸،
 ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۵، ۶۹۸، ۷۰۱،
 ۷۰۳ - ۷۰۹، ۷۱۳ - ۷۱۷، ۷۱۹،
 ۷۲۱ - ۷۲۶، ۷۳۰، ۷۳۳، ۷۳۵،
 ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵،
 ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۵۴ - ۷۶۴، [ج ۴] ۷۷۸،
 ۷۸۰ - ۷۸۳، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸،
 ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۳،
 ۸۰۹، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۲۲، ۹۲۴،
 ۸۲۷، ۸۲۹، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۵،
 ۸۳۹، ۸۴۱، ۸۵۱، ۸۵۴، ۸۶۱،
 ۸۶۷، ۸۶۹، ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۸۰ -
 ۸۸۲، ۸۸۹، ۸۹۱، ۸۹۳ - ۸۹۵،
 ۸۹۷، ۸۹۸، ۹۰۳، ۹۰۵ - ۹۰۹،
 ۹۱۱، ۹۱۳ - ۹۱۷، ۹۲۰ - ۹۲۲،
 ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۸ - ۹۳۴، ۹۳۶ -
 ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷ -
 ۹۵۹، ۹۶۵ - ۹۶۷، ۹۶۹
 جاتا (جطلوط؟) [ج ۳] ۶۶۱
 جاجرم [ج ۱] ۲۸۹
 جاف [ج ۳] ۷۸۶
 جام [ج ۳] ۶۷۶
 جبل ترنجہ [ج ۴] ۹۶۲
 جبرہ [ج ۴] ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۹، ۸۱۳،
 ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۵، ۸۶۶،
 ۸۹۵
 جعفر جن [ج ۳] ۶۶۲
 جلفا [ج ۱] ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵،
 ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷ - ۳۱۰، ۳۱۸،
 ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱، [ج ۲] ۳۳۷،
 تربت حیدری، تربت حیدریہ [ج ۱] ۱۲۴،
 ۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶، [ج ۲] ۴۶۸،
 ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰، ۶۷۶،
 ۷۲۹، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۲۲
 ترشیز [ج ۳] ۶۷۶، ۷۲۹
 تفت [ج ۲] ۲۵۳، ۴۳۰، ۴۳۱، [ج ۳]
 ۶۴۹، [ج ۴] ۸۷۱
 تفرش [ج ۳] ۶۷۸
 تفلیس [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۵۷۲
 تکیہ دولت [ج ۲] ۴۲۹
 تنکابن [ج ۳] ۶۸۰
 تنگ ترکان [ج ۳] ۶۶۲
 تل برازجان [ج ۳] ۶۶۱
 تنگستان [ج ۱] ۲۵۵، [ج ۲] ۴۴۱،
 ۴۷۸، [ج ۳] ۶۵۸، ۷۱۶، ۷۳۳،
 [ج ۴] ۸۰۰، ۸۲۵، ۸۹۴
 تنگہ انجیرہ [ج ۴] ۹۳۸
 توپخانه [ج ۳] ۶۱۶ (نک: میدان توپخانه)
 تون [ج ۳] ۶۷۶
 تويسرکان [ج ۳] ۶۸۰
 تهران [ج ۲] ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۱، ۳۵۳،
 ۳۵۸، ۳۶۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۳،
 ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۲، ۳۹۸،
 ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴،
 ۴۱۷، ۴۲۵ - ۴۳۰، ۴۳۲، ۴۳۵،
 ۴۳۹، ۴۴۲، ۴۴۷، ۴۵۱، ۴۵۶،
 ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۳ -
 ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۰،
 ۴۹۱، ۴۹۴، ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۹،
 ۵۱۹، ۵۲۱ - ۵۲۴، ۵۲۹، [ج ۳]
 ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۵۰،
 ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۳، ۵۶۵،
 ۵۶۶، ۵۶۹، ۵۷۲ - ۵۷۴، ۵۷۸ -
 ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴ - ۵۸۹، ۵۹۴،
 ۵۹۷ - ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۶، ۶۰۷

- ۳۷۰، ۳۸۷، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۱ - ۴۲۴، ۴۳۳ - ۴۳۶، ۴۴۰، ۴۶۲ - ۴۶۴، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸ - ۵۰۲، ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۲، [ج ۳] ۵۷۱، ۶۰۸، ۷۰۱، ۷۱۰، ۷۲۸، [ج ۴] ۸۱۹
- جوشقان [ج ۳] ۶۷۹
- جوین [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۶
- جہرم [ج ۳] ۶۷۶، ۷۱۴
- جیرفت [ج ۱] ۱۶۷، ۲۸۲
- جیزغہ [ج ۴] ۹۶۲
- جیل [ج ۳] ۷۳۰
- چالمیدان (محلہ) [ج ۳] ۶۷۵
- چاہ بہار [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۴] ۹۴۵
- چاہ خانی [ج ۳] ۶۶۱
- چاہ کوتاہ [ج ۴] ۸۳۵
- چرون (چروم) [ج ۳] ۶۶۲
- چرکر [ج ۴] ۸۸۳
- چشمہ مروارید [ج ۴] ۸۰۸
- چفادک [ج ۳] ۶۶۱
- چلپیانلو [ج ۱] ۲۲
- چہارمحل (چہارمحال) [ج ۱] ۱۸۱، ۲۶۸، ۲۶۸، ۳۲۳، [ج ۳] ۶۰۴، [ج ۴] ۹۰۸
- حاجی آقا [ج ۳] ۷۰۱
- حاجی طرخان (بندر) [ج ۳] ۷۵۴
- حسن آباد [ج ۳] ۶۴۴
- حضرت عبدالعظیم [ج ۲] ۲۷ (نیز نک: شاہزادہ عبدالعظیم)
- حکم آباد [ج ۲] ۴۶۲، [ج ۳] ۵۵۶، ۵۷۶
- خالد آباد [ج ۳] ۵۷۲، [ج ۴] ۹۶۹
- خان زنیان [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۸
- خان کرکن - خوان گرگان [ج ۱] ۱۵۸
- [ج ۴] ۷۸۷، خبیص - خوان خبیص [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۶۶، ۹۷۱
- خجند [ج ۱] ۳۲۸
- خراسان [ج ۱] ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۶۷، [ج ۳] ۸۲۲، ۶۷۶، ۷۴۴، [ج ۴] ۷۹۶، ۸۳۳، ۸۷۰، ۹۰۷، ۹۳۰
- خرقان [ج ۳] ۶۷۸
- خرم آباد [ج ۱] ۱۷۰، ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰
- خزر (دریا) [ج ۳] ۷۴۴ (نک: بحر خزر)
- خطیب [ج ۱] ۲۹۲، [ج ۲] ۴۶۲ - ۴۶۴، ۵۰۰، ۵۰۲، [ج ۳] ۵۹۴
- خضر [ج ۴] ۸۹۳
- خلج [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۴] ۸۲۱
- خلخال [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۴] ۷۷۹
- خلیج [ج ۲] ۴۲۸، ۴۷۲
- خلیج فارس [ج ۱] ۹۶، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۵۰، ۲۸۲، [ج ۲] ۳۸۶، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۶۴، ۴۷۲، [ج ۳] ۵۵۵، ۶۵۶، ۷۱۶، ۷۴۷، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۸، ۷۹۹، ۸۷۳، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۷۱
- خواف [ج ۳] ۶۷۶
- خوشاب (خوش آب) [ج ۳] ۶۶۱
- خوشکوه (خوش کوه) [ج ۳] ۵۶۷
- خوی [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵، [ج ۲] ۳۷۰، ۳۸۸، [ج ۳] ۶۷۵
- خیابان [ج ۲] ۴۶۲، ۴۶۳
- خیابان علاء الدولہ [ج ۳] ۷۰۶
- خیوہ [ج ۱] ۳۲۸
- داراب [ج ۳] ۷۱۳، [ج ۴] ۹۴۱
- دارابگرد [ج ۳] ۶۷۶
- دالکی [ج ۱] ۱۵۸، ۱۶۷، ۲۶۸، [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۱، [ج ۴] ۷۸۹، ۸۰۷

۸۳۵

دامغان [ج ۳] ۶۷۸

دخمه کیخسرو [ج ۱] ۱۵۹

دررود [ج ۴] ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۳۰

درجز - درگز [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴

دریاقلی [ج ۳] ۶۶۱

درخلیل - دزخلیل [ج ۱] ۲۶۳، [ج ۲] ۴۴۹

دزفول [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴] ۹۳۳، ۹۶۲

دشت ارجن - دشت ارژن [ج ۳] ۷۳۲، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۰۸، ۸۶۶، ۹۴۴، ۹۶۱

دشتستان [ج ۳] ۶۵۸، ۶۷۷، [ج ۴] ۷۸۷

دشتی [ج ۲] ۴۷۸، [ج ۳] ۷۸۷

دلوار - دیلوار [ج ۳] ۷۱۶، [ج ۴] ۸۹۴، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۶۱

دماوند [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۳۶، ۹۳۷، دوج [ج ۱] ۱۶۶

دوشان تپه [ج ۱] ۱۶۸، [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶

دولت (محلّه) [ج ۳] ۶۷۵

دولت آباد [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۴۱۳، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴] ۸۹۵

دوهچی (محلّه) [ج ۱] ۳۲۴

دهانه [ج ۴] ۸۹۲

دهبید [ج ۱] ۱۵۸، ۱۸۸، [ج ۲] ۵۲۴، ۵۲۵، [ج ۳] ۷۱۴، [ج ۴] ۷۸۸، ۸۶۶

دمج [ج ۴] ۹۷۰

دهخوارقان [ج ۳] ۶۷۵

دیزآباد [ج ۴] ۷۹۵

دیلمان [ج ۳] ۶۷۹

دیلمقان [ج ۳] ۶۷۵

رامهرمز [ج ۱] ۲۸۳، [ج ۲] ۴۷۲

راور [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۹۷۱

راونج [ج ۴] ۷۹۸

رباط [ج ۴] ۸۷۶، ۸۸۲

رباط کریم [ج ۳] ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۸۶، ۷۰۵

رحمت آباد [ج ۳] ۷۴۴

رشت [ج ۱] ۴۷، ۴۳، ۴۴، ۵۳، ۶۶، ۷۳، ۱۱۰، ۱۲۶، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۴

۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۴

۲۱۸، ۲۴۸، ۲۴۹، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۲، ۳۸۱، ۴۰۳، ۴۱۳، ۴۱۵ -

۴۱۷، ۴۲۱ - ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۱

۴۴۰، ۴۴۸، ۴۵۹ - ۴۶۱، ۴۶۹

۴۷۴، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۲۰ - ۵۲۲

۵۲۹، [ج ۳] ۵۴۳، ۵۴۵ - ۵۴۸

۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۷، ۵۸۲، ۵۸۳

۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۷

۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۵، ۶۵۸

۶۶۴، ۶۷۹، ۶۹۲، ۶۹۶، ۷۰۸

۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۸، ۷۴۳، ۷۴۴

۷۵۳، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۷۹

۷۸۵، ۸۲۱، ۸۳۳، ۸۵۵

۸۶۴، ۸۶۹، ۸۷۶، ۹۳۱، ۹۶۷

رفسنجان [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۴، [ج ۲] ۴۱۳

[ج ۳] ۵۶۷، ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۳۱

[ج ۴] ۸۷۵، ۸۹۳، ۸۹۴، ۹۴۹

رنه (رینه) [ج ۴] ۹۳۷

روبار [ج ۱] ۲۸۲

رودبار [ج ۱] ۲۸۲، [ج ۳] ۶۷۹

رود هله [ج ۴] ۸۷۳

روسیه [ج ۱] ۳۰۹، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۲۷

[ج ۲] ۳۸۹، ۴۳۵، [ج ۳] ۳۳۱

- ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۵، ۵۷۷ - ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۳ - ۵۸۷، ۵۸۹، ۶۰۷ - ۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۴۶، ۶۵۱ - ۶۵۴، ۶۶۲ - ۶۶۵، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۶، ۷۳۴ - ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶، ۷۶۷، [ج ۴]، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۲۱، ۸۲۸، ۸۴۲، ۸۷۵
 رینان [ج ۱] ۲۲۰
 ریوال [ج ۱] ۱۹۱
 زاوہ [ج ۳] ۷۴۵، ۷۲۹
 زرقون - زرکان (زرقان) [ج ۱] ۱۸۰
 [ج ۲] ۴۷۲
 زرگندہ [ج ۱] ۲۳۷، ۲۴۶، [ج ۲] ۶۲۲، ۶۸۳، ۷۰۴، ۷۲۶، ۷۵۵
 [ج ۴] ۹۱۶، ۹۱۷
 زرد [ج ۱] ۲۴۴، [ج ۳] ۶۷۸
 زنجان [ج ۱] ۶۶، [ج ۲] ۴۶۶، [ج ۳] ۵۶۶، ۶۷۸، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۴، ۷۴۹، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۵، ۸۵۲، ۹۵۰
 زوارہ [ج ۴] ۹۱۰، ۹۳۹، ۹۶۹
 سابوہ [ج ۳] ۵۶۷
 ساری [ج ۳] ۶۸۰
 ساوجبلاغ [ج ۱] ۳۳، ۱۲۵، [ج ۳] ۶۷۵، ۵۴۷
 ساوہ [ج ۱] ۶۳، [ج ۳] ۶۷۸
 سبزآباد [ج ۳] ۷۲۳
 سبزووار [ج ۱] ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۷۶
 سراب [ج ۳] ۶۴۷، ۶۷۵، ۷۳۷، ۷۳۹، ۷۴۶، ۷۵۰، ۷۵۴، ۷۵۶، ۷۶۰، [ج ۴] ۷۷۷، ۷۷۹، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱
 سریند [ج ۳] ۷۳۰، [ج ۴] ۹۵۹
 سرپل [ج ۲] ۳۵۳، [ج ۴] ۹۷۰
 سرخابہ [ج ۴] ۸۹۵
 سرخس [ج ۴] ۹۰۸
 سردرود [ج ۲] ۳۶۸، ۴۳۴، ۴۶۲، [ج ۴] ۹۳۲
 سرسنگ [ج ۲] ۳۸۲، ۳۸۳
 سعیدآباد [ج ۲] ۶۷۷
 سقز [ج ۳] ۶۷۹
 سلطان آباد [ج ۱] ۳۹، ۵۵، ۸۲، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۶۷، [ج ۳] ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۷۸، ۷۲۱، ۷۳۰، ۷۴۱، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۸۵، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۷۶، ۸۹۲، ۸۹۵، ۹۰۸، ۹۳۱، ۹۵۹، ۹۶۹
 سلطان سری راک [ج ۴] ۹۶۹
 سلطنت آباد [ج ۳] ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۹۸، ۶۱۷، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۳۸، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۱، ۷۰۵، ۷۰۶
 سلماس [ج ۱] ۱۲۵، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۰، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۵، ۵۲۸، [ج ۳] ۵۹۹
 سمنان [ج ۱] ۱۶۵، [ج ۳] ۶۷۸
 سنت پطرسبورگ [ج ۲] ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۵۲، ۳۷۹، ۴۰۱، ۵۳۸، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۹، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۸، ۵۷۰، ۵۷۵، ۵۷۹، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۷ - ۵۸۹، ۶۱۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۶۵، [ج ۴] ۷۹۰ (نک:

پلارزبورغ

سنقر [ج ۳] ۶۷۹

سنگلج (محلہ) [ج ۳] ۶۷۵

سنندج [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۱

سوء [ج ۱] ۷۴

سوادکوه [ج ۳] ۶۸۰

سویس [ج ۴] ۹۲۹

سیدان [ج ۱] ۲۴۹

سیرجان [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۸۹۴

سیستان [ج ۱] ۳۵، ۷۳، ۱۱۲، ۱۶۷،

۲۶۹، [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۱، ۶۴۸،

۶۷۶، ۶۸۵، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۴۵،

[ج ۴] ۷۸۷، ۸۳۴، ۸۷۰، ۸۸۲،

۸۹۲، ۹۵۶، ۹۳۸، ۹۶۸

سینه‌سئید (گدار - برج) [ج ۴] ۷۸۷،

۸۰۸

سیوند [ج ۱] ۱۸۸، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۵۳،

۴۷۲، ۵۲۴، [ج ۴] ۸۳۵، ۸۷۳،

شاه‌آباد [ج ۳] ۵۸۹، ۶۳۹، ۶۴۳، ۶۸۶،

۷۰۵

شاه‌چراغ [ج ۳] ۷۱۳، ۷۱۴

شاهرود [ج ۳] ۶۷۸، ۶۰۰

شاهزاده عبدالعظیم [ج ۳] ۵۷۳، ۶۳۶،

[ج ۴] ۹۱۷ (نک: حضرت عبدالعظیم)

شاه‌نو [ج ۱] ۱۶۶

شبلی [ج ۴] ۹۳۸

شفیع‌آباد [ج ۱] ۱۲۳

شمس [ج ۱] ۱۶۷

شمشیری [ج ۳] ۷۱۶

شمیرانات - شمیران [ج ۳] ۵۹۸،

[ج ۴] ۹۰۷

شوستر [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴]

۷۹۹، ۹۳۳، ۹۴۲، ۹۶۲

شهراب [ج ۴] ۹۶۹

شهر بابک [ج ۳] ۶۸۰

شهریار [ج ۳] ۶۳۹

شیراز [ج ۱] ۳۶، ۳۸، ۴۴، ۴۵، ۵۵،

۶۷، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۱،

۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۷-،

۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۴،

۱۵۵، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷،

۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵-۱۸۰،

۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۰۰، ۲۱۸،

۲۴۹، ۲۵۰، ۲۶۸، ۲۸۱، ۲۸۲،

۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۵، ۳۲۲،

[ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۵، ۳۸۶،

۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، ۴۶۸،

۴۶۹، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰،

۵۲۴، ۵۳۳، ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،

۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۸، ۵۹۶، ۶۰۲-۶۰۴،

۶۱۰، ۶۱۳-۶۱۹، ۶۲۶، ۶۲۷،

۶۲۹-۶۳۱، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۵۰،

۶۵۳، ۶۵۵-۶۵۹، ۷۱۳-۷۱۵،

۷۲۸، ۷۳۰-۷۳۴، ۷۴۰، ۷۴۶-،

۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲-۷۶۵، ۷۶۷،

[ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶-۷۹۰،

۷۹۲، ۷۹۹-۸۰۱، ۸۰۳-۸۰۵،

۸۰۷، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۲، ۸۲۰،

۸۲۲، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۵،

۸۳۷، ۸۴۶، ۸۵۶-۸۵۸، ۸۶۵-،

۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۶، ۸۸۶،

۸۹۴، ۹۰۴، ۹۱۲، ۹۲۵، ۹۳۲-،

۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴-،

۹۴۶، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۵، ۹۵۷،

۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۴، ۹۶۶، ۹۶۷،

۹۶۹، ۹۷۱، ۹۷۲

شیفت [ج ۳] ۶۵۷

شیورع (شیوع؟) [ج ۴] ۹۶۲

صاحب‌الامر [ج ۳] ۵۹۳

صائین‌قلعه [ج ۳] ۶۷۵

۶۵۷، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۶۵،

۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۰۷، ۷۱۳،

۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۸،

۷۵۸، ۷۶۴ [ج ۴]، ۷۷۴، ۷۷۶،

۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۱،

۸۰۳ - ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۳،

۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۲، ۸۴۶، ۸۴۶،

۸۵۰، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۷۰، ۸۷۱،

۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۸،

۸۸۹، ۸۹۴، ۹۰۰، ۹۰۴، ۹۱۲،

۹۱۳، ۹۲۰، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۲ -

۹۳۴، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۷،

۹۴۸، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۴، ۹۶۶

فراقه [ج ۲] ۴۷۱

فرامین [ج ۱] ۱۲۳

فرانسه [ج ۱] ۴۴، ۱۸۸، [ج ۲] ۳۹۹،

۴۵۵، [ج ۴] ۷۷۹، ۸۱۹، ۸۲۵،

۹۴۹، ۹۰۶

فراهمان [ج ۳] ۷۳۰

فسا [ج ۲] ۴۷۲، [ج ۳] ۶۷۶

فومن [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۳] ۶۷۹

فسوج [ج ۱] ۲۸۹، [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲،

۹۶۰

فیروزآباد [ج ۲] ۵۳۴، [ج ۳] ۶۰۴،

۶۵۸، ۷۳۴، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۸۸،

۷۸۹، ۸۶۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۲۵،

۹۴۱، ۹۳۳

فیروزکوه [ج ۲] ۳۸۰، [ج ۳] ۶۷۸

فین [ج ۴] ۸۷۰

قاسمآباد [ج ۳] ۷۶۲

قاینات [ج ۳] ۶۷۶، [ج ۴] ۷۹۴

قراجه‌داغ - قرجه‌داغ - قراچه‌داغ -

قراداغ - قره‌داغ [ج ۱] ۵۱، ۵۲،

۱۲۵، ۲۲۷، ۲۳۵ [ج ۳] ۶۴۶،

۶۹۴، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۶۷،

طارم [ج ۳] ۶۷۸

طارم سفلی [ج ۳] ۶۷۸

طالش - طالش‌دولاب - طوالش [ج ۲]

۳۵۲، ۴۱۳، [ج ۳] ۶۷۹، ۷۲۸،

[ج ۴] ۸۳۳ (نک: تالش)

طالقان [ج ۳] ۶۷۸

طاهرون [ج ۳] ۷۱۳

طیس [ج ۱] ۱۵۷، ۱۸۷، [ج ۲] ۴۳۰،

[ج ۳] ۶۷۶، ۷۴۴، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۷۱،

۸۷۶، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۶۸

طرابوزان [ج ۱] ۱۱۰، ۱۲۵

طرق [ج ۱] ۸۱، [ج ۲] ۴۷۱، ۴۹۵

عباس‌آباد [ج ۱] ۱۲۳

عثمانی [ج ۳] ۵۴۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۶۰۸،

۶۲۸، ۶۴۶، ۶۵۲، ۷۰۱، ۷۱۸،

۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱،

۹۰۷، ۹۱۷، ۹۴۲

عراق (اراک) [ج ۳] ۶۴۸، ۷۳۰، ۸۶۲،

[ج ۴] ۷۸۶، ۷۷۸

عراق (عرب) [ج ۳] ۶۷۸

عربستان (خوزستان) [ج ۳] ۶۷۸، ۷۶۵،

[ج ۴] ۹۵۳

عقدا [ج ۳] ۶۸۰

عودلاجان (محلّه) [ج ۳] ۶۷۵

عیساوندی (عیساوندی) [ج ۳] ۶۶۱

غازیک [ج ۱] ۷۵

فارس [ج ۱] ۳۵، ۴۴، ۶۷، ۹۵، ۹۶،

۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹،

۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵ -

۱۷۷، ۱۷۹، ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰،

۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۲ [ج ۲] ۲۸۳،

۳۸۵، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۷۱، ۵۳۴،

[ج ۳] ۵۴۸، ۵۶۸، ۵۸۱، ۵۹۷،

۵۹۹، ۶۰۴، ۶۱۲، ۶۱۵، ۶۱۹،

۶۲۶، ۶۲۹، ۶۳۳، ۶۴۵، ۶۵۶،

- [ج ۲] ۴۱۰، ۴۳۰، ۴۳۲، ۵۲۳،
 [ج ۳] ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۶، ۶۳۱،
 ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱،
 ۶۴۴، ۶۴۸، ۶۷۸، ۷۰۴، ۷۰۵،
 [ج ۴] ۷۹۸، ۸۳۲، ۸۷۱، ۸۷۶،
 ۸۸۲، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۵۸، ۹۵۹
 قمپایه [ج ۳] ۶۷۷
 قمشه [ج ۳] ۶۷۷، [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۸،
 ۸۳۲، ۸۳۴، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۴۵،
 ۸۴۶، ۸۷۴، ۸۹۲، ۸۹۴، ۹۰۸،
 ۹۳۱
 قوچان [ج ۱] ۱۲۹، ۱۳۷، [ج ۳] ۵۶۷،
 ۶۷۶، [ج ۴] ۹۰۸
 قزوین [ج ۱] ۱۴۴، ۲۱۸، [ج ۲] ۴۰۴،
 ۴۱۰، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۳۳،
 ۴۵۰، ۴۷۴، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲،
 [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۷،
 ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۵،
 ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۸۷،
 ۵۸۹، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۲،
 ۶۰۷، ۶۱۰، ۶۲۰، ۶۲۵، ۶۳۰،
 ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۵۴،
 ۶۷۸، ۶۹۲، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۹،
 ۷۱۸، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۸،
 ۷۴۹، ۷۵۳، ۷۵۵، ۷۵۹، ۷۶۱،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۸۵۲، ۸۷۶، ۸۸۰،
 ۸۸۱، ۹۱۵، ۹۲۲، ۹۳۶
 قصر شیرین [ج ۱] ۷۵، [ج ۲] ۳۵۳،
 ۳۸۴، ۵۳۳، [ج ۳] ۷۰۲، ۷۳۲،
 [ج ۴] ۷۸۶، ۸۳۲، ۹۶۰، ۹۷۰
 قصر قنبر [ج ۳] ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷،
 ۷۰۶
 قفقاز (قفقازیه) [ج ۱] ۴۱، ۳۲۶،
 ۳۲۸، [ج ۲] ۳۴۱، ۳۶۱، ۴۶۰،
 ۵۰۷، ۵۰۸، [ج ۳] ۵۷۴، ۵۸۷،
 ۶۵۴، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۵۴، ۷۵۵،
 [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۲
 قلادر (قلاوره) [ج ۴] ۹۶۲
 قلعه افلاک [ج ۱] ۱۷۰
 قم [ج ۱] ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶،
 [ج ۲] ۲۶۹، [ج ۴] ۷۹۵
 کافشگر [ج ۲] ۲۶۹
 کاظم آباد [ج ۴] ۷۹۵
 کازرون [ج ۱] ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵،
 [ج ۲] ۴۱۴، ۵۳۴، ۵۳۵، [ج ۳] ۶۵۷،
 ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۷۶، ۷۴۰،
 ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۱، ۷۸۷،
 ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۸،
 ۸۱۳، ۸۲۰، ۸۲۴، ۸۳۵، ۸۷۲،
 ۹۱۳، ۹۳۳، ۹۴۱، ۹۶۱، ۹۶۷،
 ۹۷۱
 کاشان [ج ۱] ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵،
 ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۷۰، [ج ۲] ۴۵۱،
 ۴۵۳، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۳، [ج ۳] ۵۷۲،
 ۵۸۰، ۵۸۲، ۵۸۴، ۵۹۵،
 ۶۰۱، ۶۴۰، ۶۷۹، ۷۴۵، ۷۶۲،
 [ج ۴] ۸۷۰، ۸۷۲، ۹۳۵، ۹۴۴،
 ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۶۷،
 ۹۶۹
 کاشگر [ج ۲] ۲۶۹

- ۶۵۱، ۶۷۷، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷،
 ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۹، ۹۳۳،
 ۹۵۵، ۹۶۲ (نک: بندر لنگه)
 مازندران [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۵۷۷،
 ۵۹۵، ۶۳۶، ۶۸۰، [ج ۴] ۹۳۶،
 ۹۵۵
 ماشک [ج ۱] ۱۶۷
 ماکو [ج ۱] ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱،
 ۳۰۳، ۳۲۳، ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۹،
 [ج ۳] ۶۶۳، ۶۷۵
 مالمین (مالامین) [ج ۱] ۲۹
 مالوم [ج ۱] ۱۷۴
 ماماتن [ج ۱] ۱۳۹
 ماهی‌دشت [ج ۴] ۸۸۵، ۹۱۰
 مجامبار [ج ۲] ۳۵۱
 [ج ۴]
 محنی (محسنی) [ج ۴] ۹۱۲
 محلات [ج ۳] ۶۷۹
 محمره [ج ۱] ۱۶۹، ۲۸۲، [ج ۲] ۴۷۲،
 [ج ۳] ۵۶۸، ۶۷۸، ۷۶۵، [ج ۴]
 ۷۹۹، ۹۴۲
 مراغه [ج ۲] ۳۵۱، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۸۶،
 ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۴، ۴۰۹،
 ۴۱۹، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۶۱، ۴۶۲،
 [ج ۳] ۶۷۵، ۷۰۸، ۷۴۹، ۷۶۰،
 [ج ۴] ۹۰۷
 مرنج [ج ۴] ۹۶۲
 مرند [ج ۱] ۳۲۴، [ج ۲] ۳۸۸ - ۳۹۰،
 ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۶۲، ۴۶۴،
 [ج ۳] ۶۷۵، ۷۲۱
 مرواری [ج ۴] ۹۶۹
 مریوان [ج ۳] ۶۷۹
 مزینان [ج ۱] ۱۲۳
 مسجدشاه [ج ۲] ۴۰۶
 مشکین [ج ۳] ۶۷۵
- گرگانرود [ج ۲] ۳۵۲، [ج ۳] ۶۷۹
 گروس [ج ۳] ۶۷۹
 گلپایگان [ج ۳] ۶۷۹
 گله‌دار [ج ۳] ۶۷۶، ۶۷۹
 گمش‌تپه - گموش‌تپه - گومیش‌تپه
 (گومش تپه) [ج ۳] ۷۲۹، [ج ۴]
 ۸۷۵
 گناباد (گون‌آباد) [ج ۴] ۹۶۸
 گنبد قابوس [ج ۲] ۳۸۴
 گندم‌کار [ج ۴] ۹۶۹
 گواتر [ج ۱] ۱۵۹
 گوران [ج ۱] ۱۷۵
 گیلان - گیلانات [ج ۱] ۳۷، ۴۳،
 ۱۱۰، ۱۵۷، ۳۰۵، [ج ۲] ۳۹۵،
 ۴۲۱، ۴۵۹، [ج ۳] ۵۷۷، ۵۹۵،
 ۵۹۹، ۶۰۷، ۶۷۹، ۷۲۸، ۷۲۹،
 [ج ۴] ۷۷۸، ۸۲۳، ۸۵۵
 لار - لارستان [ج ۱] ۱۶۷، [ج ۲] ۳۵۳،
 ۳۸۵، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۱، ۴۳۶،
 ۴۷۱، ۵۴۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۳ -
 ۶۰۵، ۶۵۱، ۶۷۶، ۷۳۳، [ج ۴]
 ۹۴۵، ۹۶۱
 لاریجان ۹۳۷
 لاهیجان [ج ۳] ۶۷۹
 لرستان [ج ۱] ۱۷۵، [ج ۳] ۶۸۰، [ج ۴]
 ۸۱۲، ۸۸۵، ۹۳۶
 لندن [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۴، ۴۰۹، ۴۷۶،
 ۵۳۸، [ج ۳] ۵۴۱، ۵۴۵، ۵۴۷،
 ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۶،
 ۵۸۷، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۲۳،
 ۶۲۸، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۴۱، ۶۶۴،
 ۶۹۲، ۶۹۴، ۷۱۷، ۷۳۴، ۷۳۵،
 ۷۴۴، ۷۴۸، [ج ۴] ۸۴۸، ۹۰۰
 لنگرود [ج ۲] ۴۱۳
 لنگه [ج ۱] ۱۱۲، ۱۶۷، [ج ۳] ۶۰۵

- مشهد [ج ۱] ۲۳، ۲۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۶، ۱۱۲۹، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶، ۲۸۹، ۳۲۲، [ج ۲] ۲۴۲، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۸۱، ۳۹۵، ۴۱۳، ۴۲۴، ۴۳۰، ۴۴۸، ۴۵۰، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۸، ۵۱۳، ۵۳۰، ۵۳۱، [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۶، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۶، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۷۶، ۷۲۶، ۷۴۴، ۷۶۱، [ج ۴] ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶، ۸۱۱، ۸۲۲، ۸۳۳، ۸۵۶، ۸۷۰، ۸۷۶، ۸۸۱، ۸۹۱، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۳۰، ۹۳۸، ۹۵۶، ۹۵۹، ۹۶۸، ۹۷۱
- مشهدسر [ج ۳] ۶۸۰
ملک سیاه (کوه) [ج ۴] ۸۷۶، ۸۹۲، ۹۳۸
مصر [ج ۲] ۳۶۲
مغان [ج ۳] ۷۶۷، [ج ۴] ۷۸۵
موگام (مقام) [ج ۳] ۷۱۶
ملایر [ج ۲] ۴۰۷، [ج ۳] ۶۸۰
منجیل [ج ۲] ۴۲۱، ۴۶۱، ۴۷۴، [ج ۳] ۷۲۸، ۶۶۴
منچستر [ج ۳] ۶۵۷، ۶۶۰
مورچه خوار - مورچه خورد [ج ۲] ۲۹۲، ۴۵۱، [ج ۳] ۷۳۰
موصل [ج ۱] ۸۰
میامی [ج ۱] ۱۲۳، [ج ۳] ۶۰۰
میانج [ج ۳] ۶۷۵، [ج ۴] ۹۳۸
میانه [ج ۳] ۷۰۱
میان دشت [ج ۱] ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹، [ج ۳] ۵۶۷
میاندواب [ج ۳] ۶۷۵
میان کتل [ج ۴] ۹۱۳
میدان توپخانه [ج ۳] ۶۱۶، ۶۷۸، ۷۰۶
- ۷۲۰ (نک: توپخانه)
میرآباد [ج ۴] ۹۳۸
میربند [ج ۳] ۶۴۹
میزمیدان [ج ۱] ۱۲۳
میناب [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴] ۹۷۱
نائین [ج ۱] ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷، [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۱، ۵۳۱، [ج ۳] ۶۴۹، ۶۸۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۸۷۱، ۸۹۳، ۹۰۹، ۹۳۱، ۹۳۹، ۹۵۹، ۹۶۹
ناردین [ج ۱] ۱۲۳
ناصری (بندر) [ج ۳] ۶۷۸، [ج ۴] ۹۴۲، ۹۵۷
ناصریه [ج ۳] ۷۳۱
نجف - نجف اشرف [ج ۱] ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱، [ج ۲] ۳۷۷، ۳۹۵، ۴۳۱، ۴۳۶، ۴۶۵، ۴۷۸، ۵۲۴، [ج ۳] ۵۴۲، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۷۴، ۶۱۱، ۶۵۰، ۷۱۶، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۴۷، [ج ۴] ۷۹۴، ۸۳۰، ۸۹۰، ۹۲۵، ۹۶۶
نجف آباد [ج ۳] ۶۷۷
نخيله [ج ۴] ۹۶۲
نرماشیر - نرماشیر (نرماشیر) [ج ۳] ۶۴۹، ۶۷۷، ۷۴۶، [ج ۴] ۷۸۲، ۷۸۷، ۷۹۹، ۹۳۲، ۹۴۵، ۹۵۵، ۹۶۰، ۹۶۸
نرگور [ج ۴] ۹۶۲
نصرت آباد [ج ۱] ۱۶۷، ۱۷۰، [ج ۳] ۶۷۶
نطنز [ج ۳] ۶۷۹، [ج ۴] ۹۱۰
نظام آباد [ج ۱] ۷۴، ۸۱
نعم آباد [ج ۴] ۹۱۲
نوگنبد - نه گنبد [ج ۱] ۱۶۶، [ج ۴] ۷۸۶، ۹۶۹

۸۹۸، ۹۰۹، ۹۲۱، ۹۳۵، ۹۴۸	نور [ج ۳] ۶۸۰
۹۵۲، ۹۵۴، ۹۶۴	نہاوند [ج ۳] ۶۸۰
ہویزہ [ج ۱] ۲۸۲	نیاوران [ج ۱] ۲۵۳
یافت آباد [ج ۳] ۶۸۶	نیریز [ج ۳] ۵۶۸
یزد [ج ۱] ۲۵، ۶۶، ۷۵، ۸۲، ۸۳، ۹۵	نیشابور [ج ۳] ۵۳۰، ۵۶۷، ۶۰۰
۱۱۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸	۶۷۶ [ج ۴] ۷۹۳-۷۹۶، ۸۰۳
۱۴۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳	۸۲۰، ۸۵۵
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۴، ۱۸۷	ورامین [ج ۱] ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۶۹، [ج ۴] ۹۵۰
۱۹۰، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۴۹	وراوی [ج ۴] ۹۶۲
۲۶۷، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۰۵	ورنگان [ج ۴] ۹۳۲
۳۲۲، [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۳، ۳۸۴	وست منسٹرابی [ج ۳] ۶۴۱
۴۱۳، ۴۲۰، ۴۷۰، ۴۷۱، ۵۳۱	وینہ [ج ۱] ۱۴۱، [ج ۳] ۶۱۹، ۶۲۳
[ج ۳] ۵۶۷، ۵۹۶، ۶۰۱، ۶۴۹	۶۳۵
۶۵۸، ۶۸۰، ۷۱۰، ۷۲۱، ۷۳۰	ہارون آباد [ج ۴] ۹۱۰
۷۳۲، ۷۴۱، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۸	ہرسین [ج ۴] ۹۴۰
۷۶۲، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۹۸، ۸۰۷	ہفت ہرمخودیان [ج ۳] ۸۰۸
۸۱۱، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۳۴، ۸۳۵	ہلند [ج ۱] ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۶	ہمدان [ج ۱] ۴۸، ۶۷، ۱۵۸، ۲۴۹
۸۸۱، ۸۹۳، ۹۰۸، ۹۱۰، ۹۳۱	[ج ۲] ۳۸۵، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۳۰
۹۳۹، ۹۴۰، ۹۵۷، ۹۵۹، ۹۷۰	۴۳۱، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۸ - ۴۷۰
۹۷۱	۵۳۳، [ج ۳] ۵۶۸، ۶۰۲، ۶۸۰
یزدخواست [ج ۲] ۳۵۳، ۴۷۲، ۴۸۰	۷۱۲، ۷۱۳، [ج ۴] ۷۸۷، ۷۹۲
۵۲۴، [ج ۴] ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲	۷۹۸، ۸۲۳، ۸۵۷، ۸۷۲، ۸۷۹
۹۶۹	۸۸۵، ۸۹۵، ۹۱۱، ۹۳۱، ۹۳۲
یم [ج ۲] ۳۹۰	۹۴۰
یموت [ج ۱] ۱۲۶	ہنجام (ہنگام) [ج ۲] ۴۴۷
یوزباشی چای [ج ۲] ۴۶۱	ہند - ہندوستان [ج ۲] ۳۶۱، [ج ۳]
یوسف آباد [ج ۳] ۶۸۶، ۷۰۵	۶۹۵، ۶۹۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۴۶
ینگ امام [ج ۳] ۷۰۴	[ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۵، ۸۶۲، ۸۹۶
یونان [ج ۲] ۴۶۴	

فهرست نامهای گوناگون پراکنده

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۵۹۱، ۵۷۶ [ج ۳]، ۵۳۰، ۵۱۲ | آلمان - آلمانی (مردم) [ج ۱] ۱۱۲، [ج ۲] ۴۵۲ |
| ۶۱۰، ۶۱۶، ۷۴۵، [ج ۴] ۸۰۰، | آلیانس (مدرسه) [ج ۴] ۸۳۵ |
| ۸۱۹، ۸۳۸، ۸۴۱، ۸۵۳، ۸۵۶، | اتماژور [ج ۳] ۶۹۴ |
| ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۶۳ | اتریشی (مردم) [ج ۳] ۶۸۱ |
| اسفینکس (کشتی) [ج ۳] ۶۱۶ | احمدوند چلبی (ایل) [ج ۴] ۷۸۶ |
| اسلام (دین) [ج ۳] ۶۶۷، ۶۶۸ | ارچینی (مردم) [ج ۴] ۷۹۷، ۸۲۲ |
| اسماعیلی (گروه مذهبی) [ج ۴] ۷۹۳ - | ارمنی - آرامنه (مردم) [ج ۱] ۴۲، [ج ۲] ۳۵۱، ۳۶۳، ۳۸۴، ۵۰۷، [ج ۳] ۵۶۸، ۵۹۷، ۶۱۹، ۶۸۰، ۶۸۸، ۷۱۰، ۷۵۷، [ج ۴] ۷۸۰، ۷۸۵، ۹۱۲، ۹۱۷ |
| ۸۰۳، ۸۳۰ | اروپائی (مردم) [ج ۲] ۴۰۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۴۵، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۸۵ |
| اعتدالی‌ها (گروه مجلس) [ج ۴] ۸۴۴، | |
| ۸۴۵ | |
| افشار (ایل) [ج ۲] ۴۷۰، [ج ۳] ۶۴۹ | |
| افشار (گروه سوار) [ج ۴] ۹۱۲ | |
| افغانی (مردم) [ج ۴] ۸۷۱، ۸۷۶، ۸۹۲، | |
| ۹۰۷ | |

- ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۵،
 ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۲۶ [ج ۳]،
 ۶۱۸، ۶۴۱، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۰،
 ۶۸۱
 ایتالیائی (مردم) [ج ۴] ۹۲۸
 ایران (روزنامه) [ج ۲] ۳۸۰
 ایران نو (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۸
 ایرانی (مردم) [ج ۳] ۵۶۶، ۵۶۷، ۶۸۶،
 ۶۸۷، ۶۹۰، ۶۹۷، ۷۰۴، ۷۲۰،
 ۷۶۵، ۷۶۶ [ج ۴] ۸۰۴
 اینانلو (ایل) [ج ۳] ۷۳۹، ۷۴۹، ۷۶۱،
 [ج ۴] ۷۸۰
 باب [ج ۳] ۵۳۳
 بابی (مردم) [ج ۲] ۴۶۴، ۵۳۳
 بانک استقراضی ایران [ج ۳] ۷۲۵
 بانک روس - بانک روسی [ج ۳] ۶۵۴،
 ۶۵۵، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۵، ۷۰۳،
 ۷۲۳، ۷۲۷، ۷۳۹ [ج ۴] ۸۷۷،
 ۸۹۵
 بانک شاهی - بانک شاهنشاهی [ج ۳]
 ۶۵۰، ۶۶۰، ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۸،
 ۷۰۳، ۷۰۶، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۲،
 ۷۳۴، ۷۴۳، ۷۴۴ [ج ۴] ۸۲۱،
 ۸۳۲، ۸۵۳، ۸۶۴، ۸۶۸، ۸۹۱،
 ۸۹۳، ۸۹۶، ۹۰۹، ۹۱۱، ۹۵۲،
 ۹۶۳، ۹۶۶
 بختیاری (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۱، ۳۶۳ -
 ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۸۳، ۳۹۲، ۳۹۳،
 ۳۹۵، ۴۰۶ - ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۳۰،
 ۴۳۲، ۴۵۱، ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۲۳،
 ۵۳۱ [ج ۳] ۵۴۹، ۵۵۹، ۵۷۲،
 ۵۸۰-۵۸۷، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۱،
 ۶۰۷، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۳۶ - ۶۳۸،
 ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۱،
 ۶۷۰، ۶۷۷، ۶۸۴، ۶۸۶-۶۸۸،
 افیشیال مستنجر (روزنامه) [ج ۳] ۵۰۷
 امریکائی (مردم) [ج ۳] ۵۹۳
 امیرال [ج ۳] ۶۱۶
 انجمن [ج ۲] ۴۰۳
 انجمن ایالتی [ج ۲] ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۱۳،
 ۵۱۶، ۵۲۵، ۵۳۰، ۵۳۴
 انجمن ایالتی آذربایجان [ج ۲] ۴۳۱
 انجمن اصفهان [ج ۳] ۷۱۰، [ج ۴] ۸۲۲
 انجمن محلی اصفهان [ج ۲] ۴۰۴
 انجمن ولایتی اصفهان [ج ۴] ۸۹۲، ۹۲۵
 انجمن بوشهر [ج ۳] ۶۲۰، ۶۵۰، ۶۵۱،
 ۷۱۶، ۷۳۳، ۷۴۷، ۷۶۴
 انجمن محلی بوشهر [ج ۳] ۶۱۱
 انجمن ولایتی بوشهر [ج ۴] ۸۹۴
 انجمن ایالتی تبریز [ج ۲] ۴۳۳
 انجمن تبریز [ج ۳] ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۹۱ -
 ۵۹۴، ۶۱۲، ۶۴۸، ۷۰۱، ۷۰۸
 انجمن محلی تبریز [ج ۲] ۳۹۵
 انجمن سری رشت [ج ۳] ۷۴۴
 انجمن ولایتی رشت [ج ۴] ۸۶۹
 انجمن محلی سلطان آباد [ج ۳] ۶۴۸
 انجمن ایالتی شیراز [ج ۳] ۵۶۸
 انجمن محلی شیراز [ج ۳] ۶۰۲
 انجمن عباسی [ج ۱] ۱۲۶
 انجمن ایالتی فارس [ج ۲] ۵۳۴
 انجمن ایالتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲، ۹۳۲
 انجمن ولایتی کرمان [ج ۴] ۹۱۲
 انجمن ولایتی کرمانشاه [ج ۴] ۸۳۵
 انجمن مشهد [ج ۳] ۶۴۷، ۶۴۸، ۷۴۴
 انجمن ایالتی مشهد [ج ۳] ۵۶۷، ۶۰۰،
 [ج ۴] ۸۹۱
 انجمن ایالتی یزد [ج ۳] ۷۴۵
 انجمن ولایتی یزد [ج ۴] ۸۱۲، ۸۳۴،
 ۹۵۹
 انگلیسی (مردم) [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۲

- تایمز (روزنامه) [ج ۳] ۷۲۲
 تخت طاووس [ج ۱] ۲۰
 تراکمه - ترکمان - ترکمانیه - ترکمن
 (مردم) [ج ۱] ۲۲۸، [ج ۲] ۳۸۳،
 ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۳، ۵۲۹، ۵۳۰،
 [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۷۰، ۶۷۷،
 ۷۲۹
 تفتی (مردم) [ج ۳] ۷۴۶، ۷۶۲، ۷۶۳،
 [ج ۴] ۷۸۶
 تمدن (روزنامه) [ج ۱] ۹۳
 تنگستانی (مردم) [ج ۲] ۴۴۴، ۴۴۵،
 ۴۶۶، ۴۷۸، [ج ۳] ۶۰۵، [ج ۴]
 ۹۴۲، ۹۴۵، ۹۶۱، ۹۶۴
 تولکی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
 تهران (قایق) [ج ۴] ۹۷۱
 جعفریای (ایل) [ج ۲] ۵۲۹، ۵۳۰، [ج ۳]
 ۷۲۹
 جمشیدی (گروه) [ج ۴] ۹۰۷
 چلبی (مردم) ۷۸۶ (نک، احمدوند چلبی)
 چهاردوالی (ایل) [ج ۲] ۳۵۱، ۳۸۸،
 ۳۹۰، ۴۶۳
 چهارراهی (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
 جبل المتین (روزنامه) [ج ۱] ۲۹، ۹۳،
 [ج ۳] ۷۲۸
 خداپنده لو (ایل) [ج ۲] ۴۷۰
 خزل (خزعل؟ - ایل) [ج ۴] ۹۴۰
 خلج (فوج نظامی) [ج ۴] ۸۲۱
 خمسه (ایل) [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۵۶۸،
 ۵۹۷، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۷۸، [ج ۴]
 ۷۷۶، ۸۰۴، ۸۳۶
 دره شوری (طایفه) [ج ۴] ۸۶۶
 دشتیاری (ایل) [ج ۴] ۹۴۵
 دی (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹
 دقوز (طایفه) [ج ۳] ۷۲۹
 دیکسن (کمپانی) [ج ۱] ۱۲۶، [ج ۴] ۸۲۴
- ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۸-۷۱۰، ۷۲۸،
 ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۵،
 ۷۵۸، ۷۶۲، [ج ۴] ۷۷۹، ۷۸۸،
 ۷۹۰، ۷۹۹، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸،
 ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۴، ۸۳۶،
 ۸۳۷، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۵۶، ۸۷۰،
 ۸۷۲، ۸۷۴، ۸۸۸، ۸۹۲، ۸۹۳،
 ۸۹۷، ۸۹۹، ۹۰۶، ۹۰۸، ۹۱۰،
 ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۲۲، ۹۲۵، ۹۳۰،
 ۹۳۱، ۹۳۵-۹۳۷، ۹۳۹، ۹۴۴،
 ۹۴۷، ۹۵۵، ۹۵۷-۹۵۹، ۹۶۷،
 ۹۶۹، ۹۷۰
 بریگاد قزاق [ج ۳] ۶۸۳، ۶۸۴، ۷۵۴،
 [ج ۴] ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۱۵،
 ۹۲۰، ۹۲۱
 بلوچ - بلوچی (مردم) [ج ۲] ۵۳۱، [ج ۳]
 ۶۰۵، ۶۴۹، ۷۴۳، [ج ۴] ۷۸۲،
 ۷۸۷، ۷۹۹، ۸۱۲، ۸۲۳، ۸۲۴،
 ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۹۲، ۹۱۲، ۹۳۰،
 ۹۳۲، ۹۳۸، ۹۴۵، ۹۶۰، ۹۶۸،
 ۹۷۱
 بورس گازت (مجله) [ج ۱] ۳۲۸
 بهار (ایل) [ج ۱] ۱۳۹
 بهارلو (ایل) [ج ۱] ۱۳۳، [ج ۲] ۷۳۱،
 [ج ۴] ۹۴۱، ۹۷۰
 پارسی - پارسیان (مردم) [ج ۱] ۴۰، ۴۲،
 [ج ۲] ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۱۳، ۴۳۰،
 ۴۷۱، ۴۷۲، ۵۳۱، [ج ۳] ۶۰۱،
 ۶۴۹، ۷۱۰، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۶۲
 پاقلعه (گروه) [ج ۴] ۸۲۳
 پرسپولیس (کشتی) [ج ۳] ۷۱۶، ۷۴۷،
 ۷۶۴
 پرسسی یوس (کشتی) [ج ۱] ۱۵۹، [ج ۲]
 ۴۶۵
 تاتار (مردم) [ج ۱] ۳۲۸

- دیلی نیوز (روزنامه) [ج ۳] ۵۹۳
 ردبرست (کشتی) [ج ۲] ۴۴۵
 روزنامه رسمی ایران [ج ۲] ۳۴۲
 روس (مردم) [ج ۱] ۲۸۹، ۲۹۳ - ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۰۸ - ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۹ [ج ۲]، ۳۲۷ - ۳۳۹، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۵۲، ۳۵۴ - ۳۵۶، ۳۶۰ - ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۱ - ۳۹۳، ۳۹۵ - ۳۹۸، ۴۰۰ - ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۶، ۴۲۱ - ۴۲۵، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۷ - ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۸ - ۴۶۰، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۳، ۴۷۵ - ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۳ - ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۰ - ۴۹۸، ۵۰۱، ۵۰۳ - ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۱۲، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۲، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰ - ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۹ [ج ۳]، ۵۴۴، ۵۴۵ - ۵۴۷، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۸ - ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۷۱، ۵۷۳ - ۵۷۸، ۵۸۱ - ۵۸۵، ۵۸۷ - ۵۸۹، ۵۹۲ - ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۰۴، ۶۰۶ - ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۹ - ۶۲۷، ۶۲۹ - ۶۳۵، ۶۳۷ - ۶۳۹، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰ - ۶۵۴، ۶۵۷، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۸۲ - ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۹ - ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۱ - ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۳، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳ - ۷۲۹، ۷۳۱ - ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۴۳، ۷۴۶ - ۷۶۱، ۹۵۲
- [ج ۴] ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۴، ۷۸۷، ۷۹۰ - ۷۹۲، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۹، ۸۰۲ - ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۱۱، ۸۱۳، ۸۱۴ - ۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۱ - ۸۳۳، ۸۳۸، ۸۴۰، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۶ - ۸۵۲، ۸۵۴، ۸۵۸ - ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۵، ۸۷۳ - ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۵ - ۸۸۸، ۸۹۰، ۸۹۸ - ۹۰۴، ۹۰۷، ۹۱۱، ۹۱۴ - ۹۱۶، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۶، ۹۳۴، ۹۳۸، ۹۴۲، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۷۰ (نیز نک: روسی)
 روسی (مردم) [ج ۳] ۶۲۱، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۵۴، ۷۰۱، ۷۰۹، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۶۵ [ج ۴]، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۸۸، ۸۰۴، ۸۶۰، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۹۵، ۹۱۰، ۹۱۱ (نیز نک: روس)
 روتر - روتتر (روزنامه) [ج ۳] ۶۲۲، ۶۸۸
 زردشتی (مردم) [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۱، ۶۴۹، ۶۶۸، ۶۸۰ [ج ۴]، ۷۹۸، ۸۱۲، ۸۳۴، ۸۷۱، ۸۹۳
 زیقلر - زیگلر (کمپانی) [ج ۱] ۱۲۶، ۲۱۸ [ج ۲]، ۴۷۲، ۵۲۴، ۵۳۵ [ج ۴]، ۷۹۸، ۸۰۰، ۸۰۵
 زینگر [ج ۴] ۸۰۰
 سگوند (سگوند - ایل) [ج ۳] ۷۶۵ [ج ۴] ۹۶۲
 سنجابی (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۵۳۳ [ج ۳]، ۵۶۷ [ج ۴]، ۷۸۶، ۷۸۷، ۸۲۳، ۸۸۵، ۹۶۰
 سندیکای بین‌المللی [ج ۴] ۸۳۰، ۸۳۱

۴۴۷، ۴۵۲، ۵۲۶ [ج ۴] ۹۶۲
 فدائی (گروه) [ج ۳] ۶۱۵، ۶۱۹، ۶۲۲،
 ۶۲۷، ۶۳۶ - ۶۴۰، ۶۸۴، ۶۸۶ -
 ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۲۱،
 ۷۲۸، ۷۵۸ [ج ۴] ۷۸۰، ۸۱۶،
 ۸۴۵، ۹۱۴، ۹۱۶
 فرانسوی (مردم) [ج ۲] ۳۹۸ - ۴۰۰،
 [ج ۴] ۹۲۸، ۹۲۹
 فرقه احرار ملیون [ج ۴] ۸۸۰، ۸۸۱
 فرقه ملیون [ج ۴] ۸۷۴، ۹۶۵
 فرقه ملیون تهران [ج ۲] ۴۲۷، ۴۳۷
 فوج کرند (گروه نظامی) [ج ۴] ۹۰۱ -
 ۹۰۳
 قاجار (ایل) [ج ۳] ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۷
 قاجاریه (پادشاهی) [ج ۲] ۳۹۵ [ج ۳]
 ۶۲۴، ۶۸۵، ۷۳۱
 قراجه‌داغی (مردم) [ج ۴] ۷۷۶، ۸۱۰،
 ۸۱۴
 قره‌باغی (مردم) [ج ۲] ۳۸۸
 قره‌داغی (مردم) [ج ۲] ۴۰۴، ۴۱۷ -
 ۴۱۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۶۲، ۴۶۴
 [ج ۳] ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۱، ۷۵۴ -
 ۷۵۶
 قره‌سوران (مأمور انتظامات جاده‌ها)
 [ج ۲] ۵۳۵، [ج ۳] ۶۰۱، ۷۳۲،
 [ج ۴] ۹۰۹
 قزاق [ج ۳] ۶۳۸ - ۶۴۰، ۶۴۳،
 ۶۴۴، ۶۴۶، ۶۵۷، ۶۸۲،
 ۶۸۴، ۶۸۶ - ۶۸۸، ۶۹۰،
 ۶۹۷، ۷۰۱، ۷۰۵ - ۷۰۷، ۷۰۹،
 ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۲۸، ۷۳۱، ۷۳۳،
 ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۸ - ۷۵۵، ۷۵۸،
 ۷۶۰ - ۷۶۲، ۷۶۵، [ج ۴] ۷۷۶،
 ۷۷۷، ۷۸۰، ۷۸۳ - ۷۸۵، ۷۸۷،
 ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۲۷، ۸۶۴، ۸۷۲

سنی (مردم - گروه دینی) [ج ۳] ۵۶۸
 سوئدی (مردم) [ج ۴] ۹۲۸، ۹۵۴
 سویسی (مردم) [ج ۲] ۴۶۴
 سیلاخوری (فوج نظامی) [ج ۳] ۵۶۴، ۵۹۸،
 ۶۴۵، ۷۰۸، [ج ۲] ۹۴۰
 شاهسون (ایل) [ج ۲] ۴۸۶، ۴۸۷،
 [ج ۳] ۵۶۶، ۵۷۹، ۵۹۶، ۵۹۷،
 ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۴۶، ۶۵۲، ۶۷۰،
 ۶۷۵، ۷۰۱، ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۷ -
 ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴ - ۷۵۶،
 ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۶، [ج ۴] ۷۷۶،
 ۷۷۹ - ۷۸۱، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۸،
 ۸۰۱، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۹، ۸۲۱،
 ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۵۵، ۹۲۴، ۹۳۴،
 ۹۳۶، ۹۳۸، ۹۵۵
 شرکت راه تبریز و جلفا [ج ۴] ۸۱۹
 شبندری [ج ۲] ۵۳۳
 شیعه (مردم - گروه مذهبی) [ج ۳]
 ۵۶۸
 صور اسرافیل (روزنامه) [ج ۱] ۲۴۵
 طهمورثی (گروه) [ج ۴] ۸۰۸
 عثمانی (مردم - دولت) [ج ۲] ۳۵۷ -
 ۳۵۹، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۱،
 ۴۲۹، ۴۴۲، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۶،
 ۴۶۰، ۴۶۹، ۴۷۰، ۵۲۵، ۵۳۳،
 [ج ۴] ۷۸۳، ۸۰۹، ۸۱۱، ۹۰۷،
 ۹۱۷، ۹۴۲
 عرب (ایل) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۱۳، ۷۳۰،
 ۷۳۲، ۷۴۶، ۷۴۷، [ج ۴] ۹۴۱،
 ۹۶۱
 عشایر [ج ۳] ۶۷۸
 علماء کربلاء [ج ۳] ۷۱۵، ۷۴۷
 علماء نجف [ج ۳] ۷۱۶
 عیسوی (مردم) [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳
 فاکس - فکس (کشتی جنگی) [ج ۲]

- ۸۷۵، ۸۸۱، ۸۸۳، ۸۹۵، ۸۹۷، ۹۰۰، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۱۱، ۹۴۹، ۹۵۴، ۹۶۰، ۹۶۱
- قشقای (ایل) [ج ۲] ۳۶۷، ۳۸۵، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۳۲، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۰۴، ۶۱۵، ۶۵۰، ۶۵۶ - ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۹۹، ۷۱۲ - ۷۱۵، ۷۳۲، ۷۵۸، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۷ - ۷۹۰، ۸۰۰، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۲۰، ۸۳۶، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۷۲ - ۸۷۴، ۸۸۶ - ۸۸۸، ۸۹۲، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۳، ۹۲۵، ۹۳۰، ۹۳۳، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۴۱، ۹۴۴ - ۹۴۶، ۹۶۰، ۹۷۰
- قشون ملتیان - قشون ملی [ج ۳] ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۹
- قفقازی (مردم) [ج ۲] ۳۸۷، ۴۴۹، ۴۵۹ - ۴۶۱، ۴۷۴، ۴۸۷، ۵۲۲، [ج ۳] ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۷۵، ۵۸۲، ۵۹۱، ۶۰۷، ۶۸۶، ۷۵۴، ۷۶۱ [ج ۴] ۸۱۶
- قلهک [ج ۳] ۷۲۰
- قوامی (گروه) [ج ۳] ۶۰۲، ۶۱۵، ۶۵۰، [ج ۴] ۸۰۴، ۸۳۶، ۸۹۴، ۹۱۳، ۹۶۱
- قوجیگلو (قوجه‌بگلو - طایفه) [ج ۴] ۷۸۰
- کاکاری (گروه) [ج ۴] ۹۰۷
- کاکاوند (ایل) [ج ۱] ۱۹۰، [ج ۴] ۷۹۸، ۹۴۰
- کردی‌لیونه (بانک) [ج ۳] ۷۲۸
- کروز (مسلسل) [ج ۴] ۹۱۹
- کشکولی (طایفه) [ج ۴] ۸۲۴، ۸۳۶
- کلدانی (مردم) [ج ۳] ۵۹۷، ۶۸۰
- کلهر (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۶۷، ۳۸۴
- ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۳۳، [ج ۳] ۷۶۳، [ج ۴] ۷۸۲، ۸۲۳، ۸۶۳، ۸۷۲، ۸۷۶، ۸۸۲، ۸۸۵، ۹۱۰، ۹۶۰، ۹۷۰
- کلیمی (مردم) [ج ۳] ۶۸۰
- کمپانی راه شوسه [ج ۳] ۵۷۶
- کمیته اتحاد اسرائیلی [ج ۴] ۸۳۵
- [ج ۴] ۹۴۵ مجمع [ج ۴] ۹۴۹
- کمیته ملی [ج ۳] ۵۹۶، ۷۲۷، ۷۲۸
- کمیته ملتیان [ج ۳] ۶۴۲، ۶۵۳، ۷۰۸
- کمیگیلویه (ایل) [ج ۳] ۵۷۲، ۶۰۱، ۷۴۸، ۷۵۸، ۷۶۲، ۷۶۵
- کمیگیلویه‌ای (مردم) [ج ۴] ۷۷۵، ۷۸۱، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۲، ۷۹۷، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۲۰، ۸۲۲، ۸۳۶، ۸۴۶، ۸۶۶، ۹۵۵، ۹۶۱
- کارد افتخار [ج ۳] ۷۲۹
- گوران (ایل) [ج ۲] ۳۵۳، ۳۸۴، [ج ۳] ۵۶۷، [ج ۴] ۸۲۳
- لایپینگ (کشتی) [ج ۱] ۱۲۹، ۱۵۹
- لاری (مردم) [ج ۲] ۴۷۱، [ج ۳] ۵۶۹
- لر (مردم) [ج ۳] ۶۵۶، ۷۶۲
- لرگی (مردم) [ج ۳] ۷۴۴
- لشنی (ایل) [ج ۲] ۳۸۳، ۴۷۲، ۵۲۴، [ج ۳] ۷۴۴، [ج ۴] ۸۲۳، ۹۶۱
- لینچ - لینچ (کمپانی) [ج ۱] ۱۷۹، [ج ۴] ۸۵۶
- مارتین (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸
- ماکزیم - ماکسیم (توپ) [ج ۳] ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۴۷، [ج ۴] ۸۰۵، ۹۱۹
- ماکوئی (مردم) [ج ۲] ۳۸۸ - ۳۹۰، ۴۰۹، ۴۶۲
- مال سبزعلی (طایفه) [ج ۴] ۹۴۰
- مجاهد - مجاهدین [ج ۳] ۶۴۳، ۶۴۷، ۷۰۶، ۷۰۹، ۷۲۸، ۷۵۰، ۷۵۴

- ۵۲۳، [ج ۳] ۵۵۲، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۸۳، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۳، ۶۰۶، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۳۷، ۶۳۹-۶۴۲، ۶۴۵، ۶۵۰، ۶۵۷، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۱۰، ۷۳۲، [ج ۴] ۸۶۸ (نیز نك مشروطه)
- مصری (مردم) [ج ۴] ۹۲۸
مضفل [ج ۴] ۹۱۹
مظفر (روزنامه) [ج ۱] ۲۹
مظفری (کشتی) [ج ۳] ۵۶۹
مکنز (تفنگ) [ج ۴] ۸۰۸
موزر (سلاح) [ج ۳] ۶۸۷، ۷۰۶، [ج ۴] ۹۱۸، ۹۱۴، ۸۹۰
- نانکلی - نانه‌کلی (ایل) [ج ۴] ۸۲۳
ندای وطن (روزنامه) [ج ۱] ۲۹
نویه ورمیا (روزنامه) [ج ۱] ۳۲۸
هندو (مردم) [ج ۴] ۹۰۹
هندو اروپ - هندو اروپا (کمپانی) [ج ۲] ۵۲۳، ۵۲۴، [ج ۳] ۶۰۴، ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۱۹، ۷۳۱، [ج ۴] ۸۰۶، ۸۷۶، ۸۷۸، ۸۸۱، ۸۸۲، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۵۸
- هندی (مردم) [ج ۳] ۶۰۵، ۶۳۵، ۶۴۴، ۶۹۰، ۷۱۵، ۷۱۸، ۷۵۵، ۷۶۵، [ج ۴] ۸۳۶، ۸۳۸، ۸۴۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۷۶، ۸۸۱، ۹۰۰، ۹۰۹، ۹۲۰، ۹۳۵، ۹۴۰
- موترز (توپ) [ج ۳] ۵۷۸، ۵۸۱، ۶۴۶، هیأت‌مدیره [ج ۳] ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۷، ۷۴۱، ۷۴۳
- یهود - یهودی (مردم) [ج ۱] ۳۸، ۴۲، [ج ۲] ۵۳۲، ۵۳۳، [ج ۳] ۵۹۷، ۶۶۸، ۷۱۰، [ج ۴] ۸۷۱، ۹۱۲، ۹۴۶، ۹۶۰
- ۷۵۸، ۷۶۱، [ج ۴] ۸۹۵ - ۸۹۸، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۱۴ - ۹۱۶، ۹۱۸، ۹۱۹
- مجلس (روزنامه) [ج ۱] ۲۹
مجلس تجارت بوشهر [ج ۳] ۵۷۹
مجلس شورای ملی [ج ۳] ۶۶۶
مجلس عالی فوق‌العاده - مجلس فوق‌العاده عالی [ج ۳] ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۹ - ۶۹۱، ۶۹۶، ۶۹۸، ۷۰۴
- مجلس ملی [ج ۴] ۷۸۳
محاکمات (روزنامه) [ج ۱] ۱۷۸
مدرسه امریکائی [ج ۳] ۶۱۷
مسلمان (گروه دینی) [ج ۳] ۷۱۰
مسیحی - مسیحیان (مردم) [ج ۲] ۳۸۷، [ج ۳] ۶۶۸
- مشروطه [ج ۲] ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۳۸ - ۳۴۲، ۳۴۴ - ۳۴۸، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹ - ۳۷۱، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۹ - ۳۸۳، ۳۸۹ - ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۷، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۵۴، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۸، ۵۱۳، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳ - ۵۴۰، ۵۴۵، [ج ۳] ۵۴۹، ۵۵۲، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۵، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۳۷ - ۶۳۹، ۶۴۱ - ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۹، ۶۹۰، ۷۱۲، ۷۱۹، ۷۵۴، ۷۶۴، [ج ۴] ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۹۵، ۹۰۸، ۹۳۹
- (نیز نك مشروطیت)
مشروطیت [ج ۲] ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۸۶

فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که
در ضمن اسناد از آنها یاد شده است
جلد اول

- | | |
|--|---|
| ۴ ، مظفرالدین‌شاه | علی‌شاه برگزار شد ۲۱ |
| شرح قانون اساسی در مجلس ۱۷ | تیرگی روابط مردم با محمدعلی‌شاه ۲۱ |
| زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز
به خارجی‌ها ۱۷ | آشکارشدن احساسات ضداروپائی در مردم
ایران ۲۲ |
| ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله
در امور ایران ۱۸ | پناهندگی مردم اورمیه به کنسولخانه
و تلگرافخانه انگلیس ۲۲-۲۸ |
| پادشاهی محمدعلی‌شاه - باریافتن سفراء
خارجی بنزد شاه ۱۹ | مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت
راهسازی روسی ۲۳ |
| احترام مردم به جنازه مظفرالدین‌شاه و
جلوگیری آنها از برده‌شدن جنازه
به کربلاء ۱۹ | فدائیان‌رشت از قفقاز دستورمی‌گرفتند ۲۳ |
| تاج‌گذاری محمدعلی‌شاه - ولیعهدی احمد
شاه ۲۰ | مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی
محمدعلی‌شاه خودداری کردند ۲۴ |
| نخستین سلام رسمی که در حضور محمد | طرح مسئله نوز بلژیکی در مجلس ایران -
مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵ |
| | تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶ |

- قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی
زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷
- تحصن و عاظم و مردم عادی در شاه -
عبدالعظیم ۲۷
- مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای
بیگانه ۳۰
- هزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱
- آدم‌کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳
- مردم برای اجراء قول شاه ایران از
دولت‌های خارجی تضمین می‌خواستند!
۳۳
- نامه سرزنش‌بار زنان تبریز به مردان
شیراز ۳۸
- اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی
مردم - برپا کردن چادر بر پام
خانه‌ها ۳۹
- آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشه شکار
آزادیخواهان ۵۱
- پازداشت رحیم‌خان قراجه‌داغی ضد مشروطه
معروف ۵۱ - ۵۲
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری
از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه
۵۱
- جلوگیری مردم بندر انزلی از خارج شدن
نوز بلژیکی ۵۲
- قتل رجب‌افندی در تهران ۵۲
- توطئه اکرم‌السلطان برای کشتن اعضای
انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن یک محترک در تبریز ۵۳
- وضع بد مالی ایران و فرستادن هیأت‌های
تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریگاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران
۶۳
- گارد شاهی با فرمانده روسی! ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرایط برده‌وار و استعماری روس و
انگلیس برای دریافت اقساط وام
خود از ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- اظهارنظر شگفتی‌انگیز سفیر انگلیس
دربار شاه ایران ۷۱
- دولت ایران فقط می‌تواند از روس و
انگلیس وام بگیرد! ۷۶
- احساسات میهن‌پرستانه ایرانیان از نظر
سفیر انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد
شد ۸۳
- طرح قرارداد ۱۹۰۷ در مجلس ایران
۸۹
- مرکز ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطار درباریان به محمدعلی‌شاه و منزوی
گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرارداد
۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله
صنیع‌الدوله ۱۱۰
- زندانی شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی
شدن ناصرالملک و وزیران دولت
او ۱۱۷
- چاقوکشان مزدور محمدعلی‌شاه و پذیرائی
شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- موءاستفاده آصف‌الدوله و مظفرنظام از
انباء مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاءالدوله - زندانی شدن ناصر-
الملک ۱۴۰
- اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس

- دستور کار می‌گرفت! ۱۴۶
از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو
نسل دیگر هم شایسته حکومت
مشروطه نیست ۱۴۹
زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان‌خودشان
از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند
۱۶۲
سوء قصد بجان محمدعلی‌شاه ۱۶۸
تدارک محمدعلی‌شاه برای سرکوبی مردم
۱۶۹
گزارش سفیر انگلیس درباره سوء قصد
به محمدعلی‌شاه ۱۷۰
غارت مردم بوسیله گارد امیربهادر ۱۷۱
تحصن امیربهادر در سفارت روس ۱۸۴
فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶
روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در
ایران ۱۹۱
تحصن تقی‌زاده و روزنامه‌نگاران در
سفارت انگلیس ۱۹۶
دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان
دیگر بدستور محمدعلی‌شاه ۱۹۶
پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه
۲۰۰
پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به
سفارت ایتالیا ۲۰۰
شورش در تبریز ۲۰۰
انحلال مجلس بدستور محمدعلی‌شاه ۲۰۰
- حمایت سفارت انگلیس از ظل‌السلطان
۲۰۲
تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس
۲۰۴
جواب دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران
۲۰۵
پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
کودتا در تهران و غارت خانه‌های مردم
بدست قوای دولتی ۲۳۶
دستگیری ملک‌المتکلمین و جهانگیرخان
صورافرافیل ۲۳۹
حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را
به پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به
شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی
دولت روسیه ۲۹۵
روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
دستخط محمدعلی‌شاه درباره انتخابات
مجلس ۳۰۶
انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی
شاه ۳۰۹
تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمد
علی‌شاه ۳۲۱

جلد دوم

- به عقیده سفیر انگلیس، اعضای مجلس
ایران عاری از کار و نادان و
ارتجاعی هستند! ۳۳۷
دستخط ساختگرمحمدعلی‌شاه بر دیوارهای
تظاهرات طرفداری محمدعلی‌شاه علیه
برقراری مشروطه در ایران ۳۳۹
بی‌تکلیفی زندانیان سیاسی؛ مشروطه
نوع محمدعلی‌شاهی! ۳۴۰

- لیره وام تاخت می‌رند ۳۴۴
به عقیده محمدعلی‌شاه مشروطه و تشکیل
مجلس مخالف با اسلام است ۳۴۶-
۳۴۸
به عقیده علاءالسلطنه ایران برای تشکیل
مجلس مستعد نیست ۳۴۷
شورش در مشهد؛ نامه علماء کربلاء به
مردم خراسان و تحریک آنان به
شورش ۳۵۲
حکومت نظامی در اصفهان ۳۵۲
انگلیس و روس با شاه ایران وحدت نظر
دارند ۳۵۵
عقب‌نشینی محمدعلی‌شاه در برابر
تهدیدهای انگلیس و روس ۳۵۵
تحصن محمدعلی‌شاه در باغشاه ۳۵۶
مفرای انگلیس و روس می‌خواستند
محمدعلی‌شاه را با دادن رشوه
مشروطه‌خواه کنند! ۳۵۶
هرج و مرج و شورش در اصفهان؛ غارت
بازار بوسیله سربازان دولتی ۳۶۰
یک داوری عجیب درباره ستارخان و
هم‌زمان او ۳۶۱
غارت دیوانخانه حکومت اصفهان بوسیله
مردم ۳۶۳
اصفهان در تصرف انقلابیون ۳۶۴
انتصاب سعدالدوله به وزارت خارجه
۳۶۵
مقاومت محمدعلی‌شاه در برابر فشارهای
انگلیس و روس ۳۶۶
ترس انگلیس از تجزیه ایران؛ ترس
روسها از استقلال شهرهای تبریز
و اصفهان ۳۶۷
انفصال مصمص السلطنه از ایلخانی
بختیاری ۳۶۸
به عقیده صدراعظم ایران هیچ‌گونه حکومت
شورائی با شریعت اسلام موافق
نیست ۳۷۹
پناهندگی ملیون به کنسولگری عثمانی
در رشت ۳۸۱
رفتار ستمگرانه با پارسیان و آرامنه
ایرانی ۳۸۴
برقراری نظم در تبریز بوسیله ستارخان
و باقرخان ۳۸۷
نامه انجمن تبریز درباره رفتار ناروای
دولت با مردم آن شهر ۳۸۹
اعتراض انجمن ملی تبریز به استقراض
دولت ایران از خارج ۳۹۹
شورش در رشت و کشته‌شدن حاکم آن
شهر ۴۰۳، ۴۲۶
تشکیل حکومت موقت در رشت بوسیله
شورشیان ۴۰۳-۴۲۶
پیشنهاد صلح عین‌الدوله به مردم تبریز
۴۰۳، ۴۰۴
مخالفت ملیون تهران با استقراض دولت
ایران از دولتهای خارجی ۴۰۴
به عقیده مستشار مالیه ایران شرط
استقلال مالیه ایران استخدام
کارمندان خارجی است ۴۰۵
آشوب و غارت در اصفهان، پناهندگی مردم
به سفارتخانه‌های انگلیس و روس
۴۰۶-۴۰۷
زمزمه تشکیل یک کشور مستقل در شمال
ایران ۴۱۰
یافتگری سیدحسین لاری در لار ۴۱۰
انگلیس از مساعدت مالی به محمدعلی‌شاه
برای حفظ موقعیت او ناامید
است ۴۱۱
تغییرات در کابینه دولت ۴۱۲
تیراندازی به شیخ فضل‌الله نوری ۴۱۲-
۴۱۳

- ۴۴۹ بمباران تبریز بوسیله شاهپرستان
هرج و مرج در بوشهر ۴۵۲
زمینه‌سازی قفقازیها در شورش رشت
۴۶۰
پرچم روس و انگلیس و عثمانی بر فراز
خانه‌های مردم رشت ۴۶۰
یورش قوای دولتی به تبریز ۴۶۱
یورش جنایتکارانه رحیم‌خان به جلفا
۴۶۲
نظر کنسول انگلیس درباره رشادت و
جنگاوری ستارخان و جنگیدن
روحانیان ۴۶۳
کشته‌شدن يك نانوای گرانفروش در تبریز
۴۶۴
بنادر خلیج فارس زیر فرمان ملیون ۴۶۴
در بوشهر به‌جای پرچم سلطنتی پرچم ملی
برافراشته شد ۴۶۷
شروع انقلاب در مشهد ۴۶۷
شیراز و همدان در مسیر انقلاب ۴۶۸
شورش افشاریها و غارت اموال حاکم
کرمان ۴۷۰
رفتار ضدانسانی با پارسیان در شیراز
۴۷۲
کشتار پناهندگان شاه‌عبدالعظیم به دستور
مفاخرالملک حاکم تهران ۴۷۳
اعتراض آمرانه انگلیس و روس به
کشتار شاه‌عبدالعظیم ۴۷۴
مداخله انگلیس و روس در ترکیب کابینه
ایران ۴۷۵
تهدید انگلیس و روس به تنبیه اقتصادی
ایران ۴۷۵
قحطی و غارت نانواییها در کرمان ۴۷۸
سیدمرتضی در لباس ملی‌گری و با قصد
غارتگری ۴۷۸
تغییرات سیاسی در اسلامبول و تاثیر آن
علمای کربلاء مردم ایران را از پرداخت
مالیات به دولت منع کردند ۴۱۳
تشکیل دیوان عدالت در بوشهر ۴۱۴
شورشیان رشت شعاع‌السلطنه برادر شاه
را گروگان گرفتند ۴۱۷
محاکمه متهمان به بمب‌اندازی بسوی شاه
۴۱۸، ۴۲۹
کشف و توقیف مهمات انقلابیون ایرانی
در باکو ۴۲۳
بروز آثار انقلاب در مشهد ۴۲۴
متن بیان‌نامه جماعت ملیون تهران به
سفیر انگلیس ۴۲۷
تشکیل کابینه مشیرالسلطنه ۴۲۸
تعطیل بازار تهران و چوب‌خوردن تجار
بازار ۴۲۹
آزاد شدن ضاربین شیخ فضل‌الله نوری
۴۲۹
مخالفت علماء نجف و همدان با استقراض
محمدعلی‌شاه از خارجه ۴۳۱
انجمن ایالتی آذربایجان جانشین مجلس
ملی ایران ۴۳۱
جنگ ملیون و شاهپرستان در تبریز ۴۳۳
سادات لارستان به توصیه علماء نجف
گمرک بوشهر را متصرف شدند
۴۳۶
تصرف بوشهر بوسیله سید مرتضی
اهرمی ۴۴۱
کشته‌شدن چهار نفر بدست اوپاش در
شاه‌عبدالعظیم ۴۴۱
غارتگری‌های رحیم‌خان ۴۴۲
آشوب در کرمانشاه؛ کشتار یهودیان آن
شهر بدست آشوبگران ۴۴۶
قحطی و گرسنگی و مرگ در تبریز ۴۴۶
جنبش ملیون در اورمیه ۴۴۸
شورش در استرآباد ۴۴۸

- در اوضاع سیاسی ایران ۴۸۷
قحطی نان در تبریز؛ فراهم‌شدن زمینه‌های
شورش مردم ۴۸۸
متارکه جنگ تبریز از طرف ملیون ۴۹۶
مخالفت شاه و عین‌الدوله با متارکه جنگ
۴۹۷-۴۹۹
نیروهای روسی آماده اشغال تبریز ۵۰۱
دستور شاه برای متارکه جنگ و ورود
آذوقه به تبریز ۵۰۷
ورود نیروهای روسی به خاک ایران ۵۱۳
عفو عمومی شاه ۵۱۳
الگوی محمدعلی‌شاه برای اعطای مشروطه
و قانون انتخابات ۵۱۳
نایب‌السلطنه مرتجع پرمسند ریاست‌وزراء
۵۱۵
ورود نیروهای روسی به تبریز ۵۱۵
نجات نسبی تبریز از قحطی و مرگ ۵۱۶
سپاسگزاری ستارخان از کمکهای انگلیس
و روس به مردم تبریز ۵۱۵-۵۱۶
لجاج و خودسری محمدعلی‌شاه ۵۱۷
پافشاری انگلیس و روس برای نشانیدن
- سعدالدوله به جای نایب‌السلطنه
۵۱۷
شکایت وزیر ایرانی به سفراء انگلیس و
روس ۵۱۹
تعیین وزیر خارجه ایران با تصویب وزیر
خارجه انگلیس! ۵۱۹
نظروزارت خارجه انگلیس درباره کابینه‌های
ایران ۵۱۹
تحصن صنیع‌الدوله و اعتمادالذاکرین در
سفارت انگلیس ۵۲۹
کشته‌شدن فرستاده ملیون بدست ترکمانان
۵۳۰
تظاهرات مردم بندرگز به طرفداری از
مشروطه ۵۳۰
کمیابی نان در کرمان ۵۳۱
آشوب در کرمان و غارت محله یهودیان
آن شهر ۵۳۲
تشکیل انجمن ایالتی فارس ۵۳۴
توصیه‌های تحقییرآمیز دولتین انگلیس و
روس به شاه ایران ۵۳۸

جلد سوم

- سعدالدوله مهرة سیاسی مورد حمایت
استعمارگران ۵۵۱
اخطار اهانت‌آمیز انگلیس و روس به
شاه ایران در پوشش نصیحت
دوستانه! ۵۵۲
آبروی سیاسی ایران در گرو دریافت وام
از بیگانگان ۵۵۳
پناهندگی ستارخان و باقرخان به سفارت
عثمانی ۵۵۶
دستخط محمدعلی‌شاه درباره برقراری
مشروطه ۵۶۲
فرمان عفو عمری از طرف محمدعلی‌شاه
۵۶۳
دستگیر شدن انقلابیون قزوین و رشت
انتشار دستخط مجعول محمدعلی‌شاه
درباره مشروطه و عفو عمومی ۵۶۵
تیرباران شدن قاسم‌آقا (سرتیپ) بدست
ملیون ۵۶۶
ورود ارتش روس به مشهد ۵۶۶
خودداری مردم مشهد از دادن مالیات به
حکومت ایران ۵۶۷
ناآرامی و کشتار در لار ۵۶۹

- تبریز در اشغال قشون روس ۵۶۹-۵۷۰
محاصره تبریز بوسیله قوای محمدعلی شاه
۵۷۰
- قطعه نامه انقلابیون و فهرست درخواست های
آنان از شاه ۵۷۳
- تلاش انگلیس برای جلوگیری از رسیدن
انقلابیون به تهران ۵۸۲، ۵۸۵،
۵۸۷
- امضاء قانون انتخابات مجلس شورای ملی
بدست محمدعلی شاه ۵۸۲
- چاره جوئی محمدعلی شاه از سفراء روس و
انگلیس برای آرام گردانیدن مردم
انقلابی ۵۸۸
- دستخط محمدعلی شاه درباره تفسیر فرمان
مشروطه ۵۹۰
- کمیابی نان در تبریز ۵۹۲
- متن قرارداد استقراض ایران از روسیه
۶۰۶
- اعتراض سفیر روس به خاموش نشدن
فریاد انقلابیون ۶۰۷
- لحن اهانت بار سفیر روسیه نسبت به
انقلابیون ایران ۶۰۷
- اخطار نامه سپهدار به سفراء انگلیس و
روس و تعیین شرایط ترك مخاصمه
۶۰۹
- تلاش سفیران انگلیس و روس برای متارکه
جنگ بین شاه و مردم ایران ۶۱۷
- متارکه جنگ قزاقها با مردم به دستور
لیاخف ۶۱۹
- همدستی انگلیس و روس در مورد حوادث
ایران ۶۲۰
- پناهندگی محمدعلی شاه در سفارت روس
۶۲۳، ۶۲۴، ۶۸۳
- خودداری محمدعلی شاه از پذیرفتن هیأت
برگزیده مجلس شورایی ۶۲۴
- سلطان احمد میرزا سلطان احمد شاه شد
۶۲۶
- صلاح اندیشی برای اخراج ستارخان و
باقرخان از ایران! ۶۲۸
- درخواست سفراء انگلیس و روس از
سردار اسعد و دعوت او به آرامش
۶۴۰
- فهرست درخواست های انقلابیون از دولت
ایران بوسیله سفارتین انگلیس و
روس ۶۴۳
- خودداری سردار اسعد از قبول ضمانت
سفارتین انگلیس و روس برای
اجراء قول شاه ۶۴۴
- ناآرامی و شورش در سلطان آباد (اراک)
۶۴۸
- اظهاری نظر سفیر انگلیس درباره مردم
دشتستان و تنگستان ۶۵۸
- توصیف بی نظمی راه بوشهر و شیراز از
نظر سفیر انگلیس ۶۶۰
- انتشار قانون انتخابات مجلس شورایی
۶۶۶
- اشغال تهران بوسیله نیروهای انقلابی
۶۸۱
- چاره اندیشی شاه و سفارتین برای
جلوگیری از پیشرفت انقلابیون
۶۸۲
- تسلیم کلنل لیاخف به نیروهای انقلابی
۶۸۴
- خلع محمدعلی شاه از سلطنت و پادشاهی
احمد شاه قاجار ۶۸۴
- تلاش برای جلوگیری از سلطنت احمد شاه
۶۸۴
- گزارش تفصیلی پیروزی انقلابیون به
نوشته مأمور سفارت انگلیس ۶۸۶
- اعلامیه شورای انقلاب درباره تغییر

- ۶۸۹ پادشاه ایران
پذیرائی احمدشاه قاجار از سران قاجاریه
و درباریان ۶۹۰
رهائی ظل‌السلطان از بند انقلابیون رشت
۶۹۶
کشمکش روس و انگلیس با شورای
انقلاب برای تعیین حقوق مستمری
محمدعلی‌میرزا ۶۹۵-۶۹۷
پذیرائی احمدشاه از سفراء دولتهای
بیگانه ۶۹۷
داوری سفیر انگلیس درباره آداب‌دانی
عضدالملک ۶۹۸
نظر سفیر انگلیس درباره مدیریت دولت
انقلابی ایران ۶۹۹
قرارنامه خروج محمدعلی میرزا از ایران
۷۰۳
بهبان‌جوئی روسها برای اشغال خاک
ایران ۷۰۵
تشکیل نخستین دولت در پادشاهی احمدشاه
۷۰۷
پناهندگی سعدالدوله و مخبرالدراه به
سفارت انگلیس ۷۰۷
آغاز اعدام مخالفان در حکومت جدید ۷۰۷
دشواری‌های زندگی پارسیان و یهودیان
یزد ۷۱۰
عفو عمومی زندانیان و پناهندگان سیاسی
۷۱۸
حرکت محمدعلی‌میرزا و همراهان بسوی
بندر انزلی ۷۱۸
- اعزام ستارخان از تبریز به اردبیل ۷۱۹
اغتصابات مهم در کرمان ۷۲۱
حرکت محمدعلی‌میرزا از بندر انزلی
بسوی روسیه ۷۲۴
بازگشت بخشی از قشون روسیه از تبریز
۷۳۸
اخطار سفارت انگلیس به دولت ایران
درباره ناامنی راههای جنوب کشور
۷۴۰
آمار نیروهای نظامی روسیه در قزوین و
تبریز ۷۴۹
ناآرامی در اردبیل - پناهندگی اعضاء
حکومت و انجمن محلی و علماء به
کنسولگری روس ۷۵۱
کار زشتی که از ستارخان سر زد - مطالب
روزنامه رسمی ایران درباره وقایع
اردبیل ۷۵۴
افتتاح مجلس شورایملی بوسیله احمدشاه
۷۵۷
اظهار وابستگی رحیم‌خان به دولت روس
۷۵۷
پناهندگی مردم یزد به کنسولگری انگلیس
۷۶۲
اشغال شهر اردبیل بوسیله قشون روس
۷۶۵
کشتار کاروانیان در راه بوشهر ۷۶۵
تصویب نیابت سلطنت عضدالملک در
مجلس شورای ملی ۷۶۶

جلد چهارم

- تلگرافات رحیم‌خان قراجه‌داغی و رؤسای
ایل شامسون به حمایت از محمدعلی
شاه مخلوع ۷۸۰
رقابت انگلیس و روس برای دادن وام به
ایران ۷۷۷
گزارش تفصیلی سفیر انگلیس درباره

- افتتاح مجلس شورایملى بوسیله
احمدشاه ۷۷۷
- وکلائی که بهنگام افتتاح مجلس حضور
داشتند ۷۷۸
- ناآرامی در زنجان - جنگ بین قوای محلی
و نیروهای دولتی ۷۸۲
- ترکیب نخستین دولت به ریاست سپهدار
۷۸۳
- درگذشت ام‌الخاقان مادر محمدعلی‌شاه
مخلوع در راه سفر کربلاء ۷۸۶
- شورش مردم بستک (لنگه) و اخراج حاکم
از شهر ۷۸۹
- قتل فجیع دو نفر اسماعیلی‌مذهب در
نیشابور ۷۹۳
- شکست یافتن نیروهای رحیم‌خان قراجه‌داغی
از قوای دولتی و فرار رحیم‌خان به
سرحد روسیه ۸۰۱
- درخواست دولت ایران از دولت روس
برای استرداد رحیم‌خان به ایران
۸۰۲
- استعفاء و انصراف سپهدار از ریاست
وزراء ۸۰۲
- نظر سفیر انگلیس دربارهٔ دلاوری ایل
بویر احمد ۸۰۴
- زمینه‌های مخالفت مجلس با دریافت وام از
انگلیس و روس ۸۱۴
- شرایط استثماری برای دادن وام به
ایران ۸۱۵، ۸۱۸
- حرکت ستارخان و باقرخان از تبریز بسوی
تهران ۸۲۷
- مکاتبات بین دولتهای ایران و انگلیس
دربارهٔ وام پیشنهادی انگلیس به
ایران ۸۳۱
- چاره‌اندیشی موزرانهٔ سفیر انگلیس برای
تحمیل وام به ایران ۷۳۷
- مقاومت دولت ایران در برابر امتیازات
و وثیقه‌های درخواستی انگلیس و
روس برای دادن وام ۸۴۱
- محدودیت و ممنوعیت ایران برای درخواست
وام از دولتهای دیگر بجز انگلیس
و روس ۸۴۲
- دسته‌بندی وکلاء و پدید آمدن گروههای
سیاسی در مجلس ۸۴۴
- پاسخ دولت ایران به تحمیلات انگلیس و
روس برای دادن وام ۸۴۷
- موضوع استخدام مشاوران مالیه از
کشورهای خارجی ۸۴۹
- قیام داراب‌میرزا صاحب‌منصب ایرانی -
الاصل قشون روس به هواخواهی
محمدعلی‌شاه مخلوع ۸۵۲
- شرایط انگلیس برای هزینهٔ وام بوسیلهٔ
دولت ایران ۸۵۳
- تغییر کابینهٔ دولت سپهدار ۸۵۴
- کمیایی نان در پایتخت ۸۵۵
- سنگسار کردن يك زن قاتل در تهران ۸۵۶
- ناآرامی در کرمانشاه ۸۶۳
- قتل سید عبدالله مجتهد (بهبهانی) ۸۷۵
- قتل مستحفظ کشتی روسی در استرآباد
(گرگان) ۸۷۵
- شیوع و سرایت ناامنی و گردن‌کشی تا
دروازه‌های پایتخت ۸۷۶
- پروژ اغتشاش در همدان ۸۷۹
- دام‌های استعمارگران برای تحمیل وام به
ایران ۸۷۹
- تشکیل کابینهٔ مستوفی‌الممالک ۸۸۰
- تیراندازی سربازان ایرانی به خانهٔ نایب
قنصل روس ۸۸۱
- پروژ ناآرامی در نقاط مختلف کشور ۸۸۱
- تیراندازی قزاق روسی به سرباز ایرانی
۸۸۳

۹۰۲

نمایش خشم آلود سفراء دولتين استعماری
در برابر اشاره کتبی دولت ایران
به استقلال ملی خود ۹۲۲

درگذشت عضدالملک نایب‌الملطنه ایران
و تعیین ناصرالملک بجای او ۹۲۴
گزارش وقیحه‌خانه سفیر انگلیس در برخورد
با پاسخ دولت ایران برای اعلام
حفظ استقلال ملی خود ۹۲۵

بازگشت محمدعلی میرزا و ظل‌السلطان
و ورود آندو به شهر رشت ۹۳۱
محاصره شهر کاشان بوسیله نایب‌حسین
کاشی ۹۳۵

ناآرامی و زدوخورد در اردبیل ۹۳۸
گم‌شدن تاجرپاشی روس ۹۳۸

ناآرامی در بوشهر و شیراز ۹۴۵، ۹۴۶
اخطار شدید سفیر انگلیس به دولت
ایران درباره ناامنی‌های جنوب
کشور ۹۴۸

پاسخ دولت ایران به اخطاریه سفیر
انگلیس ۹۵۰

درگیری و زدوخورد بختیارپاشا و قوای
نایب‌حسین کاشی ۹۵۸

تحصن رئیس نظمیه یزد از ستم حاکم
شهر به تلگرافخانه انگلیس ۹۵۹
شیوع بیماری وبا در کرمانشاه ۹۵۹
غارت و کشتار در محله یهودیان شیراز
۹۶۰

تظاهرات مردم ایران در اعتراض به حضور
قوای روس و مداخله انگلیس در
ایران ۹۶۵

استعفاء حسینقلی‌خان نواب از وزارت
امور خارجه ۹۷۲

ناخشنودی سفیر انگلیس از بی‌اعتنائی
دولت ایران به سفیر روس! ۸۸۴

استعفاء کابینه مستوفی‌الممالک ۸۸۷
اعتراض سفیر انگلیس به ناامنی‌های
ایران و تعطیل تجارت انگلیس ۸۸۸
طرح وام يك ميليون لیره‌ئی انگلیس در
مجلس ایران ۸۸۹

درخواست علماء نجف برای اخراج تقی‌زاده
از ایران ۸۹۰

استعفاء مستشارالدوله از ریاست مجلس
و ریاست ذکاء‌الملک ۸۹۱

اعتراض مردم یزد به مالیات تریاک و
هیزم ۸۹۳

رفتار ناشایسته مردم یزد با زرتشتی‌ها
۸۹۳

اعتراض بازاریان همدان به مالیاتها و
عوارض جدید دولتی ۸۹۵، ۹۱۱
پیشنهاد مودیان برای پرداخت وام به
ایران ۸۹۶

تصمیم دولت برای خلع سلاح عمومی
۸۹۷

ستگرگیری ستارخان و مجاهدین او در
پارک اتابک ۸۹۷

حمله قوای دولتی به پارک اتابک - تسلیم
مجاهدین و زخمی‌شدن ستارخان
۸۹۸، ۹۱۹

علاقمندی انگلیس برای برقراری نظم در
ایران ۸۹۸، ۸۹۹

آمار تلفات پارک اتابک ۸۹۹
کشته‌شدن سرباز ایرانی بدست نگهبانان
کنسولگری کرمانشاه ۹۰۱

هجوم سربازان ایرانی به کنسولگری روس
و ناسزاگوئی به کنسول آن دولت